In the name of God

Barron's 1100 Words You Need to Know

1500 Words You Need to Know

Assembler, Compiler and Interpreter:

Rohollah Yousefi Ramandi

09100429554

09383171534

1400/08/24

More than a half-million readers have already been exposed to the controlled vocabulary in 1100 Words You Need to Know and the techniques that we devised to help them learn how to use those important words. As you spend the time to master the 1100 words and idiom seven 15 to 20 minutes daily you will discover the pleasure of recognition and understanding when you come across these challenging words in your listening, reading, and conversing.

بیش از نیم میلیون زبان آموز تا کنون با متدها و تکنیک هایی که در این کتاب آمده است استفاده کرده اند و دایره لغات خود را وسیع تر کرده اند. با صرف روزانه ۱۵ تا ۲۰ دقیقه زمان، می توانید علاوه بر یادگیری ۱۱۰۰ لغت مهم وکاربردی و اصطلاحات مختلف، شما به درک بهتری از نحوه کارکرد این لغات درمکالمات روزمره می رسید.

The study of the English language has spread all over the world, and high school and college students everywhere have come to realize that language mastery depends on the possession of a comprehensive vocabulary. This is just what 1100 Words You Need to Know has been offering through the five earlier editions and continuing on this sixth one.

مطالعه زبان انگلیسی در سراسر جهان گسترش یافته است و دانش آموزان دبیرستانی و دانشگاهی در همه جا متوجه شده اند که تسلط بر زبان به داشتن واژگان جامع بستگی دارد. این دقیقاً همان چیزی است که ۱۱۰۰ Words You Need to Know در پنج نسخه قبلی ارائه کرده است و در نسخه ششم ادامه دارد.

All new words for students to learn are placed in the context of sentences that have been selected from well-known novels, plays, poems, newspaper editorials, and TV broadcasts. For optimal ease and enjoyment in learning, the authors recommend 15-minute sessions with this book. Over the years, thousands of students preparing for the SAT and ACT have relied on previous editions of 1100 Words You Need to Know as an ideal way to strengthen their word power. A new feature in the sixth edition is The Lighter Touch 100, a collection of 100 funny one-liners which use words from the book that you need to know.

همه کلمات جدید برای یادگیری دانش آموزان در متن جملاتی قرار می گیرند که از رمان ها، نمایشنامه ها، شعرها، سرمقاله های روزنامه ها و برنامه های تلویزیونی شناخته شده انتخاب شده اند. برای سهولت و لذت بهینه در یادگیری، نویسندگان جلسات ۱۵ دقیقه ای را با این کتاب توصیه می کنند. در طول سال‌ها، هزاران دانش‌آموزی که برای SAT و ACT آماده می‌شوند، به نسخه‌های قبلی ۱۱۰۰ Words You Need to Know به عنوان راهی ایده‌آل برای تقویت قدرت کلمات خود تکیه کرده‌اند. یک ویژگی جدید در ویرایش ششم The Lighter Touch 100 است، مجموعه ای از ۱۰۰ تک خط خنده دار که از کلماتی از کتاب استفاده می کند که باید بدانید.

The football game was replete with excitement and great plays.

مسابقه فوتبال سرشار از هیجان و بازی‌های خوب و عالی بود.

بازی فوتبال پر از هیجان و بازی های عالی بود.

The eminent author received the nobel prize for literature

نویسنده صاحب نام جایزه نوبل در ادبیات را دریافت کرد.

این نویسنده برجسته جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد

My cousin is so steeped in schoolwork that his friends call him a bookworm

پسر عموی من آنقدر غرق در تکالیف مدرسه اش می باشد که دوستانش او را خوره کتاب صدا می‌کنند.

پسر عموی من آنقدر غرق در تکالیف مدرسه است که دوستانش به او می گویند کرم کتاب

After skiing, i find that i have a voracious appetite

بعد از اسکی بازی احساس می کنم که اشتهایی خیلی زیادی دارم.

بعد از اسکی می بینم که اشتهای زیادی دارم

Modern warfare often results in the indiscriminate killing of combatants and innocent civilians alike

جنـــگ هـــای مـــدرن اغلـــب بـــه کشـــته شـــدن غیرنظامیـــان بیگناه می انجامد.

جنـــگ هـــای مـــدرن اغلـــب منجـــر بـــه کشـــتار بـــی رویـــه رزمندگان و غیرنظامیان بی گناه می شود

The mayor refused to prognosticate as to his margin of victory in the election.

شـــهردار از پـــیش گـــویی کـــردن حاشـــیه پیـــروزی در انتخابات اجتناب ورزید.

شـــهردار از پـــیش بینـــی میـــزان پیـــروزی خـــود در انتخابـــات امتناع کرد.

The time is approaching when human workers may be replaced by automatons

زمـــان جـــایگزینی ماشـــینهای خودکـــار بـــه جـــای نیـــروی انسانی در حال نزدیک شدن است.

زمـــانی نزدیـــک مـــی شـــود کـــه کـــارگران انســـانی ممکـــن است با ماشین های خودکار جایگزین شوند

A clever salesman will always ask a matron if her mother is at home

فروشنده زیرک همیشه از یک زن سالمند سوال می کند آیا مادرش در خانه هست یا خیر؟

یک فروشنده باهوش همیشه از یک خاندان می پرسد که آیا مادرش در خانه است؟

The western plains used to abound with bison before those animals were slaughtered by settlers

بیش از این که مهاجران گاومیش‌ها را بکشند این حیوانات در جلگه های غرب فراوان بودند.

دشت های غربی قبل از ذبح این حیوانات توسط مهاجران، مملو از گاومیش کوهان دار بود.

Man may be freed from backbreaking labor by the products of scientific

چــه بســا دســتاوردهای فنــاوری علمــی بشــر را از انجــام کارهای دشوار رهایی بخشد.

انســـان ممکـــن اســـت بـــا محصـــولات علمـــی از کـــار کمرشکن رها شود

His gloom was now compounded by the failing mark on his geometry test

با مردود شدن در امتحان هندسه اندوهش اکنون تشدید یافت.

تاریکی او اکنون با علامت رد شدن در آزمون هندسه او تشدید شده بود

The annals of sports are replete with the names of great black athletes

تاریخچه ورزش از اسامی ورزشکاران سیاه پوست است.

تاریخچه ورزش مملو از نام ورزشکاران بزرگ سیاه پوست است

One of the great paradoxes of american life is that though minority groups have suffered injustices, nowhere in the world have so many varied groups lived together so harmoniously

یکی از تناقضات زندگی آمریکایی آن است که اگرچه اقلیت ها از بی‌عدالتی رنج برده اند ولیکن در هیچ کجای دنیا تا این اندازه گروه‌های مختلف چنین مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی نکرده اند.

یکی از پارادوکس‌های بزرگ زندگی آمریکایی این است که اگرچه گروه‌های اقلیت متحمل بی‌عدالتی شده‌اند، اما در هیچ کجای دنیا این همه گروه‌های متنوع تا این حد هماهنگ با هم زندگی نکرده‌اند.

A tinge of garlic is all that’s necessary in most recipes

در اکثر دستورهای آشپزی، اثر طعم سیر ضروری است.

یک ته رنگ سیر تمام چیزی است که در بیشتر دستور العمل ها لازم است

The cruel king would not allow the prince to enter his realm , restricting

پادشـــاه ظـــالم، بـــه شـــاهزاده اجـــازه ورود بـــه قلمـــروه اش را نمـــی داد و او را بـــه جنگلـــی کـــه پـــر از حیوانـــات وحشـــی بود تبعید نمود.

پادشـــاه ظـــالم بـــه شـــاهزاده اجـــازه ورود بـــه قلمـــرو او را نمی‌داد و محدود می‌کرد

She does her homework on fridays to save herself from the drudgery of having to do it during the weekend

او جمعه ها تکالیفش را انجام می‌دهد تا از زحمت انجام دادن آن در طی هفته خلاص شود.

او جمعه ها تکالیفش را انجام می دهد تا خود را از مشقت انجام دادن آن در آخر هفته نجات دهد.

The teacher continually badgers or badgered the pupil for the missing assignments

معلـم مـدام شـاگردش را بـه خـاطر تکـالیف انجـام نشـده اش اذیت می کند.

معلــم بــه خــاطر تکــالیف از دســت رفتــه دانــش آمــوز را مدام گورکن یا گورکن می زد

The eminent scientist perceives or perceived difficulties in putting the invention into practice

دانشمند برجسته، متوجه مشکلاتی در به کار انداختن اختراع شد.

دانشمند برجسته در عملی کردن اختراع با مشکلاتی روبرو می شود

The sick child’s mother implored the doctor to come immediately

مادر کودک بیمار به دکتر التماس کرد که فوراً بیاید.

مادر کودک بیمار از دکتر خواست که فورا بیاید

I listened to the boring lecture for what seemed an interminable fifty minutes

من به سخنرانی خسته کننده گوش دادم که به نظر پنجاه دقیقه تمام نشدنی می رسد.

من به مدت پنجاه دقیقه پایان ناپذیر به سخنرانی خسته کننده گوش دادم

His speech was usually rambling, but this time i found it brief and laconic

سخنرانی های او معمولاً بی سر و ته است اما این بار به نظرم خلاصه و موجز می‌آمد.

سخنان او معمولاً پر سر و صدا بود، اما این بار آن را مختصر و لکونیک یافتم

If a surly panhandler should accost you, keep on walking

اگـر گـدای بـد اخـلاق سـر راهتـان سـبز شـد و بـه راه خـود ادامه دهید.

اگـر یـک قایق‌بـاز بـداخلاق بـا شـما برخـورد می‌کنـد، بـه راه رفتن ادامه دهید

Even under repeated questioning, the witness remained reticent

شاهد حتی در زمان بازجویی های مکرر ساکت ماند.

حتـی تحـت بـازجویی هـای مکـرر، شـاهد سـکوت اختیـار کرد

A howling throng of teenage girls surrounded the rap artists

جمعیـــت جیـــغ زنـــانی از دختـــران جـــوان دور تـــا دور هنرمندان رپ را گرفته بودند .

انبـــوهی از دختـــران نوجـــوان زوزه کشـــان هنرمنـــدان رپ را احاطه کرده بودند

The corporal received the silver star for his intrepid deeds in combat.

سرجوخه به پاس اعمال جسورانه اش در جنگ نشان ستاره نقره گرفت.

سرجوخه ستاره نقره ای را به خاطر اعمال شجاعانه خود در جنگ دریافت کرد.

The hapless contest winner was unable to locate the lucky ticket

برنـده بخـت برگشـت مسـابقه قـادر نبـود بلـیط شـانس را پیدا کند.

برنـده مسـابقه بـدبخت نتوانسـت بلـیط خـوش شـانس را پیـدا کند

My uncle was irate when the drunken driver swerved in front of us

وقتی که راننده مست در مقابل ما منحرف شد، عمویم عصبانی شد.

عمویم عصبانی بود که راننده مست جلوی ما منحرف شد

In a furtive manner she removed her shoes and tiptoed up to her room

او دزدکـــی کفـــش هـــایش را درآورد و پـــاورچین پـــاورچین به اتاقش رفت .

بـــه طـــرز پنهـــانی کفـــش هـــایش را در آورد و بـــه ســـمت اتاقش رفت

When the teacher asked why the homework had not been done, he was greeted by a plethora of incredible alibis

وقتی معلم دلیل انجام نشدن تکالیف را پرسید با بهانه های باورنکردنی زیادی مواجه گردید .

وقتی معلم از او پرسید که چرا تکالیف انجام نشده است، با انبوهی از حقایق باورنکردنی مواجه شد.

Since the boss learned that bob associated with a known felon , he fired him

وقتی رئیس متوجه شد که باب با یک جانی شناخته شده معاشرت دارد او را اخراج کرد.

از آنجایی که رئیس فهمید که باب با یک جنایتکار شناخته شده ارتباط دارد، او را اخراج کرد

The shootings at columbine high school made educators much more vigilant

تیراندازی های دبیرستان کلمباین، معلمان را بسیار هوشیار تر کرده است .

تیراندازی در دبیرستان کلمباین مربیان را بسیار هوشیارتر کرد

My nephew is quite adroit at making model airplanes

برادرزاده‌ام در ساختن هواپیماهای مدل بسیار ماهر است.

برادرزاده من در ساخت هواپیماهای مدل بسیار ماهر است

Most fishermen can fabricate a story about the size of the one that got away

بیشتر ماهیگیران می توانند داستانی در مورد اندازه ماهی که از دستشان در رفته به هم ببافند .

بیشتر ماهیگیران می توانند داستانی در مورد اندازه ماهیگیری که فرار کرده است بسازند

Her pretext of being tired did not fool us for an instant

بهانـه دیـر کـردنش حتـی بـرای یـک لحظـه هـم مـا را فریـب نداد .

بهانه خستگی او یک لحظه ما را فریب نداد

I often marvel as i watch the traffic officer gesticulate at the onrushing cars

اغلب وقتی پلیس راهنمایی در حال سر و دست تکان دادن در مقابل ماشین های در حال هجومی میبینم، تعجب می کنم.

من اغلب تعجب می کنم که افسر راهنمایی و رانندگی را در حال حرکت به ماشین های در حال حرکت می بینم

Since my grasp of algebra is rudimentary , i cannot solve the problem

از آنجایی که قدرت گیرایی من از درس جبر ابتدایی است نمی‌توانم این مسئله را حل کنم.

از آنجایی که درک من از جبر ابتدایی است، نمی توانم مشکل را حل کنم

The parakeet refused to be cajoled into entering her cage

طوطی دم دراز را نشد با گول زدن وارد قفس کرد .

طوطی از ورود به قفس خودداری کرد

It will enhance your enjoyment of an opera if you know what the plot is about in advance

طـــرح داســـتان اپـــرا را از قبـــل بدانیـــد، لـــذت تـــان از آن بیشتر خواهد شد.

اگـر از قبـل بدانیـد کـه داسـتان در مـورد چیسـت، لـذت شـما را از یـک اپرا افزایش می دهد

In reading the satires of jonathan swift, one must be vigilant in order to catch each nuance

انسان باید به هنگام خواندن هجویات جان تان سویفت هوشیار باشد تا تمام تفاوت‌های ظریف را درک کند .

در خواندن طنزهای جاناتان سویفت، باید هوشیار بود تا به هر نکته ظریفی پی برد.

Bill clinton is an avid student of the social media and is listed on facebook

بیـــل کلینتـــون خواننـــده علاقه‌منـــد داســـتان هـــای معمـــایی است.

بیـــل کلینتـــون دانشـــجوی مشـــتاق رســـانه هـــای اجتمـــاعی است و در فیس بوک لیست شده است

With the help of his brothers he was able to wrest the leadership of the company from his partner

او توانست با کمک برادرانش، ریاست شرکت را به زور از شریکش بگیرد .

او با کمک برادرانش توانست رهبری شرکت را از شریک خود سلب کند

Speaking in a monotone, the politician was booed for his lackluster address

سخنرانی تکراری سیاستمدار باعث شد که وی را به خاطر سخنرانی خسته کننده اش هو کنند .

این سیاستمدار که به صورت یکنواخت صحبت می کرد، به دلیل خطاب ضعیف خود هو شد

In a caustic article, the drama critic slaughtered the hapless actors

منتقـد تئـاتر در یـک مقالـه گزنـده، بـازیگران بیچـاره را قتل عام کرد .

منتقـد نمایشـنامه در مقالـه ای تنـد، بـازیگران بـدبخت را سلاخی کرد

I loathe spinach but i love other green vegetables

من از اسفناج متنفرم اما بقیه سبزیجات را دوست دارم .

من از اسفناج متنفرم اما سبزیجات سبز دیگر را دوست دارم

When ed arrived late, he knew that the grocer would reprimand him

وقتی اد دیر رسید او می دانست که خواربارفروش او را توبیخ می کند.

وقتی اد دیر رسید، می دانست که بقال او را سرزنش می کند

By telling the truth, we stopped the incipient rumor from spreading

با گفتن حقیقت مانع از پخش شدن شایعه تازه شدیم .

با گفتن حقیقت، از انتشار شایعه اولیه جلوگیری کردیم

The bombing of pearl harbor was referred to as an infamous deed

بمباران بندر پرل عملی ننگین تلقی شد.

از بمباران بندر مروارید به عنوان یک اقدام بدنام یاد شد

The wealthy dupe consented to buy the often-sold brooklyn bridge

ثروتمند حاضر شد پل بروکلین که بارها فروخته شده بود را بخرد .

مرد فریبنده ثروتمند به خرید پل بروکلین که اغلب فروخته می شد رضایت داد

When he attempted to jostle the old lady, she struck him with her umbrella

و وقتی به هول دادن خانم مسن مبادرت کرد آن خانم با چتر ش او را زد .

هنگامی که او سعی کرد بانوی مسن را تکان دهد، او با چترش به او زد

Through an inadvertent error, the guided missile sped out of control

موشک هدایت شده به دلیل یک اشتباه سهوی از کنترل خارج شد.

با یک خطای سهوی، موشک هدایت شونده از کنترل خارج شد

After the weatherman had seen the ominous clouds, he prognosticated rain

بعد از اینکه هواشناس ابرهای تهدیدکننده را دید امکان وقوع بارندگی را پیش بینی کرد.

بعد از اینکه هواشناس ابرهای شوم را دید، باران را پیش بینی کرد

The general attempted to repudiate the testimony of the lieutenant, claiming that the young officer was not an authority on low level bombing

ژنرال سعی کرد شهادت ساوان را که ادعا می‌کرد افسر جوان در بمباران تراز پایین دست نداشته را انکار کند .

ژنرال تلاش کرد شهادت ستوان را رد کند و مدعی شد که افسر جوان در بمب گذاری سطح پایین مرجع نیست.

Upon seeing the snake, the cat began to bristle with fear

گربه با دیدن مار از ترس مو به تنش راست شد.

با دیدن مار، گربه از ترس شروع به مو زدن کرد

The widow’s tremulous hands revealed her nervousness

دســـت هـــای لـــرزان بیـــوه زن، اضـــطرابش را آشـــکار ساخت .

دستان لرزان بیوه، عصبی بودن او را آشکار کرد

The cessation of the bombing in iraq was urged by the united nations

پاپ خواستار توقف بمباران عراق شد.

توقف بمباران در عراق توسط ملل متحد تاکید شد

We repudiated the contract because it did not stipulate a cost of living bonus

ما قرارداد را باطل اعلام کردیم چرا که هزینه مایحتاج زندگی را قید نکرده بود .

ما قرارداد را رد کردیم زیرا پاداش هزینه زندگی را در نظر نمی گرفت

The word “expired” is a euphemism for “died

درگذشت حسن تعبیر واژه مرد است

کلمه "منقضی شده" به معنای "مرد" است

The philosopher dealt with spiritual things, ignorning the mundane ones

آن فیلسوف با امور معنوی سر و کار داشته و به عنوان مسائل دنیوی اعتنایی نداشت .

فیلسوف با نادیده گرفتن امور دنیوی به امور معنوی می پرداخت

The play was so incongruous that it seemed to be the work of several authors

نمایشنامه آنقدر ناهماهنگ بود که به نظر می رسید اثر چندین نویسنده باشد.

نمایشنامه آنقدر نامتجانس بود که به نظر می رسید کار چندین نویسنده باشد

Y2k concerns of the problems with computers failed to intimidate our company

نگرانی های "وای توکی" در مورد مشکلات رایانه ها در اول ژانویه سال ۲۰۰۰ نتوانست شرکت ما را مرعوب سازد.

نگرانی های Y2k از مشکلات رایانه ها نتوانست شرکت ما را بترساند

The germans were duped by the allies' feint toward the south, leaving the way open for the normandy invasion

حمله انحرافی متحدین به سوی جلو باعث فریب آلمان‌ها شد و راه را برای حمله نورماندی باز گذاشتند

.

آلمانی ها فریب تظاهر متفقین به جنوب را خوردند و راه را برای تهاجم نرماندی باز گذاشتند.

The waiter moved with alacrity because he perceived they were big tippers

پیشخدمت با چالگی حرکت کرد چرا که متوجه شد آنها زیاد انعام می‌دهند .

پیشخدمت با هوس حرکت کرد زیرا متوجه شد که آنها انصراف دهندگان بزرگی هستند

His belligerent manner caused him to lose one friend after another

رفتـــار پرخاشـــگرانه او باعـــث شـــد دوســـتانش را یکـــی پـــس از دیگری از دست بدهد .

رفتـــار ســـتیزه جویانـــه او باعـــث شـــد یکـــی پـــس از دیگـــری دوستان خود را از دست بدهد

When the curtain came down, the critic's face registered the disdain she felt for the lackluster play

وقتی پرده پایین آمد صورت منتقد نفرتی که از نمایشنامه بی احساس و بی روح احساس می کرد، نشان داد.

وقتی پرده پایین آمد، چهره منتقد نشان دهنده انزجاری بود که او نسبت به نمایش بی‌درخشش داشت

We implored the faculty advisor to promulgate the requirements for the presidency of the club

به مشاور دانشکده التماس کردیم شرایط ریاست کلوپ را رسماً اعلام کند

ما از مشاور هیئت علمی درخواست کردیم که شرایط ریاست باشگاه را ابلاغ کند

My mother liked the salesman’s brash personality, but he irritated most people

مـادرم از شخصـیت گسـتاخ فروشـنده خوشـش مـی آمـد امـا او بیشتر مردم را از عصبانی می کرد.

مــادرم از شخصــیت گســتاخ فروشــنده خوشــش مــی آمــد، اما او بیشتر مردم را عصبانی می کرد

I don’t understand modern art, but i neither loathe nor scoff at it

من از هنر مدرن سر در نمی آورم اما نه آن از آن متنفرم و نه مسخره اش می کنم.

من هنر مدرن را نمی فهمم، اما نه متنفرم و نه مسخره اش می کنم

Since everyone can outpunch my cousin, he cannot afford to be pugnacious

از آنجا که همه می توانند پسر عموی من را بزنند نمی تواند ستیزه جو باشد.

از آنجایی که همه می توانند از پسر عموی من پیشی بگیرند، او نمی تواند متجاوز باشد

Although ralph can’t play, he doesn’t hesitate to belittle the efforts of our football team

اگرچه رالف نمی تواند بازی کند ولی در بی اهمیت جلوه دادن تلاش های تیم فوتبال مان تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

اگرچه رالف نمی تواند بازی کند، اما در کم اهمیت جلوه دادن تلاش های تیم فوتبال ما تردیدی ندارد

The medic reached into his kit to find a bandage for the ugly laceration

دکتـر دسـت در کیـف وسـایل اش کـرد تـا بـرای جراحـت مشمئزکننده باند پیدا کند .

پزشـک دسـت بـه کیـت خـود بـرد تـا باندازی بـرای پـارگی زشت پیدا کند

Mr. Dixon belittled our request for tangible proof of his loyalty

آقـــای دیکســـون بـــه خواســـته مـــان بـــرای اثبـــات واقعـــی وفاداریش اهمیتی نداد .

آقـــای دیکســـون درخواســـت مـــا بـــرای اثبـــات ملمـــوس وفاداری خود را تحقیر کرد

The kindly foreman was too reticent to openly castigate the clumsy new worker

سرکارگر مهربان ان قدر تودار بود که کارگر تازه کار را آشکارا سرزنش نکند .

سرکارگر مهربان آن قدر محتاط بود که نمی توانست علناً کارگر جدید دست و پا چلفتی را سرزنش کند

When the teenager announced her engagement to the octogenarian , the public suspected it to be a publicity stunt.

وقتی نوجوان نامزدی اش را با پیرمرد هشتاد و چند ساله اعلام کرد که عموم مردم آن را یک نمایش تبلیغاتی پنداشتند .

هنگامی که نوجوان نامزدی خود را با هشت ساله اعلام کرد، مردم مشکوک شدند که این یک شیرین کاری تبلیغاتی است.

Stories of their sordid youth poured forth from the unhappy felons

داســـتان هـــای جـــوانی نکبـــت بـــار جانیـــان بـــدبخت از زبانشان جاری شد.

داســتان هــای جــوانی کثیــف آنهــا از جنایتکــاران نــاراضــی سرچشمه می گرفت

Vigilant censors protect the public from listening to scurrilous language on television.

سانسورچیان هوشیارانه مردم از گوش دادن به سخنگوی توهین آمیز تلویزیون می شوند .

سانسورچی های هوشیار از مردم در برابر گوش دادن به سخنان سخیف در تلویزیون محافظت می کنند.

The publisher scoffed at the reports that he was an aspirant for the job of secretary of state

ناشـــر گزارشـــات مبنـــی بـــر اینکـــه وی علاقه‌منـــد شـــغل وزارت امور خارجه بوده را مسخره کرد .

ناشـــر بـــه گزارش‌هـــایی مبنـــی بـــر اینکـــه او مشـــتاق پســـت وزارت خارجه است، تمسخر کرد

In a frenzy , the teenager overturned every drawer while searching for the car keys

نوجوان با حالتی جنون‌آمیز هنگام جستجوی سوئیچ ماشین تمام کشو را زیر و رو کرد .

این نوجوان در حالی که به دنبال کلید ماشین می گشت، هر کشو را واژگون کرد

At the bottom of the beautiful wine bottle, only the dregs remained

ته بطری زیبا زیبایش را فقط تفاله باقیمانده است .

در ته بطری شراب زیبا، فقط خاکشیر باقی مانده بود

In trying to offer solace to the deceased's wife, the reporter inadvertently made the situation worse

خبرنگاران در حالی که سعی داشتن همسر خلبان را تسکین دهند، ناخواسته شرایط را بدتر کردند.

خبرنگار در تلاش برای تسلی دادن به همسر متوفی، ناخواسته اوضاع را بدتر کرد.

When the plague was rampant on the island, dr. Arrowsmith’s wife died

وقتـــی طـــاعون در جزیـــره شـــایع شـــد، همســـر دکتـــر اروا اسمیت درگذشت.

زمـــانی کـــه طـــاعون در جزیـــره بیـــداد مـــی کـــرد، دکتـــر. همسر اروسمیت درگذشت

The spies thought their meeting was a clandestine one, but a throng of f.b.i. Agents gathered outside the building

جاسوسان گمان می‌کردند جلسه شان مخفیانه است ولی جمعیتی از ماموران اف بی آی بیرون ساختمان جمع شده بودند .

جاسوسان فکر می کردند که ملاقات آنها یک جلسه مخفیانه است، اما انبوهی از f.b.i. ماموران بیرون ساختمان جمع شدند

A special management committee was asked to investigate business ethics

از یک کمیته مدیریتی ویژه خواسته شد تا اصول اخلاقی تجارت را مورد رسیدگی قرار دهد.

از یک کمیته مدیریت ویژه خواسته شد تا اخلاق تجاری را بررسی کند

Orville wright was criticized for his inane desire to fly

الیــور رایــت بــه دلیــل آرزوی احمقانــه اش بــه پــرواز کردن مورد انتقاد قرار گرفت .

اورویــل رایــت بــه خــاطر میــل احمقانــه اش بــه پــرواز مورد انتقاد قرار گرفت

If i can get my parents to concur , i’ll join the peace corps

اگـر بتـوانم والـدینم را راضـی کـنم کـه موافقـت کننـد، بـه سپاه صلح ملحق می‌شود.

اگـر بتـوانم والـدینم را بـه توافـق برسـانم، بـه سـپاه صـلح می‌پیوندم

The culprit was caught with his fingers in the cookie jar

مجـرم را هنگـامی کـه انگشـتانش در شیشـه شـیرینی بـود گیر انداختند .

مقصر با انگشتانش در ظرف کوکی گرفتار شد

Television sleuths are inexorable in their pursuit of lawbreakers

کارگاهـــان تلویزیـــونی، در تعقیـــب قانون‌شـــکنان سرســـخت هستند .

کارآگاهـــان تلویزیـــون در تعقیـــب قـــانون شـــکنان سرســـخت هستند

The confession was signed under duress , the attorney claimed

وکیـل ادعـا کـرد اعتـراف نامـه تحـت فشـار امضـا شـده است .

وکیل مدعی شد که اعتراف تحت فشار امضا شده است

I suspect that my father will admonish me for coming home late

تصـور مـی کـنم پـدرم مـرا بـه دلیـل دیـر بـه خانــه برگشـت زن سرزنش کند .

فکـر مــی کـنم پـدرم مـرا بــه خــاطر دیـر آمـدن بــه خانــه نصیحت کند

Parking in front of a hydrant is a flagrant violation of the city's law

پـــارک کـــردن جلـــوی شـــیر آتـــش نشـــانی زیـــر پـــا گذاشـــتن وقیحانه قانون شهری است .

پـــارک کـــردن جلـــوی شـــیر آب، نقـــض آشـــکار قـــانون شـــهر است

The bank teller’s egregious error was difficult to correct

اشتباه فاحش صندوقدار بانک قابل اصلاح نبود .

تصحیح خطای فاحش عابر بانک دشوار بود

We tried to ignore her acrimonious comments, but that took considerable restraint

سعی کرد این نظرات گزنده او را نادیده بگیریم اما این کار به خودداری چشمگیری نیازمند بود .

ما سعی کردیم نظرات تند او را نادیده بگیریم، اما این امر خودداری قابل توجهی داشت

duplicity is the stock in trade of all adroit counterspies

حقــه بــازی مایــه کــار مــأموران زیــرک ضــد جاسوســی است .

دوگــانگی ســهام در تجــارت همــه ضــد جاسوســان مــاهر است

Although it was a creative writing class, the teacher complained about the paucity of talent there

هـر چنـد کـلاس نگـارش کـلاس خلاقیـت بـود ولـی معلـم از کمی استعداد در آن شکایت داشت .

اگرچــه ایــن یــک کــلاس نویســندگی خــلاق بــود، امــا معلــم از کمبود استعداد در آنجا شکایت کرد

The soldiers were distraught to learn that their furloughs had been canceled

سـربازان وقتـی فهمیـدن مرخصـی شـان لغـو شـده آشـفته بودند.

سـربازان از اینکـه متوجـه شـدند مرخصـی آنهـا لغـو شـده است، پریشان شدند

The border guards allowed the doctor to cross the frontier with impunity

گـــارد مـــرزی بـــه دکتـــر اجـــازه داد تـــا بـــدون هیچگونـــه مجازاتی از مرز عبور کند .

مرزبانـــان اجـــازه دادنـــد دکتـــر بـــدون مجـــازات از مـــرز عبور کند

It isn’t easy to elicit answers from a sleepy class on monday morning

جـــواب گـــرفتن از یـــک کـــلاس خـــواب آلـــود در صـــبح روز های دوشنبه آسان نیست .

گـــرفتن پاســـخ از یـــک کـــلاس خـــواب آلـــود در صـــبح دوشنبه کار آسانی نیست

Dentists appreciate patients who can tolerate pain

دندانپزشـــکان از بیمـــارانی کـــه درد را تحمـــل می‌کننـــد قدردانی می‌کنند .

دندانپزشـــکان از بیمـــارانی کـــه مـــی تواننـــد درد را تحمـــل کنند قدردانی می کنند

She hoped that we would not construe her decision to run for office as a thirst for power.

امیدوار بود که ما تصمیمش مبنی بر نامزدی در انتخابات را به عنوان میل به قدرت تعبیر نکنیم .

او امیدوار بود که ما تصمیم او برای نامزدی را به عنوان عطش قدرت تلقی نکنیم.

The dictator’s pernicious rules failed to intimidate the leaders of the underground

قـــوانین زیانبـــار دیکتـــاتور نتوانســـت رهبـــران ســـازمان های زیرزمینی را بترساند

قـــوانین مخـــرب دیکتـــاتور نتوانســـت رهبـــران زیرزمینـــی را بترساند

Some prisoners planned a disturbance while others would sally toward the gate

بعضـــی از زنـــدانیان آشـــوبی را طرحریـــزی کردنـــد در حالی که بقیه به سمت دروازه یورش می بردند

برخـــی از زنـــدانیان برنامـــه ریـــزی آشـــفتگی داشـــتند در حـــالی کـــه برخـــی دیگـــر بـــه ســـمت دروازه حرکـــت مـــی کردند

Under duress from the tax officer, the beggar admitted that he was truly affluent

گـدا تحـت فشـار مـامور مالیـات اعتـراف نمـود کـه در واقـع ثروتمند است .

بـــا اجبـــار افســـر مالیـــات، گـــدا اعتـــراف کـــرد کـــه واقعـــاً ثروتمند است

To the consternation of the sergeant, there was a paucity of volunteers for the dangerous mission

در عین ناباوری گروهبان، داوطلبان کمی برای شرکت در عملیات خطرناک وجود داشتند .

در کمال تعجب گروهبان، تعداد کمی از داوطلبان برای مأموریت خطرناک وجود داشت

It’s feasible to build an electric auto, but wouldn’t you need a terribly long extension cord?

ساخت یک اتومبیل الکتریکی امکان پذیر است اما آیا به یک سیم رابطه بسیار بلند نیاز نیست .

ساختن یک خودروی الکتریکی امکان پذیر است، اما آیا به یک سیم کشش بسیار طولانی نیاز ندارید؟

When we could discern the city lights, we knew we were safe at last

وقتی توانستیم چراغ های شهر را ببینیم، دانستیم که حداقل در امنیت هستیم.

وقتی توانستیم نورهای شهر را تشخیص دهیم، می‌دانستیم که بالاخره در امان هستیم

The children in shakespeare’s plays are so precocious that they all sound like grandparents

بچـــه هـــا در نمایشـــنامه هـــای شکســـپیر آنقـــدر اســـتثنایی هستند که مانند پدر بزرگ ها به نظر می‌رسند.

بچـــه هـــای نمایشـــنامه هـــای شکســـپیر آنقـــدر زودرس هســـتند که همگی شبیه پدربزرگ و مادربزرگ هستند

Edith gave only perfunctory attention to the new millennium, skipping our new year’s eve party

ادیت به هزاره جدید توجهی سرسری نشان داد و حتی به جشن سال نو ما هم نیامد .

ادیت فقط به هزاره جدید توجه کرد و از جشن سال نو ما صرف نظر کرد.

The wright brothers didn’t become distraught when a skeptic would deride their work

برادران رایت هنگامی که فرد شکاک کارهایشان را به استهزا می‌گرفت آشفته نمی‌شدند .

برادران رایت وقتی که یک شکاک کار آنها را به سخره می گرفت، مضطرب نشدند

When i correct my kid brother’s math errors, he is perverse enough to insist that he is right

وقتی اشتباهات ریاضی برادر کوچک را تصحیح می کردم، انقدر لجباز است که اصرار داشت که اشتباهی نکرده .

وقتی اشتباهات ریاضی برادر بچه ام را تصحیح می کنم، آنقدر منحرف است که اصرار دارد که درست می گوید.

To the chagrin of many taxpayers, some citizens seem to cheat the government with impunity

ظـــاهرا بعضـــی از شـــهروندان بـــا مصـــنویت بـــه دولـــت خیانـــت مـــی کننـــد کـــه ایـــن امـــر باعـــث رنجـــش بســـیاری از مالیات دهندگان مالیات دهندگان شد.

بـــا نـــاراحتی بســـیاری از مالیـــات دهنـــدگان، بـــه نظـــر مـــی رســـد برخـــی از شـــهروندان بـــدون مجـــازات دولـــت را فریب می دهند

The paradox is that javert’s inexorable pursuit of jean valjean was both laudable and despicable

تنـــاقض در اینجاســـت کـــه ترغیـــب سرســـختانه ژان والـــژان توســـط ژاور هـــم در خـــور تحســـین و هـــم نفـــرت انگیـــز است .

تنـــاقض ایـــن اســـت کـــه تعقیـــب بی‌وقفـــه ژان والـــژان توســـط یاورت ستودنی و نفرت‌انگیز بود.

The affluent storeowner disparaged the efforts of his small competitor,saying that he could always tolerate that kind of rivalry

صاحب مغازه ثروتمند، تلاشهای همکارش را کوچک می شمارد و می گفت که او همیشه این نوع رقابت را می تواند تحمل کند .

صاحب فروشگاه ثروتمند تلاش های رقیب کوچک خود را تحقیر کرد و گفت که او همیشه می تواند چنین رقابتی را تحمل کند.

To aid in digestion, you must masticate each piece of meat one dozen times

برای کمک به هضم غذا باید یک تکه گوشت را در یازده بار بجوید .

برای کمک به هضم غذا، باید هر تکه گوشت را ۱۲ بار جویده کنید

In an acrimonious letter, her father described the project as a complete fiasco

پـدرش در نامــه زننـده، پـروژه را بــه عنـوان یـک شکسـت کامل توصیف کرد .

پـدرش در نامــه ای تنـد ایـن پـروژه را یــک شکســت کامـل توصیف کرد

Once he sought the limelight, but now he eschews all interviews

او زمـــانی بـــه دنبـــال شـــهرت بـــود امـــا حـــالا از تمـــام مصاحبه‌ها اجتناب می کند .

زمـانی او بـه دنبـال کـانون توجـه بـود، امـا اکنـون از همـه مصاحبه ها دوری می کند

When the duplicity was revealed, the jury became dubious about ed’s innocence

وقتـــی حقـــه حقـــوق آشـــکار شـــد ،هیئـــت منصـــفه در خصوص بی گناهی او مردد شدند .

وقتـــی دوگـــانگی فـــاش شـــد، هیئـــت منصـــفه در مـــورد بـــی گناهی اد مشکوک شدند

In order to quell the riot, the police sallied forth with tear gas

پلـیس بـرای سـرکوب شـورش بـا گـاز اشـکآور حمله ور شد .

پلـیس بـرای سـرکوب شـورش بـا گـاز اشـک آور وارد عمل شد

A teenage boy’s father should be his true confidant

پدر یک پسر نوجوان باید محرم اسرار واقعی باشد .

پدر یک پسر نوجوان باید معتمد واقعی او باشد

The obsolescence built into many products could be regarded as a flagrant insult toward the duped consumer

فرسودگی پذیری در بسیاری از محصولات را باید به عنوان توهین وقیحانه به مشتری فریب خورده تلقی کرد .

منسوخ بودن در بسیاری از محصولات می تواند به عنوان توهین آشکار به مصرف کننده فریب خورده تلقی شود.

I could not doze in the chair because of the voluble barber

به خاطر حرافی آرایشگر من نتوانستم روی صندلی یه چرت بزنم.

به خاطر آرایشگر ناامید نمی توانستم روی صندلی چرت بزنم

The detective was implacable in his search for the murder weapon

کارگـاه در جسـتجویش بـه دنبـال اسـلحه ی قاتـل سرسـخت بود .

کارآگاه در جستجوی اسلحه قتل سرسخت بود

Saying that it was beyond his jurisdiction , judge klein refused to rule on the case

قاضی کلین با بیان اینکه این مورد در حوزه اختیار وی نیست، از حکم دادن در مورد پرونده خودداری کرد .

قاضی کلین با بیان اینکه این موضوع خارج از صلاحیت او است، از صدور حکم در مورد پرونده خودداری کرد

In a paroxysm of rage, the tenant stormed out of the landlord’s office

مستاجر در اوج عصبانیت، با قهر و غضب از دفتر صاحب خانه خارج شد .

مستاجر در حالی که از عصبانیت عصبانی بود از دفتر صاحبخانه بیرون رفت

The precocious boy enjoyed an intellectual skirmish with his elders

پسـربچه زودرس از بگومگـوی روشـنفکرانه بـا بزرگتـر هایش لذت می برد .

پسـر نابـالغ از درگیـری فکـری بـا بزرگترهـایش لـذت مـی برد

The brash student was forced to apologize for her reprehensible conduct

دانـش آمـوز گسـتاخ مجبـور شـد بـه دلیـل رفتـار شـرم آور ش معذرت خواهی کند.

ایــن دانــش آمــوز گســتاخ مجبــور شــد بــه خــاطر رفتــار مذموم خود عذرخواهی کند

After the fray , the feuding families agreed to patch up their differences

پـــس از نـــزاع ،خانوادهـــای دشـــمن موافقـــت کردنـــد اختلافشان را حل و فصل کنند .

پـس از درگیـری، خـانواده هـای متخاصـم موافقـت کردنـد که اختلافات خود را برطرف کنند

The indigent client was surprised when she was accosted by her social worker in the elegant restaurant.

ارباب رجوع فقیر وقتی با مددکار اجتماعی در رستوران مجلل و باشکوه برخورد کرد ،تعجب زده شد .

مشتری فقیر وقتی توسط مددکار اجتماعی خود در رستوران شیک مورد توجه قرار گرفت شگفت زده شد.

To my mind the decision was unreasonable and arbitrary

به نظر من این تصمیم غیرمنطقی و خودسرانه بود .

به نظر من این تصمیم غیر منطقی و خودسرانه بود

George orwell’s 1984 depicts a frightening,monolithic government

کتـــاب ۱۹۸۴ جـــرج ســـورال حکـــومتی ترســـناک و یکپارچه را به تصویر می کشد .

جـــورج اورول در ســـال ۱۹۸۴ حکـــومتی ترســـناک و یکپارچه را به تصویر می کشد

If anonymous telephone callers harass you, the phone company will give you an unlisted number.

چنانچه تماس گیرنده های ناشناس شما را به ستوه آورده اند، شرکت مخابرات به شما یک شماره منتشر نشده می دهد .

اگر تماس‌گیرندگان ناشناس شما را مورد آزار و اذیت قرار دهند، شرکت تلفن یک شماره فهرست نشده به شما می‌دهد.

Coach of losing team hanged in effigy

آدمک" مربی تیم بازنده را حلق آویز کردند.

مربی تیم بازنده در پیکره دار آویخته شد

Cause of cancer continues to stymie doctors

دلیل سرطان هم همچنان مانعی بر سر راه دکترها است .

علت سرطان همچنان پزشکان را سرکوب می کند

F.b.i. Cognizant of clandestine gangland meeting

اف بی آی از جلسه مخفیانه باند تبهکار آگاه شد .

آگاه از ملاقات باندهای مخفی F.b.i.

Many motorists flout traffic laws, study reveals

مطالعات نشان می‌دهند که بسیاری از رانندگان، قوانین رانندگی را نقض می کنند .

مطالعه نشان می دهد که بسیاری از رانندگان قوانین راهنمایی و رانندگی را نادیده می گیرند

Turbulent atmosphere in angry senate chamber

در مجلس سنا ناآرامی‌ها حاکم بود .

فضای متلاطم در اتاق خشمگین سنا

It seemed incongruous to terminate his employment just when he was so successful.

استخدام نکردن او درست در زمانی که بسیار موفق بود، بی مورد به نظر می‌رسید .

به نظر می رسید که خاتمه دادن به کار او درست زمانی که بسیار موفق بود، نامتناسب بود.

Upon seeing the show, he called the tv studio forthwith to protest

او با دیدن برنامه فوراً به استودیو تلویزیون تماس گرفت تا اعتراض کند .

او با دیدن این برنامه فوراً با استودیو تلویزیون تماس گرفت تا اعتراض کند

The ushers moved with alacrity to oust the disorderly patrons.

کنتـــرل چـــی ســـینما بـــا چـــالاکی حرکـــت می‌کـــرد تـــا طرفداران بی نظم را بیرون کند .

طلیعــه داران بــا شــور و شــوق حرکــت کردنــد تــا حامیــان بی نظم را بیرون کنند.

After taking the drug, she began to revert to the days of her childhood

پس از مصرف دارو، به روزهای دوران کودکی اش برگشت .

پس از مصرف دارو، او شروع به بازگشت به روزهای کودکی خود کرد

The arrest of the spy did much to exacerbate relations between the two countries

بازداشت جاسوس روابط بین دو کشور را بسیار وخیم تر کرد .

دستگیری این جاسوس باعث تشدید روابط دو کشور شد

The emaciated residents of the warsaw ghetto managed to win several skirmishes from the nazis.

ســاکنین نحیــف وارســاگتو توانســتند در چنــدین حملــه در مقابل نازی ها پیروز شوند .

ســاکنان لاغـر شـده محلــه یهـودی نشـین ورشـو موفـق شـدند چندین درگیری را از نازی ها به دست آورند.

A firecracker terminated the tranquil climate of the neighborhood

یک ترقه به اوضاع آرام محله خاتمه داد .

یک ترقه به آب و هوای آرام محله پایان داد

When richard iii violated the sanctuary of the church to seize the princes, he exceeded his jurisdiction

وقتی ریچارد سوم به محل مامن کلیسا با گرفتن شاهزادگان هتک حرمت کرد، از حوزه اختیاراتش تجاوز کرد .

هنگامی که ریچارد سوم برای تصرف شاهزادگان، حریم کلیسا را زیر پا گذاشت، از صلاحیت خود فراتر رفت.

Chicago put its heaviest players up front, but they were helpless as the giants’ line surged toward them

شیکاگو سنگین‌ترین بازیکنانش را در خط جلو قرار داد اما وقتی خط تیم جاینت به سمت آنها هجوم آورد عاجز شدند .

شیکاگو سنگین‌ترین بازیکنانش را جلو می‌آورد، اما وقتی خط غول‌ها به سمت آن‌ها می‌رفت، آن‌ها درمانده بودند.

Inexorably the determined climber began to ascend the himalayan peak

کوهنـورد مصـمم سرسـختانه شـروع بـه بـالا رفـتن از قلـه هیمالیا کرد .

کوهنــورد مصــمم بــه طــور اجتنــاب ناپــذیری شــروع بــه صعود به قله هیمالیا کرد

The stool pigeon, the detective's confidant, told him about the sinister plot

خبـــرچین کـــه رازدار کارگـــاه بـــود او را در مـــورد دسیســـه شوم آگاه کرد .

کبـوتر مـدفوع، معتمـد کارآگـاه، در مـورد توطئـه شـوم بـه او گفت

By running up a white flag, the besieged troops indicated their desire to withdraw from the fray

گـروه محاصـره شـده بـا بـرای داشـتن یـک پـرچم سـفید تمایلشان را به عقب نشینی از نزاع را نشان دادند .

بـا برافراشـتن یـک پـرچم سـفید، نیروهـای محاصـره شـده تمایل خود را برای عقب نشینی از جنگ نشان دادند

Citizens of several kentucky mountain communities are afflicted by the worst poverty in the nation

ســاکنین چنـدین سلسـله جبـال کنتـاکی، از بـدترین نـوع فقـر در ملت رنج می برند .

شـــهروندان چنـــدین منطقـــه کوهســـتانی کنتـــاکی از بـــدترین فقر در کشور رنج می برند.

The emaciated prisoners were obviously suffering from advanced malnutrition

زندانیان نحیف، از سوء تغذیه پیشرفته رنج می‌برند .

زنــدانیان لاغـر بــه وضـوح از ســوء تغذیــه پیشــرفته رنــج می برند

Albert schweitzer endured considerable privation as a jungle doctor

آلبـــرت شـــوایتزر بـــه عنـــوان دکتـــر جنگـــل محرومیـــت چشمگیری را تحمل کرد.

آلبـــرت شـــوایتزر بـــه عنـــوان یـــک پزشـــک جنگـــل محرومیت قابل توجهی را تحمل کرد

Sprinting all over the court, the ubiquitous referee called one foul after another

داور در همه جا حاضر در حالی که در سرتاسر زمین بازی به سرعت می‌دوید یکی پس از دیگری خطا می گرفت .

داوری که در همه جا حضور داشت با سرعت در سراسر زمین، خطاها را یکی پس از دیگری اعلام کرد

Ben’s reprehensible table manners led his fraternity brothers to seat him in a remote corner of the dining room

آداب شـــرم آور غـــذا خـــوردن بـــن باعـــث شـــد بـــرادران صـــنف او را در گوشـــه پرتـــی از اتـــاق غـــذاخوری بنشـــانند

.

رفتـــار ســـرزنش‌آمیز بـــن بـــر روی میـــز باعـــث شـــد کـــه بـــرادران بـــرادرش او را در گوشـــه‌ای دورافتـــاده از اتـــاق غذاخوری بنشینند.

The excellent soup was a harbinger of the delicious meal to follow

سوپ عالی منادی غذای لذیذی بود که به دنبالش می آمد .

سوپ عالی منادی غذای لذیذی بود که باید دنبال شود

In an attempt to thwart the voracious ants, he surrounded his house with a moat of burning oil

او در تلاش برای مانع ایجاد کردن بر سر راه مورچگان سیری‌ناپذیر، خانه اش را با خندقی از روغن داغ احاطه کرد .

او در تلاش برای خنثی کردن مورچه های حریص، خانه خود را با خندقی از نفت سوزان احاطه کرد.

The surgeon finally located the malignant tumor that had afflicted his patient for many months

جـــراح نهایتـــاً تومـــور بـــدخیم کـــه ماهـــا بیمـــارش را آزار داده بود ،پیدا کرد.

جـــراح ســـرانجام تومـــور بـــدخیمی را کـــه مـــاه هـــا بیمـــارش را مبتلا کرده بود، پیدا کرد

With excruciating slowness, the minute hand inched its way around the clock

عقربه دقیقه شمار با کندی عذاب آوری به دور صفحه ساعت ذره ذره می چرخید .

عقربه دقیقه شمار با کندی طاقت فرسا در تمام ساعات شبانه روز مسیر خود را طی کرد

The rescue team heard the miner’s voice reverberating through the caves

گـــروه امـــداد، صـــدای معـــدنچی را کـــه در غارهـــا طنـــین انداز شده بود شنیدند .

تـیم امـداد صـدای معـدنچی را شـنیدند کـه از میـان غارهـا طنین انداز می شد

Around income tax time fretful faces are ubiquitous

هنگـام پرداخـت مالیـات بـر درآمـد، صـورتهای ناراحـت همه جا حاضر هستند .

در حـول و حـوش زمـان مالیـات بـر درآمـد، چهـره هـای مضطرب در همه جا حضور دارند

The voluble insurance salesman gave my father no respite

فروشنده پرحرف بیمه به پدرم هیچ فرصت استراحتی نداد .

فروشنده بیمه واجب به پدرم مهلت نداد

Besieged by debts, the corporation finally had to succumb to bankruptcy

شـــرکت کـــه در محاصـــره قـــرض هـــای ســـنگین بـــود سرانجام تصمیم ورشکستگی شد.

در محاصـــره بـــدهی هـــا، شـــرکت ســـرانجام مجبـــور شـــد تسلیم ورشکستگی شود

When the business manager was accused of extortion , his colleagues sought to oust him from the firm

وقتـــی مـدیر تجـاری بـه اخـاذی مـتهم شـد، همکـارانش در صدد برآمدند او را از شرکت اخراج کنند .

زمـانی کـه مـدیر تجـاری بـه اخـاذی مـتهم شـد، همکـارانش به دنبال اخراج او از شرکت بودند

The eminent impresario brought many cultural spectacles to our shores

مـــدیر اجرایـــی سرشـــناس، نمـــایش هـــای فرهنگـــی زیـــادی را به سواحل ما آورد .

امپرســـاریو برجســـته نمـــایش هـــای فرهنگـــی بســـیاری را بـــه سواحل ما آورد

Attacked by the irate crowd, the bigot asked the police for sanctuary

فـرد متحجـر کـه مـورد حملـه جماعـت خشـمگین قـرار گرفته بود، از پلیس تقاضای مخفیگاه کرد.

متعصـب کـه توسـط جمعیـت خشـمگین مـورد حملـه قـرار گرفت، از پلیس پناهگاه خواست

President Obama found that texting was an asset to his communication skills

رئیس جمهور کلینتون امیدوار بود در مبارزات انتخابی و مبارزات انتخاباتی همسرش برای کرسی مجلس سنای آمریکا یک امتیاز باشد .

پرزیدنت اوباما دریافت که ارسال پیامک دارایی برای مهارت های ارتباطی او است

It was excruciatingly painful for the actors to read the adverse reviews that their performances had received

خواندن نقدها ناخوشایند در مورد اجراهایشان، برای بازیگران بسیار دردناک بود .

خواندن نقدهای منفی ای که بازی هایشان دریافت کرده بود برای بازیگران بسیار دردناک بود

The visiting dictator’s ubiquitous entourage of bodyguards disturbed our tranquil city

گروههای همه جا حاضر محافظان دیکتاتور مدعو آرامش شهر ما را به هم زدند .

همراهان بادیگارد همه جا حاضر دیکتاتور، شهر آرام ما را آشفته کردند.

Europe’s population was afflicted by a virulent plague known as the black death

مـردم اروپـا، بـه طـاعون کشـنده‌ای مبـتلا شـده بودنـد کـه بـه عنوان مرگ سیاه مشهور بود .

مـــردم اروپـــا بـــه طـــاعون شـــدیدی کـــه بـــه مـــرگ ســـیاه معروف است مبتلا شده بودند

From each candidate’s headquarters acrimonious charges would spew forth daily

روزانــه از ســتاد هــر کانديـدا، اتهامــات تنــدی افشــا مـی‌شـود .

از مقــر هــر نــامزد هــر روز اتهامــات ســنگینی ســرازیر می شد

Clym yeobright’s mother succumbed to the venom of a snake bite

مـادر کـلان یـو برایـت در مقابـل زهـر نـیش مـار از پـای درآمد .

مادر کلام یوبرایت در اثر سم گزش مار تسلیم شد

With blatant discourtesy the reporters continued to harass the bereaved family

خبرنگاران با بی نزاکتی فقیهانه به ایجاد مزاحمت برای خانواده داغدیده ادامه دادند.

خبرنگاران با بی ادبی آشکار به آزار و اذیت خانواده داغدار ادامه دادند

Since we felt that the ruling was arbitrary, we were loath to obey it

از آنجا که احساس کرد این حکومت استبدادی است ،مخالف اطاعت از آن بودیم .

از آنجایی که احساس می کردیم این حکم خودسرانه است، از اطاعت از آن بیزاریم

Daily the volunteers went out to solicit funds for the indigent families

داوطلبان هر روز از خانه بیرون می‌رفتند تا برای خانواده‌های توی دست تقاضای کمک مالی کنند .

هر روز داوطلبان برای طلب کمک مالی برای خانواده های فقیر بیرون می رفتند

My neighbor was astute enough to discern the adverse features of the mortgage

همسایه ما آنقدر زرنگ بود که جنبه های نامطلوب رهن را تشخیص دهد .

همسایه من به اندازه کافی زیرک بود که ویژگی های نامطلوب وام مسکن را تشخیص دهد

The general was sure to Repudiate that we give the enemy no respite from the bombings

ژنـرال، مطمئنـاً از اینکـه مـا از بمبـاران هـیچ امـانی بـه دشمن نمی دهیم حمایت می کند .

ژنـرال مطمـئن بـود کـه مـا از بمبـاران هـا بـه دشـمن مهلـت نمی دهیم

The play was so blatantly bad that the impresario fired its ineffectual director

نمایشنامه آنقدر بد بود که مدیر اجرایی، کارگردان بی کفایتش را اخراج کرد .

نمایشنامه آنقدر بد بود که امپرساریو کارگردان ناکارآمد خود را اخراج کرد

The vexatious buzzing of the mosquitoes as they surged about our heads nearly drove us insane

وزوز آزاردهنـــده پشـــه هـــایی کـــه دور ســـر مـــا حرکـــت می‌کردند ما را تقریباً دیوانه کرد .

صـــدای وزوز آزاردهنـــده پشـــه هـــا در حـــالی کـــه روی ســـر ما می چرخیدند تقریباً ما را دیوانه می کرد.

Our amicable relations with latin america are an asset to hemispheric trade

روابـط دوسـتانه مـا بـا آمریکـای لاتـین امتیـازی بـرای تجارت نیمکره‌ای محسوب می گردد .

روابـط دوسـتانه مـا بـا آمریکـای لاتـین دارایـی بـرای تجارت نیمکره است

Once the virulent malady had run its course, my temperature dropped

وقتی که بیماری کشنده روندش را طی کرد طبق فروکش نمود .

زمانی که بیماری بدخیم سیر خود را طی کرد، دمای بدنم پایین آمد

We were distraught upon hearing the venom spewed forth by the nefarious bigot

وقتی کینه افشار شده فرد متعصب شرور را شنیدیم، آشفته شدیم .

ما با شنیدن سمی که توسط متعصب بدجنس به بیرون پرتاب شد، پریشان شدیم

No sooner did the lawyer scrutinize the extortion note than she called the

به محض اینکه وکیل یادداشتهای یک داشت های اخاذی را با وسواسی بررسی کرد آن زن به پلیس زنگ زد.

به محض اینکه وکیل یادداشت اخاذی را بررسی کرد و به آن زنگ زد

After being admonished by his father, he began to peruse the want ads daily

پـــس از اینکـــه پـــدرش بـــه او هشـــدار داد،ا و مطالعـــه نیازمندیهای روزانه را آغاز کرد

پـــس از توصـــیه هـــای پـــدرش، او شـــروع بـــه مطالعـــه روزانه آگهی های خواستگاری کرد

When the black cat crossed her path, ellen had a premonition of disaster

وقتی گربه سیاه از جلوی پای الن رد شد، دلشوره یک مصیبت به جانش افتاد .

وقتی گربه سیاه از مسیر او عبور کرد، الن پیش‌بینی فاجعه‌ای داشت

The pickets promulgated a warning that they would not desist in their efforts to enhance their standard of living

اعتصاب کنندگان هشداری را رسماً اعلام کردند مبنی بر اینکه از تلاش‌هایشان برای ارتقاء سطح زندگی دست نمی‌کشند .

تظاهرات کنندگان هشدار دادند که از تلاش های خود برای ارتقای استاندارد زندگی خود دست نخواهند کشید

As the snake prepared to strike, the girls recoiled in horror

وقتی که مار اماده نیش زدن شد، دخترها با ترس خود را پس کشیدند.

هنگامی که مار آماده ضربه زدن شد، دختران با وحشت عقب کشیدند

She blamed her absence from the game on the inclement weather, but we knew that was sour grapes.

او غیبتش در بازی را به پای هوای نامساعد گذاشت اما میدانستیم که دلیلش حسادت بوده است.

او دلیل عدم حضورش در بازی را آب و هوای نامساعد می‌دانست، اما می‌دانستیم که انگور ترش است.

The stockbroker was obsessed with the idea of becoming a painter

ذهن کارگزار بورس با ایده نقاشی شدن مشغول بود .

دلال بورس در فکر نقاش شدن بود

My nervous neighbor bought a pugnacious mastiff to frighten burglars

همسایه مضطرب ما نوعی سگ بزرگ پرخاشگر خرید تا با آن سارقان را به ترساند .

همسایه عصبی من برای ترساندن سارقان یک ماستیف خشن خرید

Doleful expressions abounded throughout headquarters on the night of the election

شـــب انتخابـــات ،قیافـــه هـــای غمگـــین در تمـــام ســـتادها فراوان بود .

عبـــارات دلخـــراش در شـــب انتخابـــات در سرتاســـر ســـتادها فراوان بود

During the trial the astute lawyer was able to elicit the pertinent information from the key witness

در طـــول جلســـه دادگـــاه در طـــول جلســـه دادگـــاه وکیـــل زیـــرک توانســـت اطلاعـــات مناســـبی از شـــاهد اصـــلی بیرون بکشد .

در طـــول محاکمـــه، وکیـــل زیـــرک توانســـت اطلاعـــات مربوطه را از شاهد کلیدی استخراج کند

After the tension, his normally ruddy face was wan and tired

در پی کشمکش، چهره گلگون او رنجور و خسته بود .

پس از تنش، صورت معمولی گلگون او ضعیف و خسته بود

The warden frustrated the prisoners' attempt to escape by adding more guards

رئیس زندان با افزودن محافظان بیشتر، تلاش زندانیان برای فرار را ناکام گذاشت .

نگهبان با افزودن نگهبانان بیشتر، تلاش زندانیان برای فرار را ناکام گذاشت

Most viewers hate it when a commercial is interjected into a suspense drama

بیشتر بینندگان از این متنفرند که یک آگاهی بازرگانی وسط نمایش دلهره‌آور اضافه می‌شود .

اکثر بینندگان از آن متنفرند که یک آگهی تبلیغاتی در یک درام تعلیق آمیخته شود

Saying that he would not tolerate her histrionics , the director fired the temperamental actress.

کـارگردان بـا گفـتن اینکـه بـازی تصـنعی بـازیگر تنـدخو را تحمل نمی کند، او را اخراج کرد .

کـــارگردان بـــا بیـــان اینکـــه او را تحمـــل نمـــی کنـــد، ایـــن بازیگر خوش اخلاق را اخراج کرد.

All his life he found happiness elusive , but wealth easy to come by

او در تمـــام زنـــدگی اش بـــه دســـت آوردن شـــادی را امـــر دسـت نیـافتنی امـا کسـب ثـروت را کـار سـاده‌ای یافتـه بـود .

او در تمـــام زنـــدگی خـــود خوشـــبختی را دســـت نیـــافتنی یافت، اما ثروت را آسان به دست آورد

The sordid rioting was symptomatic of the problems facing the large cities

شورش نکبت بار، نشانه مشکلاتی بود که شهرهای بزرگ با آن روبرو می شوند.

شورش هولناک نشانه مشکلات پیش روی شهرهای بزرگ بود

The senator loathed it when people said that an atomic war was imminent

سناتور از اینکه مردم می‌گفتند جنگ اتمی نزدیک است متنفر بود .

وقتی مردم گفتند که جنگ اتمی قریب الوقوع است، سناتور از آن متنفر بود

When his squeamish partner complained about a lack of ethics,the businessman laughed at his innocence

وقتی که شریک حساس تاجر، از فقدان اخلاقیات شکایت کرد تاجراز معصومیت اش شریکش به خنده افتاد.

وقتی شریک بداخلاقش از بی اخلاقی شکایت کرد، تاجر به بی گناهی او خندید.

Engrossed in his crossword puzzle, he failed to notice the paucity of customers in the restaurant.

او کــه غــرق در جــدول کلمــات متقــاطع ش بــود، متوجــه معدود مشتریان رستوران نشد .

او کــه در جــدول کلمــات متقــاطع خــود غــرق شــده بــود، متوجه کمبود مشتری در رستوران نشد.

One of the salient features of her poetry is a dependence upon euphemisms

یکی از ویژگی‌های برجسته شعر، وابستگیش به حسن تعبیر است .

یکی از ویژگی های بارز شعر او وابستگی به تعبیرات است

Seeing the inert player, the manager dashed out onto the field

مـدیر وقتــی بـازیکن بیحـال را دیـد بـه سـرعت بـه داخـل زمین رفت .

سرمربی با دیدن بازیکن بی‌حرکت به میدان رفت

The sermon was poignant enough to bring tears to the brash delinquent’s eyes

موعظه آنقدر دردناک بود که اشک را به چشمان بقیه خطاکاران بیاورد .

این خطبه به اندازه‌ای تند بود که اشک را در چشمان جنایتکار بی‌پروا جاری کرد

Although the message was garbled , its salient points were clear enough

اگرچه پیغام نامفهوم بود ولی نکات مهمش به اندازه کافی واضح بود .

اگرچه پیام مخدوش بود، اما نکات برجسته آن به اندازه کافی واضح بود

After a fruitless attempt to wrest control of the government, the traitors were incarcerated

خائنـــان در یـــک تـــلاش بیهـوده بـــرای تحـــت کنتـــرل گـــرفتن دولت، به زندان افتادند .

پـس از یـک تـلاش بی‌ثمـر بـرای بـه دسـت گـرفتن کنتـرل دولت، خائنان به زندان افتادند

Even though his boat was almost inundated , the skipper was loath to radio for help

هرچند قایق کاپیتان قایق کاپیتان کاملاً غرق شده بود، تمایلی نداشت برای کمک بیسیم زده شود .

با وجود اینکه قایق او تقریباً زیر آب رفته بود، کاپیتان تمایلی به دریافت کمک از رادیو نداشت

Because the malignancy had gone unchecked, the surgeons were not sanguine about the patient’s chances

از آنجا که مهار غده بدخیم از دست رفته بود، جراحان به شانس بیمار چندان امیدوار نبودند.

از آنجایی که بدخیمی کنترل نشده بود، جراحان در مورد شانس بیمار بی‌خبر نبودند.

Harriet’s egregious error disturbed even her phlegmatic employer

اشـــتباه فـــاحش هریـــت حتـــی کارفرمـــای خونســـرد ش را آشفته کرد .

خطـــای فـــاحش هریـــت حتـــی کارفرمـــای بلغمـــی او را نیـــز آزار داد

The fund raiser was so zealous that he solicited money from a salvation army santa claus

شـخص عانـه جمـع کننـده آنقـدر پرشـور بـود کـه حتـی از پا ناو بابانوئل سپاه رستگاری تقاضای پول کرد .

تـامین کننـده سـرمایه آنقـدر بـا غیـرت بـود کـه از یـک بابـا نوئل ارتش نجات طلب کرد.

In order to get the job, you had to go through the drudgery of filling out a ten-page comprehensive questionnaire

برای گرفتن آن شغل باید کار سخت پر کردن یک پرسشنامه ده صفحه جامع را از سر می گذراند ای .

برای به دست آوردن این شغل، باید از پر کردن یک پرسشنامه جامع ده صفحه‌ای پر زحمت می‌کردید.

The elusive fugitive was coerced by his attorney into surrendering

فراری گریز پا توسط وکیلش مجبور به تسلیم شد .

فراری فراری توسط وکیلش مجبور به تسلیم شد

Even the swindler’s nefarious accomplice refused to corroborate his alibi

حتـــی همدســـتان شـــرور آن کلاهبـــردار حاضـــر بـــه تایـــد بهانـه هایش نشدند .

حتـــی شـــریک شـــرور کلاهبـــردار نیـــز از تأییـــد حقـــایق او خودداری کرد

Inadvertently, emma had allowed two months to elapse before paying her rent

او بـــا بـــی تـــوجهی اجـــازه داد دو مـــاه از پرداخـــت اجـــاره خانه اش بگذرد .

ناخواســـته، امـــا قبـــل از پرداخـــت اجـــاره خانـــه دو مـــاه فرصت داده بود

The lackluster battle was punctuated by sporadic mortar fire

نبـرد بیـروح بـه وسـیله آتـش گـاه گـاه خمپـاره انـداز فـرو نشانده شد .

نبرد ضعیف با شلیک خمپاره‌ای پراکنده مشخص شد

A man’s domicile is his castle

خانه یک شخص قصر واقعی است .

اقامتگاه مرد قلعه اوست

Because the watchman was lax , thievery was rampant at the warehouse

از آنجا که نگهبان اهمال کار بود ،دزدی در انبار خانه شایع بود .

چون نگهبان سست بود، دزدی در انبار بیداد می کرد

The meticulous musician had nothing but disdain for his disorganized friends

موسیقیدان دقیق، برای دوستان بی‌نظمش چیزی جز تحقیر نداشت.

این نوازنده دقیق چیزی جز تحقیر دوستان به هم ریخته خود نداشت

It was sheer conjecture on the detective's part but it led to the arrest of the vexatious counterfeiters

این مسئله از نظر کارگاه فقط یک حدس بود اما به دستگیری جاعلان آزاردهنده منجر شد .

این حدس محض از سوی کارآگاه بود اما منجر به دستگیری جاعلان مزاحم شد.

The newspaper switched from mundane coverage to lurid reporting

آن روزنامه از پوشش های خبری جهانی و گزارشات ترسناک تغییر موضع داد .

روزنامه از پوشش دنیوی به گزارش های مبهم روی آورد

It was exceedingly rash of the lightweight to insult the belligerent longshoreman

حرکت بوکسور سبک وزن در توهین به کارگر پرخاشگر تا اندازه عجولانه بود .

توهین به مرد درازکشان متخاصم بسیار عجولانه بود

The necessity for preparing sandwiches was obviated when the picnic was postponed.

وقتـــی برنامـــه گـــردش بـــه روز دیگـــری موکـــول شـــد ضرورت تهیه سانتاویچ برطرف شد .

بـا بـه تعویـق افتـادن پیـک نیـک ضـرورت تهیـه سـاندویچ برطرف شد.

Hamlet remembered that yorick was always ready with a lusty quip

هملت به یاد آورد که یورک همیشه یک لطیفه حاضر و آماده در آستین داشت.

هملت به یاد آورد که یوریک همیشه با یک کنایه هوس انگیز آماده بود

When a large expenditure is imminent, my father goes into a long diatribe on the need for economy

وقتی زمان پرداخت یک هزینه بزرگ نزدیک می شود پدرم انتقاد شدیدی در مورد ضرورت صرفه جویی در می‌دهد.

زمانی که هزینه‌های کلان قریب‌الوقوع است، پدرم در مورد نیاز به صرفه‌جویی به بحثی طولانی می‌پردازد

It is often fruitless to argue with racists, bigots, and others of that ilk

غالباً بحث با نژاد پرستان و متعصبان و افراد دیگری از این قماش بی ثمر است.

بحث کردن با نژادپرستان، متعصبان و افراد مشابه اغلب بی نتیجه است

Since the patient’s speech was garbled and incoherent , we could only conjecture as to his message

از آنجا که گفت آره بیمار تحریک شده و نامشخص بود تنها توانستیم این پیام ایشان را حدس بزنیم.

از آنجایی که گفتار بیمار درهم و نامنسجم بود، ما فقط می توانستیم در مورد پیام او حدس بزنیم

The meeting was a fortuitous one, but the jealous husband construed it as pre-arranged and clandestine

آن ملاقــات تصــادفی بــود ولــی شــوهر حســود، آن را از پیش تعیین شده و مخفیانه تعبیر کرد.

ملاقــات اتفــاقی بــود، امــا شــوهر حســود آن را از پــیش تعیین شده و مخفیانه تعبیر کرد.

After two drinks the usually phlegmatic dentist lost all his inhibitions

دندانپزشکی خونسرد، پس از نوشیدن دو جرعه الکل تمام خویشتنداری خود را از دست داد.

پس از دو نوشیدنی، دندانپزشک معمولاً بلغمی تمام مهارهای خود را از دست داد

The police posted a placard asking all citizens to desist from looting.

پلیس پلاکاردی نصب کرد و از تمام شهروندان درخواست نمود از غارت کردن دست بکشند.

پلیس با نصب پلاکاردی از همه شهروندان خواست از غارت دست بردارید.

A salient feature of the prestigious company’s success was its fair treatment of employees

یــک مشخصــه برجســته موفقیــت شــرکت صــاحب نــام، رفتار آن عادلانه آن با کارمندانش می باشد.

یکــی از ویژگــی هــای بــارز موفقیــت ایــن شــرکت معتبــر رفتار منصفانه آن با کارکنان بود

Derek jeter’s remuneration from the new york yankees made him a millionaire many times over

پـــاداش درک جتـــر از یانکیهـــای نیویـــورک او را بارهـــا میلیونر کرده.

پـــاداش درک جکـــر از یـــانکی هـــای نیویـــورک او را چندین برابر میلیونر کرد.

For allowing his ferocious mastiff to appear on a commercial, the trainer was paid nominal sum

مربی برای اینکه سگ درندشت در یک آگهی تبلیغاتی ظاهر شود مبلغ ناچیزی پرداخت.

به دلیل اجازه دادن به ماستیف وحشی خود در یک آگهی تبلیغاتی، مبلغ اسمی به مربی پرداخت شد

She seemed to be an unimportant member of the president’s entourage but actually she played an integral role in white house affairs

به نظر می‌رسید که یک عضو بی اهمیتی در میان همراهان رئیس جمهور باشد اما در حقیقت او نقش سازنده در امور کاخ سفید ایفا می‌کرد.

به نظر می‌رسید که او عضوی بی‌اهمیت از اطرافیان رئیس‌جمهور باشد، اما در واقع نقش مهمی در امور کاخ سفید داشت.

In lost horizon a character recoiled at the idea of living in a utopia

در "فـیلم افـق" گـم شـده شخصـیت فـیلم خـود را از ایـده زندگی در آرمان شهر کنار کشید.

در افـق گمشـده، شخصـیتی از ایـده زنـدگی در یـک آرمـان شـهر عقب نشست

A pernicious schism developed between the two sisters

یک نفاق زیانبار به این دو خواهر به وجود آمد .

انشقاق مهلکی بین این دو خواهر ایجاد شد

The traitor’s name was anathema in his father’s domicile

اسم خائن در خانه پدرش مایع نفرت بود .

نام خائن در محل سکونت پدرش کفر بود

Our theatrical pages were inundated with press releases from the flamboyant producer.

صـفحات نمایشـی مـا، پـر از انتشـار هـای مطبوعـاتی از سوی تهیه کننده متظاهر می باشد .

صـفحات تئـاتر مـا غـرق در بیانیـه هـای مطبوعـاتی تهیـه کننده پر زرق و برق بود.

After having made the rash statements, the senator wished that he could expunge them from the record

سـناتور پـس از ایـراد آن بیانیـه هـای عجولانـه، آرزو کرد کاش می توانستم آنها را از اسناد پاک کند.

پـس از بیـان اظهـارات عجولانـه، سـناتور آرزو کـرد کـه می تواند آنها را از پرونده حذف کند

It is frustrating to have one’s lengthy remarks printed in truncated form

چاپ گفته های طولانی شخصی، به شکل مختصر شده آزاردهنده است .

ناامید کننده است که اظهارات طولانی شخص به شکل کوتاه چاپ شود

With his cap set at a jaunty angle, the amicable sailor strutted down the street

ملــوان دوســت داشــتنی کــه کلاهــش را یــک وری ســرش گذاشته بود، به سمت انتهای خیابان به راه افتاد .

ملــوان مهربــان در حــالی کــه کلاهــش را در یــک زاویــه شاد قرار داده بود، در خیابان به راه افتاد

In an ostentatious display of histrionics the star refused to perform

آن ستاره سینما، از اجرای نمایش متظاهرانه ای از حرکات تصنعی امتناع ورزید.

در یک نمایش خودنمایی از هیستریونیک، ستاره از اجرا خودداری کرد

Under duress the normally timorous husband was coerced into demanding a raise

شـوهر معمـولاً ترسـو، تحـت فشـار مجبـور بـه درخواسـت افزایش حقوق شد .

تحـت اجبـار، شـوهری کـه معمـولاً بـداخلاق بـود مجبـور به افزایش حقوق شد

Roger’s fractious behavior compounded the bad relationship he had already had with his partner

رفتـــار عبوســـانه راجـــر ، رابطـــه بـــد او بـــا شـــریکش را خراب تر کرد.

رفتـــار پرخاشـــگرانه راجـــر بـــه رابطـــه بـــدی کـــه او قـــبلاً بـــا شریک زندگی خود داشت، تشدید کرد

Although eddie was not sanguine about his chances, he continued to importune his boss for a winter vacation

اگرچه ادی به شانسش خیلی امیدوار نبود ولی به اصرار کردن به رئیسش ادامه داد تا یک مرخصی زمستانی بگیرد .

اگرچه ادی در مورد شانس خود بی‌خبر بود، اما همچنان رئیس خود را برای تعطیلات زمستانی وارد می‌کرد.

In inclement weather our barn is a haven for many animals.

در آب و هـوای نامسـاعد، طویلـه ی مـا پناهگـاهی بـرای بسیاری از حیوانات است .

در آب و هـوای نامسـاعد انبـار مـا پناهگـاه بسـیاری از حیوانات است.

The dictator used duplicity in order to subjugate his rivals

دیکتاتور برای مقهور کردن به رقیبانش حقه زد.

دیکتاتور از دوگانگی استفاده کرد تا رقبای خود را تحت سلطه خود درآورد

With a surreptitious movement, the meticulous bookkeeper emptied the ash tray

دفتـــردار وسواســـی بـــا حرکتـــی مخفیانـــه جاســـیگاری را خالی کرد .

حســابدار دقیـق بـا حرکتـی پنهـانی سـینی خاکسـتر را خـالی کرد

The expert’s incontrovertible testimony corroborated the police report

شـــهادت بی‌چـــون و چـــرای کارشـــناس، گـــزارش پلـــیس را تایید کرد.

شـــهادت غیرقابـــل انکـــار کارشـــناس گـــزارش پلـــیس را تایـــد کرد

A thorough investigation eventuated in a comprehensive report

یک تحقیق کامل به گزارشی جامع منجر شد .

یک بررسی کامل در یک گزارش جامع انجام شد

After two years of confinement in a subterranean dungeon, the prisoner was thin and wan

زنـــدانی در پـــی دو ســـال حـــبس در یـــک ســـیاه‌چال زیـــر زمینی لاغر و رنجور بود .

پـــس از دو ســـال حـــبس در ســـیاه چـــال زیرزمینـــی، زنـــدانی لاغر و ضعیف بود.

The mayor issued a diatribe against companies whose smokestacks emit poisonous fumes

شـــهردار، انتقـادی سـخت علیـه شـرکت هـایی کـه دودکـش هایشان دودهای سمی بیرون می‌دهند منتشر کرد .

شـــــهردار دربـــــاره شـــــرکت‌هایی کـــــه دودکش‌هایشـــــان دودهای سمی ساطع می‌کند، حکمی صادر کرد

Gaining better housing for all was the ultimate goal of the zealous reformer

دستیابی همه به مسکن بهتر، هدف نهایی فرد اصلاح‌گر غیور بود .

به دست آوردن مسکن بهتر برای همه هدف نهایی اصلاح طلب غیور بود

When the schism in the company was healed, a viable arrangement was worked out

وقتی نفاق موجود در شرکت از میان رفت یک توافق عملی صورت گرفت.

هنگامی که شکاف در شرکت بهبود یافت، یک ترتیب عملی انجام شد

Acting on the premise that there were no burglars around, the police became quite lax

پلیس با عمل به این فرد که هیچ دزدی در این اطراف وجود ندارد،کاملاً احتمال کار گشت .

پلیس با این فرض که هیچ دزدی در اطراف وجود ندارد، بسیار سست شد

After i had perused the yankee lineup, i was incredulous about their chances of winning.

پس از اینکه به صفحه یانکی‌ها نگاهی انداخته بودم، در مورد شانس برنده شدن شان شکاک شدند .

بعد از اینکه ترکیب یانکی ها را بررسی کردم، به شانس آنها برای برنده شدن باور نداشتم.

The trapeze artist was squeamish about having to jeopardize his life

اکراباتیست تاب باز در مورد به خطر انداختن زندگی اش حساس بود.

هنرمند ذوزنقه از این که باید زندگی خود را به خطر بیندازد، بداخلاق بود

A terrible odor that was impossible to expunge permeated the skunk handler’s clothing

ازلباس تربیت کننده راسو بوی وحشتناکی پخش می‌شد که از بین بردنش غیرممکن بود .

بوی وحشتناکی که پاک کردن آن غیرممکن بود در لباس نگهدارنده اسکنک نفوذ کرد

At a propitious moment the flamboyant movie star made her grand entrance

در یک موقع مناسب، ستاره سینمایی متظاهر باعظمت وارد شد.

در یک لحظه مناسب، ستاره پر زرق و برق سینما وارد ورودی بزرگ خود شد

Publication of the lurid magazine was curtailed by the district attorney.

دادستان، چاپ مجله های هولناک را محدود کرد.

انتشـــار مجلـــه غـــم انگیـــز توســـط دادســـتان منطقـــه محـــدود شد.

Although his remarks appeared cryptic at first, we began to see how really pertinent they were

اگرچه اظهارات او ابتدا مبهم به نظر می‌رسید ولی شروع کردیم که ببینیم واقعاً تا چه حد به جا بوده اند .

اگرچه اظهارات او در ابتدا رمزآلود به نظر می رسید، اما ما شروع کردیم به دیدن اینکه چقدر آنها واقعاً مناسب هستند

I had to repress my desire to interject my criticism during the debate

مجبـور شـدم تمـایلم بـه وارد کـردن انتقـاد در حـین بحـث را کنترل کنم.

مـن مجبـور شـدم میـل خـود را بـرای دخالـت دادن انتقـادم در طول مناظره سرکوب کنم

Edna had surmised that she would be charged a nominal sum and so she was outraged when she got the bill.

ادنـا گمـان کـرده بـود کـه مبلـغ نـاچیز از او مطالبـه می‌شـود ولـــی وقتـــی صورتحســاب را دریافــت کــرد از عصــبانی شد .

ادنـــا حـــدس زده بـــود کـــه مبلغـــی اســـمی از او دریافـــت خواهـد شـد و بنـابراین وقتـی صـورت حسـاب را دریافـت کرد عصبانی شد.

The young couple was disappointed to see the inchoate state of their new house

وقتـــی زوج جـوان دیـدن کـه منـزل جدیدشـان در مراحـل اولیه است ناامید شدند.

زوج جـــوان از دیـــدن وضـــعیت نامتعـــارف خانـــه جدیـــد خود ناامید شدند

Although the comic’s quips seemed to be mild, they began to nettle the nightclub’s owner

هرچند لطیفه‌های طنز آمیز ظاهراً ملایم بودند، ولی صاحب کلوپ شبانه را از عصبانی کرد .

اگرچه طعنه های کمیک ملایم به نظر می رسید، آنها شروع به گزنه کردن صاحب کلوپ شبانه کردند.

I had a premonition that eli would aspire to the position of captain

نـوعی پـیش آگـاهی بـه مـن می‌گفـت کـه "الـی" سـودای مقام کاپیتانی را در سر خود دارد .

پیش‌بینی می‌کردم که الی به سمت کاپیتانی می‌خواهد

The pickets agreed to inveigh against the law that curtailed their freedom

اعتصـاب کننـدگان معـاف قـط کردنـد کـه نسـبت بـه قـانونی که آزادی شان را محدود می‌کند اعتراض کنند.

اعتصـــاب کننـــدگان موافقـــت کردنـــد کـــه علیـــه قـــانونی کـــه آزادی آنها را محدود می کند، به چالش بکشند

Overt acts of violence by the prisoner jeopardized his parole

زنـــدانی بـــا اعمـــال خشـــونت آمیـــز آشـــکارش، آزادی مشروط ش را به مخاطره انداخت .

اعمـــال خشـــونت آشـــکار توســـط زنـــدانی آزادی مشـــروط او را به خطر انداخت

When they tried to relegate the star to a minor role she was furious

هنگـامی کـه سـعی کردنـد هنرپیشـه معـروف را بـه ایفـای نقش پایین‌تر تنزل دهند، وی عصبانی شد.

وقتـی آنهـا سـعی کردنـد سـتاره را بـه یـک نقـش فرعـی تنزل دهند، او عصبانی شد

From a supine position, the hunter emitted the animal’s mating call

شـکارچی در حالـت طـاق بـاز صـدای جفـت حیـوان را در آورد .

شـــکارچی از حالـــت خوابیـــده بـــه پشـــت، صـــدای جفـــت گیری حیوان را صادر کرد

Following the revolution, the people razed the subterranean dungeons of the dictator

در ادامه انقلاب، مردم سیاهچاله های زیرزمینی دیکتاتور را منهدم کردند .

پس از انقلاب مردم سیاه چال های زیرزمینی دیکتاتور را با خاک یکسان کردند

Management is sure to repulse any request for increased remuneration

بـدون شـک مـدیریت هـر تقاضـایی مبنـی بـر مـزد بیشـتر را رد می کند .

مـــدیریت مطمئنـــاً هـــر درخواســـتی را بـــرای افـــزایش دستمزد دفع خواهد کرد

Mammoth placards announced the opening of the new movie

پلاکـــارد هـــای بســـیار بـــزرگ، افتتـــاح ســـینمای جدیـــد را اعلام کردند .

پلاکاردهای ماموت از افتتاحیه فیلم جدید خبر می دادند

The virulent plague caused havoc among the populace

طاعون مهلک باعث نابودی مردم شد.

طاعون شدید باعث ویرانی در بین مردم شد

Our editor castigated the proposal with his incisive commentary

سـردبیر مـا پیشـنهاد را بـا تفسـیر تنـد و صـریح اش بـه بـاد انتقاد گرفت .

سـردبیر مـا ایـن پیشـنهاد را بـا تفسـیر دقیـق خـود مـورد انتقاد قرار داد

Poe’s hero watched the rats scurry across his inert body

قهرمـان الـن پـو مـوش هـا را روی بـدن بـی حـال شـده در حال دویدن دید .

قهرمـان پـو موش‌هـا را تماشـا می‌کـرد کـه در بـدن بی‌حـال او می‌دویدند

The jockey received a lethal kick from the fractious horse

سوارکار از اسبش ضربه‌ای مهلک خورد.

جوکی یک لگد مرگبار از اسب شکست خورده دریافت کرد

A quarrel was precipitated among the relatives after they heard the terms of the reprehensible will

پـــس از اینکـــه اقـــوام، مفـــاد وصـــیت نامـــه شـــرم آور را شنیدند دعوا بینشان رخ داد .

پـــس از شـــنیدن مفـــاد وصـــیت مـــذموم بـــین بســـتگان نـــزاع ایجاد شد

The laconic clint eastwood was a stereotype of the strong, silent western hero

کلینت است ایواد کم حرف، الگوی قهرمان قوی و ساکت غربی است.

کلینت ایستوود لاکونیک کلیشه ای از قهرمان قوی و بی صدا وسترن بود.

The director was ousted from his sinecure when he angered the mayor

مـــدیر وقتـــی شـــهردار را عصـــبانی کـــرد، از شـــغل تشریفاتی خود عزل شد .

زمـــانی کـــه مـــدیری باعـــث عصـــبانیت شـــهردار شـــد، از حالت تهوع خود کنار گذاشته شد

In his customary stentorian tones, the sergeant reprimanded those who thought the army was a haven for incompetents

گروهبان با صدای بلند همیشگی خود کسانی را که فکر می‌کردند ارتش پناهگاهی برای بی کفایت ها است را مورد مواخذه قرار داد .

گروهبان با لحن متداول خود، کسانی را که فکر می‌کردند ارتش بهشتی برای نااهلان است، توبیخ کرد.

The word “surrender” is anathema to people of valor

کلمه "تسلیم شدن" مایه نفرت مردم با شجاعت است.

کلمه «تسلیم» برای افراد دلاور کفر است

A viable peace was brought about as a result of the diplomat’s singular contribution

صـــلحی عملـــی در نتیجـــه تـــلاش فوق‌العـــاده دیپلمـــات بـــه دست آمد .

یـک صـلح قابـل دوام در نتیجـه مشـارکت منحصـر بـه فـرد دیپلمات ایجاد شد

The bigot’s bias precipitated a fistfight

تعصب فرد متحجر، باعث وقوع دعوای مشت زنی شد.

تعصب متعصب منجر به درگیری با مشت شد

Proceeding on the premise that the broker was guilty of complicity in the swindle, the detective followed him surreptitiously

کارگـــاه بـــا فـــرض اینکـــه دلال، مـــتهم بـــه تبـــانی در کلاهبرداری است او را مخفیانه تعقیب می کرد .

کارآگـــاه بـــا ایـــن فـــرض کـــه دلال بـــه جـــرم همدســـتی در کلاهبـــرداری مـــتهم اســـت، بـــه طـــور مخفیانـــه او را تعقیـــب کرد.

After the liquidation of the gang leader, a mammoth conflict arose among his ambitious lieutenants who aspired to be boss

پس از کشتن رهبر باند، درگیری عظیمی در میان نایبان جاه‌طلب است که هوای ریاست در سر خود داشتند، در گرفت .

پس از انحلال رهبر باند، درگیری بزرگی بین ستوان های جاه طلب او که آرزوی رئیس شدن داشتند به وجود آمد.

Once the incontrovertible evidence was offered, the servant was held culpable in the theft of the jewels

وقتـــی شـــواهد مســـلم ارائـــه گردیـــد، خـــدمتکار در دزدی جواهرات مقصر شناخته شد.

پـــس از ارائـــه شـــواهد غیرقابـــل انکـــار، خـــدمتکار در سرقت جواهرات مقصر شناخته شد.

When the clergyman refused to recant , his superiors were so nettled that they relegated him to an isolated parish in alaska

وقتی که کشیش عقاید خود را پس نگرفت ،مافوق هایش آنقدر عصبانی شدند که او را به بخش دور افتاده ای در آلاسکا منتسب کردند .

زمانی که روحانی از انصراف خودداری کرد، مافوق‌هایش چنان بی‌قرار بودند که او را به محلی منزوی در آلاسکا فرستادند.

Although he was judged as a minor accomplice , the driver had actually played an integral part in planning the crime

هرچند راننده به عنوان هم دست دوم شناخته شد ولی حقیقتاً نقش مهمی در طراحی جنایت داشت.

اگرچه او به عنوان یک همدست کوچک قضاوت شد، اما راننده در واقع نقش مهمی در طراحی جنایت داشته است.

The manager was distraught when he realized that the slugger’s sickness would preclude a world series victory

مـدیر وقتـی متوجـه شـد کـه بیمـاری مشـت زن مـانع از پیروزی در رده های جهانی می‌شود عصبانی شد .

مـدیر وقتـی متوجـه شـد کـه بیمـاری تنبـل مـانع از پیـروزی یک سری جهانی می شود، ناراحت شد.

It is symptomatic of some newspapers that an alleged criminal is regarded in print as guilty

نشـانه بعضـی روزنامـه‌ها آن اسـت کـه یـک تبهکـار مـتهم را هنگام چاپ شان، مقصر به حساب می آورند .

نشـانه برخـی از روزنامـه هـا ایـن اسـت کـه یـک مجـرم در چاپ به عنوان مجرم شناخته می شود

The wealthy uncle decided to abrogate his inane nephew’s sinecure

عمـــوی ثروتمنـــد تصـــمیم گرفـــت شـــغل تشـــریفاتی برادرزاده احمق را لغو کند.

عمـــوی ثروتمنـــد تصـــمیم گرفـــت ســـینوکور بـــرادرزاده بی‌حساب خود را لغو کند

The general was sure to invalidate the court-martial's decision once he learned of the flagrant bias of the presiding officer

ژنـرال هنگـامی کـه از تعصـب فـاحش رئـیس جلسـه آگـاه شـد اطمینـان داشـت کـه تصـمیم دادگـاه نظـامی را باطـل اعلام می کند .

ژنـرال پـس از اطـلاع از سـوگیری آشـکار افسـر رئـیس، مطمئناً تصمیم دادگاه نظامی را باطل می کند.

Once the druggist had been duped into opening the store, the addict gained access to the pep pills

وقتی که داروساز گول خورد و مغازه را باز کرد، آن معتاد به قرص های نشاط آور دسترسی پیدا کرد.

زمانی که داروفروش فریب خورد و مغازه را باز کرد، معتاد به قرص های پپ دسترسی پیدا کرد.

Collectors avidly sought the rare coin for its extrinsic value

کلکسیونرها مشتاقانه به دنبال آن سکه نایابی بودند که ارزش خارجی داشت .

مجموعه داران مشتاقانه به دنبال سکه کمیاب به دلیل ارزش بیرونی آن بودند

If we persevere , we can overcome many of our inhibitions

اگـــر اســـتقامت نشـــان دهـــیم می‌تـــوانیم بـــر تمـــام محدودیت‌های خود فائق آییم .

اگــر اســتقامت داشــته باشــیم، مــی تــوانیم بــر بســیاری از بازدارندگی های خود غلبه کنیم

The battle of midway was a landmark victory in the u.s. Campaign for ultimate victory over the japanese in world war ii

جنـــگ میـــدوی نقطـــه عطفـــی بـــرای عملیـــات هـــای ایـــالات متحـــده بـــود تـــا بـــه پیـــروزی نهـــایی در مقابـــل ژاپـــن دســـت یابد.

نبـــرد میـــدوی یـــک پیـــروزی برجســـته در ایـــالات متحـــده بـــود. کمپـــین پیـــروزی نهـــایی بـــر ژاپنـــی هـــا در جنـــگ جهانی دوم

I knew that my father would declaim against mother’s choice of ostentatious fabrics

میدانستم که پدرم انتخاب پارچه های پر زرق و برق مادرم را به باد انتقاد می گیرد .

می‌دانستم که پدرم در برابر انتخاب پارچه‌های متظاهر مادر مخالفت خواهد کرد

The senator inveighed against the policy because he felt it would fetter our air force

سناتور از آن سیاست شدیداً انتقاد کرد چرا که حس می کرد نیروی هوایی ما را محدود می کند.

سناتور علیه این سیاست دعوا کرد زیرا احساس می کرد که این سیاست نیروی هوایی ما را محدود می کند

In the desert,nomadic tribes wander back and forth, enduring much privation

قبایـــل چادرنشـــین در بیابـــان ســـرگردان هســـتند و محرومیت زیادی را تحمل می کنند .

در صـحرا، قبایـل عشـایری بـه ایـن سـو و آن سـو پرسـه می زنند و محرومیت زیادی را تحمل می کنند

The town planners looked upon their utopia as a paragon for other communities

طراحان شهر به آرمان شهرشان به عنوان یک الگو برای سایر جوامع نگاه می کنند .

برنامه ریزان شهر به آرمان شهر خود به عنوان نمونه ای برای جوامع دیگر نگاه می کردند

Some school principals attempt to repress the publication of controversial editorials

عـــده‌ای از مـــدیران مـــدارس ســـعی کردنـــد نشـــر مقـــالات بحث‌برانگیز را سرکوب کنند.

برخـــی از مـــدیران مـــدارس تـــلاش مـــی کننـــد تـــا انتشـــار سرمقاله های جنجالی را سرکوب کنند

We were amazed at the display of asperity from our normally phlegmatic*neighbor.

ما از دیدن بداخلاقی همسایه غالباً بی حالمان تعجب کردیم .

ما از نمایش هوسبازی همسایه*ای که معمولاً بلغمی بودیم شگفت زده شدیم.

A bitter quarrel was precipitated when both politicians hurled vile epithets at each other

وقتی دو سیاستمدار با داد و فریاد القاب زشتی را به یکدیگر نسبت می‌دهند و دعوای تلخی در گرفت.

زمانی که هر دو سیاستمدار القاب‌های زشتی را به یکدیگر پرتاب کردند، نزاع تلخی آغاز شد.

Sherlock holmes took a cursory glance at the cryptic message and decoded it instantly

شـــرلوک هـولمز نگـاهی سرسـری بـه پیـام رمـزی کـرد و فوراً آن را رمز گشایی کرد .

شـــرلوک هلمـز نگـاهی گـذرا بـه پیـام مرمـوز انـداخت و بلافاصله آن را رمزگشایی کرد.

The forest was replete with the kind of wildlife that is indigenous to africa

آن جنگـل پـر از گونـه هـای حیـات وحـش اسـت کـه بـومی آفریقا میباشند .

جنگـل مملـو از نـوع حیـات وحشـی بـود کـه بـومی آفریقـا است

Electric eyes, watchdogs, and other nuances were there to keep out an interloper

چشم های الکتریکی، سگ های نگهبان و دیگر ابزارهای حساس برای جلوگیری از ورود شخص مزاحم به کار رفته اند.

چشم‌های برقی، سگ‌های نگهبان، و دیگر نکات ظریف وجود داشتند تا از مداخله‌گر جلوگیری کنند

The alcoholic was found supine in his favorite habitat—ryan’s bar

معتـــاد الکلـــی در زیســـتگاه موردعلاقـــه اش یعنـــی مشـــروب فروشی "رایان"تاقباز پیدا کردند .

مـــرد الکلـــی در محـــل زنـــدگی مـــورد علاقـــه‌اش، یعنـــی بـــار رایان، دراز کشیده پیدا شد

At the party, the gregarious hostess scurried from group to group, making friends and influencing people

در مهمانی، میزبان خوش مشرب به سرعت از یک گروه به گروه دیگر حرکت می‌کرد و با همه دوست می شد و افراد را تحت تاثیر قرار می‌داد.

در مهمانی، مهماندار گروهی از گروهی به گروه دیگر می چرخید، دوست پیدا می کرد و بر مردم تأثیر می گذاشت.

The usually prolific novelist was frustrated by her failure to come up with a good plot

رمـــان نـــویس معمـــولاً فعـــال بـــه خـــاطر شکســـت خـــود در ارائه طرحی خوب ناامید شد .

رمـــان نـــویس معمـــولاً پرکـــار از ناکـــامی اش در ارائـــه یـــک طرح خوب ناامید شده بود

Len, the gregarious twin, was the antithesis of lon, the reticent one

لن"قل اجتماعی نقطه مقابل "لون"قل ساکت بود .

لــن، همــزاد اجتمــاعی، نقطــه‌ی مقابــل lon بــود، یکــی متکبر

The typist shook off the fetters of her sedentary life and joined a mountain climbing expedition

ماشین نویس قید و بندهای زندگی کم تحرک خود را درهم شکست و به یک گروه کوهنوردی ملحق شد.

تایپیست بند زندگی کم تحرک خود را کنار زد و به یک سفر کوهنوردی پیوست

Frugal shoppers occasionally badger supermarket managers for bargains

گـــاهی خریـــداران صـــرفه‌جو مـــدیران ســـوپرمارکت را بـــا چانه زدن اذیت می کنند .

خریـــداران مقتصـــد گهگـــاه مـــدیران ســـوپرمارکت را بـــرای چانه زنی می کنند

Some feel that the united states should be a bulwark to the inchoate democracies around the world

بعضی افراد احساس می‌کنند که آمریکا بایستی ما حافظ و نگهبان حکومت‌های مردمی تازه شکل گرفته در سراسر جهان باشد.

برخی بر این باورند که ایالات متحده باید سنگری برای دموکراسی های نامطلوب در سراسر جهان باشد

Through a fortuitous remark, the cache of the art thieves was discovered

با یک گفته شانسی ،مخفیگاه دزدان هنر کشف شد .

با اظهارات اتفاقی، مخفیگاه سارقان آثار هنری کشف شد

We warned him that his reprehensible* cupidity would eventuate* in a loss of all his friends.

مـــا بـــه او هشـــدار دادیـــم کـــه مـــال انـــدوزی نکوهیـــده اش منجر به از دست دادن همه دوستانش می شود .

مـــا بـــه او هشـــدار دادیـــم کـــه رفتـــار ســـرزنش‌انگیز او منجـــر به از دست دادن همه دوستانش می‌شود.

The doctor suggested an ineffectual treatment for indigestion.

دکتـر یـک درمـان بـی اثـر را بـرای سـوء هاضـمه پیشـنهاد کرد.

دکتـر یـک درمـان بـی اثـر را بـرای سـوء هاضـمه پیشـنهاد کرد.

A coterie of bridge players made our clubroom their permanent habitat

گروهی از بازیکنان "بریج" باشگاه ما را محل سکونت دائم شان ساختند .

گروهی از بازیکنان بریج، باشگاه ما را به زیستگاه دائمی خود تبدیل کردند

Everytime the irate motorist told about the accident he had a tendency to embellish the story

هـر وقـت رانـنـده خشـمگین در مـورد تصـادف حـرف میزد تمایل داشت که داستان را آب و تاب بدهد.

هـر بـار کـه رانـنـده خشـمگین از تصـادف مـی گفـت، تمایـل داشت داستان را زیبا کند

A landmark in the history of amorous drama is romeo and juliet

یکـــی از نمونـــه هـــای تـــاریخی درام عاشـــقانه"رومئو و ژولیت" است.

نقطـــه عطفـــی در تـــاریخ درام عاشـــقانه رومئـــو و ژولیـــت است

The eminent artist, famous for his virtuosity , was admired by classicists and beatniks alike

کلاس سیت ها و بینگ ها هنرمند برجسته را به خاطر مهارتش تحسین کردند.

این هنرمند برجسته که به خاطر مهارتش مشهور بود، مورد تحسین کلاسیک نویسان و بیت نیک ها قرار گرفت.

The bantu chief and all his progeny were noted for their valor

رئـیس قبیلـه بـانتو و همـه فرزنـدانش بـه خـاطر شـجاعت شان معروف بودند.

رئـیس بـانتو و تمـام فرزنـدانش بـه خـاطر شجاعتشـان مورد توجه بودند

For having the temerity to declaim against the majority leader, the freshman senator was given the worst committee assignments

چون سناتور جدید گستاخی را به آنجا رساند که رهبر اکثریت را به باد انتقاد گرفت به او سخت‌ترین وظایف کمیته داده شد.

سناتور سال اول بدلیل داشتن جرات و جسارت علیه رهبر اکثریت، بدترین وظایف کمیته را دریافت کرد.

Television in the new century was saturated with the rebirth of the old quiz shows

تلویزیون در قرن جدید از احیای مجدد مسابقات تلویزیونی قدیمی پر شده.

تلویزیون در قرن جدید با تولد دوباره نمایش های مسابقه قدیمی اشباع شده بود

Because the inspector had given only cursory attention to the reports, i surmised that his conclusion would be Fallacious

چون بازرس تنها توجه سرسری به گزارش‌ها کرده بود گمان کردم نتیجه گیری اش نادرست خواهد بود.

از آنجایی که بازرس فقط به گزارش ها توجه کرده بود، من حدس زدم که نتیجه گیری او اشتباه باشد.

Johnny cochrane, the famous and controversial lawyer, gave consummate attention to the preparation of every case.

جـــانی کـــوچران وکیـــل معـــروف و بحـــث‌برانگیز توجـــه بی‌عیب و نقصی به آمادگی برای هر پرونده می کرد .

جـــانی کـــاکرین، وکیـــل معـــروف و جنجـــالی، توجـــه کـــاملی به تهیه هر پرونده داشت.

It was necessary for the interloper to concoct a convincing story in order to gain access to the exhibit

لازم بـود کـه فـرد مـزاحم داسـتانی متقاعدکننـده سـر هـم کند تا بتواند به نمایش برسد.

لازم بـود مداخلـه گـر داسـتان قـانع کننـده ای را سـر هم کنـد تا بتواند به نمایشگاه دسترسی پیدا کند

In order to perpetrate the swindle, the jaunty confidence man adopted an amorous approach toward the wealthy widow

مـــرد آرام و مغـــرور بـــرای اینکـــه از بیـــوه زن ثروتمنـــد کلاهبـــرداری کنـــد رویکـــردی عاشـــقانه در برابـــر وی در پیش گرفت .

بـــرای انجـــام ایـــن کلاهبـــرداری، مـــرد بـــا اعتمـــاد بـــه نفـــس شـــاداب رویکـــردی عاشـــقانه نســـبت بـــه بیـــوه ثروتمنـــد اتخـــاذ کرد.

The experienced teacher realized that ricky’s stomachache was merely a subterfuge to keep him from taking the french test

معلـم کـارآزموده فهمیـد کـه دل درد "ریکـی" کـه صـرفاً ترفند بود تا او را از امتحان فرانسه نجات دهد.

معلـم باتجربـه متوجـه شـد کـه معـده درد ریکـی صـرفاً یـک مزاحمـت اسـت تـا او را از شـرکت در آزمـون فرانسـه باز دارد.

Burdened by her manifold responsibilities, the young executive was precluded from enjoying her new wealth

مسـئولیت هـای متعـددی کـه بـر دوش مـدیر جـوان افتـاده بود مانع از لذت بردن او از ثروت جدیدش شد.

ایـن مـدیر جـوان کـه زیـر بـار مسـئولیت هـای چندگانـه اش بود، از لذت بردن از ثروت جدیدش منع شد.

Fear permeated the crippled airplane as the passengers realized that their situation was fraught with danger

وقتی مسافران فهمیدند که اوضاع شان پر از خطر است، وحشت هواپیمای از کار افتاده را فراگرفت.

ترس در هواپیمای فلج شده نفوذ کرد زیرا مسافران متوجه شدند که وضعیت آنها مملو از خطر است.

Although basically frugal, his taste in clothing is impeccable

اگرچه اصولاً صرفه جو است اما سلیقه ایشان در لباس بی عیب و نقص می باشد.

اگرچه اساساً مقتصد است، اما سلیقه او در لباس بی عیب و نقص است

The store owner was resourceful enough to run a sale the day after his building had been razed by the flames

صاحب مغازه آنقدر کارآمد بود که حتی تا روز بعد از اینکه ساختمان از شعله های آتش به کلی ویران شده بود، باز هم به فروش ادامه داد .

صاحب فروشگاه به اندازه کافی مدبر بود که یک روز پس از تخریب ساختمانش توسط شعله های آتش، فروش خود را اجرا کرد

Florence nightingale was a paragon of mercy in her assiduous care for the wounded soldiers

فلـورانس نایتینگـل" بـه خـاطر توجـه پیگیرانـه خـود بـه سربازان زخمی، مظهر مهربانی بود.

فلـورانس بلبـل در مراقبـت سـخت خـود از سـربازان مجروح مظهر رحمت بود

The practical joker had the temerity to perpetrate a hoax upon the dean of boys

آدم کلک این جسارت را داشت تا به سرپرست پسر ها حقه بزند.

جوکر عملی جرأت و جسارت این را داشت که رئیس پسران را فریب دهد

A good motion picture producer should be skilled in all the manifold components of film-making

یـــک فیلمســـاز خـــوب بایـــد در تمـــام بخش‌هـــای گونـــاگون فیلمسازی ماهر باشد.

یـــک تهیـــه کننـــده خـــوب فـــیلم ســـینمایی بایـــد در تمـــام مولفـــه های مختلف فیلمسازی مهارت داشته باشد

After wandering through the labyrinth , the young hero came face to face with the dragon who was indigenous* to the caves

قهرمـــان جـــوان پـــس از ســـرگردانی در هـــزار چـــم بـــا اژدهایی روبرو شد که بومی غارها بود.

پـــس از ســـرگردانی در لابیرنـــت، قهرمـــان جـــوان بـــا اژدهایی که بومی* بود به غارها روبه رو شد.

When i asked the english teacher to evaluate my plan for the term paper,her incisive comments were very helpful

وقتی از معلم انگلیسی خواستم طرحم را برای امتحان نهایی ارزیابی کند ، نظرات سریع و روشن او بسیار مفید بود.

وقتی از معلم انگلیسی خواستم که طرح من را برای دوره ترم ارزیابی کند، نظرات دقیق او بسیار مفید بود

The murky quality of the artist’s latest painting is the antithesis of her former style

سبک گنگ آمیز آخرین نقاشی هنرمند، بر عکس سبک سابق اوست.

کیفیت مبهم جدیدترین نقاشی این هنرمند در تضاد با سبک قبلی او است

Explaining that the bookkeeper was merely a gullible dupe, the judge freed him from complicity in the crime

قاضی با این توضیح که حسابدار صرفا یک ساده لوح و زود باور بوده است او را از همدستی در جرم و در جرم تبرئه کرد .

قاضی با توضیح اینکه حسابدار صرفاً یک فریبکار ساده لوح بود، او را از شراکت در جرم آزاد کرد.

As the audience watched the master deploy his chess pieces, they applauded his virtuosity

تماشـــاچیان وقتـــی چیـــدن مهـــره هـــای شـــطرنج اســـتاد را دیدند، مهارت او را تشویق کردند .

در حـــالی کـــه حضـــار شـــاهد اجـــرای مهـــره هـــای شـــطرنج استاد بودند، مهارت او را تشویق کردند

An expert was summoned to attest to the authenticity of the rembrandts found in the nazi cache of stolen masterpieces

کارشناسی را فرا خواندند تا صحت تابلوهای "رامبرند" موجود در مخفیگاه شاهکارهای دزدیده شده توسط نازی‌ها را تصدیق کند.

یک کارشناس احضار شد تا صحت رامبراندهای کشف شده در مخفیگاه شاهکارهای دزدیده شده توسط نازی ها را تأیید کند.

When osama bin laden was killed, our public had reason to exult

وقتی نمرات هیئت مدیره دانشکده اعلام شد، خواهرم دلیل خوبی برای خوشحالی کردن داشت .

وقتی اسامه بن لادن کشته شد، مردم ما دلیلی برای خوشحالی داشتند

I could not solve the enigma of why an altruistic person should exhibit such cupidity

نمی توانم این معما را حل کنم که چرا شخص نوعدوست باید چنین حرص مال اندوزی از خود نشان دهد.

نمی‌توانستم معما را حل کنم که چرا یک فرد نوع‌دوست باید چنین رفتاری از خود نشان دهد

His innate cunning allowed him to see through the spy’s subterfuge

زیرکی خدادادی ایشان این امکان را به او می داد که متوجه حیله ی جاسوس شود .

حیله گری ذاتی او به او این امکان را می داد که از طریق دغل کاری جاسوس ببیند

The divers made an abortive attempt to rescue the dog from the murky waters

غواصـــان بـــرای نجـــات ســـگ از آبهـــای گـــل آلـــود تلاشـــی بی ثمر به خرج دادند .

غواصـــان بـــرای نجـــات ســـگ از آب هـــای تیـــره تـــلاش کردند

Because phil refused to modify his philosophy, the directors were forced to invalidate his appointment.

چـون "فیـل" از تغییـر نگـرش اجتنـاب ورزیـد، مـدیران مجبور شدند انتصاب او را باطل سازند.

از آنجـا کـه فیـل از اصـلاح فلسـفه خـود امتنـاع کـرد، مدیران مجبور شدند انتصاب او را باطل کنند.

My english teacher admonished me: “i realize that the speech was to be spontaneous ,but it was not supposed to be incoherent or fraught with fallacious statements

معلم انگلیسی مرا نصیحت کرد و گفت من میفهمم که سخنرانی باید طبیعی باشد اما قرار نیست که بی ربط یا پر از عبارت های سفشطه آمیز باشد .

معلم انگلیسی من به من توصیه کرد: "من متوجه شدم که سخنرانی باید خودجوش باشد، اما قرار نبود نامنسجم یا مملو از اظهارات نادرست باشد.

A quarrel was precipitated when the dietician refused to accommodate the patient’s special needs

وقتی متخصص تغذیه از تطابق نیازهای خواسته بیمار امتناع کرد ،درگیری بیشتر شد.

هنگامی که متخصص تغذیه از برآوردن نیازهای خاص بیمار خودداری کرد، نزاع ایجاد شد.

Why did silas marner crave wealth and practice cupidity?

چرا "سلایس مارنر" خواهان ثروت بود و حرص می ورزید .

چرا سیلاس مارنر میل به ثروت داشت و هوسبازی می کرد؟

Once the hoax had been concocted, a myriad of problems arose

وقتی حقه طرحریزی شد هزاران مشکل پدید آمد .

هنگامی که این فریب ساخته شد، مشکلات بی شماری به وجود آمد

The defendant was alleged to have been an army deserter, but the judge said that was irrelevant to the case

مـدعی علیـه مـتهم بـه سـرباز فـراری شـد امـا قاضـی گفـت که این به پرونده ربطی ندارد.

گفتـه می‌شـود کـه مـتهم فـراری ارتـش بـوده اسـت، امـا قاضی گفت که این موضوع به پرونده بی‌ربط است.

By embellishing her work with urbane humor, the sophisticated playwright succeeded on broadway

نمایشنامه نویس خبره با آرایش کارش به شوخطبعی مودبانه در "برادوی" موفق شد .

نمایشنامه نویس پیچیده با تزیین آثار خود با طنز شهری، در برادوی موفق شد

The lieutenant confessed to a veneer of ignorance in order to properly evaluate his corporal’s resourcefulness

ســتوان بــرای ارزیــابی مناســب از درایــت ســرجوخه اش، به سرپوشی از بی‌توجهی اعتراف کرد.

ســتوان بــرای ارزیــابی درســتی از تیزهوشــی ســرجوخه خود به جهل خود اعتراف کرد.

Whom do you deem to be the bulwark of the republican party?

فکـر مـی کنیـد چـه کسـی حـامی حـزب جمهـوری خـواه باشد؟ .

به نظر شما سنگر حزب جمهوری چه کسی است؟

The firemen did not have to cajole the enthusiastic buff into helping them extinguish the blaze

مـــاموران آتـــش نشـــانی نمـــی بایســـت طرفـــداران مشـــتاق را وادار به کمک در خاموش کردن آتش کنند .

آتش‌نشـــــانان مجبـــــور نبودنـــــد گاومیش‌هـــــای مشـــــتاق را تشـــویق کننـــد تـــا بـــه آنهـــا در خـــاموش کـــردن آتـــش کمـــک کنند.

When the intercity competition began, our team was supposed to romp over our hapless rivals

وقتی رقابت بین شهری شروع شد، قرار بود که تیم ما علیه حریفان بیچاره بازی کند.

وقتی مسابقات بین شهری شروع شد، قرار بود تیم ما بر رقبای بدبخت ما بغلتد

At the age of 42, the artist first became cognizant of his latent genius

هنرمند در سن ۴۲ سالگی برای نخستین بار از نبوغ ذاتی خود آگاه شد .

این هنرمند در سن ۴۲ سالگی برای اولین بار به نبوغ نهفته خود پی برد

Certain mice have an inherent alertness that enables them to conquer the researchers’ labyrinths

بعضی از موش ها آگاهی فطری دارند که آن‌ها را توانا می‌سازد بر مخمصه های محققان فائق آیند.

برخی از موش‌ها هوشیاری ذاتی دارند که آنها را قادر می‌سازد تا هزارتوهای محققان را تسخیر کنند.

The other drivers were nettled about the ease with which our car ascended the tortuous road

بقیه رانندگان از اینکه ماشین مان از جاده های پر پیچ و خم به راحتی بالا رفت عصبانی شدند.

رانندگان دیگر در مورد سهولت بالا رفتن ماشین ما از جاده پر پیچ و خم نگران بودند

Arguments over money have often led to conjugal havoc

بحث‌های راجع به پول اغلب منجر به ازهم پاشیدگی روابط زناشویی شده اند .

مشاجره بر سر پول اغلب به ویرانی زناشویی منجر شده است

The sedentary twin was content to follow his brother’s peregrination on a map

قـل کـم تحـرک راضـی بـود کـه سـفر بـرادرش را روی نقشه دنبال کند.

دوقلـوی کـم تحـرک راضـی بـود کـه مـاجرای هولنـاکی برادرش را روی نقشه دنبال کند

Signs were posted in the lobby to prevent itinerant beggars and others of that ilk from entering

در تـــالار ورودی علایمـــی نصـــب شـــده انـــد تـــا از ورود فقـــرای دوره گـــرد و افـــرادی دیگـــری از ایـــن دســـت جلوگیری شود.

تابلوهـــایی در لابـــی نصـــب شـــده بـــود تـــا از ورود گـــدایان دوره گرد و افراد مشابه جلوگیری شود.

The warmth of mr. Smythe’s greeting each morning may be construed as an excellent barometer of his health

احوالپرسی گرم هر صبح آقای "اسمیت" را می توان به عنوان نشانه عالی سلامتی ایشان تعبیر کرد.

گرمای آقا احوالپرسی هر روز صبح اسمیت ممکن است به عنوان یک فشارسنج عالی برای سلامتی او تعبیر شود

With a singular disregard for his family, the profligate husband spent his salary on alcohol

شوهر اسراف کار با بی‌توجهی خاصی نسبت به خانواده اش، حقوق خود را صرف الکل می کرد.

شوهر ولخرج با بی اعتنایی به خانواده، حقوق خود را خرج مشروبات الکلی کرد

Each spouse said that the other was culpable for their conjugal strife

هـر یـک از زوجـه مـی گفـت کـه دیگـری در دعـوای زناشویی شان مقصر بوده.

هـر یـک از زوجـین می‌گفتنـد کـه دیگـری بـه خـاطر اختلافات زناشویی مقصر است

The number of my followers is legion ,” said the flamboyant politician

سیاســتمدار پــر زرق و بــرق گفــت" تعــداد پیــروان مــن بسیار زیاد است".

ایــن سیاســتمدار پــر زرق و بــرق گفــت: تعــداد پیــروان مــن لژیون است

The necessity for executing the leaders of the abortive coup was obviated when they committed suicide

لـزوم اعـدام رهبـران کودتـای نافرجـام زمـانی بـر طـرف شد که آنها دست به خودکشی زدند.

ضـرورت اعـدام رهبـران کودتـای نافرجـام بـا خودکشـی از بین رفت.

Hitler’s megalomania was a veneer for his insecurity and feelings of inferiority

جنـــون خـــودبزرگ‌بینی هیتلـــر سرپوشـــی بـــرای احســـاس ناامنی و حقارتش بود.

مگالومانیـــا هیتلـــر نشـــانه ای بـــرای نـــاامنی و احســـاس حقارت او بود.

The publisher’s mendacious claims led to a myriad of law suits

ادعاهای بی اساس ناشر به هزاران دادخواست قانونی منجر شد .

ادعاهای دروغین ناشر منجر به شکایت های حقوقی بی شماری شد

When the jury began to deliberate, they were prepared to exonerate the culprit

وقتی هیئت منصفه تأمل کرد، آنها آماده شدند که متهم را تبرئه کنند .

هنگامی که هیئت منصفه شروع به مشورت کردند، آنها آماده بودند تا مجرم را تبرئه کنند

The itinerant poet, living abroad for twenty years, was a voluntary expatriate

شـاعر آواره کـه بیسـت سـال در خـارج زنـدگی کـرده بـود، مهاجری داوطلب بود .

شـــاعر دوره گـــرد کـــه بیســـت ســـال در خـــارج از کشـــور زندگی می کرد، یک مهاجر داوطلبانه بود

One cannot govern by fiat , the sedentary mayor quickly learned; it is necessary to get out and meet the citizens if you want their cooperation

شـــهردار خانـــه نشـین بـــه ســـرعت فهمیـد کـــه نمـــی تـــوان بـــا حکـم حکومـت کـرد و اگـر خواهـان همکـاری و مشـارکت شـــهروندان هســتید بایـد بـــه بیـــرون بـــروی و بـــا آنهـــا دیـــدار کنـی .

شـــهردار کـم تحـرک بـــه ســـرعت فهمیـد کـــه نمـــی تـــوان بـــا فیـــات حکومـت کـرد. اگـر خواسـتار همکـاری شـــهروندان هستید، باید بیرون بروید و با آنها ملاقات کنید

We recognized the dictator’s amnesty as an obvious feint that would be withdrawn after christmas

ما بخشش عمومی دیکتاتور را به عنوان تظاهری آشکار تلقی کردیم که پس از کریسمس پس گرفته می شد.

ما عفو دیکتاتور را به عنوان یک ادعای آشکار که پس از کریسمس لغو می شود، تشخیص دادیم

I plan to dismantle the stereo set and clean all the components

قصـــد دارم دســـتگاه اســـتریو را بـــاز کـــرده و تمـــام اجـــزای آن را تمیز کنم .

مـــن قصـــد دارم مجموعـــه اســـتریو را از بـــین ببـــرم و تمـــام اجزا را تمیز کنم

The sumptuous feast was prepared with impeccable care

ضـیافت مجلـل و پرخـرج بـا دقـت کامـل ترتیـب داده شـده بود .

جشن مجلل با دقت بی عیب و نقصی تهیه شده بود

Unless my boss modifies his parsimonious attitude, a fractious picket line is going to be erected

اگـــر رئیســـم نگـــرش بخـــیلان را اصـــلاح نکنـــد، صـــفی از پیش قراولان کج خلق به وجود خواهد آمد.

تـــا زمـــانی کـــه رئـــیس مـــن نگـــرش پرهیزگارانـــه خـــود را اصلاح نکند، یک تظاهرات متزلزل ایجاد خواهد شد.

Clarence day deemed that pecuniary matters are best handled by men

کلــرانس دی" معتقــد بــود کــه مــردان مســائل مــالی را بــه بهترین نحو رسیدگی می کنند .

کلارنــس دی معتقـد بـود کـه مسـائل مـالی بـه بهتـرین وجـه توسط مردان انجام می شود

When our rivals agreed to underwrite the cost of our trip, a myriad of suspicions began to form in my mind

وقتی رقبای ما پذیرفتند که هزینه سفر ما را تقبل کنند، هزاران شک و تردید در ذهنم شکل گرفت.

وقتی رقبای ما موافقت کردند که هزینه سفر ما را بپذیرند، شبهات بی شماری در ذهن من شکل گرفت.

The rebel’s innate hatred of restrictive decrees led him to crave freedom all the more

تنفـــر ذاتـــی آدمـــی یـــاغی از فرمـــان هـــای دســـت و پـــاگیر باعث شد که هرچه بیشتر آرزوی آزادی کند .

نفـــرت ذاتـــی شورشـــیان از احکـــام محدودکننـــده او را بـــیش از پیش به آرزوی آزادی سوق داد

A string of caustic epithets was directed at the recruit by his blunt sergeant

گروهبان رک صفات تندی را به سرباز جدید خود نسبت داد .

یک رشته القاب سوزاننده توسط گروهبان صریح او به سمت سرباز جذب شد

Although the former farm girl pretended to be urbane, a feeling of nostalgia always came over her when she heard country music

دختر سابقاً روستایی اگرچه تظاهر به مودب بودن می کرد، اما همیشه وقتی موسیقی روستایی را می شنید و احساس غریبی بر او چیره می شد.

اگرچه دختر مزرعه دار سابق وانمود می کرد که شهرنشین است، اما همیشه با شنیدن موسیقی کانتری احساس نوستالژی در او ایجاد می شد.

Criticism of the author was rife among the coterie of intellectuals who used to praise him

در محفل دانشمندانی که همیشه مولف را ستایش می کردند انتقاد از او متداول بود .

انتقاد از نویسنده در میان اقشار روشنفکرانی که او را ستایش می کردند بسیار زیاد بود

Because the contract offer was a nebulous one, the union leaders balked at it

چـــون پیشـــنهاد قـــرارداد مـــبهم بـــود، رهبـــران اتحادیـــه از قبول آن امتناع ورزیدند .

از آنجـــا کـــه پیشـــنهاد قـــرارداد یـــک پیشـــنهاد مـــبهم بـــود، رهبران اتحادیه از آن خودداری کردند

When the grand jury refused to indict him, the mobster was exonerated

هنگـــامی کـــه هیئـــت منصـــفه عـــالی از اعـــلام جـــرم علیـــه تبهکار امتناع ورزید او تبرئه شد.

هنگـــامی کـــه هیئـــت منصـــفه از مـــتهم کـــردن او امتنـــاع کرد، اوباش تبرئه شد

Every time his accountant called with pesky pecuniary problems, ben was very blunt with him

هرزمـــان حســـابدار "بن" بـــه خـــاطر مشـــکلات مـــالی آزار دهنده با او کاملاً رک بود .

هـر بـار کـه حسـابدارش بـا مشـکلات مـالی مـزاحم تمـاس می گرفت، بن با او بسیار صریح بود

The columnist was ordered to recant her derogatory statements

به مقاله نویس دستور داده شد که اظهارات توهین آمیزش را تکذیب کند.

به ستون نویس دستور داده شد که از اظهارات تحقیرآمیز خود صرف نظر کند

While the palace guards were in repose , the rebels’ coup began in earnest

زمـانی کـه محافظـان کـاخ در اسـتراحت بودنـد شورشـیان با جدیت تمام کودتایی را آغاز کردند .

در حـالی کـه نگهبانـان کـاخ در آرامـش بودنـد، کودتـای شورشیان به طور جدی آغاز شد

Coach fischer issued a fiat that required that his players be abstemious

مربی حکمی صادر کرد که بر طبق آن بازیکنانش بایستی میان رو می بودند .

مربی فیشر حکمی صادر کرد که بر اساس آن بازیکنانش باید پرهیز کنند

The redolent scent that came from the bakery created in eloise a sense of nostalgia for her grandmother’s bread

بـوی خـوبی کـه از نـانوایی می‌آمـد در "الـویس" حسـرت نان‌های مادربزرگش را پدید آورد .

عطـر دل انگیـزی کـه از نـانوایی مـی آمـد حـس نوسـتالژی را برای نان مادربزرگ ایجاد می کرد.

Omnivorous eaters find the dietary laws in some hotels to be too restrictive

در بعضی از هتل ها قوانین مربوط به رژیم غذایی برای افراد همه چیز خوار بسیار محدود کننده می باشد .

همه چیزخواران قوانین رژیم غذایی در برخی هتل ها را بسیار محدود کننده می دانند

Regardless of how disparate their crimes were, all the prisoners were freed by the general amnesty

همه زندانیان صرفنظر از تفاوت جرم هایشان، با عفو عمومی آزاد شدند.

صرف نظر از اینکه جنایات آنها چقدر متفاوت بود، همه زندانیان با عفو عمومی آزاد شدند

Hundreds of extant copies of shakespeare’s signature came from the same prolific forger

صـــدها کپـــی بازمانـــده از امضـــای "شکســـپیر" از جـــاعلین پرکار به دست آمد .

صـــدها نســـخه موجـــود از امضـــای شکســـپیر از همـــان جاعل پرکار تهیه شده است.

The vicissitudes of life in the medical corps are not for the squeamish

دشـــواری هـــای زنـــدگی در ســـپاه پزشـــکی مناســـب افـــراد نازک نارنجی نیست.

فـراز و نشـیب هـای زنـدگی در کـادر پزشـکی بـرای افـراد قیچی نیست

We originally planned on a skyscraper but had to settle for a truncated edifice

در ابتدا برای آسمان خراش برنامه ریزی کردیم ولی مجبور شدیم برای ساختمان ناقص مصالحه کنیم .

ما در ابتدا بر روی یک آسمان خراش برنامه ریزی کرده بودیم، اما مجبور بودیم به یک ساختمان کوتاه بسنده کنیم

When he learned that the movie was to be replete with sultry scenes, the cautious banker refused to underwrite its cost

هنگامی که بانکدار هوشیار فهمید که قرار است فیلم ها پر از صحنه های گرم و عاشقانه باشد از تأمین هزینه آن سرباز زد.

وقتی متوجه شد که فیلم قرار است مملو از صحنه های تلخ باشد، بانکدار محتاط از پرداخت هزینه آن خودداری کرد.

She advocated lugubrious music as appropriate background for the funeral scene.

او برای صحنه تشییع جنازه موزیک ماتم زده ای را به عنوان پس زمینه مناسب پسندید .

او از موسیقی مجلل به عنوان زمینه مناسب برای صحنه تشییع جنازه حمایت می کرد.

Although the debater’s rebuttal was puissant , it was totally irrelevant

گرچه دلیل رد فرد مناظره کننده قوی بود ولی کاملا بی ربط بود .

اگرچه رد ابطال مناظره‌کننده سخت بود، اما کاملاً بی‌ربط بود

The plague continued unabated , and the hapless friar john was unable to deliver the note to romeo

طـــاعون هنـــوز بی‌وقفـــه ادامـــه داشـــت و "فرایـــر جـــان" بیچاره نتوانست پیغام را به رمئو برساند .

طـــاعون بـــی وقفـــه ادامـــه پیـــدا کـــرد و بـــرادر جـــان بـــدبخت نتوانست یادداشت را به رومئو برساند.

A good barometer of the reunion's success was the number of maudlin songs that the alumni sang

یکـــی از شـــاخص هـــای خـــوب در موفقیـــت گردهمـــایی تجدیـد دیـدار تعـدادی دانـش آموختگـان بـود کـه آهنگ های سوزناکی سرودند .

یـــک فشارســـنج خـــوب بـــرای موفقیـــت مجـــدد، تعـــداد آهنگ‌های مدلین بود که فارغ‌التحصیلان خواندند.

It was not until the wreckers began to dismantle the old edifice that they discovered its real opulence

وقتـــی خرابکارهـــا شـــروع بـــه تخلیـــه کـــردن ســـاختمان قدیمی کردند به ثروت واقعی آن پی بردند .

تـــا زمـــانی کـــه خرابکـــاران شـــروع بـــه از بـــین بـــردن عمـــارت قـــدیمی کردنـــد کـــه شـــکوه واقعـــی آن را کشـــف کردند.

Uriah heep’s obsequious manner nettled all but the most gullible

رفتـار چاپلوسـانه "یوریـا هیـپ" همـه را رنجانـد جـز سـاده لوح ترین فرد را .

رفتـار وقیحانـه ی اوریـا هیـپ همـه را بـه جـز سـاده لـوح ترین ها را آزار می داد

In order to indoctrinate the captive, his jailers repeatedly reviled capitalism while praising communism

زندان بانان برای تعلیم زندانی، دائماً به نظام سرمایه داری ناسزا می‌گفتند کمونیسم را می ستودند .

زندانبانان او برای تلقین به اسیر، بارها سرمایه داری را دشنام می دادند و در عین حال کمونیسم را می ستودند.

The actress received fulsome compliments from her friends but trenchant

دوســـتان هنرپیشـــه زن از او تعریـــف و تمجیـــد اغـــراق آمیـز مـی کردنـد در حالیکـه منتقـدان اسـت از او انتقـاداتی کوبنده می کردند.

ایـــن بـــازیگر از دوســـتانش تمجیـــدهای شـــدیدی دریافـــت کرد اما شدیداً

The lush stage setting drew applause from the theater buffs

صـــحنه شـــاهانه و مجلـــل، تشـــویق طرفـــداران تئـــاتر را بـــه همراه داشت .

صحنه سرسبز با تشویق تماشاگران تئاتر مواجه شد

In the hospital, the alcoholic had time to ponder over the need to be abstemious

فـرد الکلـی در بیمارسـتان فرصـت داشـت تـا بـه لـزوم مقتصد بودنش فکر کند.

در بیمارسـتان، فـرد الکلـی فرصـت داشـت تـا در مـورد نیاز به پرهیز از خود فکر کند

As the traveler followed the tortuous path up the kentucky mountain, he was sickened by the destitution which he saw

هنگـــامی کـــه مســـافر از مســـیر پـــر پـــیچ و خـــم کوهســـتان "کنتـاکی" بـالا مـی رفـت از فقـری کـه مـی دیـد بیـزار بـود

.

هنگـــامی کـــه مســـافر مســـیر پـــرپیچ و خـــم کـــوه کنتـــاکی را دنبال می کرد، از فقری که می دید بیمار شد.

Through supplication , the fraternity head hoped to end the strife among the members

رئـیس انجمـن اخـوت، امیـدوار بـود بـا زاری و التمـاس، دعوا میان اعضا را به پایان برساند .

بـا التمـاس، رئـیس اخـوان امیـدوار بـود کـه بـه نـزاع بـین اعضا پایان دهد

Rumors of rome’s decadence were rife among the barbarian tribes

در میـــان قبایـــل وحشـــی ،شـــایعاتی دربـــاره زوال "رم"متداول بود.

شایعات انحطاط روم در میان قبایل بربر شایع بود

In a remarkable metamorphosis , her lugubrious mood changed to one of levity

در یک تغییر شکل قابل توجه ی، حالت غم انگیزش به حالت لودگی تغییر یافت .

در یک دگردیسی قابل‌توجه، حال و هوای هوس‌انگیز او به حالتی خوش‌خلق تغییر کرد

Following a lengthy diatribe against mendacity, the priest imposed penance upon the sinner

در پـی انتقـادی تلـخ و طـولانی از دروغگـویی، مجـازاتی علیه گناهکاران اعمال کرد.

کشـیش پـس از سـخن گفـتن طـولانی علیـه دروغگـویی، توبه را بر گناهکار تحمیل کرد

The cave of the ascetic lacked the opulence and lush decoration of his former mansion

غـار فـرد تـارک دنیـا، ثـروت و تزئینـات مجلـل قصـر قبلـی ایش را نداشت .

غـــار آن زاهــد فاقــد شـــکوه و تزئینـــات سرســـبز عمـــارت سابقش بود

Larry’s compositions proceed in a desultory manner despite the supplication of his english teacher

انشـــاهای لاری علیـــرغم همـــه التمـــاس یـــا تضـــرع معلـــم انـگلیسی اش به شکلی بی ربطی ادامه داشت.

ســـاخته هـــای لـــری علیـــرغم درخواســـت معلـــم انـگلیســـی اش به شیوه ای اهانت آمیز پیش می رود

In order to nurture good will, the management will do anything to accommodate its guests' special needs

به منظور تقویت حسن نیت، مدیریت هر کاری برای برآوردن نیازهای خاص مهمانان انجام خواهد داد .

به منظور پرورش حسن نیت، مدیریت هر کاری انجام می دهد تا نیازهای ویژه مهمانان خود را برآورده کند

When we saw the hundreds of bona fide petitions, we realized that the number of people who supported the candidate was legion

بـــا دیـــدن صـــدها غریـــزه صـــادقانه فهمیـــدیم کـــه شـــماره حامیان نامزد انتخاباتی بسیار است .

وقتـــی صـــدها دادخواســـت بـــا حســـن نیـــت را دیـــدیم، متوجـــه شـــدیم کـــه تعـــداد افـــرادی کـــه از ایـــن نـــامزد حمایـــت کردنـــد، بسیار زیاد است.

The megalomaniac believed that he alone had the answer to mankind’s salvation

فـرد خـود بـزرگ بـین معتقـد بـود کـه بـه تنهـایی پاسـخی برای رستگاری بشر داشت .

مـرد غـول پیکـر معتقـد بـود کـه او تنهـا پاسـخ نجـات بشـر را دارد

Disciples of materialism may know the price of everything but the value of nothing

مریــدان مــاده گرایــی ممکــن اســت قیمــت و بهــای هــر چیزی را بدانند اما ارزش هیچ چیز را نمی دانند.

شــاگردان ماتریالیســم ممکــن اســت قیمــت همــه چیــز را بدانند اما ارزش هیچ چیز را نمی دانند

If we were to juxtapose our philosophies, your materialism would conflict with my idealism.

اگـر مـا طـرز فکـر هـای مـا را کنـار هـم بگـذاریم مـاده گرایی شما با آرمان گرایی من در تضاد خواهد بود .

اگـــر بخـــواهیم فلســـفه هایمـــان را کنـــار هـــم بگـــذاریم، ماتریالیسم شما با ایده آلیسم من در تضاد خواهد بود.

Judge felder commented with asperity upon the wife’s charge of incompatibility .

قاضـــی "فلـــدر" بـــا تنـــدی دربـــاره اتهـــام نـــا همـــاهنگی همسرش اظهارنظر کرد .

قاضـــی فلـــدر در مـــورد اتهـــام ناســـازگاری زن اظهـــار نظـــر کرد.

Just how our club’s president is able to cope with so many disparate personalities is something i’ll never understand.

اینکه رئیس باشگاه ما دقیقاً چگونه از عهده ی شخصیت های ناجور، بر خواهد آمد مسئله ای است که من هرگز آن را درک نخواهم کرد.

اینکه چگونه رئیس باشگاه ما می تواند با این همه شخصیت متفاوت کنار بیاید، چیزی است که من هرگز نمی فهمم.

The plight of the refugees who wandered about in a desultory fashion moved us to tears

گرفتـــاری پناهنـــدگانی کـــه بـــه شـــکل پراکنـــده ســـرگردان هستند اشک ما را درآورد.

وضـــعیت اســـفبار پناهنـــدگانی کـــه بـــه شـــکلی نامتعـــارف سرگردان بودند، اشک ما را برانگیخت

Dave’s metamorphosis from an honest person to one who could fabricate an alibi so adroitly was amazing

تغییر ماهیت "دیو" از یک شخصه صادق به یک شخصی که بی زیرکی و بهانه به هم می بافد شگفت انگیز بود .

دگردیسی دیو از یک فرد صادق به فردی که می توانست به این شکل ماهرانه یک نابغه بسازد شگفت انگیز بود.

The widow grew maudlin as she reminisced about her former connubial bliss

وقتی که زن بیوه خوشی های زناشویی سابقه خود را به یاد آورد احساساتی شد .

بیوه با یادآوری خوشبختی صمیمی سابق خود، بزرگ شد

I will have to demur even if i receive a bona fide invitation to run for the g.o. Council

حتـــی اگـــر یـــک دعـــوت واقعـــی بـــرای اداره انجمـــن "جـــی او" دریافت کنم ،مجبور هستم مخالفت نمایم .

حتـــــی اگـــــر دعـــــوت نامـــــه ای بـــــرای نـــــامزدی در G.O دریافت کنم، مجبور خواهم بود که ابهام کنم. شورا

Because he was the scion of the richest family on our block, lenny was given the appellation of “rockefeller

چـون "لنــی" فرزنـد پولـدارترین خـانواده در بلـوک مـا مـی باشد عنوان "راکفلر" را به او دادند .

از آنجــا کــه او فرزنــد ثروتمنــدترین خــانواده در بلــوک مــا بود، لنی لقب "راکفلر" را دریافت کرد.

He was ashamed to admit that a pesky skin rash incapacitated him for weeks at a in apple pie order—in neat order, good condition

او از پـــذیرفتن حساســیت پوســـتی آزاردهنـــده کـــه چنـــدین هفته او را ناتوان کرده بود، شرمسار شد.

خجالـت مـی کشـید اعتـراف کنـد کـه راش پوسـتی مـزاحم او را بـرای هفتـه هـا نـاتوان کـرده اسـت، بـه ترتیـب پـای سیب - با نظمی منظم و در شرایط خوب.

Many derogatory statements were heard from those who were opposed to further escalation of the conflict

کسانی که مخالف تشدید بیشتر دعوا بودند اظهارات رسوایی آوری بیان می کردند .

بسیاری از اظهارات تحقیر آمیز از سوی کسانی که مخالف تشدید بیشتر درگیری بودند شنیده شد

With complete indifference toward his personal safety, lt. Regan openly challenged the puissant forces of the enemy

ستوان "ریگان" با بی اعتنائی کامل نسبت به امنیت شخصی اش نیروهای قدرتمند دشمن را به مبارزه دعوت کرد .

با بی تفاوتی کامل نسبت به امنیت شخصی او، lt. ریگان آشکارا نیروهای متجاوز دشمن را به چالش کشید

When destitution grips an area, there is excellent potential for trouble

هنگـــامی کـــه فقـــر گرییـــان یـــک ناحیـــه را بگیـــرد احتمـــال زیادی برای مشکل وجود دارد.

وقتـــی فقـــر منطقـــه ای را فـــرا مـــی گیـــرد، پتانســـیل بســـیار خوبی برای دردسر وجود دارد

The cumulative effect of the summer's sultry weather was to shorten everyone's temper

اثـر فزاینـده یـا رو بـه افـزایش هـوای گـرم تابسـتان همـه را زود عصبانی کرد .

اثـر تجمعـی هـوای گـرم تابسـتان ایـن بـود کـه خلـق و خـوی همه را کوتاه کرد

The poet’s recondite language precluded any understanding of her theme.

زبان پیچیده شاعر مانع فهم موضوع او شد.

زبـــان تنـــد شـــاعر مـــانع هـــر گونـــه درکـــی از مضـــمون او بود.

We must not allow fulsome praise to delude us about our actual abilities

نبایـد اجـازه دهـیم تحسـین فـراوان مـا را در مـورد توانـایی های واقعی مان فریب دهد .

مـا نبایـد اجـازه دهـیم کـه تمجیـدهای کامـل مـا را در مـورد توانایی های واقعی خود فریب دهد

The drugs could only palliate the symptoms, not provide the cure

داروها تنها می توانستند علایم را تسکین دهند نه اینکه باعث درمان شوند.

این داروها فقط می توانند علائم را تسکین دهند، نه درمان

As a prelude to his performance, the bullfighter vowed to do penance for his sins

گاوباز برای مقدمه ی اجرایش عهد کرد برای بخشوده شدن گناهانش توبه کند.

به عنوان مقدمه ای برای اجرای خود، گاوباز قول داد که برای گناهان خود توبه کند

The scheme sounded chimerical , but we were indoctrinated to believe that it could work

طرح به نظر خیالی می آمد اما به خود تلقین کردیم که بپذیریم عملی است.

این طرح شبیه به نظر می رسید، اما به ما تلقین شده بود که باور کنیم می تواند کار کند

The bureau of child guidance has been the salvation for some maladjusted children

اداره مشـــاوره اطفـــال مایـــه نجـــات بعضـــی از کودکـــان ناسازگار بوده است .

دفتـــر راهنمـــایی کودکـــان نجـــات برخـــی از کودکـــان ناسازگار بوده است

Our algebra class is a heterogeneous one in which bright students are juxtaposed with slower ones

کـلاس جبـر مـا کـلاس نـاهمگن اسـت و دانـش آمـوزان باهوش در کنار دانش آموزان کندتر قرار گرفته اند .

کـلاس جبـر مـا یـک کـلاس نـاهمگن اسـت کـه در آن دانـش آمـوزان بـاهوش بـا دانـش آمـوزان کنـدتر کنـار هـم قـرار می گیرند

Senator thorpe was perspicacious enough to realize that the scurrilous charge would have little effect upon the voters

سناتور چطور به اندازه کافی زیرک بود تا بفهمد اتهام وقیح وقتی و اثر کمی بر روی رای دهندگان خواهد داشت.

سناتور تورپ به اندازه کافی زیرک بود که متوجه شد این اتهام سخیف تأثیر کمی بر رای دهندگان خواهد داشت.

Although the lawyer acknowledged that the two cases were hardly analogous , he still felt that he had a good precedent on his side

اگرچه وکیل تصدیق کرد که دو پرونده خیلی به هم شبیه هستند اما هنوز احساس می کرد که رویه خوبی را به کار گرفته است .

اگرچه وکیل اذعان داشت که این دو پرونده تقریباً مشابه یکدیگر هستند، اما او همچنان احساس می کرد که سابقه خوبی در کنار خود دارد.

The actress ran the gamut of emotions in a poignant performance that thrilled the audience

هنرپیشه زن در نمایشی تاثیر برانگیز تمام اشکال مختلف احساسات را به اجرا درآورد که حتما تماشاچیان را به هیجان آورد.

این بازیگر طیفی از احساسات را در یک اجرای کوبنده اجرا کرد که تماشاگران را به وجد آورد

Irritability is one of the salient features of a neurotic personality

زود رنجی یکی از ویژگی های برجسته یک فرد روان رنجور است .

تحریک پذیری یکی از ویژگی های بارز شخصیت روان رنجور است

After a decade of connubial acrimony, the couple decided to consult with a marriage counselor

زوج پس از یک دهه خشونت زناشویی تصمیم گرفتند با یک مشاور ازدواج مشورت کنند .

پس از یک دهه کینه توزی، این زوج تصمیم گرفتند با یک مشاور ازدواج مشورت کنند

If a miner were to ponder over the high mortality rate in his occupation, he might want to quit.

اگر قرار بود یک معدن چی درباره میزان بالای مرگ و میر در حرفه خود بیاندیشد ممکن بود کار خود را ترک کند.

اگر معدنچی در مورد میزان بالای مرگ و میر در شغل خود فکر کند، ممکن است بخواهد کار را ترک کند.

There was no paucity of witnesses to describe the phenomenon of the flying saucer

برای توصیف پدیده بشقاب‌پرنده، شواهد کم نبود.

شـــاهدان کمـــی بـــرای توصـــیف پدیـــده بشـــقاب پرنـــده وجـــود نداشت

Reporters were expecting the candidate to enunciate his policy on the escalation of the war

گزارشگران از نامزد انتخاباتی انتظار داشتند تا سیاست خود را در مورد تشدید جنگ اعلام کند.

خبرنگاران انتظار داشتند که این نامزد سیاست خود را در مورد تشدید جنگ اعلام کند

His profligate son made the parsimonious old crank even more irascible

پسر ولخرج پیر مرد عوضی و خسیس او را بیشتر خشمگین می کرد.

پسر ولخرج او، میل لنگ قدیمی و دلسوز را خشمگین تر کرد

Since alice is so gregarious it surprised me to learn that she is also an introspective girl

چون "الیس" خیلی معاشرتی است وقتی فهمیدم که او دخترى درون‌گرا نیز هست بسیار تعجب کردم.

از آنجایی که آلیس آنقدر اهل اجتماع است، من را شگفت زده کرد که فهمیدم او همچنین یک دختر درونگرا است

Mr. Ford is proud to be called a teacher, but he demurs at the title of pedagogue

آقـای "فـورد" بـه اینکـه یـک معلـم نامیـده شـود افتخـار مـی کند اما به عنوان معلم مقرراتی مخالف است.

آقــای فــورد افتخــار مــی کنــد کــه او را معلــم خطــاب مــی کنند، اما او از عنوان معلم اهانت می کند

In an attempt to show how assiduous he was, the executive spent an inordinate amount of time on his report

مجری برای این که نشان دهد چقدر پرتلاش است مدت مدیدی را صرف گزارش خود کرد.

در تلاش برای نشان دادن اینکه او چقدر سختگیر است، زمان زیادی را صرف گزارش خود کرد.

Don ricardo hoped that his son would perpetuate the family business, but manuel was too involved with chimerical schemes to want to run a restaurant

دن ریکاردو امیدوار بود پسرش حرفه ای خانواده را ادامه دهد اما مانوئل بیش از حد درگیر طرح های عجیب و غریب خود برای یک اداره یک روز توران بود رستوران بود.

دون ریکاردو امیدوار بود که پسرش کسب و کار خانوادگی را تداوم بخشد، اما مانوئل آنقدر درگیر نقشه های کایمریک بود که نمی خواست رستورانی را اداره کند.

If the draconian* regulations are to continue unabated,* they will have catastrophic results.

اگـر قـرار باشـد مقـررات سـختگیرانه کـاهش نیابـد، نتـایج فاجعه آمیزی خواهند داشت.

اگـر قـرار باشـد مقـررات ظالمانـه* بـی وقفـه ادامـه یابـد، نتایج فاجعه باری خواهد داشت.

Dr. Meyers prescribed medication to neutralize the acid condition that had incapacitated my uncle

دکتـــر میـــرز بـــرای خنثـــی کـــردن حالـــت تـــرش کـــردن کـــه عمویم را ناتوان کرده بود، دارو تجویز کرد.

دکتـــر مـــایرز بـــرای خنثـــی کـــردن وضـــعیت اســـیدی کـــه عمویم را ناتوان کرده بود، دارو تجویز کرد

As a prelude to his victory speech, the mayor announced that he considered the large vote to be a mandate from the people

شـــهردار، در مقدمـــه‌ای بـــر ســـخنرانی پیـــروزی اش اعـــلام کـــرد کـــه ایـــن رای بـــزرگ را بـــه عنـــوان قیمومیـــت از طرف مردم تلقی می کند .

شـــهردار در مقدمـــه ای بـــرای نطـــق پیـــروزی خـــود اعـــلام کرد که رای کلان را امری از سوی مردم می داند.

Compensatory education may help minority groups to cope with their plight

ممکن است تحصیلات جبرانی به گروه های اقلیت کمک کند تا از عهده وضع بد خود برآیند.

آموزش جبرانی ممکن است به گروه های اقلیت کمک کند تا با مشکلات خود کنار بیایند

Stones are inanimate objects that have no life of their own

سنگ ها اشیا بی جانی هستند که از خودشان حیات ندارند .

سنگ ها اشیای بی جانی هستند که زندگی خود را ندارند

It has been suggested that the man who builds a better mousetrap will find the world beating a path to his door to possess this artifact

پیشنهاد کردند مردی که تله موش بهتری می‌سازد با داشتن این شی دست ساز راه دنیا را به خانه‌اش خواهد گشود .

پیشنهاد شده است که مردی که تله موش بهتری بسازد، جهان را در مسیری به سمت درب او می‌کوبد تا این مصنوع را در اختیار داشته باشد.

The explorers saw the golden statue and thought of how much money it would bring them. But their lives would be in danger if they moved it because it was a powerful fetish to the natives

کاوشگران یک تندیس طلایی را دیدند و به مقدار پولی که برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد اندیشیدند اما اگر آن را جابجا می‌کردند زندگیشان به خطر می افتاد زیرا طلسم‌قوی بومیان بود .

کاشفان مجسمه طلایی را دیدند و به این فکر کردند که این مجسمه برایشان چقدر پول می آورد. اما اگر آن را جابه جا می کردند زندگی آنها در خطر می افتاد زیرا این یک فتیش قدرتمند برای بومیان بود

Margaret mead, the famous anthropologist , fascinated thousands of readers with her studies of south seas islanders

مارگارت مید انسان شناس مشهور با مطالعات خود در زمینه جزیره نشین های دریاهای جنوب هزاران و خواننده را به خود جلب کرد .

مارگارت مید، انسان شناس معروف، هزاران خواننده را با مطالعات خود در مورد جزیره نشینان دریای جنوبی مجذوب کرد.

It would be rather bizarre for a young man to come to school wearing a

نسبتاً عجیب و غریب است که یک مرد جوان با لباس زنانه به مدرسه بیاید.

برای یک مرد جوان خیلی عجیب است که با پوشیدن لباس به مدرسه بیاید

Unsanitary conditions in the bottling factory caused hundreds of cases of soda to be tainted by dirt and foreign objects. The health department refused to allow the soda to be sold

شرایط غیر بهداشتی کارخانه بطری سازی به خاطر کثیفی و اشیای خارجی باعث آلوذگی صدها آب معدنی شد در نتیجه وزارت بهداشت اجازه نداد آب معدنی ها به فروش برسند .

شرایط غیربهداشتی در کارخانه بطری سازی باعث شد صدها کیسه نوشابه به خاک و اجسام خارجی آلوده شود. اداره بهداشت از فروش نوشابه امتناع کرد

Although a new jersey high school principal placed a prohibition on boys wearing their hair long, one student fought in the courts and won his case

اگرچه مدیر یکی از دبیرستانهای نیوجرسی پسرها را منع کرد تا موهایشان را بلند نکنند ولی یکی از دانش آموزان در دادگاه مبارزه کرد و در پرونده خود پیروز شد.

اگرچه یک مدیر دبیرستان نیوجرسی پوشیدن موهای بلند پسران را ممنوع اعلام کرد، یک دانش آموز در دادگاه دعوا کرد و در پرونده خود پیروز شد.

It is considered imprudent to give your computer code word to anyone not fully known to you

دادن رمز کامپیوترتان به کسی که کاملا نمیشناسید، عاقلانه نیست.

دادن کلمه کد رایانه خود به کسی که کاملاً با شما آشنا نیست، بی احتیاطی تلقی می شود

It is taboo for certain south seas islanders to eat some foods before they marry

خــوردن بعضــی از غــذاها قبــل از ازدواج بــرای برخــی از جزیره نشینان دریای جنوب حرام است.

خــوردن برخــی غــذاها قبــل از ازدواج بــرای برخــی از ساکنان جزایر دریای جنوبی تابو است

In the nuclear age it has become imperative for the nations of the world to learn to live in peace.

در عصر اتم برای همه ملت‌های جهان ضروری است که در صلح زندگی کنند.

در عصر هسته ای، یادگیری زندگی در صلح برای کشورهای جهان امری ضروری شده است.

Bob felt contemptuous of his best friend after he saw him cheating during an exam

باب بعد از این که دید بهترین دوست در امتحان تقلب کرد حس تحقیر آمیزی نسبت به او پیدا کرد.

باب پس از اینکه او را در حال تقلب در طول امتحان دید، نسبت به بهترین دوستش تحقیر شد

The teacher felt like laughing after he heard sally's absurd excuse for not having done her homework

وقتی معلم بهانه مسخره سالی را برای انجام نداند تکالیفش شنید پوزخندی زد.

معلم بعد از شنیدن بهانه پوچ سالی برای انجام ندادن تکالیفش، احساس خنده کرد

One politician, a notorious bigot , hopes to get support as a presidential candidate on the basis of his prejudices and intolerance.

یک سیاستمدار یک آدم متعصب بدنام امیدوار است که بر اساس تعصبات و کوته فکری هایش به عنوان نامزد ریاست جمهوری حمایت دیگر را به دست آورد.

یک سیاستمدار، یک متعصب بدنام، امیدوار است که به عنوان نامزد ریاست جمهوری بر اساس تعصبات و عدم تحمل خود مورد حمایت قرار گیرد.

I abhor some one who is constantly changing channels with a remote while i’m trying to read in the same room

من از کسی که مرتب کانال ها را با کنترل عوض می کند در حالی که در همان اتاق مشغول مطالعه هستم متنفر هستم.

من از کسی متنفرم که مدام در حال تغییر کانال با کنترل از راه دور است در حالی که سعی می کنم در همان اتاق مطالعه کنم

Would relations between countries be simpler if a universal language were spoken rather than hundreds of separate ones?

آیا اگر به جای صدها زبان متقابل از یک زبان جهانی استفاده شود روابط بین کشورها ساده تر می شود؟.

آیا اگر یک زبان جهانی به جای صدها زبان جداگانه صحبت می شد، روابط بین کشورها ساده تر بود؟

Some bad habits originate in adolescence and continue throughout a person’s life

برخـــی از عـــادات بـــد از دوران نوجـــوانی آغـــاز می‌شـــوند و در تمام طول زندگی شخص ادامه می یابند.

برخـــی از عـــادات بـــد از دوران نوجـــوانی سرچشـــمه مـــی گیرند و در طول زندگی فرد ادامه می یابند

The murderer made a(n) entreaty to the governor for a pardon

قاتل به حاکم التماس کرد تا او را از عفو کند.

قاتل از فرماندار تقاضای عفو کرد

Despite the inexorable torture, 007 kept the inviolable secret of the labyrinth* leading to the underground headquarters

مـــامور۰۰۷ علیـــرغم شـــکنجه ســـخت راز مصـــون راه هـــای مـــارپیچی کـــه بـــه قرارگـــاه هـــای زیرزمینـــی منتهـــی می‌شد را پاش نکرد.

۰۰۷ بـــا وجـــود شـــکنجه هـــای بـــی رحمانـــه، راز خدشـــه ناپـــذیر هزارتـــوی منتهـــی بـــه مقـــر زیرزمینـــی را حفـــظ کرد.

It appears that many computers are vulnerable to “viruses” that can cause great damage

به نظر می رسد بسیاری از کامپیوترها نسبت به ویروس هایی که باعث آسیب زیاد می شوند آسیب پذیر هستند.

به نظر می‌رسد که بسیاری از رایانه‌ها در برابر «ویروس‌هایی» آسیب‌پذیر هستند که می‌توانند صدمات زیادی ایجاد کنند

Eskimos have a(n) tradition of rubbing noses to show affection

اسکیموها آدابی دارند که بینی شان را به هم می مانند تا محبت خود را ابراز کنند.

اسکیموها سنت (n) مالیدن بینی برای نشان دادن محبت دارند

We were surprised by the puny resistance put up by the voracious tiger to its capture.

ما از مقاومت ضعیفی که ببر گرسنه هنگام شکار از خود نشان دادن تعجب کردیم.

ما از مقاومت ضعیف ببر حریص برای دستگیری آن متعجب شدیم.

After her house had burned to the ground, mrs. Wiley searched through the debris for her valuable jewelry

پس از اینکه خانه خانم ویلی آتش گرفت و به کلی ویران شد او در ویرانه ها دنبال جواهرات گرانبهایش می گشت.

بعد از اینکه خانه اش کاملا سوخت، خانم. وایلی در میان آوارها به دنبال جواهرات ارزشمند خود گشت

Many of those who witnessed the first atomic explosion reported that it was an awesome sight

اگـر کسـانی کـه شـاهد اولـین انفجـار اتمـی بودنـد گـزارش دادند که منظره محشری بود.

بسـیاری از کسـانی کـه اولـین انفجـار اتمـی را مشـاهده کردنـد، گـزارش دادنـد کـه ایـن یـک منظـره حیـرت انگیـز بود

The fluffy seeds of the milkweed are dispersed by the wind

باد، بذرهای کرک گرفته پادزهرهای سمی را پراکنده کرد.

دانه های کرکی علف شیر توسط باد پراکنده می شوند

Who could imagine a more bizarre story than the one having to do with a cow causing the conflagration in chicago?

چه کسی میتواند داستانی عجیب تر از اینکه گاوی سبب آتش‌سوزی شیکاگو شده است را تصور کند؟.

چه کسی می تواند داستان عجیب و غریب تر از داستانی را تصور کند که مربوط به یک گاو است که باعث آتش سوزی در شیکاگو شده است؟

No matter how one tries to delete material from a computer, it is almost impossible to obliterate it.

مهم نیست چقدر تلاش می کنید تا مطالبی را از کامپیوتر حذف کنید چون از بین بردن آن تقریباً غیر ممکن است.

مهم نیست که چگونه یک شخص سعی می کند مطالب را از رایانه حذف کند، محو کردن آن تقریباً غیرممکن است.

You will rue that display of histrionics when i asked you to help

طرفداران خانگی فکر می‌کردند که تصمیم "داور" رقت انگیز بود.

وقتی من از شما کمک خواستم از نمایش هیستریونیک ناراحت خواهید شد

She could not imagine how she was going to get him to initiate a conversation about marriage

وقتی از تو درخواست کمک کردم از نشان دادن تظاهر خود پشیمان خواهی شد.

او نمی‌توانست تصور کند که چگونه می‌خواهد او را وادار به شروع گفتگو درباره ازدواج کند

The hometown fans thought the umpire’s decision was deplorable

به ذهنم نمی رسید چگونه می تواند باعث شود که او گفتگو درباره ازدواج را شروع کند.

هواداران شهر خودی فکر می کردند تصمیم داور تاسف بار بود

Isn’t it a pity we can’t hoard the ideal days of autumn?

تاسف آور نیست که نمی‌توانی روزهای آرمانی پاییزی را ذخیره کنیم؟.

آیا حیف نیست که نتوانیم روزهای ایده آل پاییز را احتکار کنیم؟

A man may be a sage everywhere, but at home he’s called a “square” by his youngsters

ممکن است انسان همه جا یک حکیم باشد اما در خانه، بچه‌ها را عمل صدا زنند.

یک مرد ممکن است در همه جا حکیم باشد، اما در خانه او را جوانانش "مربع" می نامند.

The tree in front of my house has the dubious honor of being the spot voted the most congenial by the dogs of the neighborhood

درخت جلوی خانه ما شکله شکوه سوال برانگیزی دارد مکانی است که همه سگهای محل آن را مطلوب می‌دانند.

درخت روبروی خانه من این افتخار مشکوک را دارد که صمیمانه ترین نقطه ای است که سگ های محله به آن رای داده اند.

It was fortuitous that at the last moment the mayor offered the aegis of his office in finding a solution to the problem

تصـــادفاً در آخـــرین لحظـــه شـــهردار حمایـــت دفتـــر کـــاری‌اش را در یـــافتن راه حلـــی بـــرای مشـــکل پیشـــنهاد داد.

اتفـــاقی بـــود کـــه در آخـــرین لحظـــه شـــهردار از دفتـــر خـــود برای یافتن راه حلی برای مشکل حمایت کرد.

A settlement that causes detriment to neither side is imperative

راه حلی که باعث آسیب به زیان هیچ یک از طرفین نمی شود ضروری است.

حل و فصلی که به هیچ یک از طرفین ضرر وارد کند، ضروری است

Far from being senile , the old woman was considered the sage of the neighborhood

پیـرزن کـه فرتـوت نبـود عنـوان دانـای محلـه شـناخته مـی شد.

پیرزن به دور از پیری، حکیم محله به حساب می آمد

Scientists have placed the longevity of the planet earth unbelievably into the future

دانشمندان به طرز باورنکردنی عمر طولانی سیاره ی زمین را تا آینده تخمین زده اند.

دانشمندان عمر طولانی سیاره زمین را به طرز باورنکردنی در آینده قرار داده اند

It was deplorable for us to see her doddering around the house with the aid of a cane

برای ما رقت انگیز بود که او را در اطراف خانه لرزان و با کمک یک چوب دستی ببینیم.

دیدن او که به کمک عصا در خانه تکان می‌خورد برای ما تأسف‌آور بود

If you imbibe , don’t drive

اگر مشروب میخوری ،رانندگی نکن.

اگر غذا می خورید، رانندگی نکنید

The boys struck virile poses to attract the girls on the beach

پســـران بـــرای جلـــب دختـــران در ســـاحل ژســـت هـــای مردانه گرفتند.

پســـران بـــرای جـــذب دختـــران در ســـاحل، ژســـت‌های مردانه می‌زدند

The audience became extremely hostile when the bigot began to attack minority groups.

هنگامی که آدم متعصب حمله به گروه های اقلیت را شروع کرد حضار بسیار متخاصم شدم.

هنگامی که متعصب شروع به حمله به گروه های اقلیت کرد، تماشاگران به شدت خصمانه شدند.

Long hair among boys is so prevalent today, there is no longer a prohibition against it in most schools

امـروزه مـوی بلنـد در بـین پسـرها بسـیار رایـج اسـت. در بیشتر مدارس دیگر هیچ ممانعتی علیه آن وجود ندارد.

امـروزه مـوی بلنـد در میـان پسـران بـه قـدری رایـج اسـت که در بیشتر مدارس دیگر منعی برای آن وجود ندارد.

We are all susceptible to a lethargic feeling after a heavy meal.

همه ما بعد از خوردن غذای سنگین، بی حال می شویم.

همه ما مستعد احساس بی حالی بعد از یک وعده غذایی سنگین هستیم.

A good politician seeks the paramount issue in his community

یک سیاستمدار خوب در جستجوی مسائل مهم جامعه خود است.

یک سیاستمدار خوب به دنبال موضوع اصلی در جامعه خود است

We would be remiss if we overlooked the importance of the internet to the interchange of ideas and information.

اگـر مـا از اهمیـت اینترنـت در تبـادل افکـار و اطلاعـات چشم‌پوشی کنیم،بی مبالات خواهیم بود

اگـر از اهمیـت اینترنـت بـرای تبـادل ایـده هـا و اطلاعـات غافل شویم، غافل خواهیم شد.

The female aversion to mice is considered absurd by boys

پسـر ها،نفرت زن هـا از مـوش هـا را احمقانـه تلقـی مـی کنند.

بیزاری ماده از موش توسط پسران پوچ تلقی می شود

After a superficial examination of the injured motorist, the doctor said that hospitalization was imperative

دکتر بعد از معاینه سطحی راننده آسیب دیده گفت که بستری لازم است.

پزشک پس از معاینه سطحی راننده مصدوم، بستری شدن در بیمارستان را ضروری دانست

Many a husband has been given a rebuke for having imbibed too fully at an office party

چه بسا شوهر به خاطر نوشیدن زیاد در یک مهمانی اداری زیاد سرزنش میشود.

بسیاری از شوهران به دلیل اینکه در یک مهمانی اداری کاملاً غذا خورده اند مورد سرزنش قرار گرفته اند

Youngsters often do not evince any curiosity about the lives of their parents or grandparents

نوجوانـــان اغلـــب در مـــورد زنـــدگی والدینشـــان و پـدربزرگ و مادربزرگشـان هـیچ کنجکـاوی نشـان نمـی دهند.

نوجوانـان اغلـب نسـبت بـه زنـدگی والـدین یـا پـدربزرگ و مادربزرگ خود کنجکاوی نشان نمی دهند

Good manners are always in vogue

رفتار خوب همیشه مورد پسند است.

اخلاق خوب همیشه در مد است

Our conscience must always tussle against our yearning for what we know is taboo

وجـدان مـا هميشـه بايـد بـا ميـل در انجـام آن چـه مـی دانـيم که حرام است در کشمکش باشد.

وجـدان مـا بايـد هميشـه در برابـر اشـتياق مـا بـرای چيـزی که می دانيم تابو است مبارزه کند

Man sets the price of gold; it has no intrinsic value

انسـان روی طـلا قیمـت می‌گـذارد، خـود طـلا هـیچ ارزش ذاتی ندارد.

انسان قیمت طلا را تعیین می کند. ارزش ذاتی ندارد

The pilot decided it would be imprudent to jettison his fuel over the populated area.

خلبان به این نتیجه رسید که بیرون ریختن سوختش روی مناطق مسکونی بی احتیاطی است.

خلبان تصمیم گرفت که پرتاب سوخت خود در منطقه پرجمعیت غیرمحتمل باشد.

It is inevitable that children question what their elders accept as tradition

به طور حتم کودکان آنچه را که بزرگترهایشان به عنوان سنت می‌پذیرند زیر سوال می‌برند.

این اجتناب ناپذیر است که بچه ها آنچه را که بزرگ ترها به عنوان سنت قبول دارند، زیر سوال ببرند

Each year the contracts offered to star sports figures become more lucrative

هـر ســاله قراردادهــایی کــه بــه ســتارگان ورزش پیشــنهاد می شود پر منفعت تر می شوند.

هـر ســال قراردادهــایی کــه بــه ســتاره هــای ورزشــی ارائــه می شود سودآورتر می شود

After the catastrophe, there was an acute need for emergency housing

پس از فاجعه نیاز شدیدی به اسکان فوری بود.

پس از فاجعه، نیاز شدید به مسکن اضطراری وجود داشت

The young lover was susceptible to transient feelings of jealousy when he saw his sweetheart dancing with his best friend

هنگامی که عاشق جوان دید معشوقه اش با بهترین دوستش می رقصد دستخوش حسادتی زودگذر شد.

معشوق جوان وقتی می دید که معشوقه اش در حال رقصیدن با بهترین دوستش بود، مستعد احساسات گذرا حسادت شد.

She tried to get the gist of her message into a 25-word telegram

او سعی کرد اصل موضوع پیامش را در یک تلگرام ۲۵ واژه ای بگنجاند.

او سعی کرد اصل پیام خود را در یک تلگرام ۲۵ کلمه ای وارد کند

The mayor made a terse statement in which he rebuked his election opponent for making a contemptuous accusation.

شـــهردار بـــا اظهـــارات تنـــد دشـــمن انتخابـــاتی خـــود را بـــه خاطر اتهام اهانت آمیزش سرزنش کرد.

شـــهردار در بیانیـــه‌ای کوتـــاه، رقیـــب انتخابـــاتی خـــود را بـــه خاطر اتهام تحقیرآمیز مورد سرزنش قرار داد.

The best debater makes the most cogent presentation

بهترین مناظره کننده کسی است که متقاعد کننده ترین نمایش را داشته باشد.

بهترین مناظره کننده قانع کننده ترین ارائه را انجام می دهد

The president faced an imposing array of reporters

رئیس‌جمهور با صف چشمگیری از خبرنگاران روبه رو شد.

رئیس‌جمهور با انبوهی از خبرنگاران مواجه شد

The party will culminate with the award for the most original costume

با اهدای جایزه به اصلی‌ترین لباس، جشن به پایان می رسد.

مهمانی با جایزه اصلی ترین لباس به اوج خود می رسد

The pinnacle of fame and success is often a transient stage

اوج شهرت و موفقیت اغلب دوره ای زودگذر است.

اوج شهرت و موفقیت اغلب یک مرحله گذرا است

The ardent baseball fan went to every home game

تماشـــاگر مشـــتاق بیســـبال بـــه تماشـــای هـــر بـــازی خـــانگی می‌رفت.

هوادار سرسخت بیسبال به هر بازی خانگی می رفت

Space telescopes are making our obscure planets ever clearer

تلسکوپ های فضایی سیارات مبهم و ناشناخته ما را واضح تر می سازند.

تلسکوپ های فضایی سیارات مبهم ما را هر چه بیشتر شفاف می کنند

The catastrophe left him bereft of all his possessions

فاجعه او را از همه دارایی هایش محروم کرد.

فاجعه او را از تمام دارایی های خود بی بهره گذاشت

She was filled with exultation when she learned her sat score was near the maximum

وقتی فهمید نمره او در آزمون ست به بالاترین نمره نزدیک است سرشار از شادمانی شد.

وقتی متوجه شد که نمره امتحانش نزدیک به حداکثر است، سرشار از شادی شد

It is imprudent for a youngster to constrict her circle of friends so that there is no opportunity to meet new people.

این امر غیر عاقلانه است که گروه دوستان بچه را محدود کنیم که دیگر فرصتی برای آشنایی با افراد جدید نداشته باشد.

برای یک جوان بی احتیاطی است که دایره دوستان خود را محدود کند تا فرصتی برای ملاقات با افراد جدید وجود نداشته باشد.

There is universal wonder when some prodigy appears on the stage to perform at the age of 4 or 5

وقتی نابغه در ۴ یا ۵ سالگی برای اجرا روی صحنه می آید همگان تعجب می کنند.

وقتی عده ای اعجوبه برای اجرا در سن ۴ یا ۵ سالگی روی صحنه می آیند شگفتی جهانی وجود دارد

Though he knew well the danger involved, the knight did not falter as he entered the dragon’s cave

اگـر چـه شـوالیه از خطـر آگـاه بـود امـا هنگـام ورود بـه غار اژدها تزلزل نشان نداد.

اگرچـه شـوالیه خطـر را بـه خـوبی مـی دانسـت، امـا هنگـام ورود به غار اژدها تزلزل نکرد.

It is difficult to keep Invective out of our discussion about the enemy

سخت است که در بحث درباره دشمن فحش ندهیم.

دور نگـــه داشـــتن Invective از بحـــث مـــا در مـــورد دشمن دشوار است

One has to be amazed at the voluminous amount of information that can be stored on a computer chip

انسان از مقدار زیاد اطلاعاتی که می‌توان در تراشه کامپیوتر ذخیره کرد حیرت زده می‌شود.

باید از حجم عظیم اطلاعاتی که می توان روی یک تراشه کامپیوتری ذخیره کرد شگفت زده شد

The candidate tried to besmirch his opponent’s record

نـامزد انتخابـاتی تـلاش کـرد تـا سـابقه رقیـبش را لکـه دار کند.

ایـن نـامزد سـعی کـرد سـابقه حریـف خـود را خدشـه دار کند

In the future we will, in retrospect , regard today’s bizarre behavior as quite ordinary

در یـــک بـــازنگری رفتـــار عجیـــب امـــروز را در آینـــده کاملاً عادی تلقی خواهیم کرد.

در آینـــده، در نگـــاهی بـــه گذشـــته، رفتـــار عجیـــب و غریـــب امروز را کاملاً عادی در نظر خواهیم گرفت

The vitriolic language used by critics of the new play tended to obliterate its good qualities

زبـان تنـد منتقـدان نمـایش جدیـد ،ویژگـی هـای خـوب آن را محو کرد.

زبـــان ســـرزنده‌ای کـــه منتقـــدان نمایشـــنامه جدیـــد بـــه کـــار می‌برند، ویژگی‌های خوب آن را از بین می‌برد

Doctors agree that it is imperative that inveterate smokers give up that imprudent habit

پزشکان هم عقیده هستند که برای سیگاری های دیرینه ضروری است تا این عادت ناآگاهانه بی احتیاطانه ترک کنند.

پزشکان موافق هستند که ضروری است که سیگاری‌های بدجنس این عادت بی‌احتیاطی را ترک کنند

The pungent odor of burning leaves marks the autumn season.

بوی تند برگ های سوزان ،نشانه فصل پاییز است.

بـوی تنـد بـرگ هـای سـوخته فصـل پـاییز را نشـان مـی دهد.

The umpire was adamant about his decision to call the runner out

داور درباره تصمیم اش برای بیرون فرستادن دونده سرسخت بود.

داور در مورد تصمیم خود برای فراخواندن دونده قاطعانه بود

We all expect humility from the actors and actresses who win the academy awards

همه ما از هنرپیشه گان مرد و وزنی که جوایز آکادمی را برنده میشوند انتظار فروتنی داریم.

همه ما از بازیگران و بازیگرانی که برنده جوایز آکادمی می شوند انتظار فروتنی داریم

However, we should not be surprised that an award winner is an egotist about his or her performance

با این وجود نباید تعجب کنیم که برنده جایزه درباره اجرای خود مغرور باشد.

با این حال، ما نباید تعجب کنیم که یک برنده جایزه نسبت به عملکرد خود خودخواه است

Astronauts are alert to the propinquity of sudden accidents

فضـانوردان نسـبت بـه نزدیکـی بـه تصـادف هـای ناگهـانی هوشیار هستند.

فضانوردان نسبت به تصادفات ناگهانی هوشیار هستند

The egotist is vulnerable to slights and insults

آدم خودبین نسبت به بی احترامی ها و توهین ها آسیب پذیر می باشد.

خودخواه در برابر اهانت و توهین آسیب پذیر است

Electronic music is considered nothing more or less than cacophony by many

بسیاری از مردم موسیقی الکترونیک را چیزی بیشتر از صدای ناهنجار نمی دانند.

بسیاری از موسیقی الکترونیک را چیزی بیشتر یا کمتر از صدای ناهنجار می دانند

Advertisers spend large sums to exploit the lucrative teenage market

آگـاهی دهنـدگان مبـالغ زیـادی را صـرف سـوء اسـتفاده از بازار پرمنفعت نوجوانان می کنند.

تبلیـغ کننـدگان مبـالغ هنگفتـی را بـرای بهـره بـرداری از بازار پرسود نوجوانان خرج می کنند

The winning team’s dressing room was a scene of bedlam

غوغای زیاد در رختکن تیم برنده بود.

رختکن تیم برنده صحنه ای از بدبختی بود

It is the prevalent mood for youngsters to be disgruntled with the world situation.

حـالات روحـی رایـج جوانـان ایـن اسـت کـه از وضـعیت جهان ناراضی هستند.

ایـن حالـت غالـب جوانـان اسـت کـه از وضـعیت جهـانی ناراضی باشند.

Many people hoped that the united nations would be the panacea for the problems of our time

افـــراد زیـــادی امیـــدوار بودنـــد کـــه ســـازمان ملـــل چـــاره مشکلات زمان مان را خواهد بود.

بســـیاری از مـــردم امیـــدوار بودنـــد کـــه ملـــل متحـــد نوشداروی مشکلات زمان ما باشد

The criminal tried to eradicate all of the witnesses to the bizarre murder

جنایتکـــار تـــلاش کـــرد کـــه تمـــام شـــهود مربـــوط بـــه قتـــل عجیب و غریب را از بین ببرد.

جنایتکـــار ســـعی کـــرد همـــه شـــاهدان ایـــن قتـــل عجیـــب را ریشه کن کند

An infallible sign of spring is the blooming of the crocus

یکـی از نشـانه هـای قابـل اطمینـان بهـار شـکوفه کـردن گـل زعفران است.

از نشـــانه هـــای معصـــوم بهـــار، شـــکوفه دادن کروکـــوس است

Nothing could impede the bigot from his vitriolic verbal attack

هـیچ چیـز نتوانسـت فـرد متعصـب را از حملـه لفظـی زننده اش باز دارد.

هـیچ چیـز نمـی توانسـت مـانع از حملـه لفظـی وحشـیانه متعصب شود

There is something absurd about a well-dressed, sedate man throwing snowballs

یک چیزی مضحک در مورد مرد ساکت شیک‌پوش که گلوله های برف را پرتاب می کرد به چشم می خورد.

در مورد مرد خوش لباس و آرامی که گلوله های برفی پرتاب می کند، چیزی پوچ وجود دارد

The serenity of the countryside was shattered by the explosion

صدای انفجار آرامش حومه شهر را بر هم زد.

آرامش حومه شهر در اثر انفجار از بین رفت

The speaker lost his equanimity and began to use invective when the audience started to laugh

سخنران آرامش خود را از دست داد و هنگامی که حضار به او خندیدند شروع به ناسزاگویی به آنها کرد.

گوینده آرامش خود را از دست داد و هنگامی که حضار شروع به خندیدن کردند، شروع به استفاده از رکیک کرد

The boy and girl discovered they had many compatible interests

دختــر و پســر کشــف کردنــد کــه علایــق همآهنــگ زیــادی دارند.

پســر و دختــر متوجــه شــدند کــه علایــق ســازگار زیــادی دارند

There are not many people in this world whom one can revere

افـراد زیـادی در ایـن دنیـا وجـود ندارنـد کـه بتـوان بـه آنهـا احترام گذاشت.

در ایـن دنیـا افـراد زیـادی وجـود ندارنـد کـه بتـوان بـه آنهـا احترام گذاشت

Who is not vulnerable to some measure of avarice ?

چه کسی نسبت به قدری طمع آسیب پذیر نیست.

چه کسی در برابر برخی از بخل ها آسیب پذیر نیست؟

The american consumer appears to have an insatiable need for new products

به نظر می رسد که مصرف کننده آمریکایی یک نیاز سیری‌ناپذیری به محصولات جدید دارد.

به نظر می رسد مصرف کننده آمریکایی نیاز سیری ناپذیری به محصولات جدید دارد

He looked upon the last-place finish of his team with equanimity;from this nadir the only place to go was up

او با متانت به جایگاه آخر تیمش در مرحله نهایی نگاهی کرد که از این پایین ترین نقطه تنها جا برای رفتن، بالا بود.

او با خونسردی به آخرین مقام تیمش نگاه کرد؛ از این نادر تنها جایی که باید رفت بالا بود.

We ought to expect some irrational behavior from a senile person

از یــک شــخص ســالخورده قــدری رفتــار غیرمنطقــی را باید انتظار داشت.

مــا بایــد از یــک فــرد ســالخورده انتظــار رفتــار غیرمنطقــی داشته باشیم

With the expansion of the supermarket, the small, local grocery store is in a moribund state

با توسعه سوپرمارکت ،بقالی کوچک محله ما رو به زوال است.

با گسترش سوپرمارکت، خواربارفروشی کوچک محلی در حالت رو به نابودی است

The disgruntled adherent switched his loyalty to the opposition party

حـامی نـاراضـی وفـاداری اش را بـه حـزب مخـالف تغییـر داد.

طرفـدار نـاراضـی وفـاداری خـود را بـه حـزب مخـالف تغییر داد

It was a pleasure to watch the lithe body of the ballet dancer as she performed the most difficult steps

تماشای اندام رقاص باله که مشکلترین مراحل را اجرا می کرد مایه ی مسرت بود.

تماشای بدن نرم رقصنده باله در حالی که سخت ترین مراحل را انجام می داد لذت بخش بود

There is something pathetic about a great athlete who continues to compete long after he has been bereft of his talents

اینکه ورزشکار بزرگی مدتها پس از محروم شدن از استعدادهایش هنوز رقابت ادامه دهد تا تاثر آور است.

چیزی رقت انگیز در مورد یک ورزشکار بزرگ وجود دارد که مدت ها بعد از اینکه استعداد خود را از دست داده است به رقابت ادامه می دهد.

His insatiable hunger for sweets soon made him obese

گرسنگی سیری ناپذیر او برای شیرینی خیلی باعث چاقی اش شد.

گرسنگی سیری ناپذیر او برای شیرینی به زودی او را چاق کرد

Oh, what bliss could be seen in the eyes of the ardent couple as they announced their engagement

آه، در چشمان زوج مشتاقی که نامزدی شان را اعلام می‌کنند می‌توان چه خوشی را دید.

آه، چه سعادتی در چشمان زن و شوهر پرشور هنگام اعلام نامزدی دیده می شد

The feeling of apathy was so prevalent during the election campaign that the candidates hardly bothered to make speeches

در طول مبارزه انتخاباتی حس سردی چنان شایع بود که نامزدها به سختی به خود زحمت صحبت کردن را می دادند.

احساس بی علاقگی در جریان تبلیغات انتخاباتی به حدی بود که نامزدها به سختی به خود زحمت سخنرانی می دادند.

Doctors exhort obese individuals to go on diets

پزشـــکان افـراد چـاق را وادار مـی کننـد کـه رژیـم غـذایی بـگیرند.

پزشکان به افراد چاق توصیه می کنند که رژیم بگیرند

He was usually sedate, but when inebriated he became hostile

او معمولاً متین و آرام بود اما هنگام مستی پرخاشگر می شد.

او معمولاً آرام‌بخش بود، اما وقتی مست می‌شد، دشمنی می‌کرد

The fracas started when he besmirched my good name

وقتـــی او نـــام نیـــک مـــرا لکـــه دار کـــرد زد و خـــورد شـــروع شد.

جنجال‌هـــا از زمـــانی شـــروع شـــد کـــه او نـــام خـــوب مـــن را تحقیر کرد

My adversary became disgruntled because my arguments were so cogent

رقیب من بد اخلاق شد چون استدلالات من بسیار متقاعد کننده بود.

دشمن من ناراضی شد زیرا استدلال های من بسیار قانع کننده بود

He began to eat the food served at the sumptuous feast with gusto .

او بـا شـور و شـوق شـروع بـه خـوردن غـذایی کـرد کـه در مهمانـی مجلل سرو شد.

او بـا ذوق شـروع بـه خـوردن غـذاهایی کـرد کـه در جشـن مجلل سرو شد.

Men believe that women’s conversation is filled with Banal comments concerning clothing or food

آقایان بر این باورند که گفتگوی زنانه پر از نظرات پیش و پا افتاده درباره پوشاک یا غذا هست.

مردان بر این باورند که مکالمه زنان مملو از نظرات پیش پا افتاده در مورد لباس یا غذا است

During the most sultry days of summer, one often hears the platitude , “is it hot enough for you?

در طول گرم ترین روزهای تابستان اغلب این حرف معمولی را می شنویم که به اندازه کافی برای شما گرم است؟.

در طوفان‌آمیزترین روزهای تابستان، اغلب می‌شنوید که «آیا به اندازه کافی برای شما گرم است؟

The indolent person goes to great lengths to eschew work

شـخص تنبـل بـرای اجتنـاب از کـار تـلاش زیـادی بـه خـرج می‌دهد.

فـرد بـی حـال تمـام تـلاش خـود را مـی کنـد تـا از کـار خودداری کند

She was usually so garrulous , we considered anything under a five minute speech as a cryptic remark

او معمولاً به قدری پرحرف بود که ما هر سخنرانی زیر و پنج دقیقه‌ای را به عنوان اظهارنظری مرموز تلقی می‌کردیم.

او معمولاً آنقدر پرخاشگر بود که ما هر چیزی را که کمتر از یک سخنرانی پنج دقیقه ای باشد به عنوان یک اظهارنظر مرموز در نظر می گرفتیم

The dilettante will scoff at those who admit that they know very little about modern art

فـــرد غیـــر حرفـــه ای کســـانی را کـــه اعتـــراف مـــی کننـــد دربـــاره هنـــر جدیـــد اطلاعـــات کمـــی دارنـــد مســـخره خواهـــد کرد.

دلتنگـــی کســـانی را کـــه اعتـــراف مـــی کننـــد کـــه اطلاعـــات کمـــی در مـــورد هنـــر مـــدرن دارنـــد بـــه تمســـخر خواهـــد گرفت

It is the atypical fisherman who does not embellish the story about the fish that got away

یـک مـاهیگیر عجیـب غریـب داسـتان مـاهی هـایی را کـه فرار کرده اند را با آب و تاب نمیدهد.

ایـن مـاهیگیر غیرمعمـول اسـت کـه داسـتان مـاهی را کـه فرار کرده است را زیبا نمی کند

The detective had little to go on because of the nondescript nature of the criminal

به دلیل ماهیت نامشخص جنایتکار کارگاه چیز کمی برای ادامه کار در اختیار داشت.

کار آگاه به دلیل ماهیت غیرقابل توصیف جنایتکار کار چندانی برای ادامه دادن نداشت

Many virulent diseases are now on the wane

امـــروزه بیشـــتر بیمـــاری هـــای مهلـــک در حـــال کـــاهش هستند.

بســـیاری از بیمـــاری هـــای بـــدخیم اکنـــون رو بـــه زوال هستند

He showed his pique by slamming the door

دلخوری خود را با بستن محکم در نشان داد.

او با به هم کوبیدن در را نشان داد

Today, the trend is to more and more gaudy dress

امروزه تمایل به لباس جلف و جلف تر است.

امروزه، گرایش به لباس‌های شیک‌تر و شیک‌تر است

It is amazing how lithe football players can be, despite the encumbrance of the safety features of their uniforms.

حیرت آور است که بازیکنان فوتبال علی‌رغم دست و پاگیری ویژگی های امنیتی لباس های شان را چقدر می توانند لاغر اندام باشند.

شگفت آور است که بازیکنان فوتبال چقدر می توانند سبک باشند، علیرغم اینکه ویژگی های ایمنی لباس هایشان زیاد است.

The dinosaur is an extinct species

دایناسور یک گونه انقراض یافته است.

دایناسور یک گونه منقرض شده است

City dwellers often yearn for the idyllic life in the country

ســـاکنان شـــهرها اغلـــب آرزوی زنـــدگی آرام و باصـــفای حومه شهر را دارند.

ســـاکنان شـــهر اغلـــب آرزوی زنـــدگی بت‌هـــای در ایـــن کشور را دارند

A dictator will use any pretext to galvanize his people into aggressive actions

یـک دیکتـاتور هـر بهانــه ای را بــه کـار مــی بـرد تـا مـردم را به سوی اعمال پرخاشگرانه ترغیب کند.

یـک دیکتـاتور از هـر بهانــه ای اسـتفاده مــی کنـد تـا مـردم خود را به اقدامات تهاجمی سوق دهد

He had such disdain for us; he would not condescend to speak before our group.

او نسبت به ما احساس حقارت داشت و خودش را سبک نکرد که در مقابل گروه ما صحبت کند.

او آنقدر نسبت به ما تحقیر داشت که حاضر نمی شد در مقابل گروه ما صحبت کند.

It is most common to malign the wealthy for their avarice

بـدگویی کـردن از پولـداران بـه خـاطر طمـع شـان بسـیار رایج است.

معمـولاً بـدگویی از افـراد ثروتمنـد بـه خـاطر حـرص و طمع آنها رایج است

It is difficult to be jocose in the presence of so many doleful people

دشـــوار اســـت کـــه در حضـــور بســـیاری از مـــردم غمگـــین شوخ باشیم.

جوکـــوز بـــودن در حضـــور ایـــن همـــه آدم دلگیـــر ســـخت است

When we cannot speak with candor , we utilize euphemisms

وقتی نمی توانیم رک صحبت کنیم از حسن تعبیر استفاده می کنیم.

وقتی نمی‌توانیم با صراحت صحبت کنیم، از تعبیرها استفاده می‌کنیم

Good sportsmanship requires that one not Defeated a defeated adversary

ورزشکاری خوب مستلزم این است که شخص حریف شکست خورده را سرافکنده نکند.

اخلاق خوب ورزشی مستلزم این است که یک دشمن شکست خورده را شکست ندهد

Under the aegis of an adroit master, he reached the zenith of his career

او زیر نظر استاد چیره دست به اوج کارش رسید.

او تحت حمایت یک استاد زبردست به اوج حرفه خود رسید

We would scoff at anyone calling himself omnipotent

ما هر کسی را که خودش را قادر مطلق بنامد مسخره می کنیم.

ما هر کسی را که خود را قادر مطلق می خواند، مسخره می کنیم

There is no precedent for voting when there is no quorum

وقتی حد نصاب برای رای گیری وجود ندارد رسم و رسوم هم وجود ندارند.

در صورت عدم حد نصاب رای گیری سابقه ندارد

The fledgling poet lived a frugal life

شاعر تازه کار زندگی ساده و مقتصدانه ای داشت .

شاعر نوپا زندگی مقرون به صرفه ای داشت

No one had the temerity to disobey the officer’s peremptory order

هیچکس جسارت نکرد که از فرمان بی‌چون و چرای افسر سرپیچی کند.

هیچ کس جرأت نداشت از دستور اجباری افسر سرپیچی کند

The child tried to wheedle from her mother the place where the cookies had been cached

بچه سعی کرد مادرش را گول بزند که بگوید کلوچه ها را کجا مخفی کرده است .

کودک سعی کرد جایی را که کوکی ها در آن ذخیره شده بود از مادرش دور کند

They could discern that the faith healer was a charlatan

آنها پی بردند که شفا دهنده یک شارلاتان بود.

آنها می توانستند تشخیص دهند که شفا دهنده ایمان یک شارلاتان است

The rustic life is supposed to be a tranquil one

تصور می شود زندگی روستایی، زندگی آرامی باشد.

زندگی روستایی قرار است یک زندگی آرام باشد

Repress your uncouth manners and act with decorum at the party.

رفتارهای زشت تان را سرکوب کنید و در مهمانی با ادب رفتار کنید.

رفتارهای ناشایست خود را سرکوب کنید و در مهمانی با آراستگی رفتار کنید.

We were jubilant when our indolent cousin got a job

وقتی پسر عموی تنبل ما شغلی پیدا کرد ما شادمان شدیم.

وقتی پسر عموی بی حالمان کار پیدا کرد، خوشحال بودیم

His fervid appeal for action threw his adherents into a frenzy

درخواست پرشور او برای بازی هواخواهانش را به هیجان آورد.

درخواست پرشور او برای اقدام، طرفدارانش را به جنون انداخت

He accused the leader of the opposition of political heresy , and the mob was exhorted to burn his effigy

او، رهبر مخالف با ارتداد سیاسی را محکوم کرد و انبوه جمعیت به سوزاندن تمثال او واداشته شدند.

او رهبر اپوزیسیون را به بدعت سیاسی متهم کرد و اوباش تشویق شدند که مجسمه او را بسوزانند.

In the bedlam that followed it was not prudent to appear too apathetic

در آشوبی که پدید آمد عاقلانه نبود که بی تفاوت ظاهر شویم.

در تشریفاتی که به دنبال داشت، عاقلانه نبود که خیلی بی تفاوت به نظر برسیم

While the ostensible enemy was the opposition leader, the main purpose of this rash behavior was the eradication of all opponents

گرچه دشمن صوری رهبر مخالفان بود که هدف اصلی این رفتار تند از بین بردن همه ی رقبا بود.

در حالی که دشمن ظاهری رهبر اپوزیسیون بود، اما هدف اصلی از این رفتار عجولانه، ریشه کن کردن همه مخالفان بود.

In the conflagration that followed, no one questioned whether the original charge had been spurious

در آتش سوزی بزرگی که به وقوع پیوست هیچکس نپرسید که آیا اتهام اولیه بی اساس بوده است یا نه.

در آتش سوزی پس از آن، هیچ کس تردید نکرد که آیا اتهام اصلی جعلی بوده است یا خیر

I must inveigh against your attempt to propagate the belief that your political system will result in a panacea for all problems

می‌بایست از تلاش شما در جهت اشاعه این عقیده که نظام سیاسی تان باعث علاج همه مشکلات خواهد شد سخت انتقاد کنم.

من باید در برابر تلاش شما برای تبلیغ این باور که نظام سیاسی شما نوشدارویی برای همه مشکلات خواهد بود، اعتراض کنم.

It is incongruous to find an abstemious person in a milieu of avarice and affluence

یـــافتن یـــک شـــخص صـــرفه جـــو در محیطـــی از نـــاز و نعمت و حرص و آز نامتجانس است.

یـافتن یـک فـرد بـی اعتنـا در محیطـی پـر از بخـل و ثـروت ناسازگار است.

Siamese twins are considered a birth anomaly

دوقلوهای به هم چسبیده به عنوان نابهنجاری مادرزادی محسوب می‌شوند.

دوقلوهای سیامی یک ناهنجاری تولد در نظر گرفته می شوند

There appears to be no such thing as an innocuous heresy

به نظر می‌رسد چیزی تحت عنوان ارتداد بی‌ضرر وجود ندارد.

به نظر می رسد چیزی به نام بدعت بی ضرر وجود ندارد

When can we expect a respite from the surfeit of tv commercials?

در چـــه زمـــانی میتـــوانیم از انبـــوه تبلیغـــات تجـــاری تلویزیون انتظار داشته باشیم وقفه یا توقع داشته باشیم.

چـــه زمـــانی مـــی تـــوان انتظـــار مهلتـــی از هجـــوم تبلیغـــات تلویزیونی داشت؟

There are many concomitant dangers to obesity

خطرهای زیادی با چاقی همراه است.

خطرات همزمان زیادی برای چاقی وجود دارد

Her strident voice added to the bedlam

صدای گوش خراش او به شلوغی اضافه شد.

صدای تند او به چراغ خواب اضافه شد

After the frenzy that accompanied the burning of the effigy, they were all acutely aware of a feeling of lassitude

آنهـا در پـی هیجـان ناشـی از سـوزاندن پیکـره عمیقـاً از احساس خستگی آگاه بودند.

پـس از دیـوانگی کـه بـا سـوزاندن مجسـمه همـراه بـود، همه آنها به شدت از احساس سستی آگاه بودند.

The gist of the report was that smoking will have a deleterious effect on health

لب کلام گزارش این بود که سیگار کشیدن تأثیر زیان آوری بر سلامتی خواهد داشت.

خلاصه این گزارش این بود که استعمال دخانیات اثرات مضری بر سلامتی خواهد داشت

The efficacy of new drugs cannot be determined without a plethora of evidence

بـدون شـواهد زیـاد نمـی تـوان تـاثیر داروهـای جدیـد را تعیین کرد.

اثربخشـی داروهـای جدیـد را نمـی تـوان بـدون شـواهد فراوان تعیین کرد

It is incumbent on us to be zealous in combatting the deleterious effects of drugs

بـر مـا واجـب اسـت در مبـارزه علیـه اثـرات زیـان آور مواد مخدر پور شور باشیم .

بـر مـا واجـب اسـت کـه در مبـارزه بـا اثـرات مخـرب مـواد مخدر غیرت داشته باشیم

With each generation it becomes the vogue for the youth to be in a state of ferment

در هر نسل برای جوانان مد می‌شود که در حال جوشش و غلیان باشند .

با هر نسلی تبدیل به مد برای جوانان می شود که در حالت تخمیر قرار بگیرند

The gist of his ominous suggestion was that we dissent from the majority opinion

لـب کـلام پیشـنهاد شـوم ش ایـن بـود کـه بـا نظـر اکثریـت مخالف هستیم.

خلاصــه پیشــنهاد شـوم او ایـن بـود کـه مـا بـا نظـر اکثریـت مخالفیم

The strength of her appeal was attenuated by the flamboyant embellishments for which many had a strong aversion

تزیینـــات زرق و بـــرق داری کـــه اکثـــر مـــردم از آن هـــا شدیداً تنفر داشتند قدرت جذابیتش را کاهش داد.

قـــدرت جـــذابیت او بـــا تزیینـــات پـــر زرق و برقـــی کـــه بسیاری نسبت به آن بیزار بودند کاهش یافت.

The supreme court is our ultimate arbiter of legality

دادگاه عالی، صاحب اختیار نهایی قانونمندی است.

دادگاه عالی داور نهایی قانونمندی ماست

We hoped that the arbiter would expedite the solution to the fracas that had been so elusive for a long time.

امیدوار بودیم فرد میانجی به راه حلی برای جر و بحثی که مدت ها این‌قدر مبهم بود سرعت ببخشد.

ما امیدوار بودیم که داور حل اختلافاتی را که برای مدت طولانی گریزان بود، تسریع کند.

He accepted the lucrative position with celerity

او کار نان و آبدار را سریع پذیرفت.

او موقعیت پردرآمد را با زرنگی پذیرفت

It is easy to construe a superficial remark to be a profound one

به سادگی میتوان گفته سطحی را به عنوان اظهارنظری ژرف تعبیر کرد.

به راحتی می توان یک اظهار نظر سطحی را عمیق تفسیر کرد

If we cannot alleviate the harmful effects entirely, at least we can attenuatethem

اگـر نمـی تـوانیم ایـن اثـرات مضـر را کـاملاً کـم کنـیم حداقل می‌توانیم آنها را کاهش دهیم.

اگـر نتـوانیم اثـرات مضـر را بـه طـور کامـل کـاهش دهـیم، حداقل می توانیم آن را کاهش دهیم

The enemy made a prodigious effort to repress the uprising

دشـــمن تـــلاش چشـــمگیری در جهـــت ســـرکوب شـــورش کرد.

دشمن تلاش شگرفی برای سرکوب قیام انجام داد

Most of us scoff at and belittle bizarre behavior

اکثـر مـا رفتـار عجیـب غریـب را مسـخره کـرده و حقیـر می شماریم.

بسـیاری از مـا رفتارهـای عجیـب و غریـب را مسـخره می کنیم و آن را تحقیر می کنیم

They exacerbated a paltry difference of opinion into a prodigious conflict

آنهـــا یـــک اخـــتلاف عقیـــده جزئـــی را بـــه منازعـــه ای شگرف تشدید کردند.

آنهـــا اخـــتلاف نظرهـــای نـــاچیز را بـــه یـــک درگیـــری شگرف تشدید کردند

It is during a period of ferment that a dictator can usurp power

در طـول دوره‌ای از آشـوب اسـت کـه یـک دیکتـاتور مـی تواند قدرت را تصاحب کند.

در دوره ای از جـوش و خـروش اسـت کـه یـک دیکتـاتور می تواند قدرت را غصب کند

Do you expect me to condone that reprehensible act with such celerity?

آیـــا از مـــن انتظـــار داری از چنـــین عمـــل وقـــیح اینقـــدر سریع چشم پوشی کنم.

آیـــا توقـــع داریـــد کـــه بـــا ایـــن وقـــار از آن عمـــل مـــذموم بگذرم؟

The most trivial defects may have a deleterious effect upon the efficacy

بـی اهمیـت تـرین نقـص هـا ممکـن اسـت اثـر زیـان آوری بر کارایی آن فرآیند جدید داشته باشند.

پـیش پـا افتـاده تـرین عیـوب ممکـن اسـت تـأثیر مخربـی بـر اثربخشی داشته باشد

The prodigy revered the venerable master

نابغه به استاد معزز خود احترام گذاشت.

اعجوبه استاد بزرگوار را گرامی داشت

To those who could understand every nuance of the cryptic message, there was nothing ambiguous about it

برای کسانی که می توانستند تمام نکات دقیق پیام مرموز را بفهمند هیچ چیز مبهمی درباره آن وجود نداشت.

برای کسانی که می‌توانستند تمام نکات ظریف پیام رمزآلود را درک کنند، هیچ چیز مبهمی در مورد آن وجود نداشت

He could say the most vitriolic things in a succinct way.

او می‌توانست زننده ترین چیزها را به روشی موجز بیان کند.

او می‌توانست سرسخت‌ترین چیزها را به‌طور مختصر بگوید.

Although she did not find it congenial, we cajoled our daughter into doing some of the menial tasks around the house

اگرچه دختر ما انجام بعضی از کارهای بی اهمیت را در خانه خوشایند نمی دانست اما او را گول زدیم که آنها را انجام دهد.

اگرچه او آن را خوشایند نمی‌دانست، اما ما دخترمان را به انجام برخی از کارهای کوچک خانه دعوت کردیم.

The astute voter is not susceptible to the many extraneous shibboleths that saturate a politician’s speech

رای دهنده زیرک نسبت به شعارهای منسوخ و بی ربط زیادی که سخنرانی سیاستمداران را اشباع می کند حساس نیست.

رای‌دهندگان زیرک در برابر بسیاری از شیبلت‌های خارجی که سخنرانی یک سیاستمدار را اشباع می‌کنند، حساس نیست.

Some maintain that the ascetic leads a salubrious life

عده‌ای معتقدند که شخص زاهد زندگی سالمی دارد.

برخی معتقدند که زاهد زندگی سعادتمندی دارد

With all candor, i cannot wish for a return to the archaic times when a moribund society provided an opulent existence for some, but a loathsome* life for the majority

باتمام خلوصم نمیتوانم بازگشت زمان های باستانی را آرزو کنم که در آن جامعه ی در حال زوال برای عده ای زندگی همراه با ثروت اما برای اکثریت حیاتی مشمئزکننده فراهم کرده بود.

با تمام صراحت، نمی‌توانم آرزوی بازگشت به دوران باستانی داشته باشم، زمانی که جامعه‌ای در حال رو به نابودی، زندگی مجللی را برای برخی فراهم می‌آورد، اما برای اکثریت زندگی نفرت‌انگیزی

There is something facetious about an egotist who has the temerity to begin a speech with, “in all humility

درباره آدم خود پرستی که این وقاحت را دارد تا یک سخنرانی را با این جمله شروع کند با تمام تواضع چیزی مضحک است.

در مورد یک خودخواه که جرأت شروع یک سخنرانی را دارد، «با تواضع کامل» چیز عجیبی وجود دارد.

It is not prudent to malign or castigate, or be derogatory in any way toward a rabid political adherent

محتاطانه نیست که یک هواخواه سیاسی متعصب را بدنام کرده یا از او انتقاد کنیم یا نسبت به او توهین آمیز رفتار کنیم.

بدگویی یا سرزنش کردن، یا تحقیر کردن به هیچ وجه نسبت به یک طرفدار سیاسی هار عاقلانه نیست.

The wish to emulate a great person is laudable

آرزو برای رقابت با شخص بزرگ قابل تحسین است.

آرزوی تقلید از یک شخص بزرگ ستودنی است

The guard was so complacent about the danger of escape that he gave the prisoner only a cursory inspection

نگهبان درباره خطر فرار به قدری آسوده خاطر بود که از زندانی تنها بازرسی شتابزده ای به عمل آورد.

نگهبان آنقدر از خطر فرار راضی بود که زندانی را فقط یک بازرسی گذرا کرد.

We should be prudent in our play or work during very hot weather, because the sun has the power to enervate and debilitate those that scoff at its effects.

باید در روزهای بسیار گرم در بازی یا کارمحتاط باشیم چون خورشید این قدرت را دارد تا کسانی که اثرات آن را حقیر می شمارند سست و ضعیف کند.

ما باید در بازی یا کار خود در هوای بسیار گرم محتاط باشیم، زیرا خورشید این قدرت را دارد که کسانی را که تأثیرات آن را مسخره می کنند، تحریک کرده و ضعیف کند.

He looked for a propitious moment to exhibit his occult abilities

او در پی لحظه ای مناسب بود تا توانایی های نهفته اش را به نمایش گذارد.

او به دنبال لحظه ای مناسب برای نشان دادن توانایی های غیبی خود بود

The deleterious results of his irate outburst put the previously jocose audience in a somber mood

نتـــایج زیـــان‌آور طغیـــان خشـــمگینانه او حضـــاری را کـــه قبلاً شوخ و شنگ بودند افسرده کرد.

نتـــایج زیانبـــار طغیـــان خشـــمگین او، تماشـــاگران ســـابقاً جوکز را در حال و هوای غم انگیزی قرار می دهد.

They were so moved by the idyllic setting, they exchanged surreptitious,impetuous kisses

آنهـا آنقـدر تحـت تـاثیر حـال و هـوای آرام و دلنشـین قـرار گرفتند که بوسه های پنهانی و سریعی را به هم دادند.

آنهـا بـه قـدری تحـت تـأثیر ایـن محـیط آرام قـرار گرفتنـد کـه بوسه های مخفیانه و تند رد و بدل کردند.

In order to foment trouble, they fabricated a deplorable and blatant untruth

برای دامن زدن به مشکلات آنها دروغی رقت انگیز و زشت از خود ساختند.

برای دامن زدن به مشکل، دروغی اسفناک و آشکار ساختند

She loathed doing menial tasks, and she did them in a slovenly manner.

او از انجـــام کارهـــای پســـت متنفـــر بـــود و آنهـــا را بـــه طرزی نامرتبی انجام می داد.

او از انجـام کارهـای پسـت متنفـر بـود، و آنهـا را بـه شـیوه ای بی بند و بار انجام می داد.

Although it seemed inane, they sought their quarry in the midst of rustic surroundings that were not its natural habitat

اگرچه احمقانه به نظر می‌رسید اما آنها شکار خود را در محیطی روستایی جستجو می کردند که زیستگاه اصلی و طبیعی اش نبود.

اگرچه بی‌هدف به نظر می‌رسید، آنها معدن خود را در میان محیطهای روستایی که زیستگاه طبیعی آن نبود جستجو کردند.

Despite the plethora of offers to write her life story, the recently divorced movie queen kept a discreet silence

ملکه فیلم که اخیراً طلاق گرفته بود علی‌رغم پیشنهادهای فراوان برای نوشتن داستان زندگی خود سکوتی محتاطانه در پیش گرفت.

علیرغم پیشنهادهای فراوان برای نوشتن داستان زندگی خود، ملکه فیلم که اخیراً طلاق گرفته است سکوت محتاطانه ای را حفظ کرد.

The reporters could not glean anything from her servants.

گزارشـــــگران نتوانســـــتند از خـــــدمتکاران او ذره ذره اطلاعات جمع کنند.

خبرنگـــاران نتوانســـتند از خادمـــان او چیـــزی بـــه دســـت بیاورند.

The inveterate gambler became penitent and contrite when faced with the results of his reprehensible behavior

وقتی قمارباز کهنه کار با نتایج رفتار وقیحش روبه‌رو شد پشیمان و نادم شد.

قمارباز متکبر وقتی با نتایج رفتار مذموم خود مواجه شد، پشیمان و پشیمان شد.

The optimist knows that the vicissitudes of life are evanescent , and she always looks on the sanguine side of things.

آدم خوش بین می‌داند که فراز و نشیب‌های زندگی گذرا هستند و همیشه به جنبه امیدوارکننده مسائل می‌نگرد.

فرد خوش بین می داند که فراز و نشیب های زندگی رو به پایان است و او همیشه به جنبه های احساسی نگاه می کند.

You should not condone his sordid behavior; rather, reproach him for his fractious manner

نبایـد در برابـر رفتـار پسـت او اغمـاض کنیـد بلکـه بایـد او را به خاطر بد اخلاقی اش سرزنش کنید.

شــما نبایـد از رفتــار زشــت او چشــم پوشــی کنیـد. بلکــه او را به خاطر رفتار نادرستش سرزنش کنید

At the zenith of his career, he was tantamount to a final arbiter on matters of economic policy

او در اوج دوره حرفـــه ی خـــود در موضـــوعات سیاســـت اقتصادی به منزله قاضی نهایی بود.

در اوج زنـــدگی حرفـــه‌ای‌اش، او برابـــر بـــا آخـــرین داور در مسائل سیاست اقتصادی بود

In vain, the entire family tried to importune him to abjure gambling

تمـــام خـــانواده در تلاشـــی بیهـــوده از او مصـــرانه خواســـتند قماربازی را کنار بگذارد.

بیهـــوده، تمـــام خـــانواده ســـعی کردنـــد او را وادار کننـــد کـــه از قمار چشم پوشی کند

The connoisseur scoffs at the dilettante, who has only a veneer of knowledge.

کارشناس، فرد غیر حرفه‌ای را که فقط ظاهری از دانش را دارد تحقیر میکند.

خبره به دیلتتانت که فقط سطحی از دانش دارد مسخره می کند.

It is difficult to allay the concern of parents about how susceptible their children are and how easily they succumb to drugs

کم کردن نگرانی والدین درباره اینکه فرزندان‌شان چقدر حساس هستند و چقدر راحت بر اثر مواد از پا در می آیند دشوار است.

رفع نگرانی والدین در مورد اینکه فرزندانشان چقدر مستعد هستند و به راحتی تسلیم مواد مخدر می شوند دشوار است.

Some girls have a propensity for swarthy men who wear gaudy clothes

بعضی از دختران به مردان سبزه ای که لباس های زرق و برق دار می پوشند گرایش دارند.

برخی از دختران به مردانی که لباس های شیک می پوشند تمایل دارند

Her father warned her to be wary of adding the encumbrance of a steady boyfriend as this would attenuate her chances of finishing college

پدرش به او هشدار داد درباره افزودن گرفتاری دوست پسر دائمی محتاط باشد چون این کار فرصت های او را برای تمام کردن دانشگاه کم میکند.

پدرش به او هشدار داد که از اضافه کردن یک دوست پسر ثابت محتاط باشد زیرا این امر شانس او را برای به پایان رساندن دانشگاه کاهش می دهد.

This did not deter her from getting into a deplorable situation due to

این عمل او را از افتادن در موقعیت رقت انگیزی که نتیجه اعمال نسنجیده و خودسرانه ای خود بود ،باز نداشت.

این او را از قرار گرفتن در یک وضعیت اسفناک به دلیل منع نکرد

With rancor he faced the cumbersome job of transporting the voluminous records to his new office

او با کار پر زحمت انتقال سوابق حجیم به‌دفترکاری جدید است با بغض و کینه برخورد کرد.

او با کینه توزی با کار دست و پا گیر انتقال پرونده های حجیم به دفتر جدیدش روبرو شد

Before they began to interrogate the criminal, they had to admonish him that his testimony might be used to incarcerate him

آنها قبل از شروع به بازپرسی جنایتکار باید به او هشدار میدادند که ممکن است شهادت موجب زندانی کردن او شود.

قبل از شروع بازجویی از جنایتکار، آنها باید به او هشدار می دادند که ممکن است از شهادتش برای زندانی کردن او استفاده شود.

The hunter maintained a discreet and wary vigil as he waited for the propitious moment to bag his quarry

شـکارچی کـه منتظـر زمـانی مناسـب بـرای بـه دام انـداختن شکارش بود محتاطانه در محلی باقی ماند.

شـــکارچی بـــا احتیـــاط و هوشـــیاری در انتظـــار لحظـــه مناسب برای کیسه کردن معدن خود بود.

Even under duress, he was adamant and would not divulge the secret

او حتـــی تحـــت فشـــار نیـــز انعطـــاف ناپـــذیر بـــود و راز را افشا نـکرد.

او حتـــی تحـــت فشـــار هـــم سرســـخت بـــود و راز را فـــاش نمی کرد

The newly married couple selected the site for their new home with

زوج تـــازه عـــروس و دامـــاد محـــل خانـــه جدیدشـــان را بـــا دقت و وسواس انتخاب کردند.

زوج تـــازه ازدواج کـــرده ســـایت را بـــرای خانـــه جدیـــد خـــود انتخاب کردند

He wasn’t exactly an unmitigated liar; he merely embellished the truth a little

او دروغ گـویی تمام‌عیـار نبـود بلکـه فقـط کمـی حقیقـت را رنـگ و لعاب میداد.

او دقیقــاً یــک دروغگـوی غیــر قابــل تقلیــل نبــود. او فقــط کمی حقیقت را زینت بخشید

In his sumptuous house he had a commodious den in which he kept an array of trophies as incontrovertible evidence of his skill

او در خانه مجلل خود گوشه ی دنج و جاداری داشت که در آن ردیفی از نشانه‌های افتخار را به عنوان مدرک بی چون و چرایی از مهارتش نگهداری می‌کرد

او در خانه مجلل خود لانه ای داشت که در آن مجموعه ای از غنائم به عنوان مدرک غیرقابل انکار مهارت خود نگهداری می کرد.

Is it banal to say that good manners are Antiquated in our milieu?

گفتن این حرف که رفتار های خوب در محیط اطراف ما دیگر قدیمی شده اند مبتذل است.

آیا این پیش پا افتاده است که بگوییم اخلاق خوب در محیط ما کهنه شده است؟

The current trend in the stock market is for stocks to fluctuate in a sporadic fashion

روند فعلی بازار بورس این است که سهام به شیوه ای پراکنده در نوسان است.

روند فعلی در بازار سهام این است که سهام به صورت پراکنده در نوسان است

The nondescript, indolent beggar was in a disheveled condition

گدای تنبل و بی هویت وضعیت ژولیده ای داشت.

گدای بی وصف و بی حوصله در وضعیتی ژولیده بود

He held on to his antiquated beliefs with a tenacious obsession

او بـا وسـواس و مصـرانه بـه عقایـد کهنـه و منسـوخ خـود پایبند بود.

او بـا وسواسـی سرسـخت بـه باورهـای کهنـه خـود ادامـه داد

The woman was noted for her vituperative calumny against her innocuous,although senile, neighbor.

زن به خاطر تهمت توهین آمیز به همسایه بی ضرر اما پیرش مشهور بود.

این زن به خاطر فحاشی سرزنش آمیزش علیه همسایه بی گناه، هرچند کهنسال، مورد توجه قرار گرفت.

She could not abjure a abjure when she saw the disheveled figure

وقتی قیافه آشفته را دید نتوانست اخم و تخم نکند.

او با دیدن چهره ژولیده نمی‌توانست از انزجار خودداری کند

How asinine of the boy to fabricate that bizarre story

چقـدر پسـر احمـق بـود کـه چنـین داسـتان عجیـب غریبـی ساخت.

چقـدر ایـن پسـر ناخوشـایند اسـت کـه آن داسـتان عجیـب و غریب را ساخته است

His face wore the most doleful façade

سست ترین ظاهرسازی بر چهره‌اش نقش بسته بود.

چهره‌اش کسالت‌آورترین نما را داشت

Styles are such transient things that what is au courant today, is archaic tomorrow

سبک ها آن قدر گذرا هستند که آنچه امروز مطابق با مد روز است فردا منسوخ میشود.

سبک ها چنان چیزهای گذرا هستند که آنچه امروز au courant است، فردا کهنه است

The tip he had been offered was a mere pittance , and the taxi driver threw it on the ground in disdain

انعـامی کـه بـه او پیشـنهاد شـده بـود پـول کمـی بـود و رانـنـده تاکسی با تحقیر آن را به زمین انداخت.

انعـامی کــه بــه او پیشــنهاد شــده بــود صــرفاً پــول نــاچیزی بـــود و رانـــنـــده تاکســـی آن را بـــا تحقیـــر روی زمـــین انداخت.

Children think mothers are asinine to get upset about unkempt rooms

بچه ها فکر می کنند مادر ها احمق هستند که درباره اتاق های نامرتب ناراحت می شوند.

بچه ها فکر می کنند که مادران در مورد اتاق های نامرتب ناراحت هستند

It was inevitable that they discover the hidden body by its noisome aroma

کشـف جسـد مخفـی شـده از طریـق بـوی زننـده آن اجتنـاب ناپذیر بود.

اجتنـاب ناپـذیر بـود کـه آنهـا بـدن پنهـان را بـا رایحـه پـر سروصدا آن کشف کنند

He was so fastidious about table manners that he lost his equanimity when his son reached for the bread.

او آنقدر درباره رفتار سر میز ایرادگیر بود که وقتی پسرش دست خود را دراز کرد تا نان بردارد خونسردی اش را از دست داد.

او به قدری در مورد آداب سفره سخت کوش بود که وقتی پسرش دستش را به سمت نان برد، آرامش خود را از دست داد.

Jonathan swift was never reticent to lampoon the egotist in order to bring him down with alacrity

جاناتـــان ســـوئیفت بـــرای از بین‌بـــردن ســـرزندگی انســـانهای خودپرست هرگز در انتقاد کردن از آنها سکوت نکرد.

جاناتـــان ســـویفت هرگـــز در مـــورد لعنـــت زدن بـــه خودخـــواه بـــرای اینکـــه او را بـــا هشـــیاری پـــایین بیـــاورد، خـــودداری نکرد.

What one person finds whimsical , the other may find asinine

آنچه برای فردی شوخی آمیز است ممکن است برای دیگری احمقانه باشد.

چیزی که یک نفر آن را عجیب و غریب می‌داند، دیگری ممکن است آن را غیرعادی بداند

The expression, “sour grapes,” is the gist of a famous parable about a fox who couldn’t get what he wanted.

اصطلاح گربه دستش به گوشت نمی رسد می گوید بو می دهد تمثیل مشهوری درباره روباه ی هست که نتوانست آنچه را می خواست به دست آورد.

تعبیر "انگور ترش" اصل یک تمثیل معروف در مورد روباهی است که نتوانست به خواسته خود برسد.

We should eschew our sanctimonious façade; away with pretext!

باید بدون عذر و بهانه از ظاهرسازی مقدّس مابانه ی اجتناب کنیم.

ما باید از نمای مقدس خود بپرهیزیم. دور به بهانه!

If we want to live in a salubrious milieu, we can not countenance the noisome fumes that are deleterious to health

اگـر مـی‌خـواهیم در محیطـی سـالم زنـدگی کنـیم نمـی‌تـوانیم دودهـای مضـری کـه بـرای سـلامتی زیـان‌آور هسـتند را تحمل کنیم.

اگـر مـی‌خـواهیم در محیطـی سـالم زنـدگی کنـیم، نمـی‌تـوانیم بخارهـای پـر سـر و صـدایی را کـه بـرای سـلامتی مضـر است تحمل کنیم.

He was a precocious youngster, but he soon reached the nadir of his career, lost all of his prestige, and became a Nonentity

او جوانی پیشرس بود اما خیلی زود به ذلت افتاد اعتبارش را از دست داد و حقیر شد.

او جوانی زودرس بود، اما به زودی به اوج حرفه خود رسید، تمام اعتبار خود را از دست داد و تبدیل به یک غیرتمند شد.

Do you have the effrontery to take that supercilious and facetious attitude toward something as sinister as this?

آیـا ایـن جسـارت را داری کـه دربـاره چیـزی بـه ایـن شـومی چنـین نگـرش خودخواهانـه و مضـحکی داشـته باشی.

آیـا شـما ایـن وقاحـت را داریـد کـه نسـبت بـه چیـزی بـه ایـن شوم رفتار کنید؟

These turbulent times require a leader who does not go into a capricious pique, but rather one who faces acrimonious criticism with Equanimity

در این زمان های سخت به رهبری نیاز است که گاه و بیگاه دچار رنجش نشود بلکه برعکس با انتقادات تند با ملایمت برخورد کند.

این روزگار پرتلاطم به رهبری نیاز دارد که به یک دمدمی مزاج هوس‌باز وارد نشود، بلکه به رهبری با انتقاد شدید با اعتدال مواجه شود.

When the judge exonerated the charlatan, we were all flabbergasted

وقتی قاضی آدم شیاد را تبرئه کرد همه ما مات و مبهوت شدیم.

وقتی قاضی شارلاتان را تبرئه کرد، همه ما متحیر شدیم

The fortuitous appearance of a relief column permitted an adroit escape from the imminent debacle

ظهـــور اتفـــاقی ســـتون امـــداد اجـــازه فـــرار زیرکانـــه از ویرانی قریب الوقوع را به ما داد.

ظـاهر تصـادفی یـک سـتون امـدادی بـه یـک فـرار ماهرانـه از خرابی قریب الوقوع اجازه داد.

She had a mien of humility, but it was only a façade

او چهره فروتن داشت اما فقط ظاهرسازی بود.

او حالت فروتنی داشت، اما این فقط یک نما بود

He did not waste time trying to refute an irrelevant and tortuous argument

او زمـــان را در تـــلاش بـــرای رد کـــردن بحثـــی بـــی ربـــط و پیچیده هدر نداد.

او وقـــت را بـــرای رد یـــک اســـتدلال بـــی ربـــط و پـــر پـــیچ و خم تلف نکرد

You may have discerned that it is no longer the latest vogue among boys to permit their faces to become hirsute

حتماً فهمیده اید که دیگر آخرین مد برای پسرها این نیست که بگذارند صورت هایشان پر مو شود.

ممکن است متوجه شده باشید که دیگر جدیدترین مد در میان پسران نیست که به صورت خود اجازه دهند که هیرسوت شود.

They were struck by the anomaly of one twin who was phlegmatic while the other was vivacious

آنهـا از ایـن نابهنجـاری کـه از دوقلوهـا یکـی آرام بـود و دیگری با نشاط شوکه شدند.

آنهـا از ناهنجـاری یکـی از دوقلوهـا کـه بلغمـی بـود در حالی که دیگری سرزنده بود تحت تأثیر قرار گرفتند.

Women strive for the slender and au courant gaunt look

زنـــان بـــرای ظـــاهری لاغـــر و نحیـــف کـــه مـــد روز اســـت تلاش می‌کنند.

زنـــان بـــرای داشـــتن ظـــاهری باریـــک و لاغـــر تـــلاش مـــی کنند

He was in such a stupor as a result of the accident that this precluded his hearing my condolence

او در نتیجه ی تصادف آنقدر گیج و منگ بود که همدردی من را نشنید.

او در اثر تصادف چنان دچار گیجی شده بود که این امر مانع از شنیدن تسلیت من شد

If you juxtapose one cliché with another, you often get completely opposite lessons about life.

اگـر دو کلیشــه را کنــار هـم بگذاریـد اغلــب بــه درســهای کاملاً مخالف درباره زندگی می رسید.

اگـر یـک کلیشــه را در کنــار کلیشــه ای دیگـر قـرار دهیـد، اغلـــب درس هـــای کـــاملا متضـــادی در مـــورد زنـــدگی دریافت می کنید.

The hostile rebuke made the usually phlegmatic boy wince

سرزنش توبیخ آمیز باعث شد که پسر معمولاً آرام تو هم برود.

سرزنش خصمانه، پسر معمولاً بلغمی را به خود وا داشت

You cannot whet his desire for the theater with dubious histrionics

نمی‌توانید با ظاهرسازی و نمایش مشکوک علاقه او را به تئاتر برانگیزید.

شما نمی توانید میل او به تئاتر را با تاریخ نگاری های مشکوک تحریک کنید

The fervid marriage proposal made the shy girl pensive

پیشـنهاد ازدواج مشـتاقانه باعـث شـد دختـر خجـالتی غـرق در فکر شود.

پیشنهاد ازدواج پرشور دختر خجالتی را متفکر کرد

Harry held the fallacious belief that the menial job would degrade him in the eyes of his friends.

هـری ایـن عقیـده سفسـطه آمیـز را پـذیرفت کـه شـغل پـیش و پا افتاده او را در نظر دوستان افتخار می‌کند.

هــری معتقــد بــود کــه ایــن شــغل پســت او را از نظــر دوستانش تحقیر می کند.

Betty’s childish fabrications were judged venial sins, although they mortified her mother

دروغ های بچه گانه بتی به عنوان گناهانی بخشودنی قلمداد شد اگرچه مادرش را رنجاند.

ساختگی های کودکانه بتی به عنوان گناهان کفر آمیز مورد قضاوت قرار گرفت، اگرچه آنها مادرش را به جان هم انداختند

Modern abstract painting is a highly lucrative genre

نقاشی انتزاعی مدرن سبکی بسیار پرمنفعت است.

نقاشی انتزاعی مدرن یک ژانر بسیار سودآور است

It is reprehensible, but it doesn't require much gossip to give a person a(n) unsavory reputation.

این کار ناپسند است ولی دادن شهرت بد به یک نفر نیازی به شایعات زیادی ندارد.

مذموم است، اما برای دادن شهرت نامطلوب به یک شخص، نیازی به شایعات زیاد نیست.

In my candid opinion he is a sanctimonious fool

صادقانه بگویم او احمقی مقدس مآب است.

به نظر من او یک احمق مقدس است

He was made up in the most grotesque way for his role as a man from outer space

برای نقشش به عنوان مردی از فضای خارج او را به مضحک ترین شکل گریم کردند.

او برای ایفای نقشش به عنوان مردی از فضای بیرونی به بدترین شکل ساخته شد

We all felt deep compassion for the innocent progeny, who were bereft of their parents who had succumbed during the conflagration

همه ما برای فرزند معصومی که از نعمت پدر و مادر کشته شده در آتش سوزی بزرگ محروم بود احساس غمخواری می کردیم.

همه ما برای فرزندان بیگناهی که از پدر و مادر خود که در جریان آتش سوزی جان باخته بودند بی بهره بودیم احساس ترحم عمیقی داشتیم.

The taj mahal in india is said to be the epitome of grace as an edifice

گفته می‌شود تاج محل در هند مظهر شکوه یک امارت است.

گفته می شود تاج محل در هند مظهر فیض به عنوان یک بنا است

The sight of the corpse was repugnant to the squeamish onlookers

دیـدن جسـد بـرای تماشـاچیان نـازک نـارنجی تهـوع آور بود.

منظره جسد برای تماشاگران خجالتی نفرت انگیز بود

With dexterity he thwarted the pugnacious and belligerent adversary

او بـــا زبردســـتی رقیـــب ســـیتیز گـــر و متخاصـــم را دفـــع کرد.

او بـــا مهـــارت، حریـــف سرســـخت و جنـــگ طلـــب را خنثـــی کرد

At the acme of his power, the dictator was obsessed with the belief that those who dissented were trying to usurp his position

در اوج قـــدرت دیکتـــاتور مشـــغول ایـــن فکـــر بـــود کـــه مخالفان سعی در غصب مقامش را دارند.

دیکتـــاتور در اوج قـــدرت خـــود ایـــن بـــاور را داشـــت کـــه مخالفان در تلاش برای غصب موقعیت او هستند.

As a perspicacious newspaper reporter, he felt it incumbent upon him to depict the abortive coup as a reprehensible act

به عنوان گزارشگر با فراست روزنامه، لازم دانست کودتای بی نتیجه را به عنوان عملی نکوهیده به تصویر بکشد.

او به عنوان یک خبرنگار آگاه روزنامه، بر خود واجب می دانست که کودتای نافرجام را به عنوان یک عمل مذموم به تصویر بکشد.

The urbane gentleman was flabbergasted by the fervid interest in wrestling shown by the naive young girl.

نجیب زاده ی مودب از علاقه تندی که دختر جوان و ساده دل در مسابقه کشتی از خود نشان داد گیج و مبهوت خود بود.

نجیب زاده شهرنشین از علاقه شدید دختر جوان ساده لوح به کشتی مبهوت شد.

She lost her decorum and wept copious tears at the poignant story

او رفتار به جایش را از دست داد و با شنیدن داستان سوزناک اشک های زیادی ریخت.

او نجابت خود را از دست داد و به خاطر این داستان تلخ اشک های فراوانی گریست

He objected vehemently to a vote taking place in the absence of a quorum

او شـــدیداً بـــه رای‌گیـــری در نبـــود حدنصـــاب اعتـــراض کرد.

او بـــه شـــدت بـــه برگـــزاری رای گیـــری در غیـــاب حـــد نصاب اعتراض کرد

Under the aegis of a zealous campaign manager, the candidate was able to ingratiate herself into the hearts of the public

نـــامزد انتخابـــاتی بـــا حمایـــت مـــدیر پرشـــور و علاقـــه منـــد توانست خود را در قلب مردم جا کند.

ایـــن نـــامزد تحـــت حمایـــت یـــک مـــدیر مبـــارزات انتخابـــاتی غیور توانست خود را در دل مردم جا بیاندازد.

A favorite parable has to do with teaching the lesson that one should not Covet that which belongs to someone else.

یکی از حکایتهای مطلوب که می‌بایست آموزش داد این است که شخص نباید به چیزهایی که متعلق به دیگری است چشم طمع داشته باشد.

تمثیل مورد علاقه مربوط به آموزش این درس است که نباید به چیزی که متعلق به دیگری است طمع کرد.

His fortune fluctuated between penury and wealth

بخت او میان فقر و ثروت در نوسان بود.

ثروت او بین فقر و ثروت در نوسان بود

They made an effigy of their perfidious enemy.

آنها آدمک دشمن خائن شان را ساختند.

آنها از دشمن خیانتکار خود تصویری ساختند.

There was bedlam as the favored team went down to ignominious defeat at the hands of the underdog

وقتی تیم مورد علاقه شکست خفت باری خورد میان مردم مظلوم آشوبی برپا شد.

بدلم بود زیرا تیم مورد علاقه در مقابل تیم ضعیف شکست خورد

He found his servile position a degrading one and could not accept it with equanimity

او موقعیت نوکر ما آبانه اش را خوارکننده می‌دانست و نمی‌توانست با متانت آن را بپذیرد.

او موقعیت نوکرانه خود را تحقیر آمیز می یافت و نمی توانست آن را با متانت بپذیرد

The expatriate decided to make his sojourn in france a permanent one in order to give up his nomadic way of life

مهـاجر تصـمیم گرفـت اقامـت موقـت خـود را در پـاریس بـه اقـامتی دائـم تبـدیل کنـد تـا از خانـه بـه دوشـی دسـت بردارد.

مهـاجر تصـمیم گرفـت اقامـت خـود را در فرانسـه دائمـی کند تا از زندگی عشایری خود دست بردارد.

Why do we refuse to confront the unsavory problems of our times in a candid and incisive way?

چـــرا از رویـــارویی صـــادقانه و دقیـــق بـــا مشـــکلات ناخوشایند در زمان خود امتناع می کنیم.

چـرا مـا از رویـارویی بـا مشـکلات ناخوشـایند زمانـه خـود به شیوه ای صریح و آشکار خودداری می کنیم؟

He was a tenacious competitor, and at his own volition he placed his title in jeopardy on many occasions

او رقیب سرسختی بود و بارها به خواست خود عنوانش را در معرض خطر قرار داد.

او یک رقیب سرسخت بود و به میل خود بارها عنوان خود را به خطر انداخت.

Her antipathy towards men was based on rather nebulous events that she construed to prove that they were all perfidious

تنفر او از مردان بر پایه حوادث نامعلومی بود که به تعبیر به به او اثبات کرده بودند که مردان خائن هستند.

ضدیت او با مردان بر اساس وقایع نسبتاً مبهم بود که او برای اثبات این که همه آنها خیانتکار بودند تعبیر کرد.

When he found his sinecure was no longer tenable , he felt it a propitious time to resign

وقتی فهمید شغل تشریفاتی اش دیگر قابل احراز نیست احساس کرد زمان مناسب برای استعفا فرا رسیده است.

وقتی متوجه شد که سینوکورش دیگر قابل تحمل نیست، احساس کرد که زمان مناسبی برای استعفا است

Far from being ostentatious, she was considered the acme of fashion because of her austere manner of dress

او را بـه خـاطر طـرز سـاده لبـاس پوشـیدن اش و بـه دور از خودنمایی نهایت مد به حساب می آوردند.

او بـه دور از اینکـه خودنمـایی کنـد، بـه دلیـل طـرز لبـاس پوشـیدن سـخت‌گیرانه‌اش، برتـرین مـد روز محسـوب می‌شد.

Because he was an itinerant worker, he had to disdain carrying superfluous equipment

چون کارگری سیار بود به ناچار از حمل لوازم غیرضروری بیزار بود.

از آنجایی که او یک کارگر دوره گرد بود، مجبور بود از حمل وسایل اضافی بیزار باشد

On that felicitous occasion the amount of money he spent was irrelevant

مقدار پولی که در آن مراسم شاد خرج کرد بی اهمیت بود.

در آن مناسبت مبارک، مقدار پولی که او خرج کرد بی ربط بود

During the turbulent days of the war, they wished for the halcyon days of earlier times

آنهـا در طـول روزهـای سـخت جنـگ آرزوی روزهـای آرام گذشته را داشتند.

در روزهـای پـرتلاطم جنـگ، آرزوی روزهـای حلقـوی دوران قبل را داشتند

The iconoclast was in favor of jettisoning one of the traditions that had become an intrinsic* part of his life.

مـرد سنت‌شـکن طرفـدار کنـار گذاشـتن یکـی از سـنت‌هایی بود که به بخش ذاتی زندگی اش بدل شده بود.

شـمایل شـکن طرفـدار کنـار گذاشـتن یکـی از سـنت هـایی بود که به بخشی از زندگی او تبدیل شده بود.

In order to complete the therapy, the doctor said a trip to a warm, dry climate was mandatory

به منظور تکمیل درمان دکتر گفت که سفر به منطقه بیابانی با آب و هوای گرم و خشک الزامی است.

برای تکمیل درمان، دکتر گفت که سفر به آب و هوای گرم و خشک الزامی است

Complacent people are difficult to motivate to altruistic actions

ترغیب افراد مغرور به انجام کارهای نوع دوستانه دشوار است.

انگیزه دادن به افراد از خود راضی به اعمال نوع دوستانه دشوار است

It is pathetic the way some citizens rationalize their apathy during election years

روشی که بعضی شهروندان برای توجیه بی علاقه ای خود در طول سال های انتخابات به کار می‌گیرند حزن آور است.

رقت انگیز است که برخی از شهروندان بی تفاوتی خود را در سال های انتخابات توجیه می کنند

His beard was in its nascent state; it would soon be a hirsute masterpiece

ریـــش او در مرحلـــه آغـــازی بـــود و بـــه زودی بـــه شاهکاری پرمو تبدیل می شد.

ریـش او در حالـت نوپـا بـود. ایـن بـه زودی یـک شـاهکار هیرسوت خواهد بود

She could not countenance the sight of a lethal weapon; it was tantamount to a phobia with her

او نمـــی توانســـت منظـــره اســـلحه مرگبـــار را تحمـــل کنـــد چون برای او برابر ترسی بیمارگونه بود.

او نمـــی توانســـت بـــا دیـــدن یـــک اســـلحه کشـــنده روبـــرو شـــود. این مساوی بود با فوبیا با او

The erudite man was more than merely bilingual; he spoke five languages

مـرد دانشـمند صـرفاً دو زبانـه نبـود بلکـه بـه پـنج زبـان صحبت می کرد.

مـرد فاضـل بـیش از دوزبانـه بـودن بـود. او بـه پـنج زبـان صحبت می کرد

I would never have the temerity to walk across the steel girders high up on a new building; an onset of vertigo would surely follow

هرگـز جسـارت راه رفـتن روی چـارچوب هـای فـولادی در سـاختمان جدیـد و مرتفـع را نداشـته ام چـون مطمئـنم به دنبال آن سرگیجه خواهم داشت.

من هرگـز جـرأت عبـور از تیرهـای فـولادی در بـالای سـاختمان جدیـد را نـدارم. یـک شـروع سـرگیجه مطمئنـاً به دنبال خواهد داشت

The bedlam in the study hall was not conducive to good work habits

آشـوب در سـالن مطالعـه منجـر بـه عـادات خـوب کـاری نشد.

تختخـواب در سـالن مطالعـه بـرای عـادات کـاری خـوب مناسب نبود

Epithets are not germane when motivating a child to a task

به هنگام ترغیب کودکی به انجام کار استفاده از القاب مناسب نیست.

زمانی که کودک برای انجام یک کار انگیزه می‌دهد، القاب همسان نیستند

The charlatan was able to wheedle money out of the naïve audience with a glib talk on the medicine that would expunge pain

شـیاد توانسـت بـا زبـان بـازی دربـاره داروی کـه درد را از بین می‌برد از مخاطبان معصوم پول بگیرد.

شـــار لاتان توانســت بـــا یـــک ســـخنرانی کوتـــاه در مـــورد دارویـــی کـــه درد را از بـــین مـــی بـــرد، از بیننـــدگان ســـاده لوح پول بیرون بیاورد.

They could not follow the trend of his ideas, but his verbal dexterity galvanized the gullible listeners

شـــنوندگان نتوانســـتند رونـــد عقایـــدش را دنبـــال کننـــد امـــا مهارت کلامی آن ساده لوحان را تحریک کرد.

آنهـــا نمـــی توانســـتند رونـــد ایـــده هـــای او را دنبـــال کننـــد، امـــا مهارت کلامی او شنوندگان زودباور را برانگیخت.

They were engrossed as an ill man was “cured” before their eyes; some of the more urbane said it was legerdemain .

وقتی بیماری پیش چشم آنها مداوا شد مجذوب شدند و عده‌ای که مودب تر بودند گفتند که این کار حقه بازی بوده است.

آنها غرق شده بودند، همانطور که یک بیمار در مقابل چشمان آنها "درمان" شده بود. برخی از شهرنشینان گفتند که این لگردمین است.

He ingratiated himself into their confidence, and the malleable crowd was shaped into a subjugated mass

او خـود را در دل آنهـا جـا کـرد و جمعیـت تـاثیر پـذیر بـه گروهی مطیع بدل شد.

او خـود را بـه اعتمـاد آنهـا جلـب کـرد و جمعیـت انعطـاف پذیر به صورت توده ای تحت سلطه در آمد.

While they started out as individuals, they became a homogeneous group whom he could motivate as he willed

وقتی آنها فردی اقدام کردند به گروه مشابهی بدل شدند که او می‌توانست هر گونه که می‌خواهد آنها را تحریک کند.

در حالی که آنها به عنوان فردی شروع به کار کردند، به گروهی همگن تبدیل شدند که او می توانست هر طور که می خواست آنها را برانگیزد

To the consternation of the distraught parents they learned their son was accused of using the lethal weapon on that _____ occasion

والـدین پریشـان بـا حیـرت در یافتنـد کـه پسرشـان مـتهم بـه استفاده از اسلحه مرگبار در آن حادثه فاجعه آمیز بود.

در کمـال تعجـب والـدین مضـطرب آنهـا متوجـه شـدند کـه پسرشـــان در آن مناســـبت _____ بـــه استفاده از سلاح کشنده متهم شده است.

We wish for halcyon* days when the warlike solutions will have become

ما آرزوهای روزهای آرامی را داریم که در آن راه حل های جنگ‌طلبانه قدیمی خواهند شد.

ما آرزوی روزهای هالیونی را داریم که راه حل های جنگی تبدیل شوند

Edna recalled with nostalgia many facets of her school days

ادنـــا بـــا حســـرت گذشـــته، بســـیاری از جنبـــه‌های روزهـــای مدرسه اش را به یاد آورد.

ادنـــا بـــا نوســـتالژی بســـیاری از جنبـــه هـــای دوران مدرســـه خود را به یاد می آورد

We all tend to procrastinate when faced with an unsavory task

همه ما وقتی با کاری ناخوشایند روبه‌رو می‌شویم، تمایل به طفره رفتن از آن را داریم.

همه ما وقتی با یک کار ناخوشایند روبرو می شویم، تمایل به تعویق داریم

The iconoclast has the propensity for reproaching those who feel complacent with leading a _____ existence.

فـرد سنت‌شـکن تمایـل بـه سـرزنش افـرادی را دارد کـه بـا گذراندن زندگی بی رونق احساس غرور می‌کنند.

شـمایل شـکن تمایـل بـه سـرزنش کسـانی دارد کـه از رهبـری وجـود _____ احسـاس رضایت می کنند.

Despite tenacious resistance, they were ousted from the strongpoint and had to capitulate to the enemy

آنهـا علیـرغم مقاومـت سرسـختانه از موضـع خـود کنـاره گیری و مجبور به تسلیم دشمن شدند.

بـا وجـود مقاومـت سرسـختانه، آنهـا از نقطـه قـوت بیـرون رانده شدند و مجبور به تسلیم در برابر دشمن شدند

It was an asinine thing to do—to stigmatize his opponent as a bigot and thus exacerbate an already bitter campaign

بدنام کردن رقیب خود به عنوان یک آدم متعصب و از این رو بدتر کردن مبارزه ای که قبلاً تند و زننده بود کاری احمقانه بود.

این یک کار احمقانه بود - انگ زدن به حریف خود به عنوان یک متعصب و در نتیجه تشدید یک مبارزات انتخاباتی تلخ

It is common to hear people disparage those who paint in the modern genre; they speak about the Audacity of the artist who submits a high white canvas with a black border as a serious work

می شنویم که مردم کسانی را تحقیر می کنند که بگوییم در نقاشی می کنند آنها درباره جسارت هنرمندی صحبت می کنند که بوم نقاشی را با حاشیه سیاه به عنوان اثر جدی ارائه می‌دهد.

شنیدن اینکه مردم کسانی را که در ژانر مدرن نقاشی می کنند، تحقیر می کنند، معمول است. آنها از جسارت هنرمندی می گویند که بوم سفید بلندی با حاشیه سیاه به عنوان یک اثر جدی ارائه می کند.

They are dubious of such an artist and accuse him of trying to foist as a work of art a rudimentary exercise

آنها به چنین هنرمندی که سعی دارد تجربه ناقص را به عنوان اثری هنری قالب کند مشکوک هستند و او را متهم می کنند.

آنها نسبت به چنین هنرمندی مشکوک هستند و او را متهم می کنند که می خواهد به عنوان یک اثر هنری به یک تمرین ابتدایی دست بزند.

It is reprehensible to tantalize a young child with the promise of a reward for being good when you have no intention of giving it.

وقتی قصد نداریم به کودکی به خاطر خوب بودنش جایزهای بدهیم امید واهی دادن به او نکوهیده است.

این مذموم است که کودک خردسال را با وعده پاداش نیکوکاری در حالی که قصد دادن آن را ندارید، مذموم است.

The reporter divulged the blatant chicanery involved in the awarding of the contract

گزارشگر، شیادی آشکاری که در اعطای قرارداد وجود داشت را فاش کرد.

گزارشگر شیک کاری آشکار در اعطای قرارداد را فاش کرد

Even the most docile person may become fractious when he gets only a pittance for his hard labor

آرام ترین فرد نیز وقتی به خاطر کار سخت شندر غاز دریافت می‌کند بد اخلاق می شود.

حتی مطیع ترین فرد نیز ممکن است زمانی که برای کار سخت خود مبلغی ناچیز دریافت کند، دچار سرسختی شود.

His egregious behavior brought a tacit reproach to his mother’s eyes

رفتـــار وقیحانـــه ی او سرزنشـــی بیـــان نشـــده را در چشـــمان مادرش آورد.

رفتـــــار وحشـــــیانه او ســـــرزنش ضـــــمنی را در چشـــــمان مادرش آورد

Most politicians are reticent when asked to divulge their ambitions

وقتـــی از سیاســـتمداران خواســـته می‌شـــود امیـــال خـــود را بروز دهند اکثر آنها خود دار هستند.

بیشـــتر سیاســـتمداران وقتـــی از آنهـــا خواســـته می‌شـــود جاه‌طلبی‌های خود را فاش کنند، کوتاهی می‌کنند

He refused to retort to the rash question about his propensity for imbibing

او از پاسخ به پرسش نسنجیده درباره تمایل ش به آشامیدن امتناع کرد.

او از پاسخ دادن به سؤال عجولانه در مورد تمایل خود به خوردن خودداری کرد

The saga of a lone man confronting the turbulent oceans in a small boat is an exploit we find laudable

دریافتیم داستان بلند مرد تنهایی که با قایقی کوچک با اقیانوس طوفانی مواجه می‌شود شاهکاری قابل تمدید است.

حماسه مردی تنها که در یک قایق کوچک با اقیانوس های متلاطم روبرو می شود، سوء استفاده ای است که ما آن را ستودنی می دانیم.

The speaker remained imperturbable while his audience shouted caustic comments about his mendacious activities

وقتی مخاطبان سخنرانی فریاد می زدند و نظرات تندی درباره ی فعالیت های کذبش می دادند،او خونسرد باقی ماند.

سخنران آشفته باقی ماند در حالی که مخاطبانش نظرات تند و زننده درباره فعالیت های دروغین او را فریاد می زدند

The ingrate refused to accept cindy’s belated gift

شـــخص ناســـپاس از پـــذیرش هدیـــه دیر هنگـــام ســـیندی امتناع کرد.

قـــدردان از پـــذیرفتن هدیـــه دیر هنگـــام ســـیندی خـــودداری کرد

When released from incarceration, he was gaunt and decrepit

او وقتی از زندان آزاد شد لاغر و شکسته شده بود.

وقتی از زندان آزاد شد، لاغر و ضعیف بود

We are all familiar with the cliché that he who vacillates is lost

همه ما با این گفته تکراری که کسی تعلل کند ،می بازد آشنا هستیم.

همه ما با این کلیشه آشنا هستیم که می گوید کسی که تزلزل می کند گم شده است

The coach heaped opprobrium upon the fledgling ball player

مربی تحقیر نثار بازیکن تازه وارد بی تجربه کرد.

مربی به بازیکن نوپای توپ بداخلاق کرد

We are ready to rationalize Machiavellian activities on the part of our side if they are to the detriment* of our adversary

ما آماده‌ایم فعالیتهای حیله گرانه ی خود را عقلاً توجیه کنیم البته اگر به زیان دشمن ما باشد.

ما حاضریم فعالیت‌های ماکیاولیستی طرف خود را در صورتی که به ضرر دشمن ما باشد منطقی کنیم.

It was unconscionable to abraham lincoln to keep a book he had borrowed without making tenacious efforts to return it.

برای ابراهیم لینکلن نامعقول بود که کتابی را که امانت گرفته بود بدون تلاش جدی برای بازگرداندن آن را پیش خود نگه دارد.

برای آبراهام لینکلن بی وجدان بود که کتابی را که به امانت گرفته بود بدون تلاش سرسختانه برای بازگرداندن آن نگه دارد.

There was pandemonium as the presidential nominee entered the convention site

با ورود نامزد ریاست جمهوری به محل انجمن غوغا به پا شد.

با ورود نامزد ریاست جمهوری به محل همایش، هیاهویی به پا شد

She is such a staunch friend, my reprehensible actions do not cause a

او چنـان دوسـت ثابـت قـدمی اسـت کـه رفتـار نـکوهیـده مـن باعث جدایی مان می شود.

او آنقــدر دوســت سرســخت اســت، اقــدامات مــذموم مــن باعث الف نمی شود

The mayor tried to vindicate his actions that had been called capricious and irrational by critics

شـــهردار تـــلاش کـــرد اعمـــال خـــود را کـــه منتقـــدان آنهـــا را هوس بازانه و غیر عقلانی می دانستند را توجیه کند.

شـــــهردار ســـــعی کـــــرد اقـــــدامات خـــــود را کـــــه از ســـــوی منتقـــدان دمـــدمی مـــزاج و غیرمنطقـــی خوانـــده شـــده بـــود، توجیه کند

He castigated his opponents and went to great lengths to flay them with accusations of megalomania

او از مخالفانش انتقاد کرد و با متهم کردن آنان به جنون خودبزرگ‌بینی آنها را مورد انتقاد شدید قرار داد.

او مخالفان خود را سرزنش کرد و تمام تلاش خود را کرد تا آنها را با اتهامات غول‌آسائی از بین ببرد

His Demeanor was atypical; usually phlegmatic, he was belligerent and garrulous during the broadcast

رفتـــارش معمـــولی نبـــود او کـــه معمـــولاً آرام بـــود در طـــول پخش برنامه متخاصم و پر حرف شده بود.

رفتـــار او غیـــر معمـــول بـــود. معمـــولاً بلغمـــی بـــود، او در طول پخش جنگ طلب و پرخاشگر بود

The most heinous thing i have done," he said in a stentorian voice, "is eradicate the untruth that my party is not compatible with progress

او با صدایی بلند گفت فجیع ترین کاری که انجام داده‌ام از بین بردن این دروغ است که حزب من موافق پیشرفت نیست.

شنیع‌ترین کاری که انجام داده‌ام این است که این دروغ را از بین ببرم که حزب من با پیشرفت سازگاری ندارد.

Then he gave an incisive delineation of his fulsome opponents as an antiquated group, complacent about the noisome conditions in a moribund city

سپس او توصیف دقیقی از رقبای زننده اش به عنوان گروهی عقب افتاده ارائه داد که از شرایط زیانبار شهر رو به زوال راضی بودند.

سپس او به تشریح دقیقی از مخالفان سرسخت خود به عنوان یک گروه قدیمی پرداخت که از شرایط پر سر و صدا در یک شهر رو به مرگ راضی هستند.

We do not condone* or tolerate* an infraction of even the most trivial kind.

ما حتی جزئی ترین قانون شکنی را نادیده نگرفته و تحمل نمی‌کنیم.

ما حتی از پیش پا افتاده ترین نوع تجاوز را نمی پذیریم یا تحمل نمی کنیم.

It takes a callous person to watch with equanimity as a gullible, naive girl falls for the line of a loathsome boy

فـــرد بـــی عاطفـــه را می‌طلبـــد کـــه دختـــر ســـاده لـــوح و معصـومی را بـا متانـت تماشـا کنـد کـه فریـب پسـر نفـرت انگیزی را خورده و به او دل می بندد.

به یـک فـرد بـی احسـاس نیـاز اسـت کـه بـا متانـت ببینـد کـه یـک دختـر سـاده لـوح و سـاده لـوح بـه خـط یـک پسـر نفـرت انـگیز می افتد.

How easy it is to heap vituperation upon someone at the nadir of his career

چقـدر راحـت میتـوان بـه فـردی در پـایین تـرین حـد کـاری اش توهین و سرزنش نثار کرد.

چقــدر آســان اســت کــه کســی را در اوج زنــدگی حرفــه ای خود انباشته کرد

There seems to be no way to redress a grievance against an omnipotent ruler.

به نظر می رسد راهی برای پس گرفتن شکایت علیه حاکمی با قدرت مطلق وجود ندارد.

به نظر می رسد هیچ راهی برای جبران شکایت از یک حاکم قادر مطلق وجود ندارد.

From any facet of his life, the acme of moral turpitude was reached by adolf hitler

آدولـف هیتلـر" در تمـام جنبـه هـای زنـدگی بـه اوج بحـث فساد اخلاقی رسیده بود.

از هـر جنبـه ای از زنـدگی او، آدولـف هیتلـر بـه اوج شکوه اخلاقی رسید

It is not long before a young star has a clique around him who sporadically get their names into the newspapers

طـولی نمـی کشـد کـه گروهـی اطـراف سـتاره جـوان را می‌گیرنـد و بـه طـور پراکنـده نـام هایشـان در روزنامـه چاپ می شود.

طـولی نمی‌کشـد کـه یـک سـتاره جـوان گروهـی در اطـراف خـود دارد کـه نـام خـود را بـه صـورت پراکنـده در روزنامه‌ها منتشر می‌کنند.

At a time that requires tangible proposals, all he offers is unconscionable

در زمانی که نیازمند پیشنهادهای ملموس است همه آنچه که او پیشنهاد و ارائه می‌دهد لفاظی نامعقول است.

در زمانی که نیاز به پیشنهادهای ملموس دارد، همه چیزهایی که او ارائه می دهد غیرمعقول است

The detective interrogated the adamant prisoner in such a facile way that he confessed after giving incontrovertible evidence

کارآگـاه چنـان آسـان زنـدانی سرسـخت را بـازجویی کـرد که او پس از ارائه شواهد مسلم لب به اعتراف گشود.

کارآگـاه بـه گونـه ای آرام از زنـدانی سرسـخت بـازجویی کـرد کـه پـس از ارائـه مـدارک غیـر قابـل انکـار اعتـراف کرد.

Youngsters scoff when their elders extol the halcyon days of long ago

وقتـــی بزرگترهـــا روزهـــای خـــوش گذشـــته را می‌ســـتایند جوان تر ها آنها را مسخره میکنند.

جـــوان هـــا وقتـــی بزرگترهایشـــان روز هـــای گذشـــته هالسیون را تمجید می کنند، تمسخر می کنند

Amidst the adulation of the throng, the film star, in all humility, credited her mentor as the one most responsible

ستاره فیلم در میان ستایش های چاپلوسانه جمیعت با کمال تواضع مشاوره را به عنوان مسئول ترین فرد معرفی کرد.

در میان ستایش ازدحام، ستاره سینما، با کمال تواضع، مربی خود را مسئول ترین فرد معرفی کرد.

We feel so sanctimonious when we vilify the character of a felon

وقتی از شخصیت یک تبهکار بدگویی می کنیم احساس مقدس نمایی به ما دست می دهد.

وقتی شخصیت یک جنایتکار را بدنام می کنیم، بسیار احساس تقدس می کنیم

The diplomat was astute enough to see through the cant of the machiavellian ambassador

دیپلمات به اندازه کافی زرنگ بود که دورویی سفیر حیله گر را تشخیص دهد.

دیپلمات به اندازه کافی زیرک بود که از سفیر ماکیاولیستی دیدن کرد

A somber examination of those indigent families, bereft of hope, sunken in apathy, should motivate us to be more magnanimous in our attempts to improve their lot

بررسی غم‌انگیز خانواده های تهیدست و ناامید و غرق در بی علاقگی باید ما را ترغیب کند تا در تلاش هایمان برای بهبود سرنوشت آنها بلند همت تر باشیم.

بررسی غم انگیز آن خانواده های بی بضاعت، بی امید، غرق در بی علاقگی، باید به ما انگیزه دهد که در تلاش برای بهبود وضعیت آنها بزرگوارتر باشیم.

I was flabbergasted when he took umbrage at my whimsical remarks

وقتی که گفته های خنده دار من باعث رنجش او شد بسیار گیج شدم.

وقتی او از اظهارات عجیب و غریب من خجالت کشید، متحیر شدم

The judge ordered the censor to elucidate his reasons for removing passages from the book in such a capricious manner

قاضی به سانسورچی دستور داد دلایلش را برای حذف بخش‌هایی از کتاب به چنین روش هوسبازانه توضیح دهد.

قاضی به سانسورچی دستور داد که دلایل خود را برای حذف قسمت هایی از کتاب به گونه ای دمدمی مزاجانه روشن کند.

As the scion of an affluent family, he was often in proximity to opulence

به عنوان ترکه ی خانواده ثروتمند همیشه در نزدیک ثروت بود.

او به‌عنوان فرزند خانواده‌ای مرفه، اغلب در مجاورت ثروت بود

After playing with his progeny in the enervating sun, he staggered back to his room where he was overcome with lassitude

او پس از بازی با فرزندش در آفتاب سست کننده در حالی که سستی بر او غلبه کرده بود تلو تلو خوران به اتاقش برگشت.

او پس از بازی با فرزندانش در زیر آفتاب دلخراش، تلوتلو خورده به اتاق خود بازگشت و در آنجا سستی بر او غلبه کرد.

As a concomitant to his belligerent and vituperative antipathy toward his government, he became an expatriate, but he found it a vapid life

در نتیجه تنفر خصومت آمیزش نسبت به دولت به یک فرد تبعیدی بدل شد اما زندگی برایش کسل کننده بود.

همزمان با ضدیت ستیزه جویانه و سرزنده او نسبت به دولتش، او یک تبعید شد، اما آن را یک زندگی پوچ یافت.

Kyra was so disgruntled about having to move the unwieldy piano, she procrastinated for days

کـایرا آنقـدر از جابجـا کـردن پیـانوی سـنگین غمگـین بـود که روز ها آن را به تعویق انداخت.

کـایرا بـه قـدری از اینکـه مجبـور بـود پیـانوی سـخت را حرکت دهد ناراضی بود، روزها به تعویق انداخت

The irrelevant evidence seemed to vitiate the prosecutor’s case and

به نظر می رسید شواهد بی ربط پرونده ی دادستان را تباه کرده و مانع از محکومیت او شد.

به نظر می‌رسید که شواهد نامربوط پرونده دادستان را مخدوش کرده است

The new employee wanted to gain favor with his boss, and his obsequious desires led to the most fatuous behavior

کارمند جدید می خواست حمایت رئیس اش را به دست آورد و امیال چاپلوسانه است به ابلهانه ترین رفتار تبدیل شد.

کارمند جدید می خواست مورد لطف رئیس خود قرار گیرد و خواسته های واهی او منجر به زشت ترین رفتارها شد.

Her virtuosity was demonstrated by the works she performed from her

ذوق هنرهـــای زیبـــای او در کـــار هـــایی کـــه از مجموعـــه آثارش به نمایش گذاشت آشکار شد.

مهارت او با کارهایی که از او اجرا کرد نشان داده شد

He had always appeared virile, so that the imperceptible decline toward senility went unnoticed until he succumbed and began to use a cane

او همیشه قوی به نظر می رسید به طوری که ضعف تدریجی ناشی از پیری مورد توجه قرار نگرفت تا جایی که از پا در آمد و شروع به استفاده از عصا کرد.

او همیشه مردانه به نظر می رسید، به طوری که کاهش نامحسوس پیری مورد توجه قرار نگرفت تا اینکه تسلیم شد و شروع به استفاده از عصا کرد.

The paroxysm of coughing served to contort her body until she could gain a respite

به سرفه افتادن، بدنش را کج و معوج کرد تا زمانی که توانست مهلتی برای آرامش پیدا کند.

سرفه‌های ناخوشایند بدن او را منحرف می‌کرد تا زمانی که بتواند مهلت بگیرد

The parsimonious octogenarian sought to augment his wealth by removing it from its cache and placing it in a bank

مرد ۸۰ ساله خسیس تلاش کرد که با برداشتن ثروتش از مخفیگاه و گذاشتن آن در بانک آن را افزایش دهد.

این هشت ساله پرهیزکار به دنبال افزایش ثروت خود با حذف آن از حافظه پنهان و قرار دادن آن در بانک بود.

The connoisseur of fine foods declared the restaurant the ultimate in the preparation of succulent meat dishes

کارشناس غذاهای عالی رستوران را به عنوان نهایت آماده سازی غذا های گوشتی آبدار اعلام کرد.

خبره غذاهای لذیذ این رستوران را بهترین گزینه در تهیه غذاهای گوشتی شاداب اعلام کرد.

She coveted the antiquated locket even though it had only an intrinsic value

او به قاب زنجیر دار که نه چشم طمع داشت با اینکه آن قاب فقط ارزش ذاتی.

او طمع به قفسه‌ی کهنه‌ای داشت، هرچند که فقط یک ارزش ذاتی داشت

He discreetly tried to curry favor with his employer

او محتاطانه کوشید با خوش خدمتی خود را پیش کارفرمایش عزیز کند.

او با احتیاط سعی کرد مورد لطف کارفرمایش قرار گیرد

The host exhorted his guests to eat to satiety

میزبـان اصـرار داشـت کـه مهمـان آن بـه حـد اشـباع غـذا بخورند.

میزبان مهمانانش را تشویق کرد تا سیر شوند

Those conditions were not conducive to a felicitous evening as the dance would soon pall for the lack of feminine companionship

این شرایط، مناسب بعد از ظهری شاد نبود چون عدم همراهی خانم ها رقص زود خسته کننده می شد.

آن شرایط برای یک شب شاد مساعد نبود، زیرا رقص به زودی به دلیل عدم همراهی زنانه کم می‌شد.

I cannot sanction your lax attitude towards the imminent threat of a conflagration

نمی‌توانم نگرش اهمال کارانه تو نسبت به خطر قریب الوقوع آتش سوزی بزرگ را بپذیرند.

من نمی توانم نگرش سست شما را نسبت به تهدید قریب الوقوع آتش سوزی تایید کنم

In some insidious way the glib salesman played upon my repressed desires and sold me a gaudy sports car

فروشنده چرب زبان به روش ای موذیانه با آرزوهای سرکوب شده من بازی کرد و ماشین ورزشی زرق و برق دار را بمن فروخت.

به روشی موذیانه، فروشنده ی قلابی، خواسته های سرکوب شده ام را بازی کرد و یک ماشین اسپرت شیک به من فروخت.

You can be sure the candidate will allude to the moribund state of our economy and offer his panacea

می توانیم مطمئن باشی که کاندید به اقتصاد رو به زوال ما اشاره و راه حل خود را ارائه خواهد کرد.

مطمئن باشید که نامزد به وضعیت رو به زوال اقتصاد ما اشاره خواهد کرد و نوشداروی خود را ارائه خواهد کرد

A potpourri of today’s musical hits sounds more like cacophony than harmony

گزیـــده ای از اجراهـــای موســـیقی امـــروز بیشـــتر شـــبیه صدای گوش خراش است تا هارمونی.

پـــات پـــوری از آهنـــگ هـــای موزیکـــال امـــروزی بیشـــتر شبیه صدای ناهنجار است تا هارمونی

His levity at such a serious moment denotes a lack of feeling

سبک سری او در چنین لحظه ای جدی بر بی عاطفیگی دلالت داشت.

اهانت او در چنین لحظه جدی نشان دهنده فقدان احساس است

A few years ago there was a spate of science-fiction films about awesome monsters causing pandemonium on our planet, but after a surfeit of that genre, their popularity began to wane

چند سال پیش شاهد سیل فیلم های علمی تخیلی درباره موجودات غول پیکر و وحشتناکی بودیم که سبب آشوب در سیاره ما می شدند اما پس از زیاده‌روی در این نوع شهرت آن ها رو به افول نهاد.

چند سال پیش انبوهی از فیلم‌های علمی تخیلی درباره هیولاهای شگفت‌انگیز وجود داشت که باعث ایجاد هیاهو در سیاره ما می‌شدند، اما پس از انبوهی از آن ژانر، محبوبیت آنها شروع به کاهش کرد.

With the advent of text messaging, roger was busy night and day

با ظهور ماینه های ایمنی الزامی تعدادی از اتومبیل های قراضه تر نابود شده‌اند.

با ظهور پیامک، راجر شب و روز مشغول بود

We question the propriety of making fun of obese people

ما درستی مسخره‌کردن افراد چاق را زیر سوال می‌بریم.

ما درستی تمسخر افراد چاق را زیر سوال می بریم

I’d like to proffer my belated congratulations on your 25 years of married serenity

دوست دارم تبریک دیر هنگام خود را به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد ازدواجتان را با آرامش تقدیم کنم.

مایلم با تأخیر به خاطر ۲۵ سال آرامش متاهلی شما تبریک بگویم

In the milieu of city street life it is not atypical to hear impious comments about authority

در محیط زندگی شهری و نظرات خدانشناسانه درباره قدرت غیر معمول نیست.

در محیط زندگی خیابانی شهر، شنیدن نظرات غیرقانونی درباره اقتدار امری غیرعادی نیست

Mothers should be vigilant that their children’s food has the proper nutritive value

مـــادران بايـــد مراقـــب باشـــند كـــه غـــذای كودكانشـــان دارای ارزش تغذيه مطلوبی باشد.

مـــادران بايـــد مراقـــب باشـــند كـــه غـــذای فرزندانشـــان ارزش غذايی مناسبی داشته باشد

There were raucous complaints about the inordinate number of fatal accidents caused by inebriated drivers

شـــکایت‌های ناخوشـــایندی دربـــاره تعـــداد بســـیار زیـــاد تصـــادفات مرگبـــار ای وجـــود دارد کـــه توســـط رانـــندگان مست صورت میگیرد.

شـــکایات سرســـام آوری در مـــورد تعـــداد بـــی شـــمار تصـــادفات مرگبـــار ناشـــی از رانـــندگان مســـت شـــده وجـــود داشت

People often try to compensate for their deplorable lack of culture by repeating the shibboleth , “i know what i like

مـــردم اغلـــب تـــلاش می‌کننـــد بـــا تکـــرار شـــعار آنچـــه را دوســـت دارم میـــدانم بی‌فرهنگـــی نکوهیـــده ای خـــود را جبران کنند.

مـردم اغلـب سـعی می‌کننـد کمبـود فرهنـگ اسـفناک خـود را بـا تکـرار ایـن جملـه کـه «مـن مـی‌دانم چـه چیـزی را دوست دارم» جبران کنند.

He had the audacity to try to foist a bogus dollar on me

ایـن جـرات را داشـت کـه یـک دلار تقلبـی بـه مـن قالـب کند.

او ایـن جسـارت را داشـت کـه سـعی کنـد یـک دلار جعلـی به من تحمیل کند

The reporter wanted to elicit the pertinent facts from the reticent witness so he could substantiate the charge of moral turpitude against the high city official

گزارشگر می خواست حقایق مربوط را از زبان شاهد کم حرف بیرون کشد تا بتواند اتهام فساد اخلاقی علیه مسئولین عالیرتبه شهر را اثبات کند.

خبرنگار می خواست حقایق مربوطه را از شاهد محتاط استنباط کند تا بتواند اتهام فتنه اخلاقی علیه مقام عالی شهر را ثابت کند.

It was fortuitous that the accident occurred when there were negligible numbers of children in the buses

اتفاقاً که سانحه زمانی رخ داد که تعداد اندکی از بچه ها در اتوبوس بودند.

تصادفی بود که این تصادف زمانی رخ داد که تعداد ناچیزی از کودکان در اتوبوس ها حضور داشتند

He was in a quandary about which selection from his extensive repertoire it would be feasible to perform for the children

تردید داشت که چه چیزی را از مجموعه آثار وسیع اش انتخاب کند که اجرای آن برای بچه ها ممکن باشد.

او در ابهام بود که کدام انتخاب از کارنامه گسترده‌اش را می‌توان برای بچه‌ها اجرا کرد.

Because she had committed only a venial offense, he thought it expedient to abjure a severe punishment.

چون جرمی قابل بخشش مرتکب شده بود فکر می‌کرد مصلحت این است که از مجازاتی سنگین صرفنظر شود.

از آنجایی که او فقط مرتکب یک جنایت اهانت آمیز شده بود، او فکر کرد که مصلحت است از مجازات شدید خودداری کند.

Who can be callous about the presence of many indigent families in proximity to affluence?

چه کسی میتواند نسبت به حضور خانواده‌های تهیدست زیادی در مجاورت ثروتمندان بی عاطفه باشد.

چه کسی می تواند نسبت به حضور بسیاری از خانواده های بی بضاعت در مجاورت ثروت بی رحم باشد؟

People have become so blasé about the once thrilling, now mundane flights into space

مـــردم دربـــاره پـــرواز هـــای مـــاورا اقیـــانوس اطلـــس کـــه زمـــانی مهـیج و حـــالا پـیش و پـــا افتـــاده شـــده‌اند بسـیار بـــی اعتناء شده‌اند.

مـــردم نسـبت بـــه پروازهـــای زمـــانی هیجـــان انـگیـز و اکنـــون پیش پا افتاده به فضا بسیار خشمگین شده اند

The omnipotent dictator employed all of his rhetoric to vilify those who would be brash enough to suggest that a diversity of opinions should be expressed

دیکتاتور پرقدرت تمام فصاحت خود را برای تهمت زدن به کسانی به کار گرفت که به قدری گستاخ بودند که گفتند اختلاف عقاید باید بیان شود.

دیکتاتور قادر مطلق تمام لفاظی های خود را به کار گرفت تا کسانی را که به قدری گستاخ هستند و پیشنهاد می کنند که باید عقاید گوناگونی بیان شود، بدنام کند.

The fledgling pianist knew that his mentor would take umbrage at his yawning during the lesson, but the feeling of ennui was overwhelming

پیانیست تازه‌کار می‌دانست که معلمش از خمیازه های او در طول کلاس دچار رنجش می‌شود اما احساس خستگی بسیار شدید بود.

پیانیست نوپا می دانست که مربی او در طول درس خمیازه می کشد، اما احساس انزجار بسیار زیاد بود.

He was reticent about revealing his clandestine meetings with a comely young girl counselor at this camp

او درباره فاش کردن ملاقات های مخفیانه اش با دختر مشاور جوان و قشنگ در این کمپ خوددار بود.

او در مورد افشای ملاقات های مخفیانه خود با یک مشاور دختر جوان خوش تیپ در این کمپ ممتنع بود.

They furtively employed every kind of artifice to be able to meet

آنهـا بـه طـور پنهـانی هـر نـوع ترفنـدی را بـه کـار بردنـد تا بتوانند با هم ملاقات کنند.

آنهـــا مخفیانـــه از هـــر نـــوع تصـــنعی اســـتفاده کردنـــد تـــا بتوانند ملاقات کنند

They were vigilant in order that their surreptitious meetings would not be discovered, and it often required frenetic changes of plans to preclude exposure

آن ها هوشیار بودند که ملاقات های مخفی شان آشکار نشود و اغلب به تغییرات پرهیجان طرح ها برای جلوگیری از رسوایی نیاز بود.

آنها هوشیار بودند تا ملاقات های مخفیانه آنها کشف نشود، و اغلب نیاز به تغییرات دیوانه کننده در برنامه ها برای جلوگیری از افشای آنها بود.

A successful television program can be built around the artless comments of very young children

می‌توانیم بر مبنای نظرات صادقانه کودکان یک برنامه تلویزیونی موفق ساخت.

یک برنامه تلویزیونی موفق را می توان حول نظرات بی هنر کودکان بسیار خردسال ساخت

At times, the producer must expurgate some of the things said by these children because they are too candid

گاهگاهی تهیه‌کننده باید بعضی از چیزهایی را که توسط کودکان گفته می شود سانسور کند چون بیش از حد رک هستند.

گاهی اوقات، تهیه کننده باید برخی از صحبت های این بچه ها را به دلیل صریح بودن آنها حذف کند

He had a serious qualm about hunting for the nearly extinct quarry

او دربـــاره تعقیـــب شـــکار تقریبـــاً در حـــال انقـــراض تردیـــد جدی داشت.

او در مـــورد شـــکار معـــدن تقریبـــاً منقـــرض شـــده تردیـــد جدی داشت

He took umbrage when i offered a gratuity to augment his small salary

پیشنهاد پاداش من برای افزایش حقوق اندکش باعث رنجش او شد.

وقتی من برای افزایش حقوق کوچکش انعام پیشنهاد دادم، عصبانی شد

She did not begrudge paying the pittance extra for a better coat

او از پرداخت کمی پول بیشتر برای یک کت بهتر مضایقه نکرد.

او از پرداخت مبلغ ناچیز اضافی برای یک کت بهتر ناراحت نشد

If we delve below and behind the rhetoric and invective, we may discover the profound reasons for the ferment* in our land.

اگـر سـخنوری و پرخـاش را دقیـق و عمیـق بررسـی کنـیم ممکـن اسـت بـه دلایـل اساسـی آشـوب در سـرزمین مـان پی ببریم.

اگـر در زیـر و در پـس لفاظی‌هـا و لفاظی‌هـا کـاوش کنـیم، ممکـن اسـت دلایـل عمیقـی را بـرای تخمیـر در سـرزمین خود کشف کنیم.

He was reticent about emulating those who, after eating almost to satiety, rushed to replenish the food on their plates

او نسبت به تقلید از کسانی که پس از خوردن زیاد دوباره برای پر کردن بشقاب های خود هجوم می‌آورند خودداری بود.

او در مورد تقلید از کسانی که بعد از خوردن تقریباً سیر شده، عجله داشتند تا غذای بشقاب هایشان را دوباره پر کنند، تقلید کرد.

It was manifest that an arbiter would be needed because neither side would capitulate to a plan foisted on them by the other side

آشکار بود که به یک قاضی نیاز است چون هیچ یک از طرفین تسلیم طرحی نمی‌شود که طرف دیگر به او قالب کرده است.

آشکار بود که به یک داور نیاز است زیرا هیچ یک از طرفین تسلیم نقشه ای نمی شود که طرف مقابل به آنها تحمیل می کند.

When the acrimonious discussion about his capricious actions had attenuated, he was able to vindicate his conduct.

وقتی بحث های زننده درباره اعمال هوس بازانه اش کم شد او توانست رفتارش را توجیه کند.

وقتی بحث تند و تیز در مورد اقدامات دمدمی مزاجانه او کاهش یافت، او توانست رفتار خود را اثبات کند.

One mortifying requisite for the position was that he would have to work for one year under the aegis of a fatuous egotist

یکی از شرایط لازم و آزار دهنده آن شغل این بود که او می‌بایست یک سال تحت پوشش فردی احمق و خودبین کار می‌کرد.

یکی از شرایط سخت برای این موقعیت این بود که او باید به مدت یک سال تحت حمایت یک خودخواه فریبکار کار کند.

If you heap opprobrium on an impious child, it probably will not ameliorate the conditions that led to the rebelliousness

اگـر بچـه ای سرسـخت را سـرزنش کنیـد شـرایطی کـه منجر به طغیان او شود را بهتر نخواهید کرد.

اگـر بـه کـودکی بـداخلاق بـدگویی کنیـد، احتمـالاً شـرایطی را کـه منجـر بـه سرکشـی شـده اسـت، بهبـود نخواهـد بخشید.

The coach knew he would have to add experienced players to the roster to compensate for the spate of freshmen on the team

مربی می‌دانست باید بازیکنان باتجربه را به فهرست اضافه کند تا هجوم مبتدیها را به تیم جبران کند.

مربی می دانست که باید بازیکنان باتجربه را به لیست اضافه کند تا هجوم دانشجویان سال اول تیم را جبران کند.

There seems to be voluminous evidence that the mother’s smoking will stunt the baby’s growth

به نظر می‌رسد شواهد زیادی مبنی بر این امر وجود دارد که سیگار کشیدن مادر جلوی رشد کودک را میگیرد.

به نظر می رسد شواهد زیادی وجود دارد که سیگار کشیدن مادر رشد کودک را متوقف می کند

The prodigy allowed his musical talent to atrophy as he redirected his career

وقتـــی نابغـــه حرفـــه ای دیگـــری را بـــر مـــی گزیـــد اجـــازه داد استعداد موسیقیش تحلیل برود.

ایـــن اعجوبـــه اجـــازه داد تـــا اســـتعداد موســـیقیایی اش در مسیر تغییر مسیر حرفه اش از بین برود

When it seemed that reggie would maim his opponent, we broke up the fight

وقتی مشخص شد "جی" رقیبش را ناقص العضو می کند مبارزه را منحل کردیم.

وقتی به نظر می رسید که رجی حریف خود را معلول می کند، ما مبارزه را قطع کردیم

We had to wince as we watched the newcomer try to wheedle and ingratiate himself into the teacher's favor in the most unctuous manner

با تماشای ورود فرد تازه وارد که سعی می کرد با تملق معلم را گول بزند و خود را در دل او جای دهد مجبور شدیم خود را کنار بکشیم.

وقتی می‌بینیم که تازه‌وارد سعی می‌کند با بی‌معنی‌ترین شکل، خودش را به نفع معلم برساند، مجبور شدیم خفه شویم.

It is easy to become a cynic when the same adults who inveigh most vehemently against the uncouth actions that they say permeate our youth drink to satiety and behave fatuously

وقتی بزرگسالان به شدت اعمال زشتی را مورد انتقاد قرار می دهند که به عقیده آنان در میان جوانان نفوذ کرده و زیاد از حد می نوشند و رفتاری احمقانه دارند بدبین شدن کار آسانی است.

بدبین شدن آسان است وقتی همان بزرگسالانی که شدیداً در برابر اعمال ناجوانمردانه ای که می گویند در جوانان ما نفوذ کرده است سرزنش می کنند تا سیر شوند و رفتاری فریبنده داشته باشند.

We all have moments when we vacillate between selfish and benevolent desires

همه ما لحظه هایی را داریم که بین امیال خودخواهانه و خیراندیشانه مردد هستیم.

همه ما لحظاتی داریم که بین امیال خودخواهانه و خیرخواهانه در نوسان هستیم

While his demeanor remained imperturbable, there was latent anger at the ignominious* and subservient role he had to play

وقتی در رفتارش خونسرد باقی ماند خشمی پنهانی درباره نقش شرم آور و چاپلوسانه ای که باید ایفا میکرد به وجود آمد.

در حالی که رفتار او غیرقابل اغتشاش باقی می ماند، خشم نهفته ای نسبت به نقش شرم آور* و تابعی که باید ایفا می کرد وجود داشت.

Those who are complacent about any iniquity in our society should be wary of the unsavory consequences for all

کسانی که نسبت به هر گونه ظلم در جامعه مان بیخیال هستند باید نسبت به عواقب ناخوشایند آن برای همه گوش به زنگ باشند.

کسانی که از هرگونه بی عدالتی در جامعه ما راضی هستند باید مراقب عواقب ناخوشایند برای همه باشند.

He felt it would be ignominious for him to accept any largess from the charlatan whose machiavellian schemes had made him affluent

او احساس کرد پذیرش هر انعامی از فردی شیادی که طرح‌های شیادانه اش او را ثروتمند کرده بود برایش شرم آور است.

او احساس می‌کرد برایش شرم‌آور خواهد بود که هر چیز بزرگی را از شارلاتانی که نقشه‌های ماکیاولیستی او را ثروتمند کرده بود بپذیرد.

Behind the façade of ostensible benevolence there was a mercenary streak

در پـــس از ظـــاهر ســـازی خیـــر اندیشـــانه نمایشـــی تمـــایلی پولکی وجود داشت.

در پشـــت نمـــای خیرخـــواهی ظـــاهری، رگـــه ای مـــزدور وجود داشت

The platitude, “i know what i like,” is often used to rationalize our lack of a criterion for things about which we are dubious.

این عبارت کلیشه ای که می دانم چه دوست دارم اغلب برای توجیه نبود معیار برای چیزهایی استفاده می‌شود که درباره آنها مردد هستیم.

ساده انگاری، "من می دانم چه چیزی را دوست دارم" اغلب برای توجیه فقدان معیار برای چیزهایی که در مورد آنها مشکوک هستیم استفاده می شود.

When mother is in a pique about some infraction* of a rule, it takes all of our dexterity to mollify her

وقتـــی مـــادر از قـــانون شـــکنی دچـــار رنجـــش میشـــود مهارت خود را برای آرام کردن او به کار می گیریم.

وقتـــی مـــادر در مـــورد نقـــض یـــک قـــانون گـــیج مـــی شـــود، برای آرام کردن او به تمام مهارت ما نیاز است.

After every election we repent , in a belated criticism, the apathy and complacency of so many people who failed to vote

پس از هر انتخابات و در انتقادی دیرهنگام به خونسردی و بی خیالی افرادی که موفق به رای دادن نشده‌اند، افسوس می خوریم.

بعد از هر انتخاباتی، در انتقادی دیرهنگام، از بی علاقگی و رضایت بسیاری از مردمی که رای نداده اند، توبه می کنیم.

After therapy, there remained hardly a vestige of his phobia

پس از درمان به ندرت اثری از ترس بیمارگونه است باقی ماند.

پس از درمان، به سختی اثری از فوبیای او باقی ماند

He was stigmatized as a pariah when he had the audacity to boast of his nefarious and sordid career printing bogus money.

وقتی او اینک جسارت را پیدا کرد که درباره دوران شرم‌آور و پست چاپ اسکناس های تقلبی لاف بزند او را به عنوان فرد منفور بی آبرو کردند.

زمانی که جسارت داشت به حرفه پلید و پلید خود در چاپ پول های جعلی مباهات کند، به عنوان یک منحوس انگ خورده شد.

Although many people say this is a propitious time to invest in the stock market, there is a tenable argument for remaining _____

اگرچه افراد زیادی می گویند زمان مناسبی برای سرمایه گذاری در بازار بورس فرا رسیده است اما استدلالی معقول درباره دور ماندن وجود دارد.

اگرچه بسیاری از مردم می گویند که این زمان مناسبی برای سرمایه گذاری در بازار سهام است، اما استدلال قابل قبولی برای باقی ماندن _____ وجود دارد.

In the guise of maintaining national unity under military rule, there was a paucity of even innocuous dissent

در ظـاهر حفـظ وحـدت ملـی تحـت قـانون نظـامی کمبـود اعتراضات بی‌ضرر وجود داشت.

در پوشـش حفـظ وحـدت ملـی تحـت حاکمیـت نظـامی، مخالفت حتی بی‌ضرر هم کم بود.

You can’t argue with success,” was his pragmatic reply to derogatory remarks about a movie star who had only superficial talent as an actor

پاسخ واقع بینانه او به اظهارات توهین آمیز درباره ستاره ی فیلم که به عنوان یک بازیگر، استعداد سطحی داشت این بود تو نمی توانی با موفقیت جدل کنی.

شما نمی توانید با موفقیت بحث کنید.» این پاسخ عملگرایانه او به اظهارات تحقیرآمیز درباره یک ستاره سینما بود که فقط استعداد ظاهری بازیگری داشت.

In spite of his efforts to cajole the girl, she remained aloof, and the futility of his efforts made him lugubrious

علی رغم تلاش هایی برای گول زدن دختر او همچنان منزوی باقی ماند و بی فایدگی تلاش‌های پسر او را اندوهگین کرد.

علیرغم تلاش های او برای خجالت کشیدن دختر، او کناره گیری کرد و بیهودگی تلاش های او باعث شد که او هوس کند.

To our consternation, modern technology has made feasible a spate of lethal devices that could lead to the inadvertent destruction of the world

با کمال بهت و حیرت ،فناوری جدید باعث هجوم ابزارهای مرگبار ای شده اند که می توانند به نابودی غیرعمدی دنیا منجر شوند.

در کمال تعجب ما، فناوری مدرن سیل وسایل کشنده ای را امکان پذیر کرده است که می تواند منجر به نابودی ناخواسته جهان شود.

In order to abjure the height advantage of his adversary, he abjured smoking and did an inordinate amount of exercise until he was the acme of litheness and dexterity

برای این که منتهی برتری رقیبش را بی اعتبار کند سیگار را ترک کرد و ورزش زیادی کرد تا به اوج انعطاف‌پذیری و چالاکی رسید.

او برای اینکه از مزیت قد حریف خود چشم پوشی کند، از سیگار کشیدن دست کشید و ورزش های بی حد و حصری انجام داد تا جایی که به اوج نرمی و زبردستی رسید.

We found it impossible to mollify the irate owner of three prize cats as he viewed the carnage caused by our large dog

وقتی صاحب خشمگین سه گربه جایزه دید سگ بزرگ ما باعث قتل عام شده است آرام کردنش غیر ممکن بود.

ما دریافتیم که آرام کردن صاحب خشمگین سه گربه جایزه غیرممکن است زیرا او قتل عام سگ بزرگ ما را مشاهده می کند.

The office was deluged with requests for his autograph as the girls became cognizant of his identity.

وقتـــی دخترهـــا از هویـــت او آگـــاه شـــدند مـــوجی از درخواست‌ها برای امضای او به دفترمان سرازیر شد

دفتـــر مملـــو از درخواســـت بـــرای امضـــای او شـــد زیـــرا دختران از هویت او مطلع شدند.

The mayor vehemently denied there was any antipathy between the governor and himself and blamed this canard on their political opponents.

شـــهردار بـــه تنـــدی وجـــود هرگونـــه ضـــدیت میـــان فرمانـــدار و خـــودش را انکـــار کـــرد و تقصـــیر شـــایعات بـــی اســـاس را به گردن رقبای سیاسی انداخت.

شـــهردار بـــه شـــدت وجـــود مخالفـــت بـــین فرمانـــدار و خـــود را تکـــذیب کـــرد و مخالفـــان سیاســـی آنهـــا را مقصـــر دانست.

I resent your defamatory remark that depicts me as a culprit

از اظهارات افتراء آمیز شما که من را به عنوان یک متهم ترسیم می کند رنجیده ام.

من از اظهارات توهین آمیز شما که مرا به عنوان یک مجرم نشان می دهد ناراحت هستم

The egregious calumny of the defendant worked to the advantage of the

تهمت آشکار متهم به سود شاکی شد.

توهین شدید متهم به نفع او بود

Publishers of newspapers and magazines augment their staff with lawyers to represent them when they are sued for libel

ناشـــران روزنامـــه هـــا و مجـــلات وکلایـــی را بـــه جمـــع کارمنـــدان خـــود مـــی افزاینـــد تـــا وقتـــی کســـی بـــه خـــاطر توهین از آنها شکایت می کند نماینده آنها باشند.

ناشـــران روزنامـــه‌ها و مجـــلات کارکنـــان خـــود را بـــا وکـــلا افـــزایش می‌دهنـــد تـــا در صـــورت شـــکایت از آنهـــا بـــه اتهـــام افترا، وکالت کنند.

The cynic will deprecate the motives of anyone who tries to ameliorate the iniquities in our society

آدم بـــدبین از انگیـــزه هـــای افـــرادی کـــه ســـعی در فرونشاندن بی‌عدالتی در جامعه ما ندارند انتقاد می‌کند.

بـدبین انـگیـزه هـای هـر کسـی را کـه تـلاش مـی کنـد تـا بـی عـدالتی هـا را در جامعـه مـا کـاهش دهـد، تحقیـر خواهـد کرد.

Even though she was piqued at his indolent manner, it was pathetic to listen to her excoriate him in public

اگرچه از رفتار تن پرورانه او رنجیده بود اما شنیدن این که او در ملا عام سرزنش کنند حزن آور بود.

حتی با وجود اینکه او از رفتار بی‌رحمانه‌اش برانگیخته شده بود، رقت‌انگیز بود که به سخنان او در ملأ عام گوش داد

His awesome mental dexterity compensated for his frail physical condition

مهـارت ذهنـی شـگفت انگیـز او شـرایط شـکننده جسـمی اش را جبران می کند.

مهـارت ذهنـی فـوق العـاده او شـرایط جسـمانی ضـعیف او را جبران می کرد

When ben’s muscles began to atrophy, the doctor initiated therapy with a potent new drug

وقتی ماهیچه های بن شروع به تحلیل رفتن کرد دکتر درمان را با داروی جدید قوی شروع کرد.

هنگامی که عضلات بن شروع به آتروفی کردند، پزشک درمان را با یک داروی جدید قوی آغاز کرد

The drug is reputed to have a salubrious effect on nascent conditions of this type

می‌گویند دارو تاثیر سودمندی بر شرایط پیدایش یافته از این نوع دارد.

معروف است که این دارو در شرایط نوپایی از این نوع اثر مفیدی دارد

Although he was a devout adherent of the party, he remained aloof during the vitriolic primary campaign

اگرچه او یک طرفدار مومن حزب بود اما در طی مبارزات انتخاباتی اولیه و تند منزوی باقی ماند.

اگرچه او یکی از طرفداران متعصب حزب بود، اما در طول مبارزات انتخاباتی مقدماتی سرسختانه کنار ماند

As the music reached a frenetic tempo, the audience lost all decorum and broke into impromptu dancing

همانطور که ضرب موسیقی پر تب و تاب می شد حضار رفتار به‌جای خود را از دست داده و به رقصی فی لبداهه پرداختند.

وقتی موسیقی به سرعتی دیوانه‌وار می‌رسید، حضار زیبایی خود را از دست دادند و به رقص بداهه پرداختند.

He had no qualms about opposing the clique who insidiously exerted a malevolent influence on the president.

از مخالفت با گروهی که به‌طور موذیانه تاثیری بدخواهانه بر رئیس‌جمهور گذاشتند عذاب وجدان نداشت.

او هیچ ابایی از مخالفت با گروهی که موذیانه بر رئیس جمهور اعمال می کردند، نداشت.

The connoisseur was able to glean a worthwhile painting from the profuse variety of poor ones at the exhibit.

کارشناس توانست از بین مجموعه نقاشی های ضعیف که در نمایشگاه فراوان بود نقاشی های ارزشمند را از این طرف و آن طرف جمع کند.

خبره توانست نقاشی ارزشمندی را از میان تنوع زیاد افراد فقیر در نمایشگاه به دست آورد.

Europeans drive diminutive cars because their narrow roads and high prices for gasoline are not conducive to or compatible with our large ones

اروپایی ها با ماشین های کوچک رانندگی می کنند چون جاده های باریک و قیمت بالای بنزین در آنجا با اتومبیل های بزرگ ما مناسب یا هماهنگ نیست.

اروپایی‌ها ماشین‌های کوچک می‌رانند، زیرا جاده‌های باریک و قیمت بالای بنزین آن‌ها با ماشین‌های بزرگ ما سازگار نیست یا با آن‌ها سازگار نیست.

The blasé devotee of the opera was awakened from his ennui by the dulcet tones of the new soprano

سرسپرده اپرا که دل زده شده بود با آهنگ دلنشین سوپرنوا جدید از خستگی بیرون آمد.

طرفدار بی‌تفاوت اپرا با آهنگ‌های آرام سوپرانوی جدید، از حس علاقه‌اش بیدار شد.

The potpourri of au courant fashionable raiment includes the fatuousand the discreet

گلچینی از پوشاک مد روز شامل احمق و محتاط می شود.

پوشاک شیک au courant شامل لباس های فریبنده و محتاطانه است

While all disgruntled men may rail against malevolent or machiavellian leaders, democracy offers a way to ameliorate iniquities through the ballot

وقتی همه انسان های ناراضی از رهبران شیاد و بدخواه گله دارند مردم سالاری با برگه های رای مخفی راهی برای فرونشاندن بی‌عدالتی‌ها پیش می برد.

در حالی که همه مردان ناراضی ممکن است علیه رهبران بدخواه یا ماکیاولیستی ایراد بگیرند، دموکراسی راهی برای بهبود بی‌عدالتی‌ها از طریق رأی‌دهی ارائه می‌کند.

Is there any veracity in the platitude that corpulent men are jocose?

آیـا ایـن گفتـه کلیشـه ای کـه مردان‌چـاق، شـوخ و شـنگ هستند درست است.

آیـا در ایـن افعـال صـحت و سـقم وجـود دارد کـه مـردان جسور جوکوز هستند؟

To be candid, there is little to be wistful about in the good old days

اگـــر راســـتش را بخـــواهی دربـــاره روزهـــای خـــوب قـــدیم چیز حسرت باری وجود ندارد.

بـــرای صـــریح بـــودن، در روزهـــای خـــوب گذشـــته چیـــز کمی برای غمگین بودن وجود داشت

They captured the brigand , and he was incarcerated for a mandatory period

آنهـــا راهـــزن را دســـتگیر کردنـــد و او را بـــرای مـــدتی الزامی زندانی شد.

آنهـــا ســـارق را دســـتگیر کردنـــد و او بـــرای یـــک دوره اجباری در زندان بود

He alluded to the rift caused in the school by the plethora of hirsute boys who ignored the criterion for appearance

او به اختلافی در مدرسه اشاره کرد که عامل آن انبوهی از پسران پشمالو بودند که معیار ظاهرشان را نادیده گرفته بودند.

او به شکاف ایجاد شده در مدرسه توسط انبوه پسران هیرسوت که ملاک ظاهر را نادیده می گرفتند اشاره کرد.

Well known as a(n) raconteur , he was never chagrined when asked to tell a story from his large repertoire

وقتـــی از قصـــه گـــوی مشـــهور خواســـتن داســـتانی از محفوظات عظیمش بگوید هرگز نرنجید.

او کـــه بـــه عنـــوان یـــک (racconur n) معـــروف اســـت، وقتـــی از او خواســـته شـــد داســـتانی از کارنامـــه بـــزرگ خود تعریف کند هرگز ناراحت نشد.

Despite all attempts to mollify her, she remained sullen about the levity caused by her slovenly raiment

علی رغم همه تلاش ها برای آرام کردن او درباره ابتذال که به خاطر لباس نامرتب ش بود بد اخم باقی ماند.

علیرغم تمام تلاش‌هایی که برای آرام کردن او انجام می‌داد، او نسبت به عبادت ناشی از لباس‌های شلخته‌اش عبوس ماند.

The obscure country, an aspirant for membership in the united nations, sent a(n)

کشـور گمنـام کـه آرزومنـد عضـویت در سـازمان ملـل بـود یک نماینده فرستاد.

کشـور مـبهم، کـه خواسـتار عضـویت در ملـل متحـد بـود، یک (n) فرستاد.

An anomaly of our modern technology is that the more we need to know, the less time we have to ruminate

یکی از ناهنجاریهای فناوری مدرن این است که هرچه بخواهیم بیشتر بدانیم زمان کمتری برای تفکر داریم.

یکی از ناهنجاری‌های فناوری مدرن ما این است که هر چه بیشتر بدانیم، زمان کمتری برای نشخوار فکری داریم

The rabid baseball fan lost his equanimity and became livid when the star pitcher became pugnacious and was removed from the game.

طرفدار متعصب بیسبال وقتی دید توپ انداز، ستیزه گر شد و از بازی اخراج شد آرامشش را از دست داد.

هوادار هار بیسبال زمانی که ستاره پرتاب کنجکاو شد و از بازی حذف شد خونسردی خود را از دست داد و عصبانی شد.

There was a taut international situation caused by the proximity of unidentified submarines to our coasts

با نزدیکی زیر دریایی ناشناخته به سواحل ما اوضاع بین المللی گرفته ای وجود داشت.

یک موقعیت بین‌المللی سخت بود که ناشی از نزدیکی زیردریایی‌های ناشناس به سواحل ما بود

When one enlists in the army, one expects to be under the aegis of a

وقتی کسی در ارتش ثبت‌نام می کند انتظار دارد تحت حمایت آدمی مقرراتی باشد.

وقتی کسی در ارتش نام نویسی می کند، انتظار دارد که تحت حمایت الف باشد

His yen for imbibing and romping with girls worked to his detriment

میـل او بــه آشــامیدن و دنبــال دختــران دویـدن بــه زیــان او بود.

یــن او بــرای خــوردن و جســت و خیــز بــا دختــران بــه ضرر او بود

The little boy tried to wheedle a larger allowance from his father by the caustic observations that it was a mere Bagatelle when compared to the allowances of

پسر کوچولو با این اظهارات تند که پول تو جیبی او در مقایسه با پول توجیبی دوستان اش ناچیز است، سعی کرد پدرش را گول بزند و پول بیشتری بگیرد.

پسر کوچولو سعی کرد با مشاهدات سوزاننده که در مقایسه با کمک هزینه های پدرش یک باگاتل صرف است، کمک هزینه بیشتری از پدرش بگیرد.

We do not decapitate criminals because of our aversion* to such repugnant* punishments.

ما به خاطر تنفر از چنین مجازات های تهوع آور جنایتکاران را گردن نمی زنیم.

ما جنایتکاران را به دلیل بیزاری*مان از چنین مجازات*های نفرت انگیزی از تن جدا نمی کنیم.

I do not wish to deprecate your penchant for cowboy music, but i find it banal

نمی‌خواهم تمایل شما به موسیقی گاوچرانی را تقبیح کنم اما به نظر من پیش پا افتاده است.

من نمی خواهم تمایل شما را به موسیقی گاوچران کمرنگ کنم، اما آن را پیش پا افتاده می دانم

Why do you remain docile while that termagant besmirches, maligns, and belittles you?

چـرا زمـانی کـه زن غرغـرو شـما را خـوار می‌کنـد از شـما بـدگویی می‌کنـد و بـه شـما اهانـت می‌کنـد شـما آرام می مانید.

چـرا مطیـع مـی مانیـد در حـالی کـه آن ترمـاغ شـما را تحقیر، بدگویی و تحقیر می کند؟

Each long holiday weekend we are appalled at the carnage on our highways

در هر تعطیلی طولانی آخر هفته ما از خون ریزی در بزرگراه هایمان شوکه می شویم.

هر آخر هفته طولانی تعطیلات، ما از کشتار بزرگراه‌هایمان وحشت زده می‌شویم

It was deplorable the way the capricious girl led the callow youth on a merry chase

روشی که دختر هوس باز به دنبال کردن سرخوشانه آن جوان بی تجربه وا می‌دارد، رقت انگیز است.

شیوه ای که دختر دمدمی مزاج، جوانان دمدمی مزاج را در تعقیب و گریز شاد هدایت می کرد تاسف بار بود

While some moribund economies atrophied after world war ii, others burgeoned under the salubrious effects of loans from the u.s

در حالی که بعضی از اقتصادهای رو به زوال و پس از جنگ جهانی دوم تحلیل رفته اند دیگران تحت تاثیر اثرات سالم وامهای آمریکا رونق گرفتند.

در حالی که برخی از اقتصادهای رو به نابودی پس از جنگ جهانی دوم از بین رفتند، برخی دیگر تحت تأثیرات سودمند وام های ایالات متحده رشد کردند.

In order to ascertain the relationship between his girlfriend and his brother, he kept a wary and discreet vigil

برای اینکه به رابطه بین دوست دخترش و برادرش پی ببرد محتاطانه و زیرکانه شب را بیدار ماند.

برای اطمینان از رابطه دوست دخترش و برادرش، هوشیارانه و محتاطانه هوشیار بود.

We are quick to disseminate calumny, but reticent about things that may be construed as compliments

در پخش کردن تهمت سریع هستیم اما درباره ی چیز هایی که ممکن است تعریف تعبیر شود خوددار هستیم.

ما به سرعت توهین می کنیم، اما در مورد چیزهایی که ممکن است به عنوان تعریف و تمجید تعبیر شود، محتاط هستیم.

He was appalled at the apathy concerning the important issue that had remained dormant for so long a time.

او از خونسردی درباره موضوع مهمی که برای مدتی طولانی مسکوت مانده بود شوکه شد.

او از بی‌تفاوتی در مورد موضوع مهمی که مدت‌ها خاموش مانده بود، وحشت داشت.

The callous potentate kept an imperturbable mien when requested to alleviate the unconscionable conditions existing in his land

وقتی از پادشاه سنگدل خواسته شد وضعیت شرم آور در سرزمینش را فرونشاند ظاهری خونسرد به خود گرفت.

زمانی که از او خواسته شد تا شرایط نامعقول موجود در سرزمینش را کاهش دهد، یک فرد غیرقابل اغتشاش را حفظ کرد.

The emissary from the president tried to allay the fears that a deleteriousinternecine feud was inevitable within the party

رئیس‌جمهور سعی در کم کردن این ترس داشت که نزاع خونین و زیان‌آور در حزب اجتناب ناپذیر بود.

فرستاده رئیس‌جمهور تلاش کرد تا نگرانی‌ها مبنی بر اجتناب‌ناپذیر بودن یک خصومت مخرب بین‌المللی در درون حزب را برطرف کند.

A pragmatic philosopher derived the theory that we have noses in order to hold up our eyeglasses

فیلسوف عملگرا به این فرضیه دست یافت که بینی ما به منظور نگهداشتن عینک ما است.

یک فیلسوف عمل گرا این نظریه را به دست آورد که ما بینی داریم تا عینک خود را بالا نگه داریم.

Your efforts to ingratiate yourself into your boss's favor are nullified by the unmitigated nepotism manifest in this firm

تلاش های شما برای خوش خدمتی و خود را پیش رئیس عزیز کردن با پارتی بازی محض و آشکار در این شرکت خنثی می‌شود.

تلاش‌های شما برای جلب رضایت رئیس‌تان توسط خویشاوندی بی‌نظیر در این شرکت باطل می‌شود.

He gave his adversary the dubious prerogative of choosing the weapon by which he was to meet his inevitable end.

او به رقیب خود حق ویژه مشکوکان انتخاب اسلحه ای را داد که با آن به مرگ اجتناب ناپذیری دچار می شد.

او به دشمن خود این اختیار را داد که سلاحی را انتخاب کند که به وسیله آن به پایان اجتناب ناپذیر خود برسد.

In the potpourri of restaurants there is no dearth of succulent dishes

در گلچین رستوران‌ها کمبود غذاهای گوشتی وجود ندارد.

در آشپزی رستوران ها هیچ کمبودی از غذاهای آبدار وجود ندارد

Although he was erudite about a copious number of things, he was a naive, callow tyro when it came to relating to girls

اگرچه او در زمینه چیز های فراوانی دانشمند بود اما در ارتباط با دخترها ،بی تجربه بود.

اگرچه او در مورد بسیاری از چیزها باهوش بود، اما در رابطه با دختران یک تیروی ساده لوح و بداخلاق بود.

John wilkes booth’s egregious act remains an infamous obloquy

عمـــل وقـــيح "جـــان ويكلـــز بـــوث" بـــه عنـــوان رســـوايی ننگينی باقی خواهد ماند.

اقـــدام فـــاحش غرفـــه جـــان ويلكـــس بـــه عنـــوان يـــک ابهـــام بدنام باقی مانده است

Her sophistry made use of every glib artifice

سفسطه او از هر ترفند زبان بازانه ای بهره می برد.

سفسطه او از هر حیرت انگیزی استفاده می کرد

In the office he played the factitious role of a martinet, while at home he was filled with compassion

او در اداره نقش ساختگی آدمی مقرراتی را ایفا می کرد اما در خانه بسیار دلسوز بود.

در دفتر او نقش ساختگی یک مارتینت را بازی می کرد، در حالی که در خانه سرشار از شفقت بود

The modest prodigy treated the fervid encomiums that followed his

نابغه فروتن با ستایش های مشتاقانه ای پس از اجرای ایش چنان رفتار کرد که گویی بسیار ناچیز بود.

اعجوبه متواضع با بدجنسی‌هایی که به دنبال او بودند رفتار می‌کرد

Even those who were not fans of the movie star candidly admit the charisma that surrounded him

حتـــی کســـانی کـــه طرفـدار ســتاره ســینما نبودنـــد، ابهـت کـــه او گرفته بود صادقانه اعتراف کردند.

حتـــی کســـانی کـــه از طرفـداران ایـــن ســـتاره ســـینما نبودنـــد، صـــراحتاً بـــه کاریزمـــایی کـــه او را احاطـــه کـــرده بـــود اعتراف کردند

The united nations has outlawed genocide as the ultimate crime, which must be eradicated

سازمان ملل متحد نسل کشی را به عنوان نهایت جنایت که باید ریشه کن شود، غیر قانونی اعلام کرده است.

ملل متحد نسل کشی را به عنوان جنایت نهایی غیرقانونی اعلام کرده است که باید ریشه کن شود.

Her constant prevarication made her a pariah to her friends

دوپهلـــو گـــوی هـــای دائـــم ، او را در نظـــر دوســـتانش مطرود کرد.

دلتنگـــی همیشـــگی او او را نســـبت بـــه دوســـتانش بـــدبین کرده بود

The rhetoric soared into flagrant hyperbole

لفاظی اوج گرفت و به مبالغه های آشکار بدل شد.

لفاظی به هذل گویی آشکار افزایش یافت

He was surprised by the munificent gratuity given by the usually parsimonious termagant

از پـــاداش ســـخاوتمندانه ای کـــه زن غرغـــرو معمـــولاً خسیس به او داد، شگفت زده شد.

او از انعـــام بزرگـــی کـــه توســـط ترمگانـــت معمـــولاً پرهیزگار داده می شد شگفت زده شد

Iman is indiscriminate, and he can’t find a good job.

ایمان بی هدف است و نمی تواند کار خوبی پیدا کند.

ایمان بی تفاوت است و نمی تواند کار خوبی پیدا کند.

Oxford is eminent for its university.

آکسفورد به خاطر دانشگاهش معروف است.

آکسفورد برای دانشگاهش برجسته است.

These socks are replete with holes.

این جوراب ها پر از سوراخ است.

این جوراب ها پر از سوراخ هستند.

Helen was steeped in grief, and burst into tears.

هلن سرشار از غصه بود و زد زیر گریه.

هلن غرق در غم و اندوه بود و اشک ریخت.

The western plains used to abound with bison before those animals were slaughtered by settlers.

قبل از اینکه مهاجران به کشتار گاوهای کوهان دار بپردازند، این حیوانات در جلگه های غرب زیاد بودند.

دشت های غربی قبل از سلاخی آن حیوانات توسط مهاجران، مملو از گاومیش کوهان دار بود.

Gholam likes to study computer technology.

غـــلام دوســـت دارد در رشـــته ی تکنولـــوژی کـــامپیوتر تحصیل کند.

غلام دوست دارد فناوری کامپیوتر بخواند.

She prognosticated that it would rain, and she was right.

او پیش بینی کرد که باران می آید و حق با او بود.

او پیش بینی کرد که باران خواهد آمد، و حق با او بود.

The time is approaching when human workers may be replaced by automatons.

زمـــان جـــایگزینی نیـــروی کـــار انســـانی بـــا آدم هـــای ماشینی نزدیک است.

زمـــانی نزدیـــک مـــی شـــود کـــه کـــارگران انســـانی ممکـــن است با ماشین های خودکار جایگزین شوند.

The matron cleaned the house.

کدبانو خانه را تمیز کرد.

مادر خانه را تمیز کرد.

One of the great paradoxes of American life is that though minority groups have suffered injustices, nowhere in the world have so many varied groups lived together so harmoniously.

یکی از تناقضات بزرگ زندگی آمریکایی اینه که اگر چه گروه های اقلیت از بی عدالتی ها رنج می برند، اما در هیچ جای دیگری در دنیا این همه گروه های مختلف با تفاهم کنار هم زندگی نکرده اند.

یکی از پارادوکس‌های بزرگ زندگی آمریکایی این است که اگرچه گروه‌های اقلیت از بی‌عدالتی متحمل شده‌اند، اما در هیچ کجای دنیا این همه گروه‌های متنوع تا این حد هماهنگ با هم زندگی نکرده‌اند.

The island was once French realm.

این جزیره زمانی قلمرو فرانسه بود.

این جزیره زمانی قلمرو فرانسه بود.

he annals of sports are replete with the name of great black athletes.

تاریخچه ی سالانه ی ورزش پر از نام های قهرمانان بزرگ سیاهپوست است.

سالنامه ورزش مملو از نام ورزشکاران بزرگ سیاه پوست است.

His gloom was now compounded by the failing mark on his geometry.

بعـــد از مـــردودی در امتحـــان هندســـه، افســـردگی اش تشدید شد.

تیرگـــی او اکنـــون بـــا علامـــت شکســـت در هندســـه اش ترکیب شده بود.

A tinge of garlic is all that’s necessary in most recipes.

مقـــدار کمـــی ســـیر تنهـــا چیـــزی اســـت کـــه در اکثـــر دستورالعمل های آشپزی لازم است.

یـــک تـــه رنـــگ ســـیر تمـــام چیـــزی اســـت کـــه در بیشـــتر دستور العمل ها لازم است.

Don’t badger me now, I’m busy!

الان سر به سرم نذار/کلافم نکن،گرفتارم!

حالا به من بد نگو، من سرم شلوغ است!

He implored his parents to buy him a guitar.

او از والـــدینش خـــواهش کـــرد کـــه بـــرایش یـــک گیتـــار بخرند.

او از پـــدر و مـــادرش خواســـت کـــه بـــرای او یـــک گیتـــار بخرند.

She knew that she must do the drudgery tomorrow.

او می دانست که فردا باید کار سختی را انجام دهد.

او می دانست که فردا باید مشقت بار را انجام دهد.

The journey seemed interminable.

سفر تمام نشدنی به نظر می رسید.

سفر پایان ناپذیر به نظر می رسید.

Did you perceive what she was wearing?

آیا متوجه شدی که او چی پوشیده بود؟

متوجه شدی او چه پوشیده است؟

His speech was usually rambling, but this time I found it brief and laconic.

سـخنرانی او معمـولا پراکنـده بود،امـا ایـن بـار مختصـر و مفید بود.

سـخنان او معمـولاً پـر سـر و صـدا بـود، امـا ایـن بـار آن را مختصر و لکونیک یافتم.

There was a large throng at the football match.

جمعیت زیادی در مسابقه ی فوتبال وجود داشت.

جمعیت زیادی در مسابقه فوتبال حضور داشتند.

it was intrepid of her to go into the burning building.

رفـتن او بـه آن سـاختمان در حـال سـوختن شـجاع بـودنش را نشان می داد.

از او بیمنـاک بـود کـه بـه داخـل سـاختمان در حـال سـوختن برود.

If a surly panhandler should accost you, keep on walking.

اگـر یـک گـدای گسـتاخ بـه شـما نزدیـک شد/سـر راهتـان سبز شد ، به راهتان ادامه دهید.

اگـر یـک قایق‌بـاز بـداخلاق بـا شـما برخـورد می‌کنـد، بـه راه رفتن ادامه دهید.

Everyone was asleep, and the house was reticent.

همه خوابیده بودند و خانه ساکت شد.

همه خواب بودند و خانه در سکوت بود.

In a furtive manner she removed her shoes and tiptoed up to her room.

او پنهانی کفش هایش را درآورد و با نوک پنجه به اتاقش رفت.

به طرز پنهانی کفش هایش را در آورد و به سمت اتاقش رفت.

The felon was stealing a precious stone.

فــرد تبهکار/شــریر/جانی مشــغول دزدیــدن یــک ســنگ قیمتی بود.

جنایتکار در حال سرقت یک سنگ قیمتی بود.

The doctor prescribed a plethora of medicines for the disease.

دکتر داروهای زیادی برای بیماری او تجویز کرد.

دکتر داروهای زیادی برای این بیماری تجویز کرد.

The hapless contest winner was unable to locate the lucky ticket.

برنـده‌ی بیچـاره‌ی مسـابقه نتوانسـت بلیـت بخـت شـانس را پیدا کند.

برنـده مسـابقه بـدبخت نتوانسـت بلـیط خـوش شـانس را پیـدا کند.

My father was irate with me when I got home late.

وقتی دیر به خانه رسیدم پدرم از دستم عصبانی شد.

وقتی دیر به خانه رسیدم پدرم با من عصبانی بود.

You’re late! What’s your pretext this time?

دیر کردی! این دفعه بهانت چیه؟

دیر آمدی! این بار بهانه شما چیست؟

Most fisherman can fabricate a story about the size of the one that got away.

بسیاری از ماهیگیران می‌توانند درباره‌ی اندازه ماهی ای که از دستشان فرار کرده است یک داستان سر هم کنند.

بیشتر ماهیگیران می توانند داستانی در مورد اندازه ماهیگیری که فرار کرده است بسازند.

She was regarded an adroit student.

او دانش‌آموز باهوشی محسوب می‌شود.

او یک دانش آموز باهوش به حساب می آمد.

Imi used to gesticulate in the parties.

ایمـــی عـــادت داشـــت در میهمانی‌هـــا بـــا اشـــارات و جنـــبش سر و دست حرف بزند.

ایمی در مهمانی ها ژست می گفت.

A good driver is always vigilant.

یک راننده‌ی خوب همیشه مراقب/هوشیار است.

یک راننده خوب همیشه هوشیار است.

She’s avid to help with the party.

او مشتاق است که در مهمانی کمک کند.

او مشتاق کمک به مهمانی است.

I felt cajoled when she asked for my advice.

وقتی او نظرم را پرسید، احساس کردم مرا گول می‌زند.

وقتی او از من راهنمایی خواست، احساس خجالت کردم.

What is the rudimentary cause of the illness?

علت اولیه‌ی بیماری چیست؟

علت ابتدایی بیماری چیست؟

It will enhance your enjoyment of a vocab.coding if you know what the plot is about in advance.

اگـر شـما از پـیش بدانیـد کـه طـرح وکـب کـدینگ دربـاره ی چیست،لذت شما را افزایش خواهد داد.

لـــذت بـــردن شـــما از vocab.coding را افـــزایش مـــی دهد اگر از قبل بدانید که طرح در مورد چیست.

The score of John in the match had a nuance with his brother’s.

امتیـاز جـان در مسـابقه بـا امتیـاز بـرادرش یـک تفـاوت مختصر داشت.

امتیـاز جـان در ایـن مسـابقه تفـاوتی بـا امتیـاز بـرادرش داشت.

I loathe spiders.

من از عنکبوت ها متنفرم.

من از عنکبوت متنفرم

When Gholam arrived late, he knew that the grocer would reprimand him.

هنگامی که غلام دیر رسید، پی برد که بقال او را سرزنش خواهد کرد.

غلام که دیر رسید، می دانست که بقال او را توبیخ می کند.

The lesson was lackluster, so I went to sleep.

درس خسته کننده بود،بنابراین خوابم برد.

درس ضعیف بود، بنابراین من به خواب رفتم.

In a caustic article, the drama critic slaughtered the hapless actors.

منتقد نمایشی در مقاله ای نیش دار/طعنه آمیز بازیگران بیچاره را مورد نکوهش قرار داد.

منتقد نمایشنامه در مقاله ای تند، بازیگران بدبخت را سلاخی کرد.

The thief wrested her handbag and ran away.

دزد کیف دستی او را قاپید و پا به فرار گذاشت.

دزد کیف دستی او را گرفت و فرار کرد.

The bombing of Pearl Harbor was referred to as an infamous deed.

بمباران "بندر پرل" عملی ننگین تلقی شد.

از بمباران پرل هاربر به عنوان یک اقدام بدنام یاد شد.

When he attempted to jostle the old lady, she struck him with her umbrella.

وقتی او تلاش کرد به پیرزن تنه بزند، پیرزن با چترش به او زد.(دمش گرم)

هنگامی که او سعی کرد بانوی مسن را تکان دهد، او با چترش به او زد.

The wealthy dupe consented to buy the often-sold Brooklyn Bridge.

فـرد ثروتمنـد سـاده لـوح پـذیرفت کـه پـل "بـروکلین" رو که بارها فروخته شده بود،بخرد.

فریـب ثروتمنـد بـه خریـد پـل بـروکلین کـه اغلـب فروختـه می شد رضایت داد.

Our incipient idea was to go to Doghouz abad, but then we decided to go to Dogouz abad.

نظـر اولیـه ی مـا رفـتن بـه دوغـوز آبـاد بود،امـا سـپس تصمیم گرفتیم که به دوگوز آباد بریم.

ایـده اولیـه مـا رفـتن بـه دوغـوز آبـاد بـود، امـا بعـد تصـمیم گرفتیم به دوغوز آباد برویم.

Through an inadvertent error , the guided missile sped out of control.

موشـــک هـدایت شـــده بـــه خـــاطر یـــک خطـــای ســـهوی از کنترل خارج شد.

بـــا یـــک خطـــای ســـهوی، موشـــک هـدایت شـــونده از کنتـــرل خارج شد.

Killing the cat was an ominous act.

کشتن گربه عمل شومی است.

کشتن گربه یک عمل شوم بود.

The widow’s tremulous hands revealed her nervousness.

دست های لرزان بیوه زن، اضطراب او را نشان می داد.

دستان لرزان بیوه، عصبی بودن او را آشکار کرد.

He repudiated my offer of help.

او پیشنهاد کمک مرا رد کرد.

او پیشنهاد کمک من را رد کرد.

The cessation of the bombing in Iraq was urged by the United Nations.

سازمان ملل بر توقف بمباران در عراق پافشاری کرد.

توقف بمباران در عراق از سوی سازمان ملل متحد خواستار شد.

Upon seeing the snake, the cat began to bristle with fear.

گربه با دیدن مار از ترس سیخ شد.

با دیدن مار، گربه از ترس شروع به مو زدن کرد.

The word “expired” is a euphemism for “dead”.

واژه ی “درگذشت” یک حسن تعبیر برای واژه ی “مرده” است.

کلمه "منقضی شده" به معنای "مرده" است.

The philosopher dealt with spiritual things, ignoring the mundane ones.

فیلسوف با چیزهای روحانی سر و کار داشت و به امور دنیوی توجه نمی کرد.

فیلسوف با نادیده گرفتن امور دنیوی به امور معنوی می پرداخت.

The play was so incongruous that it seemed to be the work of several authors.

نمـــایش آنقـــدر نامتجانس/ناهماهنـــگ بـــود کـــه بـــه نظـــر میرسید کار چند نویسنده است.

نمایشـنامه آنقـدر نامتجـانس بـود کـه بـه نظـر مـی رسـید کـار چندین نویسنده باشد.

She wrote me a letter of condolence when my father died.

وقتی پدرم مرد، او یک نامه ی تسلیت برایم نوشت.

وقتی پدرم درگذشت او برایم نامه تسلیت نوشت.

The workers stipulated all the conditions in the contract.

کارگران تمام شرایط را در قرارداد قید کردند.

کارگران تمام شرایط را در قرارداد قید کردند.

The waiter moved with alacrity because he perceived they were big tippers.

پیشخدمت با چالاکی حرکت می کرد چون فکر می کرد میهمانان انعام دهندگان بزرگی هستند.

پیشخدمت با هوس حرکت کرد زیرا متوجه شد که آنها انصراف دهندگان بزرگی هستند.

He spoke me with disdain.

او با تحقیر/اهانت با من صحبت کرد.

با تحقیر با من صحبت کرد.

He often gets belligerent after drinking alcohol.

او اغلب بعد از نوشیدن الکل پرخاشگر می‌شود.

او اغلب پس از نوشیدن الکل خصمانه می شود.

Y2K concerns of the problems with computers failed to intimidate our company.

نگرانی‌های "وای تو کی" در مورد مشکلات رایانه‌ها نتوانست شرکت ما را مرعوب سازد.

نگرانی های Y2K از مشکلات رایانه ها نتوانست شرکت ما را بترساند.

Imi is very pugnacious.

ایمی بسیار پرخاشجوست.

ایمی بسیار خصمانه است.

She promulgated that she was going to have a baby.

او اعلام کرد که وضع حمل خواهد کرد.

او اعلام کرد که قرار است بچه دار شود.

My mother liked the salesman’s brash personality, but he irritated most people.

مـــادرم از شخصـــیت بی‌پـــروای فروشـــنده خوشـــش می‌آمـــد اما او بیشتر افراد را عصبانی می‌کرد.

مـــادرم از شخصـــیت گســـتاخ فروشـــنده خوشـــش مـــی آمـــد، اما او بیشتر مردم را عصبانی می کرد.

We must not belittle our abilities.

نباید توانایی‌های خود را دست کم بگیریم.

ما نباید توانایی های خود را کوچک کنیم.

Agha Pandi belittled our request for tangible proof of his loyalty.

آقـــا پنـــدی درخواســـت مـــا بـــرای شـــواهد عینـــی بـــرای وفاداری اش را دست کم گرفت.

آقـــا پنـــدی درخواســـت مـــا بـــرای اثبـــات ملمـــوس وفـــاداری خود را ناچیز دانست.

He had serious head lacerations.

او جراحات جدی در ناحیه ی سرش داشت.

او دچار پارگی شدید سر شده بود.

The children were castigated for telling lies.

بچه‌ها بخاطر دروغ گویی تنبیه شدند.

بچـــه هـــا بـــه خـــاطر دروغ گفـــتن مـــورد ســـرزنش قـــرار گرفتند.

Stories of their sordid youth poured forth from the unhappy felons.

جنایتکـــاران بدبخت،داســـتان هـــایی را در مـــورد دوران جوانی نکبت بارشان تعریف کردند.

داســتان هــای جــوانی کثیــف آنهــا از جنایتکــاران نــاراضــی سرچشمه می گرفت.

I don’t believe that he is an octogenarian.

باورم نمیشه که او یک آدم هشتاد ساله است.

من باور نمی کنم که او یک هشت ساله باشد.

They have enough money to live in solace.

آن‌ها پول کافی دارند تا در آرامش زندگی کنند.

آنها پول کافی برای زندگی در آرامش دارند.

When the director leaves, there will be a lot of aspirants for her job.

وقتی مدیر از کارش کنار برود، تعداد زیادی خواهان کار او خواهند بود.

وقتی کارگردان می رود، مشتاقان زیادی برای کار او وجود خواهد داشت.

I discarded the dregs of food.

من باقیمانده‌ی غذا را دور ریختم.

ته ته غذا را دور ریختم.

In a frenzy , the teenager overturned every drawer while searching for the car keys.

در یک حالت جنون ، نوجوان در حین اینکه دنبال کلیدهای اتومبیلش میگشت تمام کشوها را زیر و رو کرد.

این نوجوان در حالی که به دنبال کلید ماشین می گشت، هر کشو را واژگون کرد.

Vigilant censors protect the public from listening to scurrilous language on television.

سانسورچی‌های هوشیار از گوش دادن عوام به کلام رکیک در تلویزیون حفاظت می‌کنند.

سانسورچی های هوشیار از مردم در برابر گوش دادن به سخنان سخیف در تلویزیون محافظت می کنند.

The disease is becoming more rampant.

بیماری شایع‌تر می‌شود.

این بیماری در حال گسترش است.

Orville Wright was criticized for his inane desire to fly.

“اورویل رایت” به خاطر میل احمقانه‌اش به پرواز سرزنش شد.

اورویل رایت به خاطر میل احمقانه اش به پرواز مورد انتقاد قرار گرفت.

Some people do not eat meat for ethics.

برخـــی از افـــراد بخـــاطر اصـــول اخلاقـــی گوشـــت نمی‌خورند.

بعضی ها برای اخلاق گوشت نمی خورند.

Iman jan thinks we should go by train but I don’t concur.

ایمـان جـان فکـر میکنـه کـه مـا بایـد بـا قطـار بـریم امـا مـن موافق نیستم.

ایمــان جــان فکــر مــی کنــد بایــد بــا قطــار بــرویم امــا مــن موافق نیستم.

Two juveniles appointed a clandestine meeting.

دو جوان قرار یک ملاقات مخفیانه گذاشتند.

دو نوجوان یک جلسه مخفیانه تعیین کردند.

The confession was signed under duress, the attorney claimed.

وکیل مدعی بود که اعتراف تحت فشار و اجبار امضا شده است.

وکیل مدعی شد که اعترافات تحت فشار امضا شده است.

The bank teller’s egregious error was difficult to correct.

صحیح اشتباه فاحش تحویلدار بانک دشوار بود.

تصحیح خطای فاحش عابر بانک دشوار بود.

Their plan was quite duplicity.

نقشه‌ی آن‌ها دورویی کامل بود.

نقشه آنها کاملاً دوگانگی بود.

We tried to ignore her acrimonious comments, but that took considerable.

ما تلاش کردیم حرف‌های زننده و تند او را نادیده بگیریم اما این کار مستلزم خویشتن داری زیادی بود.

ما سعی کردیم نظرات تند او را نادیده بگیریم، اما این امر قابل توجه بود.

elicited 50 dollars from the bank before I went shopping.

قبل از خرید رفتن، پنجاه دلار از بانک بیرون کشیدم.

قبل از خرید، ۵۰ دلار از بانک گرفتم.

It’s pernicious to drive a car at night without any lights.

رانندگی در شب بدون چراغ کشنده است.

رانندگی در شب بدون چراغ بسیار خطرناک است.

The pain was difficult to tolerate.

تحمل کردنِ درد کار سختی است.

تحمل درد سخت بود.

Mary is an implacable girl, and annoys her parents.

مـــری دختـــر سرسختی/ســـنگدلی اســـت و والـــدینش را آزار می دهد.

مریم دختری است بی‌صبر و آزار والدینش.

There was a paroxysm on the president.

حمله ای ناگهانی به رئیس جمهور صورت گرفت.

در مورد رئیس جمهور یک تعارض وجود داشت.

The brash student was forced to apologize for her reprehensible conduct.

دانـش آمـوز گسـتاخ مجبـور شـد بـه خـاطر رفتـار نـکوهیـده اش عذرخواهی کند.

ایــن دانــش آمــوز گســتاخ مجبــور شــد بــه خــاطر رفتــار مذموم خود عذرخواهی کند.

The police have jurisdiction to stop cars.

پلیس اختیارِ متوقف ساختن اتومبیل ها را دارد.

پلیس صلاحیت توقف خودروها را دارد.

There was a skirmish outside the restaurant last night.

دیشب بیرونِ رستوران زد و خوردی در گرفت.

دیشب بیرون رستوران درگیری رخ داد.

This ring is monolithic gold.

این حلقه طلای یک دست است.

این انگشتر طلای یکپارچه است.

To my mind the decision was unreasonable and arbitrary.

به نظر من، تصمیم غیر معقول و استبدادی بود.

به نظر من این تصمیم غیر منطقی و خودسرانه بود.

The party of the girls was stymied by their mothers.

مادرانِ آن دخترها جلوی مهمانی آنان را گرفتند.

مهمانی دختران توسط مادرانشان مختل شد.

I saw a tall effigy outside the window.

من یک پیکرِ بلند بیرون پنجره دیدم.

من یک مجسمه بلند را بیرون پنجره دیدم.

He flouted the girl for her idea.

او دختر را به خاطر عقیده اش مسخره کرد.

او دختر را به خاطر ایده اش مورد تحقیر قرار داد.

He’s not cognizant of the problem.

او از مسئله آگاه نیست.

او از مشکل آگاه نیست.

Come to my office forthwith.

فورا به دفتر من بیا.

فورا به دفتر من بیا

After taking the drug, she began to revert to the days of her childhood.

او پس از مصرف مواد،بتدریج به روزهای کودکی اش بازگشت.

پس از مصرف دارو، او شروع به بازگشت به روزهای کودکی خود کرد.

The ushers moved with alacrity to oust the disorderly protest.

کنتـــرل چـــی هـــا بـــا چـــابکی حرکـــت مـــی کردنـــد تـــا طرفداران آشوبگر را بیرون کنند

طلیعـه داران بـا شـور و شـوق حرکـت کردنـد تـا اعتـراض بی نظم را از بین ببرند.

Mary is a very beautiful, but emaciated girl.

مری،دختر بسیار زیبا اما لاغری است.

مریم دختری بسیار زیبا اما لاغر است.

Pipe burst and surged the kitchen.

لوله ترکید و آب در آشپزخانه سرازیر شد.

لوله ترکید و آشپزخانه را بالا برد.

Try to keep tranquil, there’s no danger.

سعی کن آرام باشی،خطری وجود ندارد.

سعی کنید آرامش داشته باشید، هیچ خطری وجود ندارد.

We prayed in that sanctuary.

ما در آن جایگاه مقدس نماز خواندیم.

ما در آن حرم نماز خواندیم.

Inexorably the determined climber began to ascend the Himalayan peak.

کوه پیمای مصمم بی امان شروع به بالارفتن از کوه هیمالیا کرد.

کوهنورد مصمم به طور اجتناب ناپذیری شروع به صعود به قله هیمالیا کرد.

The little boy suffered from malnutrition

پسر کوچولو از سوء تغذیه رنج می برد.

پسر بچه از سوء تغذیه رنج می برد

Europe’s population was afflicted by a virulent plague as the Black Death.

جمعیت اروپا به طاعون مهلکی مبتلا شد که طاعون سیاه نامیده می شد.

جمعیت اروپا به طاعون شدیدی به نام مرگ سیاه مبتلا شده بودند.

The lake is besieged by trees.

درخت ها دریاچه را احاطه کرده اند.

دریاچه توسط درختان محاصره شده است.

Albert Schweitzer endured considerable privation as a jungle doctor.

آلبـرت شـوایتزر بـه عنـوان دکتـر جنگـل محرومیـت قابـل ملاحظه ای را تحمل کرد.

آلبــرت شــوایتزر بــه عنــوان پزشــک جنگــل محرومیــت قابل توجهی را تحمل کرد.

The stool pigeon, the detective's confidant, told him about the sinister plot.

جاسوس،محرم راز کاراگاه،در مورد نقشه ی شوم به او خبر داد.

کبوتر مدفوع، معتمد کارآگاه، در مورد توطئه شوم به او گفت.

The God is ubiquitous.

خدا همه جا حاضر است.

خدا در همه جا حاضر است.

Let’s walk,it’s not remote.

بیا پیاده بریم،خیلی دور نیست.

بیایید راه برویم، دور نیست.

Please move your car,you're thwarting the traffic

لطفا ماشین تان را حرکت دهید.شما برای عبور و مرور مانع ایجاد می کنید.

لطفا ماشین خود را حرکت دهید، شما ترافیک را خنثی می کنید

Nowrooz is harbinger new year.

نوروز پیام آور سال جدید است.

نوروز، منادی سال نو است.

The soldier used a malignant weapon.

سرباز سلاح خطرناکی/کشنده ای را بکار برد.

سرباز از سلاح بدخیم استفاده کرد.

Her silence was excruciating.

سکوتِ او آزار دهنده بود.

سکوتش آزاردهنده بود.

She played for 30 minutes without a respite.

او ۳۰ دقیقه بدون استراحت بازی کرد.

او ۳۰ دقیقه بدون مهلت بازی کرد.

His footsteps reverberated in the empty hall.

صدای قدم های او در سالن پیچید.

صدای قدم هایش در سالن خالی طنین انداز شد.

around income tax time fretful faces are ubiquitous.

حـــول و هـــوش زمـــان پرداخـــت مالیـــات،چهره هـــای اخمو/کج خلق همه جا حاضر هستند.

در اطـراف زمـان مالیـات بـر درآمـد، چهره‌هـای دلخـراش در همه جا حضور دارند.

Besieged by debts, the corporation finally had to succumb to bankruptcy.

سرانجام شرکت که در محاصره ی بدهی ها بود باید تسلیم ورشکستی می شد.

در محاصره بدهی ها، شرکت سرانجام مجبور شد تسلیم ورشکستگی شود.

Clive is the impresario of that great concert.

کلایو مدیر اجرایی آن کنسرتِ بزرگ است.

کلایو امپرساریو آن کنسرت بزرگ است.

Extortion was one of his charges.

اخاذی یکی از اتهامات وی بود.

اخاذی یکی از اتهامات او بود.

He didn’t stay in bed, adverse to the doctor’s order.

او برخلاف دستورات دکتر در رختخواب نماند.

او برخلاف دستور پزشک در رختخواب نمی ماند.

Mr. Jones called his friend as a bigot.

آقـــای جـــونز دوســـتش را بـــه عنـــوان یـــک آدم ریاکـــار خطاب کرد.

آقای جونز دوستش را متعصب خواند.

Her daughter did a very blatant act.

دختر او عمل بسیار وقیحانه ای انجام داد.

دخترش عمل بسیار وقیحانه ای انجام داد.

She lives alone so she likes entourage at weekends.

او تنهـــا زنـــدگی مـــی کنـــد.بنابراین در تعطـــیلات پایـــان هفته بودن با اطرافیان را دوست دارد.

او تنهـــا زنـــدگی می‌کنـــد، بنـــابراین آخـــر هفتـــه‌ها را دوســـت دارد.

The child ate the rat venom by mistake.

کودک اشتباهی سم موش را خورد.

کودک به اشتباه زهر موش را خورد.

The child spewed all the foods that he had eaten.

کودک روی تمام غذایی که خورده بود استفراغ کرد.

کودک تمام غذاهایی را که خورده بود بیرون ریخت.

Passengers are solicited not to smoke.

از مسافران درخواست شد که سیگار نکشند.

از مسافران خواسته شده است که سیگار نکشند.

Everyone knows him as an astute student.

همه او را به عنوان دانش آموز زرنگ می شناسند.

همه او را به عنوان یک دانش آموز زیرک می شناسند.

She has three children to advocate.

او سه بچه دارد که باید از آن ها دفاع کند.

او سه فرزند دارد که باید از آنها حمایت کند.

A car is ineffectual without petrol.

ماشین بدون بنزین بی فایده است.

ماشین بدون بنزین بی اثر است.

No sooner did the lawyer scrutinize the extortion note than she called the police.

به محض اینکه وکیل یادداشت اخاذی را با دقت بررسی کرد،با پلیس تماس گرفت.

به محض اینکه وکیل یادداشت اخاذی را بررسی کرد، با پلیس تماس گرفت.

A nefarious witch did all those things.

یک ساحره ی شرور تمام آن کارها را انجام داد.

یک جادوگر بدجنس همه این کارها را انجام داد.

It’s vexatious when people don’t listen to you.

آزار دهنده است وقتی مردم به حرف های آدم گوش نمی کنند.

وقتی مردم به شما گوش نمی دهند، آزاردهنده است.

Cancer and measles are maladies.

سرطان و سرخک بیماری هستند.

سرطان و سرخک بیماری هستند.

Mastiff is a large dog that frightens people.

سگ نگهبان سگ بزرگی است که مردم را می ترساند.

ماستیف سگ بزرگی است که مردم را می ترساند.

Her unhappy face still obsesses me.

چهره ی غمگین او ذهن مرا به خود مشغول می کند.

چهره ناراضی او هنوز مرا مجذوب خود می کند.

The children were very doleful when their dog died.

بچه ها وقتی سگشان مرد خیلی غمگین شدند.

بچه ها وقتی سگشان مرد خیلی کسالت کردند.

She almost became wan when she saw the blood on her leg.

او وقتی پای خونی اش را دید تقریبا رنگ پریده شد.

او با دیدن خون روی پایش تقریباً ضعیف شد.

All his life he found happiness elusive,but wealth easy to come by.

خوشبختی در تمام طول زندگی اش برای او دست نیافتنی بود اما ثروت به آسانی بدست می آمد.

در تمام عمرش خوشبختی را دست نیافتنی یافت، اما ثروت را آسان به دست آورد.

The mother frustrated all the hopes of her daughter.

مادر تمام امیدهای دخترش را نقش بر آب کرد.

مادر تمام امیدهای دخترش را ناامید کرد.

His headache was symptomatic of a disease.

سردرد او نشانه ی یک بیماری بود.

سردرد او نشانه بیماری بود.

I have got squeamish skin, so I use special soap.

پوســـتم حســـاس شـــده،بنابراین از صـــابون مخصوصـــی استفاده می کنم.

مــن پوســت خشــنی دارم، بنــابراین از صــابون مخصــوص استفاده می کنم.

I’ve cut my leg.It’s very poignant.

پایم را بریدم.خیلی دردناک است.

من پایم را بریده‌ام، خیلی دردناک است.

Even though his boat was almost inundated, the skipper was loath to radio for help.

با اینکه قایق کاپیتان تقریبا غرق شده بود،اما او از بی سیم برای درخواست کمک بیزار بود.

با وجود اینکه قایق او تقریباً زیر آب رفته بود، کاپیتان تمایلی به دریافت کمک از رادیو نداشت.

It was fruitless asking my brother money,he didn’t have any.

پول خواستن از برادرم بی نتیجه بود،او پولی نداشت.

درخواست پول از برادرم بی نتیجه بود، او پولی نداشت.

You don’t understand my papers, they are garbled.

شما مقاله های مرا نمی فهمید،آن ها ناقص هستند.

شــما کاغــذهای مــن را نمــی فهمیــد، آنهــا درهــم و بــرهم هستند.

I’m sanguine about getting a job.

درباره ی پیدا کردن کار خوش بینم.

من در مورد یافتن شغل دلسرد هستم.

Try to keep phlegmatic, there’s no danger.

خونسرد باش،خطری وجود ندارد.

سعی کنید بلغمی باشید، هیچ خطری وجود ندارد.

My parents don’t corroborate my friends.

والدینم دوستان مرا تایید نمی کنند.

والدینم دوستانم را تایید نمی کنند.

In order to get the job, you had to go through to drudgery of filling out a ten-page comprehensive questionnaire.

شما باید برای بدست آوردن آن شغل،کار سخت پر کردن یک پرسشنامه ی جامع ده صفحه ای را انجام دهید.

برای به دست آوردن این شغل، باید به سختی پر کردن یک پرسشنامه جامع ده صفحه ای را پشت سر می گذاشتید.

She’s zealous to help with the party

علاقمند است که در مهمانی کمک کند.

او مشتاق کمک به مهمانی است

You are not coerced to come if you don’t want to.

اگر نمیخواهید بیاید مجبور نیستید.

اگر نمی خواهید مجبور نیستید بیایید.

A week elapsed before his letter arrived.

قبل از اینکه نامه ی او برسد،یک هفته سپری شد.

یک هفته از رسیدن نامه او گذشت.

He gave a meticulous description of the thief.

او توصیف خیلی دقیقی از دزد ارائه داد.

او توصیف دقیقی از دزد داد.

A man’s domicile is his castle.

خانه ی یک مرد قصر اوست.

اقامتگاه مرد قلعه اوست.

Lax drivers can cause accidents.

رانندگان اهمال کار می توانند باعث تصادف شوند.

رانندگان سست می توانند باعث تصادف شوند.

The lackluster battle was punctuated by sporadic mortar fire.

آتــش پراکنــده ی توپخانــه،نبرد مــلال آور و خســته کننــده را پیاپی متوقف می کرد.

نبرد ضعیف با شلیک خمپاره‌ای پراکنده مشخص شد.

Don’t be too rash.this is a very important decision.

آنقدر عجول نباش،این تصمیم بسیار مهمی است.

خیلی عجول نباشید، این یک تصمیم بسیار مهم است.

If you don’t know the answer, have a conjecture

اگر جواب را نمی دانی حدس بزن!

اگر جواب را نمی دانید، حدس بزنید

The necessity for preparing sandwiches was obviated when the picnic was postponed.

وقتی پیک نیک به تعویق افتاد ضرورت درست کردن ساندویچ هم برطرف شد.

با به تعویق افتادن پیک نیک ضرورت تهیه ساندویچ برطرف شد.

I heard a lurid story.

داستانِ ترسناکی شنیدم.

من یک داستان مبهم شنیدم.

We all laughed at the quip.

ما همه به آن لطیفه خندیدیم.

همه به این خندیدیم.

Some of the people use diatribe in their words.

برخـــی از مـــردم در حـــرف هایشـــان از زخـــم زبـــان استفاده می کنند.

برخـــی از مـــردم در کلمـــات خـــود از لحـــن گـــویی اســـتفاده می کنند.

Inhibition of anger is a difficult task.

جلوگیری از خشم کار مشکلی است.

مهار خشم کار دشواری است.

Her father’s death was a fortuitous death.

مرگ پدر او یک مرگ تصادفی بود.

مرگ پدرش یک مرگ اتفاقی بود.

His remarks were incoherent.

حرف های او نامربوط بود.

سخنان او نامنسجم بود.

What ilk of car do you have?

چه نوع ماشینی دارید؟

چه شبیه ماشینی داری؟

The teacher was prestigious for students.

معلم برای دانش آموزان خوش نام و محترم بود.

معلم برای دانش آموزان دارای اعتبار بود.

The police posted a placard asking all citizens to desist from looting.

پلیس یک پلاکارد به دیوار زد و از همه ی شهروندان تقاضا کرد که از غارت کردن دست بردارند.

پلیس با نصب پلاکاردی از همه شهروندان خواست از غارت دست بردارید.

It is integral that you work hard for this exam.

لازم است برای این امتحان سخت تلاش کنید.

این جدایی ناپذیر است که برای این امتحان سخت کار می کنید.

She is offering a 50 dollars remuneration to anyone who finds her dog.

او به هر کس که سگش را پیدا کند ۵۰ دلار پاداش می دهد.

او به هر کسی که سگش را پیدا کند ۵۰ دلار پاداش می دهد.

She gets angry about nominal things.

او در مورد چیزهای جزئی عصبانی می شود.

او از چیزهای اسمی عصبانی می شود.

After having made the rash statements,the senator wished that he could expunge them from the record.

سـناتور بعـد از اظهـارات گسـتاخانه آرزو کـرد بتوانـد آن ها را از سابقه اش محو کند/پاک کند.

پـس از بیـان اظهـارات عجولانـه، سـناتور آرزو کـرد کـه می تواند آنها را از پرونده حذف کند.

The garden is very flamboyant in summer.

باغ در تابستان خیلی مجلل است.

باغ در تابستان بسیار پر زرق و برق است.

something greatly detested

دزد به عنوان یک آدم نفرت انگیز شناخته می شود.

چیزی بسیار منفور

The schism began between two brothers after their father’s death.

بین دو برادر بعد از فوت پدرشان اختلافی شروع شد.

اختلاف بین دو برادر پس از مرگ پدرشان آغاز شد.

Everyone wishes to go to utopia.

هر کسی آرزو دارد که به مدینه ی فاضله برود.

همه آرزوی رفتن به مدینه فاضله را دارند.

I think that little girl was timorous.

فکر می کنم دختر کوچولو ترسو بود.

من فکر می کنم آن دختر بچه ترسناک بود.

It is frustrating to have one's lengthy remarks printed in truncated form.

چاپ کردن اظهارات طولانی فرد به صورت مختصر،ناامید کننده بود.

ناامید کننده است که اظهارات طولانی شخص به شکل کوتاه چاپ شود.

He looks very jaunty in his new jacket.

او با ژاکت جدیدش بسیار شنگول به نظر می رسد.

او در ژاکت جدیدش بسیار شاداب به نظر می رسد.

They were fractious because they both wanted to buy one car.

آن ها بد عنق بودند زیرا هر دوشون میخواستند یک ماشین بخرند.

آنها متعصب بودند زیرا هر دو می خواستند یک ماشین بخرند.

Her friends think that she is very ostentatious.

دوستان او فکر می کنند که او دختر فخر فروشی است.

دوستانش فکر می کنند که او خیلی خودنمایی می کند.

She Importuned me to stay with her.

او پیله میکرد که باهاش بمونم.(زاااااارت?)

او مرا وادار کرد که با او بمانم.

It is incontrovertible to accept manager’s orders.

پذیرفتن دستورات مدیر امری است بی چون و چرا.

پذیرش دستورات مدیر امری غیر قابل انکار است.

I can’t tell you where I’m going. It’s surreptitious.

نمیتونم بگم کجا دارم میرم.محرمانه است.

من نمی توانم به شما بگویم که کجا می روم. مخفیانه است

In inclement weather our barn is a haven for many animals.

در هـــوای طوفـــانی، اســـطبل مـــا جـــای امنـــی بـــرای حیوانات است.

در آب و هـــوای نامســـاعد انبـــار مـــا پناهگـــاه بســـیاری از حیوانات است.

The soldiers of our country subjugated the enemy’s soldiers.

سربازان کشور ما سربازان دشمن را تسلیم کردند.

سربازان کشور ما سربازان دشمن را تحت سلطه خود درآوردند.

The players won the ultimate match.

بازیکنان مسابقه ی نهایی را بردند.

بازیکنان در مسابقه نهایی پیروز شدند.

Smoking can eventuate heart disease.

سیگار کشیدن می تواند منجر به بیماری قلبی شود.

سیگار می تواند منجر به بیماری قلبی شود.

The mayor issued a diatribe against companies whose smokestacks emit poisonous fumes.

شـــهردار از شـــرکت هـــایی کـــه دودکـــش هـــای بلندشـــان گازهایی سمی منتشر میکرد به شدت انتقاد کرد.

شـــــهردار دربـــــاره شـــــرکت‌هایی کـــــه دودکش‌هایشـــــان دودهای سمی ساطع می‌کند، حکمی صادر کرد.

After two years of confinement in a subterranean dungeon, the prisoner was thin and wan.

زندانی،بعد از دو سال حبس در دخمه ای زیر زمینی،لاغر و رنگ پریده بود.

پس از دو سال حبس در سیاه چال زیرزمینی، زندانی لاغر و ضعیف بود.

It’s viable, we believe it is.

ما باور داریم که اون موندنیه.

قابل اجرا است، ما معتقدیم که هست.

Acting on the premise that there were no burglars around, the police became quite lax.

پلـــیس بـــا ایـــن فـــرض کـــه هـــیچ ســـارقی در آن اطـــراف نیست،کاملا اهمال کار شد.

پلـــیس بـــا ایـــن فـــرض کـــه هـــیچ دزدی در اطـــراف وجـــود ندارد، بسیار سست شد.

Ice jeopardize the drivers.

یخ رانندگان را به خطر می اندازد.

یخ رانندگان را به خطر می اندازد.

The police is incredulous to his story.

پلیس به داستان او شکاک است.

پلیس به داستان او بی اعتقاد است.

Water permeated all the lands.

آب تمام زمین ها را فرا گرفت.

آب در تمام زمین ها نفوذ کرد.

At a propitious moment the flamboyant movie star made her grand entrance.

ستاره ی پر زرق و برق فیلم در لحظه ای مناسب، با عظمت و شکوه وارد شد.

در یک لحظه مناسب، ستاره پر زرق و برق سینما وارد ورودی بزرگ خود شد.

Can you surmise how old he is?

آیا میتونی حدس بزنی که اون چند سالشه؟

می توانید حدس بزنید چند سال دارد؟

The trousers were too long, so I curtailed them.

شـــلوارها خیلـــی بلنـــد بودنـــد،بنابراین آن هـــا را کوتـــاه کردم.

شلوار خیلی بلند بود، برای همین کوتاهش کردم.

I had to repress my desire to interject my criticism during the debate.

مجبـور بـودم میـل بـه وارد کـردن انتقـادم در طـول بحـث را سرکوب کنم.

مـن مجبـور شـدم میـل خـود را بـرای دخالـت دادن انتقـادم در طول مناظره سرکوب کنم.

The house is empty but some people say they have seen cryptic lights there in the night.

خانــه خــالی اســت امــا برخــی از مــردم مــی گوینــد کــه نورهای اسرارآمیزی در شب دیده اند.

خانــه خــالی اسـت امـا برخـی مـی گوینـد کـه در شـب چـراغ های مرموز آنجا دیده اند.

The young couple was disappointed to see the inchoate state of their new house.

وقتی زوج جوان دیدند که منزل جدیدشان در مراحل اولیه است ناامید شدند.

زوج جوان از دیدن وضعیت نامتعارف خانه جدید خود ناامید شدند.

We were amazed at the display of asperity from our normally phlegmatic neighbor.

وقتـــی همســـایه ی معمـــولا آرامِ مـــا از خـــود خشـــونت نشـــان داد شگفت زده شدیم.

مـــــا از نمـــــایش بـــــدخلقی از ســـــوی همســـــایه معمـــــولی بلغماتیک خود شگفت زده شدیم.

He inveighes everything I do!

او هـر کـاری کـه مـن انجـام میـدم را مـورد حملـه و اعتراض قرار میده.

او هـر کـاری کـه مـن انجـام مـی دهـم را مـورد بررسـی قرار می دهد!

My brother nettles me when he leaves his clothes all over the floor.

وقتی برادرم لباس هایش را در هر قسمت از اتاق رها می کند مرا عصبانی می کند.

برادرم وقتی لباس هایش را روی زمین می گذارد مرا گزنه می کند.

Overt acts of violence by the prisoner jeopardized his parole.

زنـدانی بـا اعمـال آشـکار و خشـونت آمیـز،حکم عفـوش را به خطر انداخت.

اعمـال خشـونت آشـکار توسـط زنـدانی آزادی مشـروط او را به خطر انداخت.

When the boss relegated him to a lower rank he was angry.

وقتی رئیسش او را به مقام پایین تری تنزل داد وی عصبانی شد.

هنگامی که رئیس او را به رتبه پایین تر تنزل داد، عصبانی بود.

The baby was in a supine position.

بچه به پشت/تاق باز خوابیده بود.

بچه در وضعیت خوابیده بود.

I saw a mammoth dog in the street.

یک سگ عظیم الجثه در خیابان دیدم.

سگ ماموت را در خیابان دیدم.

I asked Iman jan to help, but he repulsed.

از ایمان جان خواستم که کمک کنه اما او امتناع کرد.

از ایمان جان خواستم کمک کند اما او رد کرد.

I hate the havoc of the city by bombs.

از ویرانی شهر توسط بمب ها متنفرم.

من از ویرانی شهر توسط بمب متنفرم.

The house was razed by fire.

خانه توسط آتش ویران شد.

خانه بر اثر آتش سوزی ویران شد.

He invented a lethal weapon.

او سلاح مرگباری را اختراع کرد.

او یک سلاح کشنده اختراع کرد.

We scurried home after school.

ما بعد از مدرسه به سرعت به سمت خانه دویدیم.

بعد از مدرسه به خانه رفتیم.

I felt an incisive pain in my leg.

درد گزنده ای را در پایم احساس کردم.

درد شدیدی در پایم احساس کردم.

We precipitated for buying the tickets.

ما برای خرید بلیط ها زود وارد عمل شدیم.

ما برای خرید بلیط رسوب کردیم.

He had a stereotype behaviour.

او رفتار کلیشه ای داشت.

او یک رفتار کلیشه ای داشت.

He had a stentorian voice.

او صدای خیلی بلندی داشت.

او صدای استنتوری داشت.

Have you seen that singular building with the pink roof?

آیـا آن سـاختمان فـوق العـاده بـا پشـت بـام صـورتی را دیـده ای؟

آیــا آن ســاختمان منحصــر بــه فــرد بــا ســقف صــورتی را دیده اید؟

She has a bias against foreigners.

او در مقابل بیگانگان تعصب دارد.

او نسبت به خارجی ها تعصب دارد.

The director was ousted from his sinecure when he angered the mayor.

زمانیکه مدیر،شهردار را عصبانی کرد،از شغل تشریفاتی اش برکنار شد.

زمانی که مدیری باعث عصبانیت شهردار شد، از حالت تهوع خود کنار گذاشته شد.

The judge sentenced him to death for complicity in the crime.

قاضـــی او را بـــه خـــاطر همدســـتی در جنایـــت بـــه اعـــدام محکوم کرد.

قاضـــی او را بـــه دلیـــل مشـــارکت در جنایـــت بـــه اعـــدام محکوم کرد.

The police don’t know how the liquidation happened.

پلیس نمی داند که قتل چگونه اتفاق افتاد.

پلیس نمی داند انحلال چگونه اتفاق افتاده است.

His accomplice ran away.

شریک جرمش پا به فرار گذاشت.

همدستش فرار کرد.

They recanted breaking the window.

آن ها به شکستن پنجره اعتراف کردند.

آنها از شکستن پنجره انصراف دادند.

Once the incontrovertible evidence was offerd, the servant was held culpable in the theft of the jewels.

زمـــانی کـــه مـــدرک مســـلم و بـــی چـــون و چـــرا ارائـــه شد،خدمتکار در سرقت جواهرات مجرم شناخته شد.

پـــس از ارائـــه شـــواهد غیرقابـــل انکـــار، خـــدمتکار در سرقت جواهرات مقصر شناخته شد.

The singer was ill, so the concert was abrogated.

خواننده بیمار بود،بنابراین کنسرتش لغو شد.

این خواننده بیمار بود، بنابراین کنسرت لغو شد.

It is alleged that he had found a camera.

ادعا شده است که او یک دوربین پیدا کرده است.

گفته می شود که او یک دوربین پیدا کرده است.

Do you have access to a computer at home?

آیا در خانه به یک کامپیوتر دسترسی دارید؟

آیا در خانه به کامپیوتر دسترسی دارید؟

The general was sure to invalidate the court-martial's decision once he learned of the flagrant bias of the presiding officer.

زمـانی کـه ژنـرال از تعصـب آشـکار افسـر مسـئول آگـاه شـد مطمـئن بـود کـه بایـد حکـم دادگـاه نظـامی را بـی اعتبـار کند/باطل کند.

ژنـرال پـس از اطـلاع از سـوگیری آشـکار افسـر رئـیس، مطمئناً تصمیم دادگاه نظامی را باطل می کند.

The manager was distraught when he realized that the slugger’s sickness would preclude a World Series victory.

وقتی مدیر متوجه شد که بیماریِ ضربه زنِ بیسبال از پیروزی های جهانی جلوگیری خواهد کرد،آشفته شد.

مدیر وقتی متوجه شد که بیماری تنبل مانع از پیروزی در مسابقات جهانی می شود، پریشان شد.

If we persevere , we can overcome many of our inhibitions.

اگـــر پشـــتکار داشـــته باشـــیم مـــی تـــوانیم بـــر بســـیاری از موانع مان فائق آییم.

اگـــر اســـتقامت داشـــته باشـــیم، مـــی تـــوانیم بـــر بســـیاری از بازدارندگی های خود غلبه کنیم.

The battle of Midway was a landmark victory in the U.S. campaign for ultimate victory over the Japanese in World War 2.

در مبارزه ی امریکا برای پیروزی نهایی بر ژاپنی ها در جنگ جهانی دوم،نبرد "میدوی" پیروزی بزرگ و برجسته ای بود.

نبرد میدوی یک پیروزی برجسته در مبارزات ایالات متحده برای پیروزی نهایی بر ژاپنی ها در جنگ جهانی دوم بود.

Extrinsic walls collapsed suddenly.

دیوارهای بیرونی ناگهان فرو ریخت.

دیوارهای بیرونی به طور ناگهانی فروریخت.

The boss declaimed at the beginning of the meeting.

رئیس در شروع جلسه سخنرانی کرد.

رئیس در ابتدای جلسه اظهار نظر کرد.

I couldn’t fetter my anger.

نتوانستم مانع خشمم شوم.

نتونستم جلوی عصبانیتم رو بگیرم

The town planners looked upon their utopia as a paragon for other communities.

برنامه ریزانِ شهر به مدینه ی فاضله ی خود به عنوان الگویی برای دیگر جوامع می نگریستند.

برنامه ریزان شهر به آرمان شهر خود به عنوان نمونه ای برای جوامع دیگر نگاه می کردند.

In the desert, nomadic tribes wander back and forth, enduring much privation.

قبایل بادیه نشین در صحرا از این طرف به آن طرف سرگردان هستند و محرومیت زیادی را تحمل می کنند.

در صحرا، قبایل کوچ نشین به این طرف و آن طرف سرگردان هستند و محرومیت های زیادی را تحمل می کنند.

What is the epithet of this poem?

عنوانِ این شعر چیست؟

نام این شعر چیست؟

Some school principals attempt to repress the publication of controversial editorials.

بعضی از مدیرانِ مدرسه در تلاشند از چاپ سرمقاله ی بحث انگیز جلوگیری کنند.

برخی از مدیران مدارس تلاش می کنند تا انتشار سرمقاله های جنجالی را سرکوب کنند.

He has perpetrated a great mistake in his life.

او در زنـــدگی خـــود مرتکـــب یـــک اشـــتباه بـــزرگ شـــده است.

او مرتکب اشتباه بزرگی در زندگی خود شده است.

I’ve got a consummate set of Shakespeare’s plays.

مجموعه کاملی از نمایش های شکسپیر را دارم.

من مجموعه کاملی از نمایشنامه های شکسپیر دارم.

It was necessary for the interloper to concoct a convincing story in order to gain access to the exhibit.

برای فردِ مزاحم،درست کردنِ داستانی متقاعد کننده لازم بود تا بتواند به نمایش دسترسی پیدا کند.

لازم بود مداخله گر داستان قانع کننده ای را سرهم کند تا بتواند به نمایشگاه دسترسی پیدا کند.

It is fallacious to say that two plus two equals five.

گفــتنِ اینکــه دو بــه عــلاوه دو مســاوی پــنج مــی شــود نادرست/غلط است.

ایـن اشـتباه اسـت کـه بگـوییم دو بـه اضـافه دو برابـر اسـت با پنج.

I think her daughter is impeccable.

فکر میکنم دخترِ او بی گناه است.

به نظر من دخترش بی عیب و نقص است.

Mary joon is fraught with feelings.

ماری جون پر از احساسات است.

مری جون مملو از احساسات است.

Anderson was a resourceful student.

اندرسون یک دانش آموزِ مبتکر بود.

اندرسون دانش آموز ماهری بود.

It gets murky very early in the winter.

هوا در زمستان خیلی زود تاریک می شود.

در زمستان خیلی زود کدر می شود.

A good motion picture producer should be skilled in all the manifold components of film-making.

یـک فـیلم سـازِ خـوب بایـد در تمـامِ بخـش هـای گونـاگونِ فیلم سازی ماهر باشد

یـک تهیـه کننـده خـوب فـیلم سـینمایی بایـد در تمـام مولفـه های مختلف فیلمسازی مهارت داشته باشد.

The practical joker had the temerity to perpetrate a hoax upon the Dean of Boys.

فـردِ کلـک بـاز ایـن جسـارت را داشـت کـه بـه مـدیرِ مـدیرِ پسر ها کلک بزند.

جـوکر عملـی جـرأت و جسـارت را داشـت کـه علیـه رئیس پسران حقه بازی کند.

The rats must go a labyrinth path.

موش ها باید یک مسیرِ پیچ در پیچ را طی کنند.

موش ها باید مسیر هزارتویی را طی کنند.

Please write and attest the date of your arrival.

لطفا تاریخ ورودتان رو بنویسید و تصدیق کنید.

لطفا تاریخ ورود خود را بنویسید و تأیید کنید.

That girl is very gullible and everyone can cheat her.

آن دختـر بسـیار سـاده لـوح اسـت و همـه مـی تواننـد او را گول بزنند.

آن دختـر بسـیار سـاده لـوح اسـت و همـه مـی تواننـد او را فریب دهند.

The soldiers deployed against the enemy.

سربازان در مقابلِ دشمن ردیف شدند.

سربازان در مقابل دشمن مستقر شدند.

Tim’s ilness was an enigma for his doctors.

بیماریِ تیم معمایی برای دکترهایش بود.

بیماری تیم برای پزشکان او معمایی بود.

The divers made an abortive attempt to rescue the dog from the murky waters.

غواصان برای نجاتِ سگ از آب های تیره تلاشی بی ثمر به خرج دادند.

غواصان برای نجات سگ از آب های تیره تلاش کردند.

The government wants to modify the education system in this country.

دولـت مـی خواهـد سیسـتم آمـوزش را در ایـن کشـور اصلاح کند/تغییر دهد.

دولـت مـی خواهـد سیسـتم آموزشـی ایـن کشـور را اصـلاح کند.

That animal can accommodate itself with every environment.

آن جانور می تواند خود را با هر محیطی تطبیق دهد.

آن حیوان می تواند خود را با هر محیطی سازگار کند.

The child’s crying was spontaneous.

گریه ی کودک بی اختیار بود.

گریه کودک خود به خود بود.

His innate cunning allowed him to see through the spy’s subterfuge.

زیرکـــیِ ذاتـــی اش باعـــث شـــد کـــه متوجـــه ی حیلـــه ی جاسوس شود.

حیلـــه گـــری ذاتـــی او بـــه او ایـــن امکـــان را مـــی داد کـــه از طریق دغل کاری جاسوس ببیند.

A tomato has a shiny red veneer.

گوجه فرنگی سرپوشِ قرمزِ براقی دارد.

گوجه فرنگی دارای روکش قرمز براق است.

That rich man saved myriad of dollars.

آن مردِ ثروتمند هزارها دلار پس انداز کرده است.

آن مرد ثروتمند هزاران دلار پس انداز کرد.

Iman jan was urbane , witty and honest.

ایمان جان مودب،شوخ و صادق بود.

ایمان جان شهری، شوخ و صادق بود.

Everyone in that country craves for peace.

همه در آن کشور خواهانِ صلح هستند/صلح طلب می کنند.

همه در آن کشور آرزوی صلح دارند.

These two problems are irrelevant to each other.

این دو مسئله به یکدیگر نامربوطند.

این دو مشکل ربطی به هم ندارند.

Whom do you deem to be the bulwark of the Republican party?

شما چه کسی را محافظ و حامیِ حزبِ جمهوری خواه در نظر میگیرید؟

به نظر شما سنگر حزب جمهوری خواه چه کسی است؟

Animals have an inherent fear of fire.

جانوران ترسِ غریزی از آتش دارند.

حیوانات ترس ذاتی از آتش دارند.

John is the buff of truthfulness.

جان طرفدارِ صداقت است.

جان اهل صداقت است.

The children were romping in the street.

بچه ها در خیابان با جیغ و داد بازی می کردند.

بچه ها تو خیابون پرسه می زدند.

We have many latent abilities.

ما توانایی های نهفته ای داریم.

ما توانایی های نهفته زیادی داریم.

The road was tortuous and seemed long.

جاده پر پیچ و خم بود و طولانی به نظر می رسید.

جاده پر پیچ و خم بود و طولانی به نظر می رسید.

An itinerant man was shouting in our street at noon.

یـک مـردِ دوره گـرد سـرِ ظهـر در خیابـانِ مـا فریـاد مـی زد.

یک مرد دوره گرد ظهر در خیابان ما فریاد می زد.

Regardless of how disparate their crimes were,all the prisoners were freed by the general amnesty.

همـــه ی زنـــدانیان صـــرفنظر از تفـــاوتِ جـــرم هایشـــان،با عفو عمومی آزاد شدند.

صـــرف نظـــر از اینکـــه جنایـــات آنهـــا چقـــدر متفـــاوت بـــود، همه زندانیان با عفو عمومی آزاد شدند.

Arguments over money have often led to conjugal havoc.

بحث های راجع به پول اغلب منجر به از هم پاشیدگیِ روابطِ زناشویی شده اند.

مشاجره بر سر پول اغلب به ویرانی زناشویی منجر شده است.

The relative don’t go his home because he is very parsimonious.

بستگان به خانه ی او نمی روند زیرا بسیار خسیس است.

خویشاوند به خانه اش نمی رود، زیرا او بسیار متین است.

I think that you have megalomania.

فکر میکنم شما مرضِ خود بزرگ بینی دارید.

من فکر می کنم که شما به مگالومانیا مبتلا هستید.

With a singular disregard for his family, the profligate husband spent his salary on alcohol.

شوهرِ اسراف کار،با بی توجهیِ خاصی نسبت به خانواده اش،حقوقِ خود را صرفِ الکل کرد.

شوهر ولخرج با بی اعتنایی به خانواده، حقوق خود را خرج مشروبات الکلی کرد.

A strife happened between two drivers.

بینِ دو راننده زد و خوردی در گرفت.

درگیری بین دو راننده رخ داد.

There are a legion of ways you can bake an egg.

روش هـای بسـیاری بـرای پخـتنِ یـک تخـم مـرغ وجـود دارد.

راه های زیادی برای پختن تخم مرغ وجود دارد.

Hundreds of people died in the coup.

صدها نفر در کودتا مُردند.

صدها نفر در کودتا کشته شدند.

The prisoners asked the king for amnesty.

زندانیان خواستارِ عفوِ عمومی از شاه بودند.

زندانیان از شاه تقاضای عفو کردند.

Napoleon spent the last years of his life on expatriate.

ناپلئون آخرین سال های زندگیش را در تبعید به سر برد.

ناپلئون سال های آخر عمر خود را صرف مهاجران کرد.

When the jury began to deliberate, they were prepared to exonerate culprit.

وقتی هیئت منصفه تعمق کردند،آماده بودند که متهم را تبرئه کنند.

هنگامی که هیئت منصفه شروع به مشورت کردند، آنها آماده بودند تا مجرم را تبرئه کنند.

The judge issued the fiat.

قاضی حکم را صادر کرد.

قاضی فیات را صادر کرد.

The news which the television showed was mendacious.

اخباری که تلویزیون نشان داد دروغ بود.

خبری که تلویزیون نشان داد دروغ بود.

He had many pecuniary problems.

او مشکلاتِ مالیِ بسیاری داشت.

مشکلات مالی زیادی داشت.

I plan to dismantle the stereo set and clean all the components.

قصد دارم دستگاهِ استریو را جمع کنم و تمامِ اجزای آن را تمیز کنم.

من قصد دارم مجموعه استریو را از بین ببرم و تمام اجزا را تمیز کنم.

Her parties are always sumptuous.

میهمانی های او همیشه مجلل هستند.

مهمانی های او همیشه مجلل هستند.

The company doesn’t underwrite all the expenses.

شرکت تمامیِ هزینه ها را تقبل نمی کند.

شرکت تمام هزینه ها را قبول نمی کند.

Some of the laws are restrictive.

برخی از قوانین محدود کننده هستند.

برخی از قوانین محدود کننده هستند.

I asked Matthew to help, but he balked.

از “متیو” خواستم که کمک کند،اما او طفره رفت.

از متیو خواستم کمک کند، اما او مخالفت کرد.

To be blunt, I don’t really like that shirt You’re wearing.

رُک بوگـــوم،او پیرهنـــی رو کـــه شـــما پوشـــیدی واقعـــا دوست نِدِروم.

بـــه صـــراحت بگـــویم، مـــن آن پیراهنـــی را کـــه تـــو پوشـــیده ای دوست ندارم.

Although the former farm girl pretended to be urbane, a feeling of nostalgia always came over her when she heard country music.

دخترِ سابقا روستایی اگرچه تظاهر می کرد که شهری و با نزاکت است،اما همیشه وقتی موسیقیِ روستایی را می شنید احساسِ حسرتِ گذشته بر او چیره می شد.

اگرچه دختر مزرعه دار سابق وانمود می کرد که شهرنشین است، اما همیشه با شنیدن موسیقی کانتری احساس نوستالژی در او ایجاد می شد.

Smith is a rife name in England.

در انگلستان "اسمیت" نام شایعی/رایجی است.

اسمیت یک نام رایج در انگلستان است.

Water is a reviled thing for cats.

آب برای گربه چیزِ منفوری است.

آب برای گربه ها امری ناپسند است.

Their words was very derogatory.

حرف های آن ها بسیار توهین آمیز بود.

حرف آنـها بسیار تحقیر آمیز بود.

The police indicted the woman of stealing.

پلیس زن را به دزدی متهم کرد.

پلیس این زن را به سرقت متهم کرد.

I couldn’t find the house because he gave me very nebulous directions.

نتوانستم خانه را پیدا کنم زیرا او جهت های خیلی مبهمی را به من داد.

من نتوانستم خانه را پیدا کنم زیرا او دستورالعمل های بسیار مبهم به من داد.

Her dress was redolent like a bottle of perfume.

لباسِ او مانندِ یک شیشه عطر معطر بود.

لباسش مثل بطری عطر بود.

We stopped for a repose.

ما برای استراحت توقف کردیم.

برای استراحت توقف کردیم.

Omnivorous eaters find the dietary laws in some hotels to be too restrictive.

در بعضی از هتل ها قوانینِ مربوط به رژیمِ غذایی برای افرادِ همه چیز خوار بسیار محدود کننده می باشد.

همه چیزخواران قوانین رژیم غذایی در برخی هتل ها را بسیار محدود کننده می دانند.

Coach Fischer issued a fiat that required that his players be abstemious.

مربی "فیشر" حکمی صادر کرد که بر طبقِ آن بازیکنانش بایستی اعتدال را رعایت کنند.

مربی فیشر حکمی صادر کرد که بر اساس آن بازیکنانش باید پرهیز کنند.

Hundreds of extant copies of Shakespeare's signature came from the same prolific forger.

صـــدها نســـخه ی موجـــود از امضـــای شکســـپیر از جعـــل کننده ای پرکار بدست آمد.

صـــدها نســـخه موجـــود از امضـــای شکســـپیر از همـــان جاعل پرکار تهیه شده است.

The vicissitudes of life in the Medical Corps are not for the squeamish.

دشـــواری هـــای زنـــدگی در ســـپاهِ پزشـــکی متناســـبِ افـــرادِ نازک نارنجی نیست!

فـــراز و نشـــیب هـــای زنـــدگی در ســـازمان پزشـــکی بـــرای افراد حیله گر نیست.

I saw a beautiful edifice in my path.

در مسیرم عمارتِ زیبایی را دیدم.

در سر راهم عمارتی زیبا دیدم.

The climate of north is sultry all the times.

آب و هوای شمال تمام وقت شرجی است.

آب و هوای شمال همیشه گرم است.

General Fox submitted a trenchant report on the enemy’s latent strength.

“جنـــرال فـــوکس” گـــزارش دقیقـــی از تـــوانِ بـــالقوه ی دشمن را اعلام کرد.

ژنـــرال فـــاکس گزارشـــی در مـــورد قـــدرت پنهـــان دشـــمن ارائه کرد.

My father used a puissant drug.

پدرم دارویی قوی مصرف کرد.

پدرم از یک داروی کوبنده استفاده کرد.

The plague continued unabated, and the hapless Friar John was unable to deliver the note to Romeo.

طـــاعون هنـــوز فـــروکش نکـــرده و فرایـــر جـــانِ بیچـــاره نتوانست پیغامِ رومئو را بدهد.

طـــاعون بـــی وقفـــه ادامـــه داشـــت و راهـــب جـــان بـــدبخت نتوانست یادداشت را به رومئو برساند.

He got very maudlin when we said goodbye.

وقتی خداحافظی کردیم او خیلی احساساتی شد.

وقتی خداحافظی کردیم او خیلی بداخلاق شد.

Dean Flanigan admonished us for our levity at the graduation exercises.

“دین فلانی جان” ما را به خاطر سبک سری در مراسم فارغ التحصیلی سرزنش کرد.

دین فلانیگان ما را به خاطر ساده زیستی ما در تمرینات فارغ التحصیلی توصیه کرد.

The children were lugubrious when their dog died.

وقتی سگِ بچه ها مرد، آن ها اندوهگین شدند.

بچه‌ها وقتی سگشان مرده بود، بداخلاق بودند.

He has only one scion.

او فقط یک فرزند داشت.

او فقط یک پیوندک دارد.

My mother indoctrinate me to drive.

مادرم رانندگی را به من یاد داد.

مادرم به من تلقین کرد که رانندگی کنم.

It was not until the wreckers began to dismantle the old edifice that they discovered its real opulence.

وقتی خرابکارها شروع به خالی کردنِ اثاثِ عمارت کردند،به ثروت واقعیِ آن پی بردند.

تا زمانی که ویرانگران شروع به از بین بردن عمارت قدیمی کردند که شکوه واقعی آن را کشف کردند.

The employee was an obsequious man.

کارمند مردِ چاپلوسی بود.

کارمند مرد متعصبی بود.

She said fulsome remarks about her spouse.

او حرف های اغراق آمیزی درباره ی همسرش گفت.

او سخنان تلخی در مورد همسرش گفت.

We went to a lush hotel.

ما به یک هتلِ مجلل رفتیم.

به یک هتل سرسبز رفتیم.

There are many people living in destitution in this city.

مـــردمِ بســـیاری وجـــود دارنـــد کـــه در ایـــن شـــهر در فقـــر زندگی می کنند.

در این شهر افراد زیادی در فقر زندگی می کنند.

In the hospital, the alcoholic had time to ponder over the need to be abstemious.

فـــردِ الکلـــی در بیمارســـتان فرصـــت داشـــت تـــا بـــه لـــزومِ پرهیزگار بودنش بیاندیشد.

در بیمارســـتان، فـــرد الکلـــی فرصـــت داشـــت تـــا در مـــورد نیاز به پرهیز از خود فکر کند.

Through supplication the fraternity head hoped to end the strife among the members.

رئـــیسِ انجمـــن اخـــوت(انجمنِ برادری،صـــنف) امیـــدوار بود با تضرع و زاری،دعوا میانِ اعضا را پایان دهد.

از طریـــق التمـــاس، رئـــیس اخـــوان امیـــدوار بـــود کـــه بـــه نزاع بین اعضا پایان دهد.

Rumors of Rome’s decadence were rife among the barbarian tribes.

در میـــان قبائـــل وحشی،شـــایعاتی دربـــاره ی زوال رُم متداول بود.

شایعات انحطاط روم در میان قبایل بربر شایع بود.

Following a lengthy diatribe against mendacity, the priest imposed penance upon the sinner.

کشـــیش پـــس از انتقـــادی تلـــخ و طـــولانی از دروغگویی،مجازاتی علیه گناهکار اعمال کرد.

کشـیش پـس از سـخن گفـتن طـولانی علیـه دروغگـویی، توبه را بر گناهکار تحمیل کرد.

The ascetic person was very thin.

فردِ مرتاض خیلی لاغر بود.

شخص زاهد بسیار لاغر بود.

The books in the library were desultory.

کتاب های کتابخانه در هم و برهم بودند.

کتاب های موجود در کتابخانه بی ارزش بود.

Tim is the disciple of that professor.

“تیم” شاگردِ آن استاد است.

تیم شاگرد آن استاد است.

In a remarkable metamorphosis, her lugubrious mood changed to one of levity.

در یک دگرگیسیِ قابل توجه،حالتِ غم انگیزش به سبک سری تغییر یافت.

در یک دگردیسی قابل توجه، حال و هوای هوس انگیز او به حالتی از خوشرویی تغییر کرد.

When we saw the hundreds of bona fide petitions, we realized that the number of people who supported the candidate was legion.

با دیدنِ صدها طومار صادقانه،فهمیدیم که شمارِ حامیانِ نامزد انتخاباتی بسیار است.

وقتی صدها دادخواست با حسن نیت را دیدیم، متوجه شدیم که تعداد افرادی که از این نامزد حمایت کردند، لژیونی است.

The megalomaniac believed that he alone had the answer to mankind’s salvation.

فـرد خـود بـزرگ بـین معتقـد بـود کـه بـه تنهـایی پاسـخ رستگاری بشر را می داند.

مـرد غـول پیکـر معتقـد بـود کـه او تنهـا پاسـخ نجـات بشـر را دارد.

Disciples of materialism may know the price of everything but the value of nothing.

پیـــروانِ مـــاده گرایـــی ممکـــن اســـت قیمـــت و بهـــای هـــر چیزی را بدانند اما ارزشِ هیچ چیز را نمی دانند.

شـــاگردان ماتریالیســـم ممکـــن اســـت قیمـــت همـــه چیـــز را بدانند اما ارزش هیچ چیز را نمی دانند.

Mr. Jonson nurtured the little boy.

آقـــای جانســـون پســـرِ کوچولـــو را پـــرورش داد/بـــزرگ کرد.

آقای جانسون پسر کوچک را پرورش داد.

He is the follower of Nirvana.

او پیرو نیروانا است.

او پیرو نیروانا است.

Our algebra class is a heterogeneous one in which bright students are juxtaposed with slower ones.

کـلاسِ جبـرِ مـا کـلاس نـاهمگن اسـت و دانـش آمـوزانِ باهوش در کنارِ دانش آموزانِ کند تر قرار گرفته اند.

کـلاس جبـر مـا یـک کـلاس نـاهمگن اسـت کـه در آن دانـش آمـوزان بـاهوش بـا دانـش آمـوزان کنـدتر کنـار هـم قـرار می گیرند.

The age gamut of the children is between eight and twelve.

حدود/گستره ی سنِ بچه ها بین هشت تا دوازده است.

رده سنی کودکان بین هشت تا دوازده است.

The girl is very perspicacious like her mother.

دختر مانندِ مادرش بسیار باهوش بود.

دختر مثل مادرش بسیار زیرک است.

Although the lawyer acknowledged that the two cases were hardly analogous, he still felt that he had a good precedent on his side.

اگـر چـه وکیـل اعتـراف کـرد کـه دو پرونـده بـه هـم شـبیه هسـتند امـا هنـوز احسـاس مـی کـرد روشِ خـوبی را بـه کار گرفته است.

اگرچـه وکیـل اذعـان داشـت کـه ایـن دو پرونـده بـه سـختی مشـابه هسـتند، امـا او همچنـان احسـاس مـی کـرد کـه سـابقه خوبی در کنار خود دارد.

My car was maladjusted and I must take it to a garage.

ماشینم نامیزان بود و باید آن را به یک تعمیرگاه ببرم.

ماشین من تنظیم نشده بود و باید آن را به گاراژ ببرم.

There was no paucity of witnesses to describe the phenomenon of the flying saucer.

برای توصیفِ پدیده ی بشقاب پرنده،شواهد کم نبود.

شـــاهدان کمـــی بـــرای توصـــیف پدیـــده بشـــقاب پرنـــده وجـــود نداشت.

The mortality in this country is less than other countries.

مـــــرگ و میـــــر در ایـــــن کشـــــور کمتـــــر از ســـــایرِ کشور هاست.

میـــزان مـــرگ و میـــر در ایـــن کشـــور نســـبت بـــه ســـایر کشور ها کمتر است.

The little boy is now a decade old.

پسرِ کوچولو اکنون ده ساله است.

پسر کوچک اکنون یک دهه دارد.

Don’t say anything bad about her work. She's very susceptible about it.

درباره ی کار او بد نگو.او در این مورد خیلی حساس است.

در مورد کارش چیز بدی نگو او در مورد آن بسیار حساس است.

My family are neurotic to meet you.

خانواده ی من از ملاقات با شما عصبی هستند.

خانواده من برای ملاقات با شما عصبی هستند.

He’s my English pedagogue.

او معلِمِ انگلیسی من است.

او معلم انگلیسی من است.

Reporters were expecting the candidate to enunciate his policy on the escalation of the war.

گزارشـــگران از نـــامزد انتخابـــاتی انتظـــار داشـــتند تـــا سیاستش را در مورد گسترشِ جنگ اعلام کند.

خبرنگـاران انتظـار داشـتند کـه ایـن نـامزد سیاسـت خـود را در مورد تشدید جنگ اعلام کند.

The inordinate cold of the Antarctic is insupportable.

سرمای بیش از حدّ قطب جنوب طاقت فرساست.

سرمای بی حد و حصر قطب جنوب قابل تحمل نیست.

I am quite irascible about starting my new job.

در موردِ شروعِ کار جدیدم کاملا عصبانیم.

من در مورد شروع کار جدیدم بسیار عصبانی هستم.

She seems to be a introspective.

به نظر می رسد که او دخترِ درون نگری می باشد.

به نظر می رسد او فردی درون نگر است.

Iman Pandi hoped that his son would perpetuate the family business, but Amir ali was too involved with chimerical schemes to want to run a restaurant.

ایمان پندی امیدوار بود پسرش حرفه ی خانوادگی را زنده نگه دارد اما امیر علی بیش از حد درگیرِ طرح های عجیب و غریبش برای اداره ی یک رستوران بود.

ایمان پندی امیدوار بود که پسرش کسب و کار خانوادگی را تداوم بخشد، اما امیرعلی آنقدر درگیر نقشه‌های کایمر بود که نمی‌خواست رستورانی را اداره کند.

The police have the mandate to stop cars.

پلیس دستور داد که ماشین ها را متوقف سازد.

پلیس وظیفه دارد خودروها را متوقف کند.

The students must go to the compensatory classes.

دانش آموزان باید به کلاس های جبرانی بروند.

دانش آموزان باید به کلاس های جبرانی بروند.

The soldiers neutralized enemy’s attacks.

سربازان حملات دشمن را خنثی کردند.

سربازان حملات دشمن را خنثی کردند.

The heavy rain brought catastrophic floods.

بارانِ سنگین سیل های فاجعه آمیزی را به بار آورد.

بارش شدید باران سیل های فاجعه باری را به همراه داشت.

I like to see that famous anthropologist.

دوست دارم آن انسان شناسِ مشهور را ببینم.

دوست دارم آن انسان شناس معروف را ببینم.

It would be rather bizarre for a young man to come to school wearing a dress.

نسبتا عجیب و غریب است که یک مرد جوان با لباس زنانه به مدرسه بیاید.

اگر یک مرد جوان با لباسی به مدرسه بیاید خیلی عجیب است.

Stones are inanimate objects that have no life of their own.

سـنـگ هـا اشـیاء بـی جـانـی هسـتند کـه از خودشـان حیـات ندارند.

سـنـگ هـا اشـیای بـی جـانـی هسـتند کـه زنـدگی خـود را ندارند.

The explorer saw the golden statue and thought of how much money it would bring them. But their lives would be in danger if they moved it because it was a powerful fetish to the natives.

کاوشگران تندیسِ طلایی را دیدند و به مقدار پولی اندیشیدند که برای آن ها می آورد.اما اگر آن را تکان می دادند،زندگی شان به خطر می افتاد زیرا آن تندیس برای بومیان یک طلسمِ قوی بود.

کاوشگر مجسمه طلایی را دید و به این فکر کرد که چقدر پول برایشان می آورد. اما اگر آن را جابه جا می کردند زندگی آنها در خطر می افتاد زیرا این یک فتیش قدرتمند برای بومیان بود.

They emitted many artifact from under the soil.

آن ها اشیاء دست ساز زیادی را از زیر خاک خارج کردند.

آنها مصنوعات زیادی را از زیر خاک ساطع کردند.

It is taboo for certain South Seas islanders to eat some foods before they marry.

خــوردنِ بعضــی از غــذاها قبــل از ازدواج بــرای برخــی از جزیره نشینان دریاهای جنوب حرام است.

خــوردن برخــی غــذاها قبــل از ازدواج بــرای برخــی از ساکنان جزایر دریای جنوبی تابو است.

It is considered imprudent to give your computer code word to anyone not fully known to you.

دادنِ رمــزِ کامپیوترتــان بــه کســی کــه کــاملا نمیشناســید نابخردانه تلقی می شود.

دادن کلمـه کـد رایانـه خـود بـه کسـی کـه کـاملاً بـا شـما آشـنا نیست، بی احتیاطی تلقی می شود.

The prohibition of crime is done by police.

پلیس ممانعت از جنایت را انجام می دهد.

منع جرم توسط پلیس انجام می شود.

In the nuclear age it has become imperative for the nations of the world to learn to live in peace.

در عصرِ اتم برای همه ی ملت های جهان ضروری است که در صلح زندگی کنند.

در عصر هسته ای، یادگیری زندگی در صلح برای کشورهای جهان امری ضروری شده است.

Unsanitary conditions in the bottling factory caused hundreds of cases of soda to be tainted by dirt and foreign objects.the health department refused to allow the soda to be sold.

شـرایط غیـر بهداشـتی کارخانـه ی بطـری سـازی بخـاطر کثیفـی و اشـیاء خارجی،باعـث آلـوده شـدن صـدها نوشـابه شـد.وزارتِ بهداشـت اجـازه نـداد نوشـابه هـا بـه فـروش برسند.

شـرایط غیربهداشـتی در کارخانـه بطـری سـازی باعـث شـد صـدها مـورد نوشـابه بـه خـاک و اجسـام خـارجی آلـوده شود. اداره بهداشت از فروش نوشابه خودداری کرد.

Pollution is a universal problem.

آلودگی یه مشکل جهانی/همگانی است.

آلودگی یک مشکل جهانی است.

The teacher felt like laughing after he heard Sally's absurd excuse for not having done her homework.

وقتی معلم بهانه ی مسخره ی "سالی" را برای انجام ندادنِ تکالیفش شنید پوزخندی زد.

معلم پس از شنیدن بهانه پوچ سالی برای انجام ندادن تکالیفش، احساس خنده کرد.

I abhor waiting for buses.

از منتظر ماندن برای اتوبوس متنفرم.

من از انتظار برای اتوبوس متنفرم

She felt very vulnerable after her long illness.

او بعد از بیماری طولانی اش احساسِ آسیب پذیریِ زیادی کرد.

او پس از بیماری طولانی مدت خود بسیار آسیب پذیر بود.

The murderer made a(n) entreaty to the governor for a pardon.

قاتل به حاکم التماس کرد تا او را عفو کنند.

قاتل از فرماندار تقاضای عفو کرد.

All religions have different beliefs and traditions.

همه ی مذاهب،باورها و سنت های متفاوتی دارند.

همه ادیان عقاید و سنت های متفاوتی دارند.

Some bad habits originate in adolescence and continue throughout a person’s life.

برخـــی از عـــاداتِ بـــد از دورانِ نوجـــوانی سرچشـــمه مـــی گیرند و در تمام طولِ زندگیِ شخص ادامه می یابند.

برخـــی از عـــادات بـــد از دوران نوجـــوانی سرچشـــمه مـــی گیرند و در طول زندگی فرد ادامه می یابند.

Don’t go out alone at night. You won’t be inviolable.

در شب تنها بیرون نرو.مصون نخواهی بود.

شبها تنها بیرون نروید شما غیر قابل تعرض نخواهید بود

Many of those who witnessed the first atomic explosion reported that it was an awesome sight.

بسیاری از کسانی که شاهدِ اولین انفجارِ اتمی بودند گزارش دادند که منظره ی حیرت انگیزی بود.

بسیاری از کسانی که اولین انفجار اتمی را مشاهده کردند، گزارش دادند که این یک منظره حیرت انگیز بود.

Tourists can notice the eruption of population in this country.

توریست ها می توانند متوجهِ فورانِ جمعیت در این کشور شوند.

گردشگران می توانند متوجه فوران جمعیت در این کشور شوند.

The lamb is very puny yet.

بره هنوز خیلی ضعیف است.

بره هنوز خیلی ضعیفه

After her house had burned to the ground, Mrs. Wiley searched through the debris for her valuable jewelry.

پس از اینکه خانه ی خانمِ ویلی آتش گرفت و به کلی ویران شد،او در ویرانه ها دنبالِ جواهراتِ گران بهایش می گشت.

بعد از اینکه خانه اش کاملا سوخت، خانم وایلی در میان آوار به دنبال جواهرات ارزشمندش گشت.

She dispersed the pieces of bread on the grass for the birds.

او خـرده هـای نـان را بـرای پرنـدگان روی چمـن پراکنـده کرد.

او تکـــه هـــای نـــان را روی علـــف هـــا بـــرای پرنـــدگان پراکنده کرد.

The teacher asked the student to obliterate the blackboard.

معلم از شاگرد خواست که تخته سیاه را پاک کند.

معلم از دانش آموز خواست تخته سیاه را پاک کند.

The hometown fans thought the umpire’s decision was deplorable.

طرفداران خانگی فکر می کردند که تصمیم داور تاسف آور بود.

هواداران شهر خودی فکر می کردند تصمیم داور تاسف بار بود.

The name “John” initiates with a “J”.

نام جان با “ج” شروع می شود

نام "جان" با "J" آغاز می شود.

You will rue that display of histrionics when I asked you to help.

وقتی از تو کمک بخواهم از نشان دادن ظاهر سازی خود پشیمان خواهی شد.

وقتی من از شما کمک خواستم از نمایش هیستریونیک ناراحت خواهید شد.

Isn’t it a pity we can’t hoard the ideal days of autumn?

تاسف آور نیست که نمی توانیم روزهای مطلوب پاییزی را ذخیره کنیم؟!

آیا حیف نیست که نتوانیم روزهای ایده آل پاییز را احتکار کنیم؟

Hafez was a sage.

حافظ انسان حکیمی بود.

حافظ حکیم بود.

A good politician seeks the paramount issue in his community.

یـک سیاسـتمدار خـوب در جسـتجوی مسـائل مهـم جامعـه اش است.

یـــک سیاســـتمدار خـــوب بـــه دنبـــال موضـــوع اصـــلی در جامعه خود است.

She had an intrinsic fear.

او یک ترس ذاتی داشت.

او یک ترس درونی داشت.

After the catastrophe, there was an acute need for emergency housing.

بعد از فاجعه، نیاز شدیدی به اسکان فوری بود.

پس از فاجعه، نیاز شدید به مسکن اضطراری وجود داشت.

Please say the gist sooner.

لطفا زودتر اصل مطلب را بگو.

لطفا اصل مطلب را زودتر بگویید.

Our problems are transient.

مشکلات ما زود گذرند.

مشکلات ما گذرا است.

I heard a terse telephone call.

من مکالمه ی تلفنی مختصری را شنیدم.

یک تماس تلفنی کوتاه شنیدم.

The best debater makes the most cogent presentation.

بهترین مناظره کننده کسی است که بیشترین نمایش متقاعد کننده را داشته باشد.

بهترین مناظره کننده قانع کننده ترین ارائه را انجام می دهد.

The pinnacle of fame and success is often a transient stage.

اوج شـــــهرت و موفقیت،اغلـــــب مرحلـــــه ای زودگـــــذر است.

اوج شهرت و موفقیت اغلب یک مرحله گذرا است.

The president faced an imposing array of reporters.

رئـــیس جمهـــور بـــا گـــروه باشـــکوهی از خبرنگـــاران مواجه شد.

رئیس‌جمهور با انبوهی از خبرنگاران مواجه شد.

I couldn’t find the house because he gave me very obscure directions.

من نتوانستم خانه را پیدا کنم زیرا او جهت های مبهمی را به من داد(نشان داد).

من نتوانستم خانه را پیدا کنم زیرا او مسیرهای مبهم به من داد.

The ardent baseball fan went to every home game.

تماشـاگر مشـتاق بـیس بـال بـه تماشـای هـر بـازی خـانـگی میرفت.

هوادار سرسخت بیسبال به هر بازی خانگی می رفت.

His anger culminated.

خشم او به اوج رسید.

عصبانیت او به اوج خود رسید.

It is imprudent for a youngster to constrict her circle of friends so that there is no opportunity to meet new people.

برای یک بچه، غیر عاقلانه است که دایره ی دوستانش را محدود کند که دیگر فرصتی برای آشنایی با افراد جدید نداشته باشد.

برای یک جوان بی احتیاطی است که دایره دوستان خود را محدود کند تا فرصتی برای ملاقات با افراد جدید وجود نداشته باشد.

There is universal wonder when some prodigy appears on the stage to perform at the age of 4 or 5.

وقتی اعجوبه ای در چهار یا پنج سالگی برای اجرا روی صحنه می آید همگان تعجب می کنند.

وقتی عده ای اعجوبه برای اجرا در سن ۴ یا ۵ سالگی روی صحنه می آیند شگفتی جهانی وجود دارد.

The catastrophe left him bereft of all his possessions.

فاجعه،او را از همه ی دارایی هایش محروم کرد.

فاجعه او را از تمام دارایی های خود بی بهره گذاشت.

Though he knew well the danger involved, the knight did not falter as he entered the dragon’s cave.

اگـر چـه شـوالیه از خطـر آگـاه بود،امـا هنگـام ورود بـه غار اژدها تزلزل نشان نداد.

اگرچـه شـوالیه خطـر را بـه خـوبی مـی دانسـت، امـا وقتـی وارد غار اژدها شد، لنگ نکرد.

She was filled with exultation when she learned her SAT score was near the maximum.

وقتی فهمید نمره ی سَت او به حداکثر نزدیک است سرشار از شادمانی بود.

وقتی فهمید نمره SAT نزدیک به حداکثر است، سرشار از شادی شد.

The vitriolic language used by critics of the new play tended to obliterate its good qualities.

زبـان تنـد منتقـدان نمـایش جدیـد،ویژگی هـای خـوب آن را محو کرد.

زبـان سـرزنده‌ای کـه منتقـدان نمایشـنامه جدیـد بـه کـار می‌برند، ویژگی‌های خوب آن را از بین می‌برد.

It is difficult to keep invective out of our discussion about the enemy.

سخت است که در بحث درباره ی دشمن فحش ندهیم.

به سختی می توان از بحث ما در مورد دشمن کج خلقی کرد.

The candidate tried to besmirch his opponent’s record.

نـامزد انتخابـاتی تـلاش کـرد سـابقه ی رقیـبش را لکـه دار کند!

ایـن نـامزد سـعی کـرد سـابقه حریـف خـود را خدشـه دار کند.

The box was voluminous and difficult to carry.

جعبه حجیم بود و حملش مشکل بود.

جعبه حجیم بود و حمل آن سخت بود.

In retrospect, I see that my life was full of difficulties.

حالا که به گذشته نگاه می کنم، متوجه می شوم که زندگیم پر از مشکلات بوده است.

با نگاهی به گذشته، می بینم که زندگی من پر از مشکلات بود.

I don’t like an egotist.

من آدم خودخواه را دوست ندارم.

من خودخواه را دوست ندارم

He spoke with humility about his success.

او درباره ی موفقیتش با تواضع صحبت می کرد.

او با تواضع از موفقیت خود صحبت کرد.

I felt a pungent smell in my room.

بوی زننده ای را در اتاقم احساس کردم.

بوی تندی را در اتاقم حس کردم.

Doctors agree that it is imperative that inveterate smokers give up that imprudent habit.

پزشکان اتفاق نظر دارند که برای سیگاری های کهنه کار ضروری است تا این عادت بی احتیاطانه را ترک کنند.

پزشکان موافق هستند که ضروری است که سیگاری‌های بدجنس این عادت بی‌احتیاطی را ترک کنند.

The umpire was adamant about his decision to call the runner out.

داور درباره ی تصمیمش برای بیرون فرستادن دونده انعطاف ناپذیر بود.

داور در مورد تصمیم خود برای فراخواندن دونده قاطعانه بود.

The winning team’s dressing room was a scene of bedlam.

رختکن تیم برنده صحنه ی غوغا و آشوب بود.

رختکن تیم برنده صحنه ای از بدبختی بود.

Electronic music is considered nothing more or less than cacophony by many.

بسیاری از مردم موسیقی الکترونیک را چیزی بیشتر از صدای ناهنجار نمی دانند.

بسیاری از موسیقی الکترونیک را چیزی بیشتر یا کمتر از صدای ناهنجار می دانند.

Advertisers spend large sums to exploit the lucrative teenage market.

آگهی دهندگان مبالغ زیادی را صرف بهره برداری از بازار پرمنفعت نوجوانان می کنند.

تبلیغ کنندگان مبالغ هنگفتی را برای بهره برداری از بازار پرسود نوجوانان خرج می کنند.

I don’t have any propinquity to you.

من هیچ نزدیکی/قرابتی با شما ندارم.

من به تو هیچ گونه تمایلی ندارم

The detective had little to go on because of the nondescript nature of the criminal.

به دلیل ماهیت نامشخص جنایتکار،کاراگاه چیز کمی برای ادامه ی کار در اختیار داشت.

کارآگاه به دلیل ماهیت غیرقابل توصیف جنایتکار کار چندانی برای ادامه دادن نداشت.

The dinosaur is an extinct species.

دایناسور یک گونه ی انقراض یافته است.

دایناسور یک گونه منقرض شده است.

City dwellers often yearn for the idyllic life in the country.

ســاکنان شــهرها اغلــب آرزوی زنــدگی آرام و بــا صــفای حومه ی شهر را دارند.

ســاکنان شــهر اغلــب آرزوی زنــدگی بت‌هــای در ایــن کشور را دارند.

A dictator will use any pretext to galvanize his people into aggressive actions.

یـک دیکتـاتور هـر بهانــه ای را بـه کـار میبـرد تـا مـردم را به سوی اعمال پرخاشگرانه تحریک کند.

یـک دیکتـاتور از هـر بهانــه ای اسـتفاده مـی کنـد تـا مـردم خود را به اقدامات تهاجمی سوق دهد.

It is amazing how lithe football players can be, despite the encumbrance of the safety features of their uniforms.

حیـرت آور اسـت کـه بازیکنـان فوتبـال،علیرغم دردسـر ویژگـی هـای امنیتـی در لبـاس هایشـان چقـدر مـی تواننـد خوش اندام باشند.

شـگفت آور اسـت کـه بازیکنـان فوتبـال چقـدر مـی تواننـد سـبک باشـند، علیـرغم اینکـه ویژگـی هـای ایمنـی لبـاس هایشان زیاد است.

Today, the trend is to more and gaudier dress.

امـروزه، گـرایش بـه سـمت لبـاس هـای پـر زرق و بـرق تر می باشد.

امروزه گرایش به لباس‌های بیشتر و شیک‌تر است.

He had such disdain for us, he would not condescend to speak before our group.

او به دید تحقیر به ما نگاه می کرد و خودش را کوچک نکرد تا در مقابل گروه ما صحبت کند.

او آنقدر نسبت به ما تحقیر داشت که حاضر نمی شد در مقابل گروه ما صحبت کند.

I think every person must have candor.

فکر می کنم هر فردی باید صداقت داشته باشد.

من فکر می کنم هر فردی باید صراحت داشته باشد.

Good sportsmanship requires that one not mortify a defeated adversary.

ورزشـــکاری و جـــوانمردی نیازمنـــد ایـــن اســـت کـــه ورزشکار، حریف بازنده ی خود را شرمنده نکند.

اخـلاق خـوب ورزشـی مسـتلزم آن اسـت کـه یـک دشـمن شکست خورده را از بین نبرد.

It is difficult to be jocose in the presence of so many doleful people.

دشـوار اسـت کـه در حضـور بسـیاری از مـردم غمگـین شوخ باشیم.

جوکـوز بـودن در حضـور ایـن همـه آدم دلگیـر سـخت است.

It is most common to malign the wealthy for their avarice.

بـــدگویی کـــردن از افـــراد پولـــدار بـــه خـــاطر حـــرص و طمعشان، بسیار رایج است.

معمـــولاً بـــدگویی از افـــراد ثروتمنـــد بـــه خـــاطر حـــرص و طمع آنها رایج است.

We would scoff at anyone calling himself omnipotent.

ما هر کسی که خودش را قادر مطلق بنامد مسخره می کنیم.

ما هر کسی را که خود را قادر مطلق می خواند، مسخره می کنیم.

Under the aegis of an adroit master, he reached the zenith of his career.

او زیر نظر استاد چیره دست به اوج کارش رسید.

او تحت حمایت یک استاد زبردست به اوج حرفه خود رسید.

He is fledgling in his job.

او در کارش بی تجربه است.

او در کارش نوپا است.

No one had the temerity to disobey the officer’s peremptory order.

هیچ کس جسارت نکرد که از فرمان بی چون و چرای افسر سرپیچی کند.

هیچ کس جرأت نداشت از دستور اجباری افسر سرپیچی کند.

There is no precedent for voting when there is no quorum.

وقتی حد نصاب برای رای گیری وجود ندارد،رویه ای هم وجود ندارد.

در صورت عدم حد نصاب رای گیری سابقه ندارد.

he child tried to wheedle from her mother the place where the cookies had been cached.

بچه سعی کرد مادرش را با چرب زبانی گول بزند که بفهمد کلوچه ها را کجا مخفی کرده.

او سعی کرد از مادرش جایی را که کوکی ها در آن ذخیره شده بودند، دور کند.

The rustic life is supposed to be a tranquil one.

تصور می شود زندگی روستایی زندگی آرامی باشد

زندگی روستایی قرار است یک زندگی آرام باشد.

Their children were jubilant.

بچه های آن ها شادمان بودند.

بچه هایشان شاد بودند.

Repress your uncouth manners and act with decorum at the party.

رفتـــار هـــای زشـــتتان را ســـرکوب کنیـــد ک در میهمـــانی با ادب رفتار کنید.

رفتارهـــای ناشایســـت خـــود را ســـرکوب کنیـــد و در مهمـــانی با آراستگی رفتار کنید.

He seems to be a charlatan person.

به نظر می رسد که او یک فرد شارلاتان است.

به نظر می رسد او فردی شارلاتان است.

The people hated him for heresy.

مـــردم از او بـــه خـــاطر ارتـــداد(خروج از دیـــن) نفـــرت داشتند.

مردم به خاطر بدعت از او متنفر بودند.

It was very prudent of you to call the police when you saw the accident.

تلفن کردن به پلیس هنگام رویت تصادف کار عاقلانه ای بود.

خیلی عاقلانه بود که با دیدن تصادف با پلیس تماس گرفتی.

While the ostensible enemy was the opposition leader, the main purpose of this rash behavior was the eradication of all opponents.

گرچه دشمن ظاهری رهبر مخالفان بود،اما هدف اصلی این رفتار تند از بین بردن همه ی رقبا بود.

در حالی که دشمن ظاهری رهبر اپوزیسیون بود، اما هدف اصلی از این رفتار عجولانه ریشه کن کردن همه مخالفان بود.

The teacher knew that his student is fervid to learning.

معلـم مـی دانسـت کـه دانـش آمـوزش مشـتاق یـادگیری است.

معلم می دانست که شاگردش مشتاق یادگیری است.

The police said that your certification is spurious.

پلیس گفت که گواهینامه ی شما جعلی است.

پلیس گفت که گواهی شما جعلی است.

The publisher propagated that book and many people bought it.

ناشـــر آن کتـــاب را تـــرویج داد و افـــراد زیـــادی آن را خریدند.

ناشـــر آن کتـــاب را تبلیـــغ کـــرد و افـــراد زیـــادی آن را خریدند.

Siamese twins are considered a birth anomaly.

دوقلوهای به هم چسبیده به عنوان یک نابهنجاری در تولد محسوب می شود.

دوقلوهای سیامی یک ناهنجاری تولد در نظر گرفته می شوند.

The doctor said that this medicine is innocuous.

دکتر گفت که این دارو بی ضرر است.

دکتر گفت این دارو بی ضرر است.

When can we expect a respite from the surfeit of TV commercials?

ما چه هنگام می توانیم این انتظار را داشته باشیم که از تعداد زیاد آگهی های بازرگانی، فرصتی برای نفس کشیدن داشته باشیم؟

چه زمانی می توان انتظار مهلتی از انبوه تبلیغات تلویزیونی داشت؟

The children need a happy milieu home.

بچه ها در خانه به محیطی شاد نیاز دارند.

بچه ها به یک خانه شاد نیاز دارند.

Her strident voice added to the bedlam.

صدای گوشخراش او آشوب را افزایش داد.

صدای تند او به چراغ خواب اضافه شد.

There are many concomitant dangers to obesity.

خطرهای مرتبط زیادی با چاقی وجود دارند.

خطرات همزمان زیادی برای چاقی وجود دارد.

I have a feeling of lassitude in my legs.

در پاهایم احساس رخوت و سستی می کنم.

من احساس سستی در پاهایم دارم.

The gist of the report was that smoking will have a deleterious effect on health.

لــبِ مطلب/جــانِ کــلامِ گــزارش ایــن بــود کــه ســیگار کشیدن تاثیر زیان آوری بر سلامتی خواهد گذاشت.

خلاصــه ایــن گــزارش ایــن بــود کــه اســتعمال دخانیــات اثرات مضری بر سلامتی خواهد داشت.

The efficacy of new drugs cannot be determined without a plethora of evidence.

بـدون شـواهد زیـاد نمـی تـوان تـاثیر داروهـای جدیـد را تعیین کرد.

اثربخشـی داروهـای جدیـد را نمـی تـوان بـدون شـواهد فراوان تعیین کرد.

Two spouses dissented with each other.

دو همسر با یکدیگر اختلاف عقیده داشتند.

دو همسر با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.

He came across with street ferment.

او با آشوب خیابانی مواجه شد.

او با خمیر خیابان مواجه شد.

The strength of her appeal was attenuated by the flamboyant embellishments for which many had a strong aversion.

تزئینـــات زرق و بـــرق داری کـــه خیلـــی هـــا از آن هـــا شـــدیدا تنفـــر داشـــتند،قدرت فرجـــام خـــواهی اش را ضـــعیف کرد.

قـــدرت جـــذابیت او بـــا تزیینـــات پـــر زرق و برقـــی کـــه بسیاری نسبت به آن بیزار بودند، کاهش یافت.

The Supreme Court is our ultimate arbiter of legality.

دیوان عالی،قاضی نهایی قانونمندی ما است.

دیوان عالی کشور داور نهایی قانونمندی ماست.

It is incumbent on us to be zealous in combatting the deleterious effects of drugs.

بـر مـا واجـب اسـت در مبـارزه علیـه اثـرات زیـان آور مواد مخدر جدی و مشتاق باشیم.

بـر مـا واجـب اسـت کـه در مبـارزه بـا اثـرات مخـرب مـواد مخدر غیرت داشته باشیم.

It is easy to construe a superficial remark to be a profound one.

به سادگی می توان گفته ای سطحی را به عنوان اظهار نظری ژرف تعبیر کرد.

به راحتی می توان یک اظهار نظر سطحی را عمیق تفسیر کرد.

If we cannot alleviate the harmful effects entirely, at least we can attenuate them.

ما در صورتی که نتوانیم اثرات زیان بار را به طور کامل سبک کنیم، دست کم می توانیم از شدت آن ها بکاهیم(آن ها را ضعیف کنیم).

اگر نتوانیم اثرات مضر را به طور کامل کاهش دهیم، حداقل می توانیم آنها را کاهش دهیم.

I had a prodigious dream last night; I dreamed that I could fly.

دیشب خواب حیرت آوری دیدم،خواب دیدم که می توانم پرواز کنم.

دیشب یک خواب حیرت انگیز دیدم. خواب دیدم که می توانم پرواز کنم.

We hoped that the arbiter would expedite the solution to the fracas that had been so elusive for a long time.

امیدوار بودیم قاضی به راه حلی برای بلوایی که مدت ها اینقدر دست نیافتنی بود سرعت بخشد.

ما امیدوار بودیم که داور حل اختلافاتی را که برای مدت طولانی گریزان بود، تسریع کند.

He accepted the lucrative position with celerity.

او با سرعت موقعیت شغلی سودمند را پذیرفت.

او موقعیت پردرآمد را با زرنگی پذیرفت.

It is during a period of ferment that a dictator can usurp power.

یـک دیکتـاتور در خـلال دوره ای از آشـوب هـا اسـت کـه می تواند قدرت را تصاحب کند.

در دوره ای از جـوش و خـروش اسـت کـه یـک دیکتـاتور می تواند قدرت را غصب کند.

A cheque is paltry if you don’t sign it.

اگر چک را امضا نکنید بی ارزش است.

اگر چک را امضا نکنید ناچیز است.

Do you expect me to condone that reprehensible act with such celerity?

آیـــا از مـــن انتظـــار داری از آن عمـــل نکوهیـــده اینقـــدر سریع چشم پوشی کنم؟

آیـــا توقـــع داریـــد کـــه بـــا ایـــن وقـــار از آن عمـــل مـــذموم بگذرم؟

Don’t worry; it’s only a trivial problem.

نگـــران نبـــاش،این فقـــط یـــک مســـئله ی نـــاچیز و بـــی ارزشه.

نـگران نباشید؛ این فقط یـک مشـکل پیش پـا افتـاده است

Although she did not find it congenial, we cajoled our daughter into doing some of the menial tasks around the house.

اگـر چـه دختـر مـا انجـام بعضـی از کارهـای پسـت در خانـه را خوشـایند نمـی دانسـت امـا او را گـول زدیـم کـه آن ها را انجام دهد.

اگرچـه او آن را خوشـایند نمی‌دانسـت، امـا مـا دخترمـان را بـه انجـام برخـی از کارهـای کوچـک خانـه دعـوت کردیم.

Their teacher is a venerable person.

با لغت vulnerable به معنای حساس و آسیب پذیر اشتباه نگیرید!!!!

استادشان فردی محترم است.

The astute voter is not susceptible to the many extraneous shibboleths that saturate a politician’s speech.

رای دهنده ی زیرک نسبت به بسیاری از شعارهای بی ربطی که سخنرانی سیاستمدار را اشباع می کند حساس نیست.

رای‌دهندگان زیرک مستعد بسیاری از شیبلت‌های خارجی که سخنرانی یک سیاستمدار را اشباع می‌کنند، نیست.

To those who could understand every nuance of the cryptic message, there was nothing ambiguous about it.

برای کسانی که می توانستند تمام ریزه کاری های پیام مرموز را بفهمند،هیچ چیز مبهمی درباره ی آن وجود نداشت.

برای کسانی که می‌توانستند تمام نکات ظریف پیام رمزآلود را درک کنند، هیچ چیز مبهمی در مورد آن وجود نداشت.

He had a succinct telephone call.

او یک مکالمه ی تلفنی مختصر داشت.

او یک تماس تلفنی مختصر داشت.

My father likes archaic buildings.

پدرم ساختمان های باستانی را دوست دارد.

پدرم ساختمان های باستانی را دوست دارد.

Teams from many countries emulate in the world cup.

تـیم هـایی از چنـدین کشـور در جـام جهـانی رقابـت مـی کنند.

تـیم هـای بسـیاری از کشـورها در جـام جهـانی تقلیـد مـی کنند.

I heard a facetious story from the radio and laughed.

داستان مضحکی از رادیو شنیدم و خندیدم.

از رادیو داستان عجیبی شنیدم و خندیدم.

My parents were rabid with me when I came home late again.

وقتی دوباره دیر به خانه آمدم،پدر و مادرم خشمگین بودند.

وقتی دوباره دیر به خانه آمدم پدر و مادرم با من خشمگین بودند.

Some maintain that the ascetic leads a salubrious life.

عده ای معتقدند که فرد مرتاض زندگی سالمی دارد.

برخی معتقدند که زاهد زندگی سعادتمندی دارد.

She was too complacent to say she was sorry.

او آنقــدر از خــود راضــی بــود کــه نتوانســت معــذرت خواهی کند.

او آنقدر از خود راضی بود که بگوید متاسفم.

He’s feeling very somber because he can’t get a job.

او خیلی احساس افسردگی می کند زیرا نمی تواند کاری پیدا کند.

او خیلی ناراحت است زیرا نمی تواند شغلی پیدا کند.

He was debilitated by the illness.

بیماری او را ضعیف کرد.

او در اثر این بیماری ناتوان شده بود.

Don’t be too impetuous. This is a very important decision.

آنقدر عجول نباش،این تصمیم خیلی مهمی است.

زیاد تندخو نباشید این یک تصمیم بسیار مهم است.

He looked for a propitious moment to exhibit his occult abilities.

او در پی لحظه ای مناسب بود تا توانایی های پنهانش را به نمایش بگذارد.

او به دنبال لحظه ای مناسب برای نشان دادن توانایی های غیبی خود بود.

Be discreet! The plate is very hot.

مراقب باش! بشقاب خیلی داغ است.

محتاط باشید! بشقاب خیلی داغه

In order to foment trouble, they fabricated a deplorable and blatant untruth.

آن هـــا بـــرای دامـــن زدن بـــه مشـــکلات،دروغی رقـــت انگیز و وقیح از خود ساختند.

بـــرای دامـــن زدن بـــه مشـــکل، دروغـــی اســـفناک و آشـــکار ساختند.

The reporters could not glean anything from her servants.

گزارشـــگران نتوانســـتند از خـــدمتکاران او اطلاعـــات جمع کنند.

خبرنگـــاران نتوانســـتند از خادمـــان او چیـــزی بـــه دســـت بیاورند.

Zebra are quarry for lions.

گورخر شکاری برای شیر است.

گورخرها معدنی برای شیرها هستند.

I hate a slovenly kitchen.

من از آشپزخانه ی نامرتب متنفرم.

من از آشپزخونه شلوغ متنفرم

We were lost in a grotesque town.

ما در یک شهر عجیب و غریب گم شدیم.

ما در یک شهر عجیب و غریب گم شده بودیم.

She can’t stand height and always suffered from vertigo.

او نمیتوانـد ارتفـاع رو تحمـل کنـد و همـواره از سـرگیجه رنج می برده است.

او نمـی توانـد قـد را تحمـل کنـد و همیشـه از سـرگیجه رنـج می برد.

This is a more conductive atmosphere for studying.

این فضا سرچشمه بهتری برای مطالعه کردن است.

این فضای رسانایی بیشتری برای مطالعه است.

He’s a glib, self-centered man.

او مرد زبان باز و خودخواهی است.

او مردی است لاغر و خود محور.

The population of the village has remained remarkably homogeneous.

جمعیت آن دهکده به طرز چشمگیری متجانس باقی مانده اند.

جمعیت روستا به طور قابل ملاحظه ای همگن باقی مانده است.

Lead and tin are malleable metals.

سرب و قلع، فلز های چکش خواری هستند.

سرب و قلع فلزات چکش خوار هستند.

It was just an economic legerdemain.

آن فقط حیله ای اقتصادی بود.

این فقط یک افسانه اقتصادی بود.

There’s been a downward trend in sales in the last few years.

در چند سال اخیر در فروش، سیر نزولی وجود داشته است.

در چند سال اخیر روند نزولی در فروش وجود داشته است.

He is seeking advice on how to revive the stagnant economy.

او در جستجوی راهکاری برای اینست که چگونه میتوان اقتصاد کساد رو احیا کرد.

او به دنبال مشاوره در مورد چگونگی احیای اقتصاد راکد است.

This illness is fatal in almost all cases.

این بیماری تقریبا در تمامی موارد کشنده است.

این بیماری تقریباً در همه موارد کشنده است.

We wish for halcyon days when the warlike solutions will have become passé.

امـــا آرزوی روز هـــای خـــوش را داریـــم کـــه در آن دوران این راه حل های جنگی کهنه محسوب شود.

مـــــا آرزوی روزهـــــایی را داریـــــم کـــــه راه‌حل‌هـــــای جنگ‌جویانه ناپدید شوند.

I know I've got to deal with the problem at some time-I'm just procrastinating.

می دانم که مجبورم روزی با آن مسئله روبه رو شوم- فقط دفع الوقت کنم.

من می دانم که باید در یک زمان با مشکل کنار بیایم - من فقط معطل هستم.

Edna recalled various facts of her school days.

ادنـــا جنبـــه هـــای گونـــاگونی از روز هـــای مدرســـه را بـــه یاد آورد.

ادنـــا حقـــایق مختلفـــی از دوران مدرســـه اش را بـــه یـــاد آورد.

They are dubious of such an artist and accuse him of trying to foist as a work of art a rudimentary exercise.

آنها به چنین هنرمندی مشکوک هستند و او را متهم میکنند به اینکه سعی دارد یک اثر پیش پا افتاده را به عنوان اثر هنری به دیگران قالب کند.

آنها نسبت به چنین هنرمندی مشکوک هستند و او را متهم می کنند که تلاش می کند به عنوان یک اثر هنری یک تمرین ابتدایی را به تصویر بکشد.

People should not be stigmatized on the basis of race.

آبروی مردم را نباید بر اساس نژاد برد.

مردم را نباید بر اساس نژاد انگ زد.

Their forces capitulated five hours after the bombardment of the city began.

نیـــروی آنهـــا پـــس از پـــنج ســـاعت از شـــروع بمبـــاران شهر، تسلیم شدند.

نیروهـــای آنهـــا پـــنج ســـاعت پـــس از شـــروع بمبـــاران شـــهر تسلیم شدند.

She showed great audacity when she went into the burning building to save the child.

او زمـــانی کـــه بـــرای نجـــات کـــودک، داخـــل آن ســـاختمان مشتعل رفت جسارت زیادی نشان داد.

هنگـــامی کـــه بـــرای نجـــات کـــودک بـــه ســـاختمان در حـــال سوختن رفت، جسارت زیادی از خود نشان داد.

It is reprehensible to tantalize a young child with the promise of a reward for being good when you have no intention of giving it.

وقتی قصد نداریم به کودکی به خاطر خوب بودنش جایزه ای بدهیم،آزار دادن او با قول دادن به انجام این کار نکو هیده است.

این مذموم است که کودک خردسال را با وعده پاداش نیکوکاری در حالی که قصد دادن آن را ندارید، مذموم است.

That doesn’t concern you!’’ he retored.

او با عصبانیت گفت:((به تو ربطی ندارد!))

این به شما مربوط نیست!» او پاسخ داد.

He is very reticent about his past.

او در مورد گذشته اش خیلی کم حرف است.

او در مورد گذشته خود بسیار محتاط است.

It was tacit agreement.

آن قراردادی تلویحی بود.

توافق ضمنی بود.

The investigation revealed political chicanery and corruption.

تحقیقات، فریب کاری سیاسی و فساد را نشان داد.

تحقیقات حاکی از فریبکاری سیاسی و فساد بود.

Even the most docile person may become fractious when he gets only a pittance for his hard work.

حتـــی ســـر بـــه راه تـــرین آدم نیـــز وقتـــی بابـــت کـــار ســـخت فقط شندر غاز به او بدهند، خشمگین می شود.

حتـــی مطیـــع تـــرین افـــراد نیـــز ممکـــن اســـت زمـــانی کـــه بـــرای کـــار ســـخت خـــود مبلغـــی نـــاچیز دریافـــت مـــی کننـــد، دچـــار سرسختی شوند.

It was another episode in an ongoing saga of marriage problems.

آن اپیـــزود دیگـــری در قصـــه دراز مشـــکلات ازدواج بود.

ایــن قســمت دیگــری از حماســه جــاری مشــکلات ازدواج بود.

They made a belated attempt to reduce the noise.

آنها تلاش بی موقع را برای کاهش سرو صدا انجام دادند.

آنها تلاشی دیرهنگام برای کاهش سر و صدا انجام دادند.

Most of the buildings were old and decrepit.

اکثر ساختمان ها قدیمی و کلنگی بودند.

بیشتر ساختمان ها قدیمی و فرسوده بودند.

The speaker remained imperturbable while his audience shouted caustic comments about his mendacious activities.

زمـــانی کـــه حضـــار بـــا فریـــاد نظـــرات تنـــدی در مـــورد فعالیـــت هـــای نادرســـت ســـخنران ابـــراز میکردنـــد او خونسرد بود.

ســـخنران آشـــفته بـــاقی مانـــد در حـــالی کـــه حضـــار نظـــرات تنـــد و زننـــده دربـــاره فعالیـــت هـــای دروغـــین او را فریـــاد زدند.

Her mood vacillated between hope and despair.

خلق او بین امید و ترس در نوسان بود.

خلق و خوی او بین امید و ناامیدی در نوسان بود.

He gained a reputation as being a staunch supporter of civil rights.

او به عنوان حامی پر و پا قرص حقوق مدنی،اشتهار یافت.

او به عنوان حامی سرسخت حقوق مدنی شهرت پیدا کرد.

The coach heaped opprobrium upon the fledging player.

مربی، بازیکن بی تجربه را مورد تحقیر زیاد قرار داد.

مربی به بازیکن نوپا بداخلاق کرد.

It was unconscionable to him to apologize.

معذرت خواهی برای او شرم آور بود.

عذرخواهی برای او غیر وجدان بود.

There was pandemonium as the presidential nominee entered the hall.

وقتی نامزد مقام ریاست جمهوری وارد سالن شد، آشوب در گرفت.

با ورود نامزد ریاست جمهوری به سالن، هیاهو برپا شد.

The critics really flayed his new book.

منتقدان کتاب جدید او را به شدت به باد انتقاد گرفتند.

منتقدان واقعاً کتاب جدید او را شکست دادند.

There was nothing in his demeanor that suggested he was anxious.

هیچ چیزی در رفتارش نبود که حاکی از نگرانی او باشد.

هیچ چیزی در رفتار او وجود نداشت که نشان دهد او مضطرب است.

Ed’s delineation of Edna remains as the image we have of her.

توصـــیف اِد از اِدنـــا، تنهـــا تصـــویری اســـت کـــه از او داریم.

ترســـیم اد از ادنـــا ماننـــد تصـــویری اســـت کـــه مـــا از او داریم.

The investigation vindicated her complaint about the newspaper.

آن تحقیقـــات، شـــکایت او دربـــاره آن روزنامـــه را موجـــه دانست.

تحقیقات شکایت او از روزنامه را ثابت کرد.

It was a heinous crime.

جنایتی فجیع بود.

این یک جنایت فجیع بود.

From any facet of his life, the acme of turpitude was reached by Adolph Hitler.

آدلـف هیتلـر در تمـام جنبـه هـای زنـدگی اش بـه اوج فسـاد رسید.

از هـــر جنبـــه ای از زنـــدگی او، آدولـــف هیتلـــر بـــه اوج غوغا رسید.

Any attempt to influence the judges will be seen as an infraction of the rules.

هـر کوششـی در راسـتای تحـت نفـوذ گـرفتن قضـات، نقض قوانین محسوب خواهد شد.

هـر گونـه تـلاش بـرای تأثیرگـذاری بـر داوران بـه عنـوان نقض قوانین تلقی می شود.

There seems to be no way to redress a grievance against at omnipotent ruler.

ظـاهرا هـیچ راهـی بـرای جبـران ظلـم یـک حـاکم قـدر قدرت وجود ندارد.

بـه نظـر مـی رسـد هـیچ راهـی بـرای جبـران شـکایت از حاکم مطلقه وجود ندارد.

How easy it is to heap vituperation upon someone at the nadir of his career.

مـذمت کـردن کسـی کـه در حضـیض سـطح شـغلی اش قرار دارد بسیار آسان است.

چقـدر آسـان اسـت کـه کسـی را در اوج زنـدگی حرفـه ای خود انباشته کرد.

I was swayed by her rhetoric into donating all my savings to the charity.

با فصاحت و بلاغت او تحت تاثیر قرار گرفتم و تمای پس اندازم را به موسسه خیریه بخشیدم.

من تحت تأثیر لفاظی های او قرار گرفتم تا تمام پس اندازم را به خیریه اهدا کنم.

Our of club is run by a very unfriendly clique of people.

باشـــگاه گلـــف مـــا توســـط گروهـــی از افـــراد خشـــک اداره میشود.

باشـــگاه مـــا توســـط یـــک دســـته بســـیار غیـــر دوســـتانه از مـــردم اداره می شود.

She is extolling the virtues of her children.

او از صفات خوب کودکانش تعریف می کند.

او فضایل فرزندانش را تمجید می کند.

The film star credited her mentor.

ستاره فیلم از استادش تقدیر کرد.

ستاره فیلم به مربی خود اعتبار داد.

We must avoid facile recriminations about who was to blame.

ما باید از اتهامات متقابل سهل الحصول راجع به اینکه چه کسی گناهکار بوده است، خودداری کنیم.

ما باید از سرزنش های ساده در مورد مقصر بودن خودداری کنیم.

His public speeches may contain many cant phrases.

در سخنرانی او در میان جمعیت ممکن است چندین اصطلاح وجود داشته باشد.

سخنرانی‌های عمومی او ممکن است حاوی عبارات نامفهوم زیادی باشد.

Arsenal’s manager was magnanimous in victory, and praised the losing team.

مـدیر باشـگاه آرسـنال در پیـروزی تـیمش نظـر بلنـد بـود و تیم بازنده را تحسین کرد.

سـرمربی آرسـنال در پیـروزی بزرگـوار بـود و تـیم بازنده را تمجید کرد.

He was vilified by the press as a monster of perversity.

او توسط روزنامه ها به عنوان هیولای شرارت و فساد بد نام شده بود.

مطبوعات او را به عنوان هیولای انحراف متهم کردند.

Is was a vapid television program.

برنامه تلویزیونی ملالت بار بود.

Is یک برنامه تلویزیونی بی محتوا بود.

Mark was so disgruntled about having to move the unwieldy piano, he procrastinated for days.

مـــارک از اینکـــه مجبـــور بـــود آن پیـــانوی بـــد دســـت و سـنگین را جـا بـه جـا کنـد خیلـی دلخـور بـود و بـه همـین دلیل این کار را چند روز پشت گوش انداخت.

مـارک از اینکـه مجبـور بـود پیـانوی سـخت را جابجـا کنـد آنقدر ناراضی بود که روزها به تعویق انداخت.

The best thing about the location of the house is its proximity to the town center.

بهترین نکته در مورد این خانه، نزدیکی آن به مرکز شهر است.

بهترین چیز در مورد موقعیت خانه نزدیک بودن آن به مرکز شهر است.

He was overcome with lassitude.

خستگی بر او غلب کرده بود.

سستی بر او غلبه کرده بود.

The irrelevant evidence vitiated the prosecutor’s case.

مدرک بی ربط،پرونده دادستان را از اعتبار انداخت.

شواهد نامربوط پرونده دادستان را نقض کرد.

Searching for a way to augment the family income, she began making dolls.

در جستجوی یافتن راهی برای افزودن درآمد خانواده، شروع به ساختن عروسک کرد.

او در جستجوی راهی برای افزایش درآمد خانواده، شروع به ساخت عروسک کرد.

His face contorted with rage.

از خشم چهره اش در هم کشیده شد.

صورتش از عصبانیت درهم رفت.

The royal Shakespeare company also has many modern plays in their repertoire.

شـرکت رویـال شکسـپیر، همچنـین نمایشـنامه هـای مـدرن زیادی در کلکسیون خود دارد.

کمپـــانی ســـلطنتی شکســـپیر نیـــز نمـــایش هـــای مـــدرن بسیاری را در کارنامه خود دارد.

She heard a faint, almost imperceptible cry.

او فریادی ضعیف و تقریبا غیر قابل درک را شنید.

گریه ای ضعیف و تقریبا نامحسوس شنید.

He’s always trying to curry favor with the boss.

همیشه سعی می کند تا تملق رییس را بگوید.

او همیشه سعی می‌کند از طرف رئیس رضایت بگیرد.

The pleasure of not having to work quickly palled.

لذت کار نکردن به زودی کسالت بار شد.

لذت عدم نیاز به کار سریع کمرنگ شد.

There was a big piece of succulent steak.

قطعه ای بزرگ از استیکی آبدار آنجا بود.

یک تکه بزرگ استیک ساکولنت وجود داشت.

The host exhorted his guests to eat to satiety.

میزبـــان اصـــرار داشـــت کـــه مهمانـــان تـــا حـــد اشـــباع غـــذا بخورند.

میزبان مهمانانش را تشویق کرد تا سیر شوند.

She coveted the antiquated locket even though it had only an intrinsic value.

او به قاب عتیقه چشم طمع داشت، اگر چه آن قاب فقط ارزش واقعی داشت.

او طمع به قفسه‌ی کهنه‌ای داشت، هرچند که فقط یک ارزش ذاتی داشت.

Her new TV show will be a potpourri of arts and media reports.

شـــوی تلویزیـــونی جدیـــد او، گلچینـــی از گـــزارش هـــای رسانه ای و هنر خواهد بود.

برنامـــه تلویزیـــونی جدیـــد او منبعـــی از گـــزارش هـــای هنری و رسانه ای خواهد بود.

The government was reluctant to sanction intervention in the crisis.

دولـــت اکـــراه داشـــت تـــا دســـتور دخالـــت در بحـــران را صادر کند.

دولت تمایلی به تحریم مداخله در بحران نداشت.

His levity at such a serious moment denotes a lack of feeling.

لـــودگی او در چنـــین لحظـــه حساســـی،دلالت بـــر بـــی احساسی او می کند.

اهانـــت او در چنـــین لحظـــه جـــدی نشـــان دهنـــده فقـــدان احساس است.

You can be sure the candidate will allude to the moribund state of our economy.

مطـئمن باشـيد کـه آن کانديـدا، وضـعيت اسـف بـار اقتصـاد ما را تلويحا خواهد گفت.

مطمـئن باشـيد کـه نـامزد بـه وضـعيت رو بـه زوال اقتصـاد ما اشاره خواهد کرد.

High-blood pressure is an insidious condition which has few symptoms.

فشـار خـون بـالا، بیمـاری ای پنهـان اسـت کـه نشـانه هـای کمی دارد.

فشـار خـون بـالا یـک بیمـاری مـوذی اسـت کـه علائـم کمـی دارد.

She was careful always to behave with propriety.

همواره مراقب بود تا با نزاکت رفتار کند.

او همیشه مراقب بود که رفتاری شایسته داشته باشد.

Life in Britain was transformed by the advent of the steam engine.

زنـدگی در بریتانیـا بـا پیـدایی موتـور بخـار، تغییـر کـرده بود.

زندگی در بریتانیا با ظهور ماشین بخار دگرگون شد.

In the milieu of city street life it is not atypical to hear impious comments about the rich.

در محیط خیابان های شهر شنیدن نظرات توهین آمیز در مورد افراد ثروتمند چندان عجیب نیست.

در محیط زندگی خیابانی شهر، شنیدن اظهارنظرهای غیرقانونی درباره ثروتمندان غیرمعمول نیست.

I don’t think it wise to proffer an opinion

فکر نمی کنم عاقلانه باشد تا عقیده ای ارائه دهی.

به نظر من ارائه نظر عاقلانه نیست

On investigations, his claim was found to be bogus.

در تحقیقات مشخص شد که ادعای او دروغی بود.

در تحقیقات انجام شده، ادعای او جعلی بود.

Reports that children had been hurt have not been substantiated.

گـزارش هـا مبنـی بـر اینکـه کودکـان صـدمه دیـده بودنـد، اثبات نشده بود.

گـزارش هـایی مبنـی بـر آسـیب دیـدگی کودکـان تایـد نشـده است.

I heard the raucous call of the crows.

صدای جیغ گوش خراش کلاغ ها را شنیدم.

صدای تند کلاغ ها را شنیدم.

I’ve had two job offers, and I'm in a real quandary about which one to accept.

دو پیشنهاد کاری دارم و من واقعا بلاتکلیفم کدامیک را قبول کنم.

من دو پیشنهاد شغلی داشته‌ام، و در یک معضل واقعی هستم که کدام یک را بپذیرم.

It might sound callous, but i don’t care if he’s homeless.

ممکن است به نظر سنگدلانه به نظر برسد ولی من اهمیت نمی دهم او بی خانمان است.

ممکن است سخت به نظر برسد، اما برایم مهم نیست که او بی خانمان باشد.

It might be expedient not to pay him until the work is finished.

مناسب اینست که تا زمانیکه کارش تمام نشده، پولی به او پرداخت نکنیم.

شاید مصلحت باشد تا زمانی که کار تمام نشده به او دستمزد ندهید.

My knowledge of German is negligible.

دانش من نسبت به زبان آلمانی،کم است.

دانش آلمانی من ناچیز است.

He flies first class so often, he’s become blasé about it.

آنقــدر بــا هواپیمــای درجــه یــک پــرواز دارد کــه از آن دلزده شده است.

او مرتبــاً درجــه یــک پــرواز مــی کنــد کــه از ایــن بابــت عصبانی شده است.

The whole country seems to be affected by the ennui of winter.

به نظر می رسد که کل کشور تحت تاثیر ملال و کسالت زمستان قرار گرفته است.

به نظر می رسد که کل کشور تحت تأثیر تنبلی زمستان قرار گرفته است.

She was a quiet and comely girl.

دختری آرام و ملیح بود.

او دختری آرام و خوش اخلاق بود.

After weeks of frenetic activity, the job was finally finished.

پس از هفته ها فعالیت بی امان، سر انجام آن کار به پایان رسید.

پس از هفته ها فعالیت دیوانه وار، سرانجام کار به پایان رسید.

They furtively employed every king of artifice to be able to meet.

آنهـا یواشـکی از هـر نیرنگـی اسـتفاده کردنـد تـا بتواننـد همدیگر را ببینند.

آنهـا مخفیانـه از هـر پادشـاه مصـنوعی اسـتفاده مـی کردنـد تا بتوانند ملاقات کنند.

There is a wide diversity of opinion on the question of unilateral disarmament.

تعـدد عقایـد زیـادی راجـع بـه مسـئله خلـع سـلاح یکجانبـه وجود دارد.

در مـورد مسـئله خلـع سـلاح یکجانبـه نظـرات گونـاگونی وجود دارد.

The book was expurgated to make it suitable for children.

برای مناسب سازی کتاب برای کودکان، کتاب مورد سانسور قرار گرفت.

این کتاب برای اینکه مناسب کودکان باشد، حذف شد.

I don’t begrudge him his freedom

من حسرت آزادی او را نمی خورم.

من از آزادی او ناراضی نیستم

A successful TV program can be built about the artless comments of very young children.

برنامه تلویزیونی موفقی می توان راجع به حرف های بی آلایش کودکان ساخت.

می توان یک برنامه تلویزیونی موفق در مورد نظرات بی هنر بچه های بسیار کوچک ساخت.

The guides sometimes receive gratuities from the tourists.

برخی اوقات راهنمایان تور از توریست ها انعام می گیرند.

گاهی اوقات راهنماها از گردشگران انعام دریافت می کنند.

There may be unrecognized cases of manifest failure of the policies.

ممکن است موارد ناشناخته ای از شکست واضح خط مشی ها وجود داشته باشد.

ممکن است موارد ناشناخته ای از شکست آشکار سیاست ها وجود داشته باشد.

She delved into her pocket to find some change.

برای پیدا کردن پول خرد، جیبش را گشت.

او در جیبش فرو رفت تا مقداری پول پیدا کند.

He was a cruel and capricious tyrant.

مستبدی ظالم و هوسباز بود.

او یک ظالم و دمدمی مزاج بود.

He lacked the requisite skills for the job.

او فاقد مهارت های مورد نیاز برای آن کار بود.

او فاقد مهارت های لازم برای این کار بود.

Food stocks were replenished by imports from china.

ذخـــایر غـــذایی توســـط واردات از چین،دوبـــاره جـــایگزین می شود.

ذخایر مواد غذایی با واردات از چین دوباره پر شد.

A few stunted trees were the only vegetables visible.

چند درخت که از رشد بازمانده بودند، تنها پوشش گیاهی قابل مشاهده بود.

چند درخت کوتاه رشد تنها سبزی قابل مشاهده بودند.

After two months in hospital bed, my leg muscles had atrophied.

بعد از دو ماه خوابیدن در بیمارستان، عضلات پایم تحلیل رفته بود.

بعد از دو ماه بستری شدن در تخت بیمارستان، عضلات پایم آتروفی شده بود.

Many children have been maimed for life by these bombs.

بسیاری از کودکان تا آخر عمر با این بمب ها معلول شده بودند.

بسیاری از کودکان توسط این بمب ها مادام العمر معلول شده اند.

Foreign aid is badly needed to ameliorate the effects of the drought.

برای اصلاح کردن تاثیرات خشکسالی، شدیدا به کمک های خارجی نیاز است.

کمک های خارجی برای بهبود اثرات خشکسالی به شدت مورد نیاز است.

I’m too much of a cynic to believe that he’ll keep his promise.

بیش از آنی بد بین هستم که باور کنم او به قولش عمل کند.

من آنقدر بدبین هستم که باور کنم او به قولش عمل خواهد کرد.

I saw his unctuous flattering.

رفتار چاپلوسانه اش را دیدم.

چاپلوسی بی ادبانه اش را دیدم.

He was a benevolent old man, he wouldn’t hurt a fly.

او پیرمـردی نیکخـواه بـود کـه آزارش حتـی بـه مورچـه هم نمیرسید.

او پیرمردی نیکوکار بود، به مگسی آسیب نمی رساند.

The government was accused of being subservient to the interests of the rich.

دولت متهم شد که مطیع منافع افراد ثروتمند است.

دولت متهم بود که مطیع منافع ثروتمندان است.

They fought long and hard against the iniquities of apartheid.

سالیان متمادی و به سختی علیه بی عدالتی های آپارتاید جنگیدند.

آنها به سختی و درازمدت علیه بی‌انصافی‌های آپارتاید جنگیدند.

The national theater will be the main beneficiary of the millionaire’s largess.

تئـــاتر ملـــی،ذی نفـــع اصـــلی ســـخاوت آن میلیـــونر خواهـــد بود.

تئاتر ملی ذینفع اصلی ثروت میلیونر خواهد بود.

The Health service should not be judged by financial criteria only.

خـدمات بهداشـتی نبایـد فقـط بـر اسـاس معیـار هـای مـالی مورد داوری قرار بگیرد.

خـدمات بهداشـتی و درمـانی را نبایـد تنهـا بـا معیارهـای مالی مورد قضاوت قرار داد.

He repented of his sins just hours before he died.

او چنـــد ســـاعت قبـــل از مـــرگش از گناهـــانش اســـتغفار کرد.

او چند ساعت قبل از مرگ از گناهانش توبه کرد.

I tried to mollify her by giving her flowers.

سعی کردم با دادن گل،او را آرام کنم.

سعی کردم با دادن گل او را آرام کنم.

Behind the facade of ostensible benevolence there was a mercenary streak.

در پـــس آن احســـان و نیکـــو کـــاری، انگیـــزه ای مـــادی وجود داشت.

پشـــت نمـــای خیرخـــواهی ظـــاهری رگـــه ای مـــزدور وجـــود داشت.

His landlord had treated him like a dangerous criminal, a pariah.

صـــاحبخانه اش مثـــل یـــک جـــانی خطرناک،یـــک آدم مطرود با او رفتار کرده بود.

صـــاحبخانه بـــا او ماننـــد یـــک جنایتکـــار خطرنـــاک رفتـــار کرده بود.

She seemed rather aloof when in she was just shy.

کمی انزواطلب به نظر میرسید در صورتیکه در واقع فقط کمی خجالتی بود.

زمانی که او فقط خجالتی بود، نسبتاً دور به نظر می رسید.

In business, the pragmatic approach to problems is often more successful than an idealistic one.

در تجـــارت، رویکـــردی عمـــل گرایانـــه بـــه مشـــکلات اغلب موفق تر از رویکردی آرمانی است.

در تجـــارت، رویکـــرد عمـــل گرایانـــه بـــه مشـــکلات اغلـــب موفق تر از رویکرد ایده آلیستی است.

These old buildings are the last vestiges of a colonial past.

این ساختمان های قدیمی آخرین بقایای گذشته ای مستعمراتی هستند.

این ساختمان های قدیمی آخرین بقایای یک گذشته استعماری هستند.

The man who arrived in the guise of drug dealer was actually undercover police officer.

مـردی کـه در هیئـت قاچـاقچی مـواد مخـدر آمـد در واقـع پلیس مخفی بود.

مـردی کـه در لبـاس فروشـنده مـواد مخـدر وارد شـد در واقع افسر پلیس مخفی بود.

I thought about those days in Spain and grew wistful.

درباره آن روز ها در اسپانیا فکر کردم و حسرت خوردم.

به آن روزهای اسپانیا فکر کردم و هوس کردم.

I want nothing but raiment and daily bread.

من چیزی به جز جامه و نان روزانه نمی خواهم.

من جز لباس و نان روزانه چیزی نمی خواهم.

They captured the brigand, and he was incarcerated for a mandatory period.

آنهـــا راهـــزن را دســـتگیر کردنـــد و او را بـــرای مـــدتی اجباری به زندان فرستادند.

آنهـــا ســـارق را گرفتنـــد و او بـــرای یـــک دوره اجبـــاری در زندان بود.

He was a corpulent gentleman.

او جنتلمنی چاق بود.

او یک جنتلمن خوش اخلاق بود.

He railed against the injustices of the company.

او از بی عدالتی های آن شرکت گله کرد.

او از بی عدالتی های شرکت انتقاد کرد.

He was a brilliant raconteur.

او قصه گوی محشری بود.

او یک راکونور باهوش بود.

His daughters stared at him with an expression of sullen resentment.

دخترانش با حالتی از انزجار حزن انگیز به او خیره شده بودند.

دخترانش با حالتی عبوس به او خیره شدند.

The stream had cut a deep rift in the rock.

جریان آب، شکاف عمیقی در صخره ایجاد کرده بود.

نهر شکاف عمیقی در صخره ایجاد کرده بود.

The Foreign Secretary has flown to china as the personal emissary of the prime minister.

وزیـــر امـــور خارجـــه بـــه عنـــوان فرســـتاده شخصـــی مخصوص نخست وزیر به چین پرواز کرده است.

وزیـر امـور خارجـه بـه عنـوان فرسـتاده شخصـی نخسـت وزیر به چین پرواز کرده است.

He kept his eyes on the road ahead, his face taut with concentration.

چشـمانش را بـه جـاده پـیش رو دوختـه بـود و چهـره اش به خاطر تمرکز، منقبض شده بود.

او چشـمانش را بـه جـاده پـیش رو دوختـه بـود، صـورتش از روی تمرکز کشیده بود.

He was livid when he found out.

وقتی فهمید،خشمگین شد.

وقتی فهمید عصبانی شد

When one enlists in the army, one expects to be under the aegis of a martinet.

وقتی فردی در ارتش ثبت نام میکند، انتظار می رود تا مافوق او یک آدم مقرراتی و سخت گیری باشد.

وقتی کسی در ارتش نام نویسی می کند، انتظار دارد که تحت حمایت یک مارتینت باشد.

I have a yen for travelling.

من خیلی دوست دارم که به مسافرت بروم.

من یک ین برای سفر دارم.

A thousand pound is a mere bagatelle to him.

یک هزار پاوند، برای او مبلغ ناچیزی است.

هزار پوند برای او یک باگاتل صرف است.

Mark was just a callow youth of 16 when he arrived in Paris.

مـــارک وقتـــی بـــه پـــاریس رفـــت،جوان خـــام ۱۶ ســـاله ای بود.

مـــارک وقتـــی وارد پـــاریس شـــد فقـــط یـــک جـــوان ۱۶ ســـاله بود.

Each long holiday weekend we are appalled at the carnage on our highways.

هــر تعطیلــی طــولانی آخــر هفتــه، از دیــدن کشــتار در بزرگراه ها،شوکه می شویم.

هــر آخــر هفتــه طــولانی تعطــیلات، مــا از کشــتار بزرگراه‌هایمان وحشت زده می‌شویم.

Her penchant for disappearing for days at a time worries her family.

تمایل وافر او به ناپدید شدن ناگهانی به مدت چند روز، خانواده اش را نگران می کند.

تمایل او به ناپدید شدن برای روزها در یک زمان خانواده اش را نگران می کند.

We do not decapitate criminals because of our aversion to such repugnant punishments.

ما تبهکاران را گردن نمی زنیم چون از چنین مجازات چندش آوری منزجریم.

ما جنایتکاران را به دلیل بیزاری از چنین مجازات های نفرت انگیزی سر نمی بریم.

The police have so far been unable to ascertain the cause of the explosion.

پلیس تا به حال قادر به پی بردن به علت انفجار نبوده است.

پلیس تاکنون نتوانسته علت انفجار را مشخص کند.

The long-dormant volcano has recently shown signs of erupting.

آتشفشانی که مدت های طولانی غیر فعال بود، اخیرا نشانه هایی از فوران نشان داده است.

این آتشفشان که مدت ها خاموش بوده اخیرا نشانه هایی از فوران را نشان داده است.

While some moribund economies atrophied after world war ll , others burgeoned under the salubrious effects of loans from the us.

اگـر چـه برخـی از نظـام هـای اقتصـادی ضـعیف بعـد از جنـگ جهـانی دوم ضـعیف تـر شـدند،ولی برخـی دیگـر بـه خاطر نتایج مثبت وام گرفتن از امریکا رونق گرفتند.

در حـالی کـه برخـی از اقتصـادهای در حـال رو بـه نـابودی پـس از جنـگ جهـانی دوم رو بـه زوال بودنـد، برخـی دیگـر تحـت تـأثیرات سـودمند وام هـای ایـالات متحده رشد کردند.

The potentate ruled with absolute power.

آن حاکم با قدرت مطلق حکمرانی کرد.

اقتدار با قدرت مطلق حکومت می کرد.

One of the organization’s aims is to disseminate information about the disease.

یکـــی از اهـــداف آن سازمان،منتشـــر کـــردن اطلاعـــاتی درباره آن بیماری است.

یکـــی از اهـــداف ایـــن ســـازمان انتشـــار اطلاعـــات در مـــورد این بیماری است.

A philosopher derived the theory that we have noses inn order to hold up our eyeglasses.

فیلسوفی به این نظریه دست یافت که دلیل داشتن بینی، همانا برای اینست که عینک ما را نگه دارد.

یک فیلسوف این نظریه را به دست آورد که ما بینی داریم تا بتوانیم عینک خود را بالا نگه داریم.

Alex makes all the big decisions-that’s his prerogative as company director.

الکس تمامی تصمیم های مهم را میگیرد-این اختیار ویژه او به عنوان مدیر شرکت است.

الکس تمام تصمیمات بزرگ را می گیرد - این حق او به عنوان مدیر شرکت است.

He was guilty of nepotism and corruption.

او متهم به پارتی بازی و فساد بود.

او مقصر خویشاوندی و فساد بود.

There was a dearth of new homes in the region.

در آن منطقه کمبود خانه های جدید وجود داشت.

کمبود خانه های جدید در منطقه وجود داشت.

We witnessed an internecine war in 19th century.

ما در قرن نوزدهم شاهد جنگی خانمان سوز بودیم.

ما شاهد یک جنگ داخلی در قرن ۱۹ بودیم.

I looked forward to seeing this young tyro’s next ballet.

منتظر دیدنِ باله بعدی این جوان تازه کار بودم.

مشتاقانه منتظر دیدن باله بعدی این تایروی جوان بودم.

He has invented a wholly factitious story about his past.

او داستانی کاملا ساختگی درباره گذشته اش ساخته بود.

او داستانی کاملا ساختگی در مورد گذشته خود اختراع کرده است.

The modest prodigy treated the fervid encomium that followed his performance as though they were a mere bagatelle.

نابغه متواضع با تجلیل پرشوری که بعد از اجرای او از وی به عمل آمد طوری برخورد کرد که انگار اتفاق مهمی نیفتاده است.

اعجوبه‌ی متواضع با شور و هیجانی که پس از اجرای او پیش می‌آمد، طوری رفتار می‌کرد که گویی آن‌ها یک باگاتل صرف هستند.

John wilkes booth’s egregious act remains an infamous obloquy.

عمل فاحش و آشکار جان ویلکز بوت به عنوان یک رسوایی شرم آور باقی خواهد ماند.

اقدام فاحش غرفه جان ویلکس به عنوان یک ابهام بدنام باقی مانده است.

The rhetoric soared into flagrant hyperbole.

خطابه اوج گرفت و تبدیل به مبالغه ای فاحش شد.

لفاظی به هذل گویی آشکار افزایش یافت.

A former student has donated a munificent sum of money to the college.

دانشـــجوی ســـابق، پـــول ســـخاوتمندانه(=زیادی) بـــه کـــالج هبه کرده است.

یـک دانشـجوی سـابق مبلـغ هنگفتـی را بـه کـالج اهـدا کـرده است.

Her constant prevarication made her a pariah to her friends.

دو پهلو گویی همیشگی او باعث شد که دوستانش او را طرد کنند.

دلتنگی همیشگی او او را نسبت به دوستانش بدبین کرده بود.

How did a man of so little personal charisma get to be a manager?

چطـور مـردی بـا چنـین جذبـه شخصـی انـدکی توانسـت مدیر بشود؟

چگونه یک مرد با جذابیت شخصی کمی مدیر شد؟

They were the victims of genocide.

آنـها قربانیان کشتار جمعی بودند.

آنـها قربانی نسل کشی بودند.